قیمت ۲۳۰ ریال

خطّاطان

هرات

از ادوار تیموری تا نخستین سالگرد جمهوری

از نشرات موسسه طبع کتب
آمریت عمومی اطلاعات و کلتور هرات
(شماره اول - دوره دوم فعالیت این مؤسسه)

خطاطان و نقاشان هرات

از ادوار تیموری تا نخستین سالگرد جمهوری

بخش اول: متن - رساله (صورتگران وخوشنویسان هرات درعصر تیموریان)
تألیف علی احمد نعیمی
حاشیه پاورقی - از عصر تیموریان تا آغاز قرن معاصر
تتبع و گرد آوری میر عبدالعلی شایق

بخش دوم: نقاشان وخطاطان معاصر هرات
تتبع و نگارش میر عبدالعلی شایق

۲۵ سرطان ۱۳۵۳

در مطبعه دولتی هرات طبع شد
(حق طبع محفوظ است)

Marfat.com

136391

Marfat.com

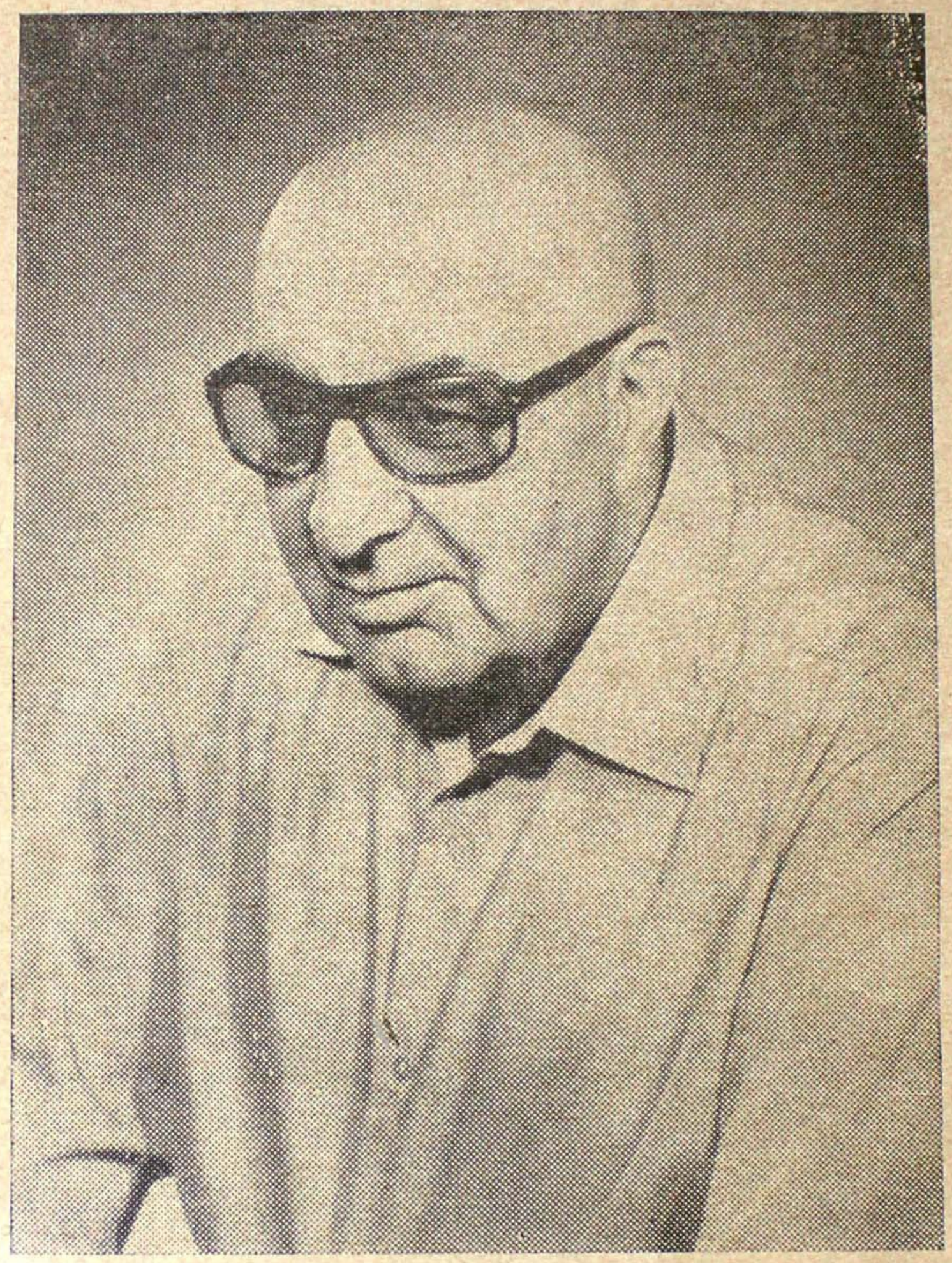

بنا غلی محمد داود مؤسس رژیم جمهوری و رهبر انقلاب کشور

Marfat.com

Marfat.com

الف

تذکر

در اوائل زمستان گذشته هنگامیکه بخدمت اطلاعات و کلتور هرات وارد این سرزمین باستانی شدم پس از تعارف با کارکنان و منسوبین ضمن بازدید ازشعب اطلاعات و کلتور نظرم بتابلویی بر خورد که در آن نوشته شده بود : (مؤسسه طبع کتب) نگاه ثانی بردروازه مسدودی در تحت این تابلو تصادف کرد .

درین لحظه دوست دیرین من فاضل گرامی جناب شایق هروی بشرح داستان رکود این مؤسسه آغاز نمود ، من که در سیمای این ادیب نکته دان خاطرات خدمت اورا در دورهٔ ریاست انجمن ادبی هرات مطالعه میفرمودم بیاد آن نخستین انجمن ادبی فرو رفتم که درحدود نیم قرن قبل بحیث کانون ادب و فرهنگ در این گوشهٔ دور دست به پرتو افشانی آغاز کرد و باز پس از سالها مد و جزر طی امواج ارتجاع و تبعیض در رژیم گذشته بسوی سقوط سوق داده شد انتقال فکر از رکود مؤسسه طبع کتب بسقوط انجمن ادبی هرات صبغهٔ ارتجال نداشت ـ تناسبی میان این دو مؤسسه فرهنگی محسوس است آنجا که بخواهند کتاب بچاپ رسانند لازمست از استعدادها استمداد نمایند .

موجودیت انجمن ادبی در جنب وجود مؤسسه طبع کتب ضرورتی است متبارز درهرات ، دراین سرزمین جلوهای شعر وادب ـ همچنان که فعالیت مؤسسه طبع کتب در پهلوی نشرات موقوته اطلاعات و کلتور (روزنامه اتفاق اسلام ومجله هرات) حاجتی است مبرم .

با احساس این شرایط و با ادراک تأییدی که از پالیسی کلتوری نظام مترقی جمهوری در این راه پدیدار است به تجدید فعالیت مؤسسه طبع کتب تصمیم گرفتیم و طور یکه در مقدمهٔ جناب شایق مفصلا

ملاحظه میکنید نخستین اثر هم همین کتاب است که بمناسبت تجلیل نخستین سالگرد نظام جمهوریت تقدیم میشود تا از این سرزمین فرهنگ و هنر بحیث ارمغانی بجهت این نظام مردمی بوده باشد و نیز با این ترتیب در طریق احیاء انجمن ادبی یاری یافته باشیم .

درعین زمان این کتاب نمایشگر گوشه هایی از آن گونه هنر های اصیلی است که تا کنون مشعل آن از کرانه خپلان این سرزمین فروغ افشانی دارد، وعطار بوستانش برچهارسوی این دیار از سواد مداد مشك میفروشد.

امید است عرض جلوه های استعداد ار باب خط و نقش بر دل و دیده اصحاب ذوق و علاقه امروز و فردا اثر ی د اشته باشد که در نتیجه آن باگمارش همت همگانی زمینه تقویه و ابقاء این هنر های پر ارزش تأمین گردد .

۲۵ سرطان ۱۳۵۳ - محمد کریم (مجاهد)
آمر عمومی اطلاعات و کلتور

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و توکلت علی الله و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم

نخستین گفتار

ریاست اطلاعات و کلتور هرات در اوائل سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفت که رسالهٔ (صورتگران وخوشنویسان هرات درعصر تیموریان) تألیف مرحوم علی‌احمد نعیمی را باردوم بطبع برساند زیرا طور یکه در طبع اول آن تذکر یافته تیراژ طبع اول آن که بتاریخ ۱۳۴۸ صورت گرفته دوصد جلد بوده وفعلا نسخه آن کمیاب است.

بشاغلی سید عزیز الله مرموز رئیس سابق اطلاعات و کلتور هرات یکجلد رساله موصوفه‌را باین منظور بدست آورده بوده طبیعی است اثر یکه مرحوم نعیمی درکابل بمعرفی هنروران هرات ترتیب داده بعلت فاصله مسافه، عاری از نواقصی شده نمی تواند وطبع ثانوی آن که در محیط اخلاف هنروران صورت می پذیرد، وظیفه دارد که رفع نواقص طبع اول راعهده دار باشد وهنروران گمنام هرات را که درطبع اول از قلم مانده باشد تاحدامکان بدست آورده معرفی نمایدو در راه ارائه نمونه های هنری شان نیز تا اندازه مقدورمجاهدت ورزد که این طبع ثانوی تا آخرین حدود امکان جامع وارزنده باشد.

من که علاقه بمفاخر تاریخی مملکت را یکی از شعایر بارز وطن دوستی میشمارم، در تتبع وترتیب این اثر برای آماده شدن بطبع ثانوی عزم نمودم. زیرادیدم بسا افراد لایق داشتیم ودار یم که ازعهده خدمت بتاریخ مملکت بخوبی برآمده می توانندولی بملحوظ (من صنف قد استهدف) ازین نوع

خدمات اجتماعی خود داری می ورزند وهضم نفس را ازاینکه انگشت ایرادی بسوی شان دراز شود ، ترجیح میدهند .

من با محدودیت معلومات تاریخی و بسا قصور دیگر که درانجام این وظیفه بخود اعتراف دارم ، بپاس اینکه شاید درین رشته مصدر خدمتی شده بتوانم بقبول همه گونه ایرادهاو چون وچراهای خوانندگان تن دردادم و این وظیفه را پذیرفتم .

چون رساله مرحوم نعیمی را از نظر گذراندم واقعاً آنرا یک اثر فوق العاده مفید یافتم . موصوف در حصهٔ اول این رساله نقاشان و صورتگران و درحصه دوم خوشنویسان هرات را معرفی ودر شرح حال هرکدام کوشیده وخدمت قابل قدر انجام داده است .

نگارنده پنداشتم از کتب تاریخ چیزیکه جبران نواقص این اثر راکرده بتواند بدست نخواهد آمد . زیرا دیدم مرحوم نعیمی پنجاه ودو اثر تاریخی را که بزبان دری وعده‌ی هم بزبان انگلیسی است مآخذتتبعات رسالهٔ خود شمرده است .

اخیراً یکجلد تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی را بدست آوردم زیرا بیاد دارم که درزمان نشررساله نعیمی ، فکری یکتعداد خطاطان را نام می برد که درین رساله ازقلم مانده وعده‌ی ازآنها درهمان زمان بمجله هرات معرفی شده اند .

در تعلیقات استاد فکری در صفحه ۹۸ راجع بهمین رساله نعیمی تذکری داده شده که نقل آنرا ذیلا می نگارم :

« در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی مجموعه‌ی بنام تذکرهٔ خطاطان هرات تألیف نموده بودم و قسمتی ازآن طور مسلسل در نمرات دورهٔ اول مجله هرات طبع شد، کتاب موصوف را بغرض طبع بکابل فرستاده بودم مسترد شد وخواهش شده بود که تکمیل شود ولی ازتنگی حوصله آنرادر بین کتابهایم انداختم بعد از مدتی

Marfat.com

روزی آ نرا برداشتم و به تعد یل آن پرداختم و پاره‌ی بآن کار کردم دران موقع رساله‌ی بد ستم ا فتا د بنام صور تگران وخوشنو یسا ن هرات در عصر تیموریان- تألیف دا نشمند ارجمندم علی احمد نعیمی که آ ن عز ا ین حق را بدرستی ا دا فرموده و کتا بی در بارهٔ هنرمندان هرات پرداخته ا ند که جای تألیف د یگر در ینباره باقی نمی ما ند .

چون دیدم این خدمت را بدرستی انجام نموده ا ند وهم دربارهٔ بر خی از خطا طان متأخر بمجله اد بی هرا ت و مضمون من حوا له داده اند وهم کتاب ایشان جامع ومکمل بطبع رسیده بود کتا ب من ا گر بطبع میرسید روی گردانی مختصر از رساله خوشنویسان ومصوران در انظار جلوه گر بود ، بکلی ازا ن صرف نظر نمو د ه در گو شهٔ نسیا نش گذ ا شتم .

مگر در ین رساله « دیباچه دوست محمد » از تذکره خطا طان هرات که آ نرا متروك گذاشته بودم تاحدی استفاده نمودم»

این بود تذکری از رساله نعیمی در تعلیقات فکری.

استاد فکری درین تذکرش هضم نفس کرده ز یرا بسا هنرمندا ن را معرفی نموده که در رسالهٔ نعیمی هیچ ذکری ا ز نها نشده و هم در معرفی بسا هنر مندان تفصیلاتی داده که رسالهٔ نعیمی فا قد آ ن است .

مبنی برشرح فوق باین تصمیم رسیدم که در تکمیل رسالهٔ نعیمی از تعلیقات فکری استفاده نمایم .

در بدو این تصمیم بعد ازانکه رسالهٔ نعیمی وتعلیقات فکری را را بغور مطالعه ومحتو یات هردو را باهم مقابله و مقایسه نمود م و ا غلاط طباعتی هردو را تصحیح کردم و برآی تکمیل رساله نعیمی با ندازه قدرت بشری آماد گی گرفتم بمحض ا ینکه خوا ستم با خذ

یاد داشقها از تعلیقات فکری آغاز نمایم خوشبختانه بغتتاً خورشید تابناك جمهوریت به پرتو فیروزی بخش وسعادت آفرینش فضای پرآشوب کشورمحبوب راروشن ساخت و (صفحه تاریخ نو بر روی کشور بازشد) و مژده تحولات بنیادی در سرتاسر افکار وامورمملکت سامعه ها را نوازش داد وغنچه امید همه افراد ملت شگفتن گرفت.

در اثر این تصادف نیك که با آغاز این اقدام همزمان واقع شد این اثر را بفال نیك گرفتم وآنرا فرخنده ونکو فال پنداشتم که بخواسته خداوند برای همه وطنخواهان وجمهوریت پسندان یادگار ارزنده و محبوبی خواهد بود.

در پرتو این نظام نوین دو تعدیل و تکمیل رساله تعلیقات فکری یادداشتها گرفتم و این تصمیم راتاجایی رساندم همان بود که بناغلی محمد کریم مجاهد بآمریت اطلاعات وکلتور هرات منصوب گردید و بمحض قدوم این عالم منور در تمام امور دائرهٔ اطلاعات وکلتورهرات تحولات نیك بنیادی طوریکه شعار این رژیم نوین است بروی کار آمد.

بناغلی مجاهد تصمیم گرفت که درین محیط باستانی درین دوره درخشان جمهوری خدمات ارزنده انجام دهد. ازآنجمله انجمن ادبی هرات راکه مدتی است از میان رفته واثری ازموجودیت آن بجانمانده است برای احیای مجدد آن تمهیداتی اتخاذ کرد و عریضی بمقام وزارت اطلاعات وکلتور تقدیم نمود.

همچنان مؤسسه طبع کتب که مدتی است بکلی از کار افتاده و به رکودعمیقی مواجه بود که بجزچند جلدکتب که درتحویلخانه افتاده بود کوچکترین رمق وجنبشی نداشت، وتااین وقت فکری برای تجدید فعالیت آن در میان نبود در احیای مجدد آن تصمیم قاطع اتخاذ کرد و براساس همین تصمیم بجانب این اثرنه تنها توجه جدی مبذول داشت بلکه تکمیل این کتاب را با معرفی خطاطان ونقاشان

Marfat.com

هرات بعد از عصر تیمور یان تا امروز توصیهٔ مؤکد نمود و استاد محمد علی عطار را که پیشتر نیز بامن در ترتیب این کتاب همدست و کمك گار بود ، موظف داشت تا با من عمیق تر وجدی تر کمك نماید همچنین استاد مشعل بتوجه و تو صیهٔ معزی الیه بامن بهمکاری اقدام ورزید و شاگردان مکتب خود را بمن معرفی کرد . بناغلی مجاهد در حالیکه طبع این اثر را نخستین قدم حیات نوین مؤسسه طبع کتب هرات قرار داد در طبع وتصحیح و ترتیب این کتاب مرا تنها نگذاشت و توانستیم با توجه و همکاری خستگی ناپذیر او باین خدمت هنری موفق شوم .

همکاری صمیمانه بناغلی مجاهد درین دورهٔ درخشان جمهوریت در اندیشه ی که بتکمیل رساله نعیمی داشتم پرتو تابناك افگند و در آن اندیشه نیز مانند سایر امور مملکت ، تحول بنیادی بوجود آورد و در فروغ این نظام نوین و توجه بیدریغ معزی الیه این اثر از چوکات کوچك متذکره اش برآمد و بحیث یك اثر تاریخی ترتیب یافت که یادگار اولین سال تحول جمهوریت در هرات باشد و دیباچه تاریخ نوین سرزمین هرات بشمار آید واگر خدا بخواهد برای اولین جشن سالگرد این رستاخیز ملی بحیث ارمغان دائره اطلاعات و کلتور هرات به پیشگاه جمهوریت خواهان تقدیم شود .

چون این اثر از چوکات محدود ابتدائیش برآمد ووسعتی پذیرفت که رسالهٔ نعیمی جزئی از آن بهمار آمد بنظریه محفلی که زیر نظر بناغلی مجاهد ترتیب یافت نام این اثر (خطاطان و نقاشان هرات از اد وار تیموری تا اولین سالگرد نظام جمهوری) تعیین گردید و در ترتیب این مجموعه نگاهم را بفضای وسیعی باز کردم و باین فکر افتادم که کوشش ما در بدست آوردن افتخارات گذشته مملکت بما تلقین میکند که افتخارات موجوده کشور را بسهم خود حفظ کنیم و آنچه داریم طور سالم بدون

اینکه بر آن غبار فراموشی بنشیند، بمعرض مطالعه نسلهای آینده عرضه داریم- بدین منظور نگاهم را بجانب سیر هنری مو جوده هرات دوردادم، واقعاً دستگاه هنر نقاشی وخطاطی درین دوره درخشان جمهوری در هرات بروشنی خیره کنی نظرم را بخود جلب نمود که باجنبش پرازشوروشغفش دوره های پر ازافتخار گذشتهٔ این سر زمین را بیاد ما میدهد.

و اقعاً استاد مشعل د ر هنر نقا شی ومینا تو ر و استا د عطار در خطا طی ا ز ر جا ل بر جستهٔ مملکت بشما ر ند که گذ شت زمان بر شهر تشان ا فز ایش می بخشد و در نزد نسلهای آینده ازمشاهیر بزرگ هنری مملکت شناخته خواهند شد ،در مکتب مینا توری استاد مشعل و مکتب خطا طی استا د عطار همچنان فروغی مشهود است که دوره های بهزاد و میر علی از آن جلوه گر است. سوا نح این دو استاد در رسا له معاصرین بمطالعه خوانندگان گرامی خوا هد رسید .

ازمشاهدهٔ سیر هنر درین دوره درخشان جمهوری درهرات بیشتر احساس مسؤولیت نمودم که در معرفی هنرمندان معاصر بذل مجاهدت نمایم ولی متأسفانه باکوشش بیدریغ ازعده‌ی هنرمندان معاصر حتی معرفی مختصری هم بدست آورده نتوانستم ،درجستجوی علت این نقیصه به این حقیقت ملتفت شدم که در سرشت بسا مردم ما بآن حد که مزایای فضل وهنر ممزوج است حس تبارزو هنرنمایی راکد و خاموش است و گمنامی بسا رجا ل تار یخی ما نیز از همین مد رك است که منشأ آ ن الز وا و شکست نفس خو ا هد بود. با همه مشکلا ت بمفهو م (ما لا یدرك کله لا یترك کله) تا جا ییکه بدسترس قدرت بشری من بود و در ساحه (ماسعای) من قرار داشت همین است که خوانندگان گرا می مطا لعه می فرمایند .

اجزا ی این ا ثر بشرح ذیل تر تیب یا فته است :

۱ - رساله نعیمی عنصر ثا بتی است که با ستثنای چند تا بلوی عکس های آن که از ورق کتاب استفاده نمیشدو کلیشه های آنها بدسترس ما نبو د سرا پای رساله موصو فه در ین مجموعه بچاپ رسید .

۲ - از تعلیقات فکری و نستعلیق نویسان دکتور بیانی خاص همان هنرورا نرا گلچین کردم که یا هراتی الاصلندو یا تربیه و تحصیل شان درین منطقه صورت گرفته ویامدتی در هرات مصدر خدماتی شده اند.

۳ - هنروانی را انتخاب کردم که در رساله نعیمی نیست و یا حصه‌ی از شرح حال ذواتی را گرفتم که از قلم نعیمی مانده است ودران رساله ذکر نشده اند.

۴ - از تعلیقات فکری مطالب را فشرده گرفتم و بعضی را خلاصه کردم تا از تورم حجم این مجموعه پیشگیری شود.

۵ - بعضی تبصره ها و نظریات را که بدیدگی و معلومات شخص فکری ارتباط دارد نقلا اقتباس نمودم بدون ذکر صفحات آنها.

۶ - در بعضی موارد که لازم شمرده میشد از خود بعضی تبصره ها علاوه کردم.

۷ - از کتاب نستعلیق نویسان دکتور بیانی که عموماً حالات خطاطانرا طور خلاصه و مختصر ذکر کرده عبارات را با ذکر صفحات آن نقل کردم.

۸ - بارعایت ردیف الف بای ابتثی که رساله نعیمی ترتیب شده هریك از هنرورانرا به اعتبار حروف نامهای شان در پاورقی همان صفحاتی درج کردم که بردیف نامهای شان موبوط است.

۹ - از تعلیقات فکری هنرمندان معاصر را که در حدود صد سال که قرن جاری است و یا چند سالی پیش حیات داشته اند با یك تعداد هنرمندان معاصر که خودم حالات شانرا بدست آورده توانستم بنام بخش دوم این کتاب بعد از ختم رساله نعیمی ذکر کردم و آن را نیز مانند رساله نعیمی مردف بردیف الفبای ابتثی ترتیب دادم.

۱۰ - دو رساله کوچك دیگر که یکی مدادالخطوط خواجه میرعلی هروی و دیگری صراط السطور سلطانعلی مشهدی است و باین اثر تا حدی حیثیت یك خود آموز خطاطی را میدهد نیز آماده گردانیده ایم که چون بطبع ونشر برسد برای این کتاب از حیثیت سودمندی همچون تکمله‌ی تواند بود.

Marfat.com

۱۱ - ازکتاب تاریخ نوشته های کهن تالیف پوهاند حبیبی شرحی در تاریخ اختر اع خط نستعلیق و از کتا ب خط و خطا طان تا لیف عبدالمحمد شرحی در تاریخ اختراع انواع خطوط اقتباس مختصری را درین مجموعه لازم شمردم .

۱۲ - یگان تبصره و نو شته کو تا ه که از بعضی دا نشورا ن رسیده و به غرض و موضو ع این اثر ا رتبا ط مستقیم دارد بپاورقی آن علا و ه شد ه است .

خلا صه : این کتاب بدو بخش مسنقم ا ست :

بخش اول متن رساله تعیمی: نقاشان (۲۰) نفر خطاطان (۹۷) نفر جمله (۱۱۷) نفر
حاشیه پاورقی تتبع شا یق نقاشان (۱۴) « « (۱۰۸) « « (۱۲۲) «
بخش دوم : معاصرین « « (۴۹) « « (۷۶) « « (۱۲۵) «
جمعاً هنر مند ان (۳۶۴) «

این اثر هنری است که در ظر ف نخستین سال که تحول بنیا دی جمهوریت درین محیط باستانی در آغاز تأ ریخ نوین و بی سابقه مملکت سپر ی گردید، ترتیب یا فته وچنا نچه وضاحت دادم از جانب آمر یت عمومی اطلاعات و کلتور هرات بحیث ارمغان اولین جشن سالگرد نظام جمهوری کشو ر عزیز بحضور وطن دو ستان و جمهوریت پسندان تقدیم میشود و البته برای نسلهای آینده یاد گار ارزنده و محبوبی خوا هد بود پا ینده و پا یدا ر با د جمهو ر یت ، کامیاب و سر ا فرا ز با د قا ید ملی و علم دا ر ا ین تحول نیك و فیرو ز مند .

و ا لله ا لمو فق و علیه توکلت و ا لیه انیب .

میر عبد العلی شا یق

((چند کلمه))

ده سال پیش ازین باری نویسنده بفکر افتاد تا در ضمن تتبعات و تدقیقاتیکه وظیفتا درانجمن تاریخ مملکت اسلامی در باره تاریخ دوره های اسلامی وطن عزیز می نماید یادداشتهائی هم اگر ممکن شود در بارهٔ صنایع مخصوصاً صنایع ظریفه افغانستان فراهم آورد این بود که پس از مدتی این آرزو بر آورده شد و یادداشتهای نسبتاً فراوانی بصورت متشتت وپراگنده در زمینه های معماری ،حجاری نقاشی وخوشنویسی در افغانستان دوره اسلامی بدست نگارنده فراهم شد. چون ترتیب و تکمیل کتابی در باره صنایع افغانستان نظر به قلت وسایل و بسا مطالب دیگر که ذکر آنها درین مختصر بیمورد است تا اندازهٔ بنظر مشکل میرسید، بنا بر توصیه دوستان تا جائیکه یادداشتهای فوق مساعدت میکرد به نگارش کتاب جداگانه بنام (صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان) اقدام شد.

این کتاب در سال (۱۳۳۰) خاتمه یافته به ریاست مستقل مطبوعات جهت نقد و تبصره سپرده شد چنانچه بنا بر لطف نظر دانشمندان و فضلای گرامی مملکت این اثر نا چیز دران سال حایز جائزه درجه اول وزیر اقتصاد ملی درقسمت تألیفات گردید.

اگر چه ازان وقت اراده بود این کتاب نشر گردد چون مشکلاتی در بین آمد تا مدتی طبع آن میسر نشد. آن بود که بالآخره انجمن تاریخ تصویب نمود این اثر بدواً مسلسلا در مجله آریانا و بعداً فورمه های آن بصورت کتاب جداگانه نشر گردد ، این تصمیم عملی شد و اینک کتاب مابدست رس خوانندگان عزیز قرار دارد.

نگارنده وظیفه دارد که ازحسن نظر فاضل دانشمند بناغلی احمد علی کهزاد رئیس انجمن تاریخ افغانستان و همچنان از همکاران محترم شان یعنی کارکنان مجله آریانا که در طبع این اثر بذل مساعی فرموده اند

تشکر نموده ضمناً از عموم فضلا و دانشمندان مملکت خواهش کند که در بعضی موارد اگر سهوی واقع شده باشد بنا بر اعتذار عدم وسایل و مآخذ کافی و قلت وقت بنظر اغماض در آنها بنگرند.

(علی احمد نعیمی)

Marfat.com

صورتگران و خوشنویسان هرات درعصر تیموریان

بسم الله الرحمن الرحیم

«هرات»

چون موضوع کتاب حال صورت‌گران‌وخوشنویسان هرات است بی مورد نخواهد بود اگر با چند جمله مختصر ذیلا هرات تاریخی را معرفی نمائیم.

هرات همان‌افق روشن ونظرربای خاك آریانا است که در گوشه غربی مملکت واقع و در آسمان با افتخار این خطه مقدس مانند ستاره صبح قرنها پرتو افشانی دارد -هرات همان‌خطه باعظمت و شکوه تاریخی است که درهر دوره ی بخود نامی گرفته و موجودیت خویش را با یك‌عالم شرافت وجهانداری حفظ کرده است.

هرات همان (هریوا) اوستااست؛ هرات‌همان سرزمین بزرگواریست که مورخین سکندر آنرا بنام ارتاکوانا یا (ارتاکانا) که بمعنی شهرشاهی مردمان شریف آریانا ست یاد کرده اند هرات همان شهر نامداریست که در عصر امپراتوری بزرگترین سلاله کوشانی افغان یعنی کنشکای کبیر از جمله‌آباد ترین نقاط آسیا بود.هرات همان زمین باشوروحرارتیست که اولین علم حریت وآزادی‌راتقریباً در حدود سنه ۲۲۰هجری به سرکردگی فرزند صالح و راد مرد خویش «طاهر» بر افراشت و اعلان حریت نموده بر فرخندگی و آبادی خود افزود. هرات همان‌خاك معموریست که‌شاداب ترین نقطه قلمروشاهان‌صفاری بشمار میرفت. هرات همان زاویه دور افتاده‌وطن است که در عهد غزنویان بهترین مدنیت را دارا بوده واز جمله قشنگترین و آبادترین شهرهای آسیامحسوب می شد ومرکزتجارت بزرگ بود. هرات همان مرکزیست که‌آنرا نقطه اتصال تمام راه های ممالك عمده آسیا

Marfat.com

میخوانند، هرات همان کانون مدنیت و صنایع زیبا است که آثو بها دیده ولی مانند زادگان کوهستانی آریا ناقوه قلب و بزرگواری را از دست نداده و بار بار موقع از دست رفته خود رادو باره بدست آورده است. هرات همان شهر زیباو سرچشمه الهام جامی ها و هاتفی ها است که در فتنه چنگیزی بیك روز دوازده هزار تن از اولاد دلیر و محبو بین خود را مقتول دیده و خود جرأت ورشادت را از دست نداده است. و از آنجا که زادگان کهسار بلند آریانا یوغ اسارت و اشاره آمریت کسی را تحمل نمیتواند شورش ها شده و هرات همواره آزاد مانده است.

هرات همان بلده معمور و فیست که در زمان مغل هاخرابی زیادی را متحمل گردیده ولی قبل از سایر بلاد خراسان قد برافراشته و پیشتر از همه خرابی های وارده بخودراجبران کرده است.

هرات همان خطه مردزای است که چون شمس الدین محمد کرت بوجود آورده و فتنه جهانسوزی مانند فتنه مغل و چنگیز را بزودی فرو نشانده است. هرات همان هراتیست که درسال ۶۴۳ با بروی کار آمدن سلاله کرت حقوق حقه خود را از چنگیزیان باز گرفته و بحالت اولیه خود سروسامانی داده است.

اگر چه از این دوره هرات باز مورد تهاجم واقع شد ولی از آنجا که بسا نشیب و فراز ها دیده بود دگر هیچ دستی نتوانست دو باره آنرا بحالت نکبت و هلاکت باز گرداند. در سنه (۷۷۱) تیمور حاکم ماوراء النهر پادشاه شد و در سنه (۷۸۲) شروع به تسخیر هرات وغیره بلاد خراسان نموده دور نیست که ازین تاریخ به بعد رادوره تیموریان هرات میگویند و موضوع کتاب ما بیشتر بهمین دوره تعلق میگیرد.

Marfat.com

(حصه اول)

نقاشی در افغانستان - از صدر اسلام تا مغول - دوره مغول - دوره تیموریان - نقاشان وصور نگران هرات

گرچه موضوع کتاب ترجمهٔ حال صورت گران و نقشان و خوش نویسان است مگر برای اینکه زمینه قدری به نزد خوانندگان محترم روشن باشد به مختصری از تاریخ نقاشی و صورت گری در افغانستان پرداخته سپس به اصل موضوع می رویم.

نقاشی در دوره های قدیم :

جواب این سوال که نقاشی در افغانستان عصر اسلامی چه وقت رواج یافت و چه کسی پیشقدم بود و فن نقاشی کتب خطی در چه دوری متداول شد خیلی مشکل است و تا هنوز کسی نمیتواند جواب مثبتی بدان بدهد زیرا تا کنون مطالعات و تتبعات عمیقی که درین زمینه لازم است بعمل نیامده است آنچه محقق است اینست که نقاشی های دیواری در افغانستان از زمانه های خیلی دور یعنی در اعصار قبل از اسلام رواج داشته ونمونه های آن در آثاریکه از آن دوره ها باقی مانده مشهود است و این هم محقق است که این نقاشی های دیواری در افغانستان بیشتر در عصر بودائی رواج یافته است.

اما نقاشی های دیواری که در اعصار پیش از اسلام مرسوم بود در دورهٔ اسلامی مخصوصاً در اواخر قرن ۴ و در اوایل قرن ۵ هجری استعمال آن ها منحصر بدیوار های تالارها و سالون های خصوصی شاهان وامراء ورجال متمول بوده است چنانچه نقاشی های کاخ فیروزه سلطان محمود که فرخی سیستانی دریکی از قصاید خود ازان مفصلا تذکار کرده است شاهد این مدعا میباشد.

پس به این ترتیب میتوان ایجاد فن نقاشی کتب را در افغانستان بهمان عوامل فوق الذکر که عبارت از نقاشی های دیواری باشد نسبت داد.

و روشها وسبک هائی را که افغانستان ازچین وغیره ممالک همجوار

Marfat.com

بدست آورد اضافه نمود بهر حال جای انکار نیست که فن نقاشی در افغانستان رواج و رونق کاملی داشت و در اول کار آنرا برای توضیح مطالب کتب تاریخی ودواوین شعراء و قصص وحکایات بکار بردند .

کتابها را با صور کوچک و ظریف ورنگهای زیبا و رخشنده زینت میدادند با اینکه این صورتها چندان اختلاف و تفاوت محسوسی با هم ندارند باز هم اشخاص صلاحیت دار واهل فن وکسانیکه در شناختن صنایع شرق استادند می توانند تاحدی آنها را من حیث ادوار تاریخی تمیز دهند و بهمین جهت است که می توان آنها را به سبکها و مکتب های مختلف که هر کدام از خود امتیازات علحیده دارند تقسیم نمود. زروی مآخذ وادوار تاریخی میتوان فن نقاشی افغانستان را در دورهٔ اسلامی به سه دورهٔ ذیل تقسیم نمود :

۱ - از صدر اسلام تا مغول ۲ - از مغول تا تیمور ۳ - دوره تیموریان که درخشان ترین دوره های صنعت نقاشی و صنایع ظریفهٔ افغانستان است

الف :- از صدر اسلام تا مغول :

این دورهٔ تاریخی از نقطهٔ نظر صنایع خیلی تاریك است و نمی توان از روی مآخذ ومدارکیکه در دست است راجع به تاریخ صنایع این دوره چیزی نوشت تنها این قدر معلوم است که در زمان سامانیان نقاشی کتب خطی رواج داشت چنانچه زکی محمد حسن مورخ معاصر مصری میگوید : قدیم ترین نسخهٔ خطی که مطالب آن با نقاشی روشن شده کتاب کلیله ودمنه است این کتاب را امیر نصر بن احمد سامانی (۳۰۱ - ۳۱۳ هجری) بر ودکی شاعر داد تا از عربی به فارسی دراورد ، پس ازان کتاب را به هنر مندان ونقاشان چین داد تا نقاشی کنند و حکایت را با اشکال و صور توضیح دهند وهم معلوم است که ترجمه عربی ابن مقفع نیز دارای تصاویر بود زیرا او در اول کتاب میگوید : (بر کسیکه این کتاب را دارد و یا میخواند لازم است که بداند بچهار قسم یا غرض و مقصود تقسیم می‌شود اول . . . دوم ظاهر کردن اشکال حیوانات است (برنگ آمیزی های مختلف) و باز می نویسد (وهر خوانندهٔ این کتاب لازم است که تنها متوجه آرایش کتاب وتصاویر آن نشده بلکه بامثال و پندهای آن بیشتر توجه کنند . . .) از ین قرار معلوم میشود که کتاب

Marfat.com

کلیله ودمنه را ازقرن سوم هجری با اشکال ورسوم و صور تزئین میکردند وچون فردوسی در سال ۴۰۱ هجری نظم شاهنامه را بپایان رسانیده و نقاشان وهنرمندان بنقاشی ومصور ساختن آن روی آوردند و همین کار را بعداً دردواوین شعرا خصوصاً نظامی، سعدی وحافظ نیز کرده اند.

* ب :- دوره مغولی :

نقاشی مکتب مغولی در افغانستان درقرن هفتم وهشتم هجری بوجود آمد تاریخ نقاشی افغانستان درین دوره نسبت به دوره صدر اسلام تاریکتر است ، تنها چیز یکه را جع به این دوره می توان گفت اینست که باید در دورهٔ مغول نقاشی افغانستان بیشتر تحت تأثیر نقاشی سبک چین رفته باشد زیرا در سلسله شاهای نیکه در سراسر قرن هفت وهشت هجری در چین و افغانستان (خراسان آن وقت) و فارس حکومت داشتند هر دو از نژاد مغول بودند ورابطهٔ نژادی و خویشی آنهارا بهم نزدیك کرده بود علاوه بر آن در آنوقت که مغولها متوجه خراسان (افغانستان) و فارس شدند عدهٔ از هنرمندان و صنعت گران و متر جمین چین را با خود همراه آورد ند و بهمین جهت است که مستشرقین آثار فنی وسبکهای شرق اقصی را از ابتدای دورهٔ مغولی در فنون خراسانی و فارسی مشاهده میکنند چیزیکه بیشتر تأثیر اسلوب نقاشی چین را در افغانستان به دوره مغولی تایید میکند همانا قسمتی از تأثیرات آن اسلوب در اوائل دورهٔ تیموری است که بعداً در جای خودش آنرا مطالعه خواهیم کرد .

---

* بباغلی حاجی محمد سعید مشعل که استاد بزرگ نقاشی و مینا توری هرات است و شرح حال او در رساله (مصوران وخوشنویسان معاصر هرات) بمطالعه خوانندگان خواهد رسید راجع به نقاشی دوره مغولی که مرحوم علی احمد نعیمی شرح داده است قیصره مختصر نگاشته است قرار ذیل :

شرحی که دراینجا از مرحوم آقای علی احمد نعیمی مطالعه میشود از هر مأخذی که باشد حرفی نداریم اما دراینجا باید گفت که آن مرحوم در باره آثار و نقوش ابنیه تاریخی غورات مأخذی بد سترس شان نبوده است زیرا همین نقاشی است که طرح های او از روی صفحه کاغذ به تزئین و دیکور ابنیه و عمارات انتقال می یابد .

Marfat.com

چون دورهٔ مغولی کوتاه و سراسر مملو از جنگ و خون ریزی بود کمتر نقاشی های از آن دوره باقی مانده و از همین جهت است که در اطراف چگونگی نقاشی افغانستان در دورهٔ مغولی نمیتوان توضیحات و تفصیلات کافی داد تنها این قدر معلوم است که در آن دوره بیشتر کتاب جامع التواریخ رشیدی تألیف رشید الدین وزیر که تاریخ چنگیز ی است منقش ومصور میشد و شاهنامهٔ فردوسی در پایهٔ دوم قرار داشت و بعضاً به منقش نمودن و مصور ساختن کتاب کلیله ودمنه نیز می پرداختند .

ج - نقاشی در دورهٔ تیموریان :

این مکتب در قرن هشتم و نهم هجری بوجود آمد و می توان آنرا دنبالهٔ مکتب مغولی اما کامل تر و فنی تر دانست .از جملهٔ مکتب های نقاشی که درین دوره بظهور پیوست یکی مکتب هرات است که مهمترین وعمده ترین تمام مکتب های آن دوره است ودر عهد خود تیمور بزرگترین مراکز نقاشی وصنعتی شهر سمرقند را قرار داد که از سال ۷۷۱ هجری سمت پای تختی را داشت و با اهتمامی که به آبادی آن داشت مشهور ترین هنرمندان وصنعتگران را از خراسان (افغانستان) وفارس وماوراء النهر در آنجا گرد آورده درعهد سلطنت پسر او شاهرخ میرزا هرات از مرکز مهم هنرومورد توجه هنرمندان وبزرگان فن شد شاهرخ بیش از تمام شاهان افغانستان به صنعت وعلم توجه داشت وهنرمندان را

وقتی ما بطرح ها و دیزین ها و خطوط منار جام و مسجد ملکان دزیرچمن و نقاشی و خطوط ستونهای مسجد غیبی در فاصلهٔ دقیق شویم بلکه در یک رواق مسجد جامع شریف که آثار عصر غوریها باقیمانده می بینیم که در عصر غوریها طرح های عربی و دیزین های قفلی و خطوط زیبای کوفی و توقیع بر نقاشی های سابقه مروجه محیط افزوده شده است همکذا ظروفی که در عصر غوری ها و غزنویها ساخته شده از نقوش عربی بهره کافی داشته و دیزین های قفلی وپیچ های بین خطوط توقیع که در ظروف و آلات فلزی دیده میشود باید گفت که نقوش عربی در آن عصر نقاشی افغانستان را تحت تأثیر گرفته ومستقیماً دخیل بوده است .

Marfat.com

نوازش کرد و بهمین جهت درعهد او فن نقاشی مرحلهٔ اقتباس از اسلوب های چین و بیگانه را پیموده بدورهٔ ابتکار در آمد یعنی تمام اسلوب های بیگانه که در نقاشی و صنایع افغانستان داخل شده بود بذریعهٔ هنرمندان و نقاشان ماهر بکلی حل و مزج گردیده سبک مستقل که می توان آنرا مخصوص افغانستان گفت بوجود آمد در طور اشکالیکه تا اواخر قرن هشتم هجری کشیده شد مهمترین وسایل ترئینات شکله های فنی دیده می شود و همچنان ترئینات تازه در قرون ما بعد یعنی در قرن نهم از بزرگترین ممیزات فنی نقاشی مکتب هرات گردید بزرگترین چیز هائیکه از جملهٔ ممیزات این مکتب بحساب می روند عبارتند از مناظر باغستان ها و ریگهای درخشان وزیبا و یکی از ممیزات دیگر مناظر طبیعی کوه و پته است که بشکل سر سفنج کشیده شده است علاوه بر آن نقاشان این دوره میان اشخاص وعمارات وسایر مناظر یکه می کشیدند نسبت های معقول ومقبولی را قایل شدند.(۱)

بهر حال شکی نیست که عصر طلائی نقاشی در افغانستان از زمان تیموریان هرات یعنی از شاهرخ و بایسنغر و ابراهیم سلطان پسران او و اسکندر بن عمر شیخ شروع میشود زیرا در این دوره است که نقاشی های هرات آنچه را که از فنون وسبکهای فنی نقاشی شرق اقصی یعنی چین اقتباس کرده بود هضم و تحلیل میکند و دارای ذاتیت و امتیاز مستقل و قوی میشود از جملهٔ مسایلی که در ترقی و پیشرفت فن نقاشی ومصوری و کتب نویسی در افغانستان تاثیر مهمی داشت همانا تاسیس کتابخانه و انجمن فنی و صنعتی بود که شاهرخ آنرا در هرات بنا نهاد و پسرانش بایسنغر و ابراهیم سلطان پسران او و اسکندر بن عمر شیخ شروع میشود زیرا در این دوره است که نقاشی های هرات آنچه را که از فنون وسبکهای فنی نقاشی شرق اقصی یعنی چین اقتباس کرده بود هضم و تحلیل میکند و دارای ذاتیت و امتیاز مستقل و قوی میشود از جملهٔ مسایلی که در ترقی و پیشرفت فن نقاشی ومصوری و کتب نویسی در افغانستان تاثیر مهمی داشت همانا تاسیس کتابخانه و انجمن فنی و صنعتی بود که شاهرخ آنرا در هرات بنا نهاد و پسرانش بایسنغر کتابخانه و انجمن دیگری در همان وقت تشکیل داد که تقریباً شکل اکادمی صنایع یا هنرستان هنرهای زیبا را داشت بایسنغر در این انجمن

---

(۱) ترجمه کتاب تاریخ صنایع ایران عهد اسلام مؤلفه دوکتور کی محمد حسن

سر آمدان فن خوشنویسی ،تذهیب کاری، نقاشی ،مصوری ،صحافی وجلد سازی را جمع نموده لهذا طبعاً و بخودی خود صنعت نقاشی و صورت گری و خوشنویسی از چند مراکز صنعتی دیگر آلوقه مانند تبریز وسمرقند وشیراز بهرات منتقل شد .

روابطی که افغانستان یا خراسان آنعصر در دوره مغول با چون وشرق اقصی داشت در دورهٔ تیموریان محکم تر شد زیرا در همان وقت بود که خاندان جنگیز که از ۷۷۰ هجری تا سال ۱۰۵۴ هجری حکومت کرد در چین بزوی کار آمد و روابط دوستی و تجارتی و کشوری افغانستان وچین ذریعه تبادلهٔ سفرا در بین آنها بیشتر از پیش قائم گردید :

و یقین است که سفرا و فرستادگان افغانستان با آثار صنعتی و فنی و شاهکارهای صنعتگران آن از چین بکشور خود باز میگشتند و همچنان فرستادگان و تجار چین صنایع و آثار فنی وشاهکارهای صنعتی افغانستان را بصورت ارمغان با خود بچین می بردند .

طوریکه پیشتر اشاره نمودیم در این دوره در فارس و ماوراء النهر نیز بواسطه بعضی شهزادگان هنر دوست تیموری که حاکم و نائب الحکومه پایتخت هرات در آنممالک بودند بعضی مکاتب صنعتی دایر شده بود اما هیچ یک به پایهٔ مکتب هرات صنعتی رسیده نتوانست و هرات تا اخیر این نهضت مرکزیت خود را از دست نداد و لهذا بیشتر نقاشیهائیکه در دورهٔ تیموریان مخصوصاً در قرن نهم بوجود آمد عموماً و تماماً منسوب بشهر هرات است .

امتیاز مکتب هرات مرهون اهتمام بعضی استادان بزرگ است که در تطور وتجدد ذوق وقریحه فنی وصنعتی کوشیده ودر نقاشی دقت تامی بکار بردند ودر رسم ها انتهای نازک کاری،آمدد رنگها و انسجام و تناسب را مراعات نمودند- امتیاز مهمی که درآثار صنعتی مکتب هرات بمشاهده میرسد عبارت از استعمال رنگ طلائی و پوشانیدن زمینه‌های تصاویر باگیاهان وگل‌های متنوع است (۱)

---

۱ صفحه ۷۲ شماره ۱۱ سال ۶ مجله کابل

کتب مصور خطی و شاهکار ی ها ی صنعتی مهم این دوره به تعداد زیاد زیب موزه‌های ممالک بزرگ دنیا است که ذکر مفصل آن در اینجا چندان لزومی ندارد و این مختصر را به دفتر بزرگ خواهد کشانید .

خلاصه اینکه نقاشی افغانستان در دورهٔ تیموریان آخرین گامهای ترقی وکمال را بر داشته است و با سقوط سلالهٔ هنر دوست تیموری در اوایل قرن دهم هجری و غارتگری های ازبکان ماوراالنهر و خونریزی های صفاریان فارس چراغ این صنعت زیبا یعنی کتب نویسی وتصویری و نقاشی کتب مانند سایر صنایع وفنون افغانستان خاموش شد و اما این را هم باید اخیراً خاطر نشان کنیم که اگرچه هرات افغانستان مرکزیت خود را از دست داد و مشعل فروزان صنعت در او خاموش گردید مگر باآنهم جای بسا خور سندیست که در اثر توجه فرزندان لایق و فرزانهٔ او مانند استاد بهزاد هروی این صنعت یکباری از بین نرفت و مدتهای مدیدی در فارس و ماوراالنهر و حتی بعداً در هند مکاتب صنعتی دایر شد که تاریخ صنایع آن ممالک بنام مکتب هرات ثبت خواهد ماند .

✡ ✡ ✡

نقاشان، صورتگران، تذهیب کاران

(ب)

بابا حاجی :

از مصوران قرن نهم هرات است، به‌در بار سلطان حسین بایقرا میزیست در تاریخ رشیدی تذکار یافته که بابا حاجی از زمرهٔ نقاشان و مصوران است و در تصویر قلم پخته دارد و در تمام خراسان در طراحی نقش بی همتا است (۱)

متأسفانه در ترجمه حال او از این بیشتر چیزی بدست نیست .

بهزاد :

بهزاد از جملهٔ صنعتکاران خوش بختی است که در زمان حیات شهرت

---

(۱) صفحه (۱۰٤) ترجمه کتاب تاریخ صنایع ایران بعداز اسلام موالفه زکی محمد حسن مصری ترجمه محمد علی خلیل طبع تهران ۱۳۲۰

فوق العاده حاصل نموده اند و مشار الیه هنوز در قید حیات بود که صنعت و آثارش مورد تقدیر همگان واقع گردید و دیگر حاجت انتظار به این نماند که اولاد آینده به خوبی و بدی کاوش رای و نظریات خود را اظهار نمایند زیرا قریحهٔ او را در مصوری تمام معاصرین تقدیر و تمجید نموده و قضاوتهای مبالغه آمیز آنها آنقدر باعث شهرت او گشت که همه کس او را ستارهٔ کامل و بی نظیر فن مصوری میدانست و آوازهٔ هنرمندی او از مانی که در ادبیات شرق پهلوان نامور یست هم بیشتر بوده است ولی متأسفانه یکی از معاصرین او هم به تشریح موشگافانه یک تصویریکه بخامهٔ او ترسیم شده باشد نپرداخته و تعریف اختصاصات و ممیزات اسلوب او را نه نموده است. بهزاد یا این صنعتگر فرزانه از اهالی شهر هرات بوده و کمال الدین لقب داشته است تاریخ تولد و اوایل زندگانی او مجهول است بعضی ها مانند صاحب کتاب سرآمدان هنر با آنکه در خصوص اوایل زندگانی و پرورش و گشت و گذار او در تردد است تاریخ تولدش را با جملهٔ (قرار معلوم) در سنهٔ ۱۴۴۰ ع و محمد عبد الله چغتائی مؤلف رسالهٔ (کمال الدین بهزاد مصور) در سنهٔ ۸۴۴ هجری قرار میدهد اما بطور تحقیق آن چه این دو متتبع درباره تولد این استاد شهیر نوشته اند عاری از صحت و بدون مأخذ می باشد. شهرت بهزاد از آوان جوانی که آغاز رشد و فعالیت وی بوده شروع شده چنانچه مولانا هاتفی که از یاران و معاصرین اوست و در سنه ۹۲۷ فوت کرده در تمر نامه (تیمور نامه) خود ضمن داستانی او را چنین ستوده است:

نگارنده نقاش بهزاد دست صریر سخن را چنین نقش بست

اولین تاریخی که در آن از بهزاد ذکری رفته و صاحب آن با او هم عصر بوده حبیب السیر مؤلفهٔ خوند میر است که او را پرورش یافتهٔ امیر نظام الدین علی شیر نوائی دانسته و به التفات بی پایان سلطان

تصویر استاد بهزاد بقلم خودش
مربوط صفحه (۱۲)

Marfat.com

Marfat.com

زیادی در پیش است و هیچ کس نمیتواند در بارهٔ آن حکم قطعی نماید .

میتوان گفت که بهزاد آتش هنر های زیبای هرات را تیز تر کرد و تخم صنعت مینا توری آنرا در فارس و هند انتشار داد .

بهزاد در مآخذ مختلف :

بهزاد در هرجا وهر کتاب بشکلی ستوده شده و هر یك بنوعی مدح وصفت او را گفته است که ماقسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم .

اول : حبیب السیر که مؤلف آن همعصر استاد بهزاد بوده :

استاد کمال الدین بهزاد مظهر بدایع صور است ومظهر نوادر هنر قلم مانی رقمش ناسخ آثار مصوران عالم و بنان معجز شیمش نافی تصویرات هنر وران آدم :

موی قلمش زاو ستادی جانداده بصورت جمادی

وجناب استاد به یمن تربیت وحسن رعایت امیر نظام الدین علیشیر باین مرتبه ترقی نمود و حضرت خاقان منصور (یعنی سلطان حسین بایقرا) را نیز باآنجناب التفات وعنایات بسیار بود وحالا نیز آن نادرالعصر صافی اعتقاد منظور مرحمت سلاطین انام است ومشمول عاطفت بی نهایت حکام اسلام . بی شبهه همیشه این چنین خواهد بود .

دوم : عالم آرای عباسی که استاد را استاد بی همتا وصورت نگار بی مثال گفته در ذکر نقاشان و هنروران زمان طهماسب چنین مینویسد :

استادان نادره کار این فن مثل استاد بهزاد و سلطان محمد که درین فن شریف طاقند ودر نزاکت قلم شهره آفاق .در کتاب خانه معموره کار میکردند .

سوم : حالات هنروران که یك مأخذ کاملا جدید است درین تازگی ها به اهتمام محمد عبدالله چغتائی بطبع رسیده او راچنین می ستاید: دیگر شاگرد خلف سید مشار الیه را (اشاره به سید روح الله هراتی مشهور بمیرك) افضل المتأخرین فی فن التصویر قدوة المتقدمین فی التهذیب و التحریر .

Marfat.com

نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی الیه به رقوم قلم عجایب رقم او درین مرقع ظاهر است .

باید خاطر نشان کرد که رسالهٔ حالات هنروران فقط یک دیباچه است که مولانا دوست محمد کتابدار بهرام میرزای صفوی بر یکی از مرقعات شهزادهٔ مذکور در سنهٔ ۹۵۴ نگاشته است .

چهارم : تذکرهٔ خوشنویسان و نقاشان : این کتاب مؤلفهٔ قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول صفوی است که تقریباً از سنه ۹۹۵ الی ۱۰۳۸ در فارس حکومت داشته است. مأخذ مذکور را شاغلی فاضل محترم گویا اعتمادی برای اولین مرتبه در سالنامهٔ ۱۳۱۷ کابل بما معرفی کرده اند؛ آقای موصوف در سال ۱۳۱۷ درحین مسافرت خویش به هند به این کتاب مفید بر خورد و آنرا در کتابخانهٔ شخصی جناب سید محمد علی داعی الاسلام مؤلف فرهنگ نظام مطالعه کرده اند .

مؤلف این تذکره در باب بهزاد چنین توصیف کرده است (وی از دارالسلطنهٔ هرات است)

استاد زمانه حضرت بهزاد است کو داد هنر وری بعالم داد است
کم زاد بسان مانی از مادر دهر البته که بهزاد ازو به زاد است.

استاد در طفولیت از پدر و مادر مانده و استاد میرک که کتابدار پادشاه مرحوم سلطان حسین بوده اورا برداشته تربیت نمود . و در اندک زمانی ترقی فرمود و کارش بجانی رسید که تا صورت هستی نقش بسته همچو او مصوری کس درین روزگار ندیده .

نگار زغالش بچابک روی به است از قلم گیری مانوی
اگر مانی از وی خبر داشتی از و طرح و اندازه بر داشتی
بود صورت مرغ او دلپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان کامران سلطان حسین بایقرا میرزا تا چند مدت از اوایل سلطنت و پادشاهی شاه طهماسب در عرصهٔ روزگار بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است فوتش در دارالسلطنة

هرات در حوالی کوه مختار حظیرهٔ پر نقش و نگار آن مدفون شده است »

۵ - بابر نامه :

بابر موسس سلسلهٔ مغلهای هندوستان که از شیفتگان صنایع هرات بود در چندجای بابر نامه شرحی از عشق مفرط خود نسبت به نقاشی سبك هرات بقلم آورده است، امادر مدت عمر پر آشوب خویش فرصت نیافت که استادان هراتی را در درگاه خود گرد آورد . این پادشاه در تزك خود عصر سلطان حسین میرزا و بهزاد را چنین توصیف میکند :

(زمان سلطان حسین میرزا عجیب زمانی بود از اهل فضل و مردم بی نظیر خراسان به تخصیص شهر هری از ین مردم مملو بود، هر کس بهر کاری که مشغول بود غرض او آن بود که کار را بکمال رساند از آنجمله یکی مولینا عبدالرحمن جامی بود که در علوم ظاهر و باطن در زمان خودش به آن مقدار کسی نبود . . . از مصوران بهزاد بود که کار مصوری را بسیار نازك میکرده . . . و آدم ریش دار را خوب چهره کشائی میکرده) سایر کتب و مآخذ همه از حبیب السیر و عالم آراء اقتفا نموده و تماماً به تعریف و توصیف قلم معجز رقم بهزاد و کار خانهٔ او که رشك نگارستان چین است پرداخته اند .

۶ - نامهٔ نامی :

طوریکه در ۳۰ مقالهٔ قزوینی مذکور است غیاث الدین خوند میر مؤلف حبیب السیر و دوست صمیمی بهزاد مجموعی از رسائل و اسناد رسمی و مناشیر دولتی ترتیب داده و آنرا (نامه نامی) نام نهاده است که کتابخانه ملی پاریس بتازگی آنرا خریده و بتصرف خود در آورده است .

درین مجموعه دو سند بسیار مهمی راجع به بهزاد موجوداست که برای معرفی حال و معرفت تاریخ زندگانی آن نقاش زبردست در نهایت درجه اهمیت و اعتبار می باشد .

الف :

مقدمهٔ که خوند میر بر مرقعی که بهزاد از مجالس نقاشی خود جمع

Marfat.com

کرده بود نوشته :

در توصیف موقع مرقع که جامع مظهر رشد و رشاد استاد بهزاد است نوشته شد:

نقاش ازل کشاد چون چهرهٔ مهر　　آراست مرقعی ز اوراق سپهر

تصویر در آن نمود بیرنگ و قلم　　چندین صنم جلوه گر روشن چهر

چون ارادت کاملهٔ مصور بی چون و مشیت شاملهٔ (کن فیکون) با یجاد کارخانه بو قلمون متعلق شد و چهره کشاد عنایت ازلی بقلم مکرمت لم یزلی پیکر انسانی را بر طبق آیت (و صورکم فاحسن صورکم) به خوبترین وجهی تصویر نمود و جمال حال این طایفهٔ پسندیده خصال را بر بور اصناف علوم غریبه و زینت انواع فنون عجیبه آرایش داده بمقتضای کلمهٔ کریمه (و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا) جانب ایشان را به اکثر طوایف مخلوقات تفضل فرمود .

مثنوی :

کلک الهی چو رقم زد صور　　مظهر فضل و هنر آمد بشر

در پی اظهار هنر چون شتافت　　صفحهٔ ایام ار و زیب یافت

گاه بنوک قلم مشک سای　　کرد رقم خط فضیلت فزای

گاه بر انگیخت بهم آب و رنگ　　ساخت عیان ماه رخ بی درنگ

گاه بگلزار سخن از هنر　　کرد روان جو یچهٔ آب زر

گاه برافروخت درخت بلند　　میوهٔ او و قوت دل مستمند

ساخت گهی از قلم سحر فن　　گلبن پر گل بر ریاض سخن

کرد بتذهیب سخن چون شتاب　　شد خجل از شمسهٔ او آفتاب

حسن خط صورت مردم فریب　　می برد از خاطر دانا شکیب

دیده شد از صورت خط بهره ور　　دل بود از معنی او بی خبر

صورت و معنیش پسندیده است　　نور ده مردمک دیده است

« ن والقلم و مایسطرون » بر کمال شرف خط آیتی است و آیت (علم با لقلم) از وفور فضیلت کتابت کنایتی . بیت :

حظ خط نیک به نزد خرد　　بیش بود ز آنچه گمان می برد

والتذاذ نفس بشری از نقش و تصویر بر وجهیکه صورت امیر و وزیر و غنی

Marfat.com

و فقیر است قابل تحریر نیست و بیان شمه‌ی از زینت و زیب و تفریح و ترویح آن صنعت غرابت آیت با مداد قلم و بنان تیسیر پذیر نه، لاجرم از بدو ظهور عالم فضلای اولاد امجاد آدم علی نبینا و علیه السلام مادام الخط مصوراً بالمداد والقلم بدین دو امر شریف اشتغال فرموده اند و در میدان کمال و تفوق و ساحت مهارت و فضل گوی سبقت از امثال و اقران ربوده چنانچه اسامی سامی بعضی ازین طبقه در مقدمهٔ این مرقع مذکور است و خطوط گرامی و تصویرات نامی که نگاشتهٔ قلم بدایع شیم ایشانست درین اوراق مصور ومسطور و از جملهٔ مصوران کامل و هنروران فاضل جامع و مرتب این اوراق مرقع مظهر بدایع صور و مظهر نوادر هنر نادرالعصر صافی اعتقاد سالک مسالک محبت و وداد استاد کمال الدین بهزاد است ·

مثنوی :

مانی قلم خجسته آثار — نیکو شیم حمیده اطوار
استاد هنروران عالم — در فن هنر وری مسلم
بهزاد یگانهٔ زمانه — مانی به زمان او فسانه
موی قلمش زاوستادی — جان داده بصورت جمادی
در دقت طبع موشکافست — وینحرف نه از سر گزافست
تکمیل مهارتش درین فن — باور اگرت نیاید از من
بکشای نظر زروی انصاف — بنگر صور بدیع اوصاف
کاراست جمال اینصحایف — افزود کمال این طرایف
در صورت خطوحسن و تصویر — زینسان ورقی نیافت تحریر

و بی شایبهٔ تکلف وغایلهٔ تصلف تاصفحهٔ خوبان گلعذار ریحان خط مشکٔ آثار آرایش یافته مشابه خطوطیکه درین مرقع مرقوم است قلم بر صفحهٔ کاغذ ننهاده وتامرقع سپهر بصورت نور افشان ماه و مهر که غواص قلم گوهر بار از لجه دوات به ساحل این اوراق رسانیده دریست گرانبها و هر صورت که مصور خاطر غرابت مآثر از لوح دل بر صحایف این کتاب نقل نموده حوریست روح افزا ·

قطعه :

هر گوهر مراد که در بهر خوشدلی پرورده‌اند جمله درین بحر حاصلست
همچون جمال مشعله‌افروزدیده هاست همچون وصال خرمی اندوز هر دلست

وچون تعریف لطافت آن درثمین و توصیف نفاست آن صور بدایع آیین پایهٔ هر بی‌مایه وپیشهٔ هر بی توشهٔ نیست قلم مشکین رقم بایراد رباعی که در مدح جناب استادی گفته شده اختصار می‌نماید .

رباعی

موی‌قلمت تا به‌جهان چهره کشاد بر چهرهٔ‌مانی رقم نسخ نهاد
بس‌طبع که‌صورت نکوزاد ازو طبع تو ولی‌ازهمه آن‌ها به‌زاد

الحمد والثناء لله المصور لصور العباد والصلوٰة والسلام علی سیدنا محمد مادام الخط مصوراً بالقلم والمداد ،والله‌مظاهر صور الهداية والرشاد وعترته الذین هم‌شفاء نافی یوم التناد .

ب ـ نشان کلان آری کتاب خانهٔ همایون باسم کمال‌الدین بهزاد نوشت :
چون ارادت مصور کارخانهٔ ایجاد تکوین و مشیت محرر نگار خانهٔ آسمان وزمین که‌طبق کلمهٔ (وصور کم فاحسن صور کم) نقش و جود غرابت نمود بنی‌نوع بشر دراحسن‌صور برصفحهٔ امکان پرداخته‌قلم‌قدرت اوست وتصویر صورت تفضیل (ن‌ـ تفضل) افرادانسان برسایر مخلوقات ربانی بمقضای (وفضلناهم علی کثیر ممن خلقنا) تحریر کرده انامل حکمت او،منشور (انا جعلناك خليفة فی الارض) رابرصحیفهٔ‌حل کاری خورشید بخامهٔ عطارد بنام همایون‌انسجام مامضا نموده‌واوراق سپهر لاجوردی را جهت کتابت روزنامچه آثار فتح‌ونصرت‌ما بافشان نقرهٔ کوب کواکب وجدول شنجرف گون شفق منقش ومزین ارمو ده لایق آن ومناسب چنان مینماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون که‌مطرح اشعهٔ انوار الهی ومظهر صور آثار خیر خواهی است بدین صورت مصور باشد که هر مهم از کرایم مهمات سر کار گامرانی و هر امر ازعظایم امور کار خانهٔ جهانبانی بهر مندی داد کاردانی

136391

Marfat.com

فضیلت انتما که بطراحی ذهن باریك بین و رنگ آمیزی طبع ظرافت آئین طرح ابداع وانواع کفایت ونقش اختراع اصناف فراست بر تختهٔ وجود ظاهر تواندنمود ونقاب حجاب از چهرهٔ مطلوب ومقصود تواند کشود مفوض و متعلق باشد ، بناءعلی هذا درین ولانا در العصر قدوة المصورین واسوة المذهبین استاد کمال الدین بهزاد را که از قلم چهره کشایش جان مانی خجل شده واز کلك صورت آرایش لوح ارتنك (ن ـ ارسنك) منفعل گشته و پیوسته قلم وار سر بر خط فرمان واجب الاذعان نهاده و بر کار مثال پای در مرکز ملازمت آستان خلافت آشیان استوار کرده مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته حکم فرمودیم که منصب استیفاو کلانتری مردم کتابخانهٔ همایون و کاتبان ونقاشان و مذهبان و جدول کشان وحل کاران وزرکوبان و لاجورد شویان و سایر جماعتی که بامور مذکوره منسوب باشند در ممالك محروسه مفوض و متعلق بدو باشند .

سبیل امراء روشن ضمیر ووزرای بی شبهه و نظیر و نواب درگاه عالم پناه ویل چیان (ن ـ ایچکیان) بارگاه سپهر انتباه و مباشران امور سلطانی ومتصدیان مهام دیوانی عموماً واهالی کتابخانهٔ همایون وجماعه مذکوره خصوصا آنکه استاد مشار الیه را مستوفی ومتعهد کلانتری دانسته کارهای کتابخانه را باستیضاو بر اورد او برسانند و آنچه براود کند بمهر وثبت او معتبر دانند واز سخن وصوابدید او که در باب ضبط وربط امور کتابخانهٔ همایون گوید عدول وتجاوز نه نمایند ،و آنچه از لوازم امور مذکور است مخصوص بدو شناسند ومشار الیه نیز باید که صورت امانت وچهرهٔ دیانت بر لوح خاطر وصفحهٔ ضمیر منیر مصور و مرتسم گردانیده بطریقهٔ راستی درین امر شروع نماید و از میل و مداهنه مجتنب و محترز بوده از جادهٔ صدق و صواب انحراف و اجتناب نکند ـ از جوانب برین جمله بروند و چون این حکم همایون بنقش توقیع وقیع (کذا) اشرف اعلی منقش و مشرف و محلی گردد اعتماد نمایند تحریراً فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۹۲۸

Marfat.com

بهزاد در نظر غربیان :

ذوق سرشار و قریحهٔ مبتکر بهزاد که از آثار جهان قیمت او بخوبی پدیدار است نه تنها ما و شرقیان بلکه اروپائیان وذوقمندان دنیای غرب را نیز زیر تاثیر گرفته چنانچه عده‌ی از مستشرقین معروف در ضمن مطالعات قیمتدار خود راجع به شرق زمانی هم برای زنده کردن نام و روشن ساختن مقام این استاد بزرگ کار کرده و آنچه ازدست ایشان برآمده در این راه کوتاهی نه نموده اند .

ازجملهٔ اروپائیانیکه بیشتر در قسمت صنایع ظریفه شرق معلومات داشته و راجع به بهزاد نگارشاتی کرده اندمی توان اشخاص ذیل را نام برد :

رنه کروسه فرانسوی، دکتور کتل آلمانی ، موسیو هوارت فرانسوی معلم فارسی مدرسهٔ السنه شرقی پاریس، موسیو بلوشه کتابدار کتابخانهٔ ملی پاریس و موسیو مارتن فرانسوی. مارتن استاد بهزاد را چنین توصیف میکند :

« اگر چه کمال الدین بهزاد در یك محیط دیگر و در یك عهد دیگر زیسته مگر باز هم مقام او از مقام نقاشان معروف فرنگ مانند «ژان فوکه » و مملنگ (Memling)وغیره کمتر نمی باشد» استاد بهزاد که تقریباً در سنه ۱۵۲۷ م وفات یافته در مملکت خود در نزد پادشاه وقت بسی مظهر لطف و تحسین گردیده است چنانچه رفائیل در روم از طرف ایتالیائی ها مورد حرمت و پرستش واقع شده بود بهزاد در وطن خود نیز محبوب القلوب بوده و در روز وفاتش حزن و تأثر صنعت شناسان ملت بدرجه‌ی بوده که نظیرش کمتر دیده شده است .

تصویر های قلمی بهزاد را می توان در پهلوی تصویر های «فوکه» که در شانتلی است و تصویر های «کریمان» که در «وینز» است و یا در پهلوی نسخهٔ خطی مشهور «رنه دانژو» که در کتابخانهٔ امپراطوری «وین » است گذاشت-اینکه آثار روحی استادان فرنگ ممکن است از بعضی جهات برای ما خوشتر و با قیمت تر باشند باین سبب است که ادراك موضوع ومفهوم آنها برای دماغ ما آسانتر وطرز نقشه و

Marfat.com

نگارش آنها با احساسات قلبی ما موافق و نزدیك تر است و گرنه از نقطهٔ نظر صنعتکاری و مخصوصاً از نقطهٔ نظر تزئین در امتزاج و استعمال رنگها و تکامل عمل این میناتور ها بعینه نظیر آثار استادان مذکور بوده و بلکه بر آنها فایقند -))

اختصاصات سبك بهزاد :

طوریکه در اوایل گفتار خود گفتیم صنعت مینا تور در دورهٔ تیموریان پیشرفت زیاد نموده و به آخرین درجه ترقی خود رسید .

ولی باید این هم را گفته نماند که این صنعت به یك سلسله قیود مقید گردید که صنعتگران را در شیوه و سبك محدود نموده آزادی آنها را سلب کرد اگر چه صنعتگران در انتخاب موضوع کاملا مختار بودند ولی در سبك وطرز عمل مجبور بودند که از اصول معینی پیروی نموده از آن منحرف نشوند .

همان طوریکه عصر تیموریان در هرات به سلطنت سلطان حسین میرزا ختم میشود صنعت مینا تور سازی هرات نیز بوجود با فضل و افتخار بهزاد خاتمه می یابد، یعنی آخرین استاد این فن بهزاد است که نگار ستانی در هرات به تحت ریاست واستادی او تاسیس یافت و با قلم مبتکر وی چنان نازکی ها و خیال ها و رنگها ی جدیدی بمیان آمد که در آثار سلفش دیده نمی شود .

بهزاد را اعجوبهٔ زمان و استاد عصر خود نه تنها برای این نامیده اند که سبك جدیدی در میناتور سازی ایجاد نمود بلکه این صنعت با کلیه جزئیات خود بتوسط او به منتهادرجه تکامل رسیده است کار ها ی بهزاد تا عصر ها ی ما بعد ادامه داشته و بسبك او نقاشی میشده است .

در کار های دستی این استاد بزرگ نکته ی که خیلی ها جالب توجه است امتزاج و آهنگ رنگها و ثابت ماندن آنها می باشد. و درین شکی نیست که نقاشی ها ی بهزاد و عصر او از نقاشی ها ی متقدمین بمراتب بهتر است و آثاریکه از او باقی مانده همه گواهی

Marfat.com

میدهند که بهزاد در انتخاب رنگها و به کار بردن آنها ابراز هنر نموده است مثلا در اکثر آثار خود چهره های نازک و نفیس با یک خال سیاه بقشنگی آنها افزوده است و دردور نماهای کوچك یکنوع رنگ سبز که در واقع بسیار خوش منظر است دیده می شود که مخصوص کارهای او است .
خلاصه می توان اختصاصات وشیوهٔ مینا تورهای بهزاد را قرار ذیل تعیین نمود:
اول - درستی و دقت کامل .
دوم - نمایاندن وضع چهره وقیافهٔ اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیلهٔ ترکیب انواع رنگها .
سوم - حرکات و مفهوم داشتن اشارات تصاویر یعنی در آثار بهزاد عموماً در نگاه ، حرکات و اوضاع تصویر چنان مهارتی بخرج رفته که بیننده می تواند بیك نظر مفهوم آنها را بداند .
۴ - ظرافت در کشیدن درختان، گلها و دورنما ها و همچنان قشنگی اشعهٔ خورشید و ابر وغیره در نمایش تابلو های طبیعت .
۵ - تعدد رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر . یعنی استاد بهزاد در تصاویر ونقاشی های خود رنگهای متعدد و مختلف را بکار برده که دیگر نقاشان وصور تگران از اکثر آنها بی خبر بودند و یا اگر خبری هم داشتند آنها را بکار نمی بردند علاوه بر اینها سر «ارنالد» مستشرق شهیر انگلیسی یکی از اختصاصات مهم تصاویر و نقاشی های بهزاد بوته های براق را میداند چنانچه در کتاب خود موسوم به بهزاد و مصوریهای او در مینا تور های ظفر نامه در ضمن تفصیلات تصویر نمره اول و نمره دوم کتاب مذکور میگوید: (۱)
«این منظره نشان میدهد که مجلس در باغی منعقد گردیده سطح و زمین تصویر با او راق بوته های براق تزئین شده است و این زینت اخیر الذکر مخصوصاً منسوب به صورتگری های بهزاد بوده ویکی از علایم ممیزه مصوری ونقاشی او است .»

---

(۱) این اثر در انجمن تاریخ بتوسط غلام قادر خان فایق ترجمه شده و تا کنون به طبع نرسیده است .

Marfat.com

در کار ها ی این استاد بزرگ رنگها ی شکسته مانند سرمه ی، سبز تیره، فیروزه ی، سبز رو شن، رنگ زیتو ن و زرد و قهو ه ی بیشتر یا فت می شود .

طلا و نقر ه نیز در نقا شی ها و تصا ویر بهز اد بکا ر رفته و اقسام مختلف رنگ قرمز را هم استعمال کرده است .

آثار بهزا د :

اگر چه استاد بهزاد زندگانی آرام نداشته وچند ین بار از هرا ت به تبریز واز تبریز به غیر ه جاها مسافرت نموده است ولی با آن هم هرگاهیکه فرصتی بدست می آورد ازموقع ا ستفاده نموده از خو د آثار گرانبهای به یادگار باقی گذاشته است - آرام ترین ودرخشنده ترین روز های زندگانی این مصور نامدار همان ایامی را می توان گفت که در عهدسلطان حسین بایقرا بایك خاطر آرام در شهر هرا ت گذرانیده است اکثراً مینا تور ها و آثار بهزاد که در تمامی موزه های

در تعلیقات فکری سلجوقی صفحه (۱۰۱) در شرح حال بهزاد چنین نو شته شده :

این نقاش بزرگ تحت تربیت ونوازش امیر علی شیر بحد کمال رسیده و درشیو ۀ نقاشی هرات تصرفات واصلاحات دقیق وعالمانه نموده سبکی زیبا به وجود آ ورد که آنرا مکتب هرات یا مکتب بهزاد می نامند واین مکتب ر ا از ا سا س وریشه شاه اسماعیل صفوی وعبیدالله خان اوزبك هر دو از هر طرف بر کنده (بردند و برادرانه قسمت کردند .) یعنی نیمی از ین هنرمندان به بخارا کوچانیده شدند ونیمی بقزوین وآنهائیکه برفتن بخارا راضی نبودند چندی متواری بودند وعاقبت راه هند گرفتند .

چنانچه گفته شده بهزاد بدستور شاه اسماعیل از هرات بقزوین برد ه شده و از آنجا به تبریز رفت ونزد شاه اسماعیل وشاه طهما سب نهایت عزیز بود و بحر مت زندگی میکرد .

سال و فا ت بهزاد همان سا ل نهصد و چهل دوی هجری قمری یعنی سال وفات مولینا رستم علی خواهرزاده وی بوده ودوست محمد گوشانی وفات اورا در تبریز و خاك اورا در جوار کمال (کمال خنجندی شاعر که در تبریز مدفون میباشد) معرفی مینماید .

Marfat.com

عالم و کتب خانه های سلطنتی شرق وغرب پیدا شدن آنها مستغنی و توانگر اند ، رویهمرفته محصول آن قسمت زندگانی بهزاد است که در هرات زیبا سپری شده زیرا مرقعات و کتب که نقش بهزاد را بخود دیده حتماً با خطوط زیبا و قشنگ خطاطان معروف هرات مانند سلطان علی و سلطان محمد خندان وغیره توأم وهمراه اند باآنکه بهزاد هیچ موقعی را ازدست نداده وهمیشه مصروف نقاشی ومینیاتورسازی بوده است معهذ آثار گران مایهٔ او بسیار کم ونادر است .

از آثار این استاد زبردست تاکنون آنچه دیده شده ودر موزه های دنیا موجود است قرار ذیل است :

۱- اغلب کار های بهزاد درموزیم افغانستان موجود بوده ولی متأسفانه در اثر شورش واغتشاش خاتمان سوز چند سال قبل تماماً

اما دوست ارجمند مرحوم گویای اعتمادی فرمودند که در دهلی بکتابخانه بانوی دانشمند یعنی زهرای داعی الاسلام رساله ی دیدم تألیف حاج شیخ محمد قمی کتابدار، در آن رساله مسطور است که بهزاد پس از سالها ماندن در قزوین و تبریز جهة دیدار مولینا رستم علی خواهر زادهٔ خود بهرات برگشت و قبل از ورود بهزاد بهرات مولینا رستم علی از جهان رفته بود و قضا را در همان سال بهزاد را مرض عارض شد واز دنیا رحلت کرد .

پیکر پاك آن استاد نامدار را در جوار قبه‌ی پر نقش و نگار مختار بهلوی رستم علی خواهر زاده اش دفن نمودند واین قول نزدیك بحقیقت است که چندین سال قبل لوح مزار مولینا رستم علی پسر خواهر بهزاد از شمال مزار حضرت شیخ عمر جغادگی از زیر خاك بیرون شد مرحوم عبدالرحیم خان نائب سالار آن لوح را از بیم تلف شدن بقلعه خوش برد تا در فرصتی خاك پسر خواهر بهزاد را احیا نماید اما فرصت نیافت و آن لوح همانجا بماند بعد از وی لوح موصوف به بلدیه وازانجا به مسجد جامع نقل یافت .(۱)

در عصر نائب الحکومه گی جناب ملکیار در نظر بود که خاك رستم علی و بهزاد هر دو در جوار مزار شیخ عمر که قریب قبه مختار واقع است در محل کشف لوح بصورت آبرو مندی ساخته و احیا شود .

---

(۱) قرار معلوم تاکنون لوح مذکور در مسجد جامع هرات محفوظ است .

Marfat.com

بر باد و تلف گردیدند از آنجمله یکی سلامان وابسال مولینا بود که از طرف سلطانعلی خوش نویس استنساخ ونقاشی های آن بدست خود استاد بهزاد بامیناتور های متن وزرنگاریهای حواشی کتاب صورت گرفته بود . دیگری مرقعات یا بهارستان بهزاد که مجالس سلطان هرات را بصورت های گوناگون و مینا تور های قشنگ ترسیم نموده وازان گنجینهٔ گرانبها چهل مرقع آن که یك طرفش کارهای نفیس بهزاد وطرف دیگرش صنعت خطا طی و خوشنویسی خطاطان معروف آن عهد را شامل بود در جملهٔ کتب مرحوم نائب السلطنه موجود واخیراً بدست موسیو فوشهٔ فرانسوی آمده و یادگاراً به موزیم لور (Louvre) پاریس اهدا شده است .

۲ - صورتهای کتاب ظفرنامهٔ تیمور که بخط شرف الدین یزدی بهرشتهٔ تحریر آمده است این کتاب ظریف به تاریخ ۱۴۵۳ میلادی انجام یافته است .

بعضی از مورخین براناند که این کتاب برای میرزا ابراهیم سلطان نوشته شده وبرخی را عقیده چنان است که این کتاب همان کتاب اکبر نامه می باشد که مال کتابخانهٔ شاهی همایون پسر بابر پادشاه مغول بوده وازطرف سلطان علی استنساخ شده و بهزاد نیز نقش وتذهیبش کرده است. درخصوص قیمت این اثر نادر متخصصین اروپا می نویسند که این کتاب از گرانبهاترین کتب دنیا بوده است .

۳ - باغ بهشت هرات که از جملهٔ آثار بسیار قابل قدر وتمجید این استاد بشمار میرود .

۴ - یك جلد کتاب خمسهٔ امیر خسرو دهلوی که درسنهٔ ۱۴۹۶ نوشته شده ودارای ۳۳ میناتور کار بهزاد می باشد .

و او را نیز فرصت این امر حاصل نشد و لوح در مسجد جامع بماند تا جهت مزار یکی از معاصرین از هرات لوحی خواستند و از هرات برده بخاکش نصب نمودند و باین ترتیب لوح قبر دستم علی از میان رفت و دغدغه احیای قبر بهزاد از اذهان فراموش شد .

Marfat.com

۵- در موزهٔ بریتش لندن و در استانبول در سرای یلدز نیز از آثار بدیعهٔ بهزاد موجود است چنانچه در ین اواخر در استانبول «ارمنابیك» عضو وزارت اوقاف رسالهٔ بنام آثار بهزاد در زبان فرانسه نوشته و شرحی در ین خصوص داده است .

۶- در تاریخ ۱۵۳۷ یکنفر کاظم نام از آثار بدیعهٔ صنعت گران معروف مرقعی جمع آوری کرده و به شاه طهماسب صفوی تقدیم نموده است که در آن یکی از شاه کار های بهزاد یعنی تصویر ضحاك نیز موجود بود .

۷- مرقع تاریخ تیمور که در ۱۴۶۷ به اتمام رسیده و تصاویر آن از قدیمترین و معروف ترین آثار بهزاد است این مرقع دارای صفحه های می باشد که هردوطرف آن ها نقش طلا کاری شده و هیچ نوشته ندارد و این آثار بدیعه نمونهٔ خوبی برای شناختن استعداد فطری استاد بهزاد می باشند. قرار نوشتهٔ رونهٔ گروسه در کتاب مدنیت های شرق . این کتاب امروز در موزهٔ بوستون (Boston) امریکا محفوظ بوده ودر آن تصویر تیمور بروی تخت پادشاهی و صحنهٔ پذیرائی در بار تیمور و تابلوی هجوم سواران در یك قلعهٔ جنگی وهمچنان ساختمان یك مسجد وغیره تصاویر صحنه های زندگانی تیمور بمشاهده میرسد .

مرحوم فکری سلجوقی در تعلیقاتش از بهزاد همین قدر یاد کرده قطعه ئی را که امیر دوست هاشمی در تاریخ وفات بهزاد سروده واز جمله اضافی (خاك قبر بهزاد) تاریخ گشیده نیز نوشته و عین آن در صفحهٔ (۱۵) کتاب نعیمی ذکر شده ولی بتاغلی وفای سلجوقی که تعلیقات پدرش را بطبع رسانیده در پاصفحه گی آن عبارت ذیل را علاوه میکنند :

استاد بهزاد را کتاب سرآمدان هنر چاپ برلین و دانشمند محترم آقای دکتور زکی محمد حسن مصری در کتاب «التصویر فی الاسلام عند الفرس» شاگرد سید احمد تبریزی معرفی میکنند وآقای دکتور زکی باز میگوید :

دیگران میگویند که «بهزاد نقاشی را در هرات نزد میرك آموخته» ظاهراً گفته اول بعید می نماید زیرا نمی توان فکر کرد که در حالیکه بهزاد در خانهٔ نقاشی چیره دست چون خواجه میرك بزرگ شده باشد نقاشی را نزد دیگری آموخته باشد .

Marfat.com

۸ - نسخه بوستان سعدی که در ۱۴۸۷ نوشته شده و در موزهٔ قاهره موجود است ولی متأسفانه اوراق این اثر بدیع قدری ناقص است. رونه گروسه در کتاب مدنیت های شرق خود می گوید که در ین اثر صحنه های مهمانی ومجالس طرب وساختمان های داخلی مسجد بمشاهده رسیده و تصاویر آن هریك بذات خود یك شاهکار رسامی بوده وخیلی ها زیبا وزنده کشیده شده اند .

۹ - در کتابخانهٔ ملی برلین نیز ۳۳ پارچه ازمیناتورهای نگارخانهٔ بهزاد موجود است این میناتور ها دریك نسخهٔ دیوان امیر خسرو که در ۱۴۹۶ نوشته شده کشیده شده اند . و چند ان بعید نیست که چند پارچهٔ آنها کار دست خود بهزاد استاد بزرگ نگارستان هرات باشد .

۱۰ - یکی دیگر از شاهکاری های بهزاد تصویر سلطان حسین میرزا میباشد این تصویروقتی در جزء کلکسیون «مارتن» بودواولین تصویریست که درآن تماماً اختصاصات ظاهری و باطنی یك شخص نشانداده شده است و نظر به گفتهٔ رونه گروسه دربین تصویر دستی استاد بهزاد و آثار استادان پیشین چنان تفاوتی موجود است که در بین کار های نقاشان امروزی اروپا و تصاویر دستی ژان فوکه یا فرانسوا کلوه (Francois clouet) تفاوت بنظر میرسد .

مرحوم گویا اعتمادی راجع به محل دفن استاد بهزاد هروی نقاش معروف درسا لنامهٔ ۱۳۱۷ کابل تبصرهٔ جالبی نموده که اینك عین گفتار او را جهة روشنی مطلب در اینجا نقل میکنم :

«اخیراً در حیدرآباد دکن در کتاب خانهٔ شخص فاضل محترم جناب آقای سید محمد علی داعی الاسلام مولف فرهنگ نظام کتابی بنام تذکره خوشنویسان و نقاشان تالیف قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول بمطالعه رسید که نسبت به بهزاد اطلاع نفیس وجهان قیمتی داشت یعنی مدفن او را بطور صحیح و محقق نشانداده بدین عبارت :

استاد بهزاد از دارالسلطنهٔ هرات است در طفولیت از پدر ومادر ماند و استاد میرك کتاب دار سلطان حسین او را تربیت نمود و کارش بجائی رسید که از هر

۱۱ - تصویر یك شهزاده اسیر است و بقرار عقیدهٔ مارتن این مینیاتور تصویر آخرین رئیس قبیلهٔ آق قیونلو است که در ۱۵۰۲ بدست صفویان بقتل رسیده این مینیاتور امروز در جزء کلکسیون دوه (Douet) محفوظ است.

۱۲ - تصویر مراد آق قیونلو است که در جزء کلکسیون (Koechlin) موجود است.

۱۳ - نسخه خمسهٔ نظامی که در ۱۴۳۴ نوشته شده و امروز در برتش موزیم لندن موجود میباشد، اگر چه موسیومی ژن (Migeon)و ارمناك بیکك قسمتی از نقاشی های این کتاب را کار قاسم علی هراتی معاصر بهزاد و قسمت دیگر آنرا عمل آقا میرك میدانند ولی موسیو مارتن که یکی از بزرگترین مینیاتورشناسان مینیاتور های شرق میباشد تصاویر این خمسه را ببهزاد منسوب میکند.

۱۴ - نسخهٔ بسیار قشنگی که در ۱۵۱۱ در شهر هرات برای کتابخانهٔ سلطان حسین میرزا که شش سال پیش از انجام یا فتن آن کتاب در۱۵۰۴ وفات یافته استنساخ شده است که حالا در کتابخانهٔ برتش موزیم لندن موجود است.

ع

این نسخهٔ خطی در ۱۴۷۵ از طرف محمد بن عطار استنساخ و بهزاد نیز با صورت های چینی آنرا پیرایه بسته است.

چون صورت این اثر از شاهکار های استاد بهزاد است لهذا یك اثر خیلی قیمتی و بااهمیت میباشد. قرار گفتهٔ مارتن در مینیاتوری های این اثر تصاویر درویش های رقص کنندهٔ مجلس پذیرایی خسرو از شیرین وولادت مجنون ومنظرهٔ بهار و تصویر مردیکه طوطی سبز رنگ در دست دارد و از جملهٔ شاهکارهای بهزاد بشمار میرود به مشاهد میرسد.

مصوری برتری یافت.

نگار ذغالش بچابکر دی — به است از قلم گیری مانوی
اگر مانی ازوی خبر داشتی — ازو طرح و اندازه بر داشتی
بود صورت مرغ او دلپذیر — چومرغ مسیحا شده روح گیر

وفات او در دار السلطنه هرات و در حوالی کوه مختار در حظیرهٔ پر نقش و نگار آن مدفون است.

Marfat.com

۱۵ ـ یك تابلوی قشنگ وزیبا ـ این تابلو یکی از بهترین و قشنگ ترین صورت هایی است که هیچ نقاش چنین اثر بدیعی بوجود نیاورده ومنظرهٔ روح افزای بهار رانشان میدهد، این تصویر چنان یك طراوت فصل بهار و پرتو آفتاب وزندگانی خرم و روشنائی زیبائی را بما الهام میکند که منظرهٔ دلچسب آن فقط منحصر بسرزمین خرم آریانا است .

۱۶ ـ درموزهٔ پتر سبورگ یك عده میناتور هایی موجود است که قصهٔ لیلی ومجنون را نشان میدهند . این میناتورها از جملهٔ بهترین آثار بهزاد بشمار رفته ودرجهٔ احساسات افکار وقوهٔ مبتکرهٔ او را بخوبی نشان میدهند . استاد بهزاد درنقش کردن این میناتورها ونشان دادن قوهٔ جذبات عشق صنعت عجیبی از خود نشان داده است چیز یکه بیشتر درین تصاویر جلب نظر میکند اینست که بهزاد با کشیدن وترتیب دادن این میناتور ها مانند نقاشان امروزی اروپا صنعت نقاشی را ازخیالات شاعرانه بطرف حقیقت هدایت کرده است بدین معنی که درهرات وهندوستان چندین بار تصویر لیلی ومجنون را بصورتی کشیده اند که دراکثر تابلوهای آنها حیوانات درنده باحیوانات اهلی دریك جانشان داده شده اند واین خود جز اغراقات شاعرانه چیزی بیش نیست ولی بهزاد این مطلب را بطوری حل کرده که هم ازاسلوب قدما تأسی جسته وهم قدمی بطرف تجدد برداشته است بدین طریق که حیوانات وحشی را دریك صحنهٔ بتوسط یك نهر از حیوانات اهلی جدا کرده است .

۱۷ ـ تصویریست در موزهٔ شیر از بقلم بهزاد که درنمایش صنایع ایران

نوشتهٔ مرحوم گویا اعتمادی که در سطور پیش نقل شد از گلستان هنر نقل شده که نسخهٔ خطی آن در مشهد نزد دانشمند گلچین معانی موجود است .

در انسا کلوپیدی اسلام (ج ۱ ص ۱۲۱۱ نیز ذکر شده که «بنابه قول قاضی احمد بهزاد درهرات وفات یافت ودر جوار کوه مختار در بین محوطهٔ پراز نقش و نگار مدفون گشته بود مزار حضرت شیخ عمر در جنوب قبه مختار واقع است قبه مختار که در رسالهٔ مزارات ذکر آن دیده میشود آثار آن تابیست سال قبل باقی بود. شمارهٔ ۶ دورهٔ بیست وهشت مجلهٔ آریانا .

Marfat.com

در لندن به‌سال ۱۹۳۱ موجود بود در ین تصویر ر قیمهٔ ذیل را بهز اد بخط خو د نو شته ا ست که از آن درا ز ی سن ا و هم معلو م میشو د

این رقمی است بدیع مشعر از مضمون : (افلا ینظرون الی الا بل کیف خلقت) که این شکسته نهاد فقیر نامراد بهزاد بعد از وصو ل عمر بدرجهٔ هفتاد و تجر بهٔ قوی درین امر افتاد .

درین تصویر ا شتری دیده میشو د که پیر مرد سالخوردهٔ مهار ش را بدست گر فته میخواهد او را چوك کند از روی این در عهد جهانگیر و بحکم او نا نهای مصور در ۱۰۱۷ ه،ق تصویر ی کشیده چنا نچه همین نقل نیز در نمایش لندن موجود بوده عبار تی که جهان گیر بقلم خود نوشته حسب ذیل است :

ا لله اکبر . این کار استاد بهز اد را دیده نا نهای .صور کر دهٔ حسب الحکم من . حر رهٔ جهانگیر بن اکبر پا دشاه غازی ۱۰۱۷ ه ق .

۱۸- دیگر از آثار بهزاد تصاویر نسخهٔ تیمور نامه‌ی بود که به خط استاد سلطان علی تصویر شده چنا نچه مؤلف تاریخ گجرات که مشتمل است بر و قا یع ۹۴۱ ه د ر صفحهٔ ۲۴۴ جلد اول کتا ب خود بزبان عر بی راجع بدین کتاب چیزی نوشته که ترجمهٔ آن قرار ذیل است :

هجوم آوردند بر خیمه نشینان و نیافتند مگر چیزهای ثقیل پس تاراج کردند هر چه یافتند حتی کتب را و از جملهٔ چیز ها ئیکه بردند یك جلد تیمور نامهٔ مولیناها تفی بود که بخط استاد سلطان علی تحر یر و باقلم بهزاد مصور شده بود .

استا د پیر احمد باغ شما لی، استا د سید محمد نقا ش و خواجه علی مصود و استاد قوام الدین مجلد (صحاف) و نقاش تبر یزی آنها را با یسنغر از تبریز بهرات آورد و سید خلیل الله مشهور به خلیل هروی نقاش که او نیز هم اسم امیر خلیل هروی خو شنویس معاصر عماد است نباید که اشتباه شود و خواجه غیاث الدین پیر احمد زرکوب که شاید همان غیاث الدین نقاش هروی باشد که از طرف بایسنغر بسفارت به چا لب‌ختای ر فته تا طرح باغهای چین را با خود بیاورد و هم بنقاشی سبك چین آشنا شو د شر ح حال آن هنر مند آن را بیش از آنچه‌دو ست محمد گفته در جا ئی یافته نتوانستم .

Marfat.com

۱۹ - در بریتش موزیم لندن خمسهٔ نظامی که تاریخ تحریر آن ۸۴۶ هجری است موجود بوده وتصویر های آنرا تماماً بهزاد به‌سن جوانی کشیده است .

۲۰ - در نمایش لندن از کتابخانهٔ ملیهٔ مصر یك نسخه خطی گلستان شیخ سعدی دیده شد که تمام تصاویر آن بقلم بهزاد بوده و بهترین شاهکار فن مصوری بقلم میرفت ، سنهٔ تصویر آن ۸۹۲-۸۹۴هجری بود .

۲۱- منظرهٔ جنگ شتران . صاحب کتاب تاریخ‌صنایع ایران می گوید که مینا تور بسیار زیبا و جالب توجهی که منظرهٔ جنگ شتر ان را نشان میدهد در تصرف دولت ایران است و می گویند آنرا بهز اد در سن هفتاد سالگی ساخته است .

۲۲ - تصویر مولانا جامی قرار نوشتهٔ مؤلف نامهٔ صورت گران یك تصویر مولینا جامی در کتابخانهٔ حضرت رضاء موجوداست که بقلم بدیع رقم استاد بهزاد کشیده شده است ، درین هیچ تردیدی موجود نیست که تمثال این شاعر بزرگ را بهزاد کشیده باشد زیرا مسلم است که او را مکرراً در دربار سلطان حسین بایقرا ملاقات کرده وفوق العاده باوی‌دوست ومهربان بوده است . این تصویر مولینا جامی که بقلم سحر آسای بهزاد کشیده شده درهند نیز بتوسط دولت نام مصور در (رجهانگیر نقل شده است چنانچه اندره گوادر فرانسوی درکتاب آثار ایران درضمن صحبت از تصاویر مرقعی موسوم به گلشن که در ۱۹۳۱ به نمایشگاه صنایع ظریفهٔ شرق در لندن فرستاده شده‌بود این مسئله راواضح ساخته‌ومی‌گوید : (درین نمایشگاه گرانبها ترین تصاویر این مرقع را بمعرض نمایش گذاشته اند مانند دو صفحهٔ که‌سلطان حسین بایقرا را در باغ خود نشان می‌دهد و صفحاتیکه منسوب به‌بهزادوعبدالصمد است ولی ظاهراً نظر به ترتیب مخصوصی که دراوراق مرقع رعایت شده است چندین پردهٔ دیگر که برای تاریخ نقاشی هندی دارای اهمیت‌میباشند ، متروك ومهجورمانندهٔ انداز تصاویر دولت که بر حواشی

مرقع گلشن کشیده دو تصویر دیگر او نیز اهمیت مخصوصی دارند که در حاشیه ۱۴۰ مرتسم است، در وسط حاشیه بالای این صفحه پیر مردی رسم شده که نشسته و برقبای سادهٔ خاکستری تیرهٔ کمربند آبی بسته است است در دستش کاغذی است و بر آن نوشته شده :

(الله اکبر - شبیه مولنا عبدالرحمن جامی) و بر کتابیکه در برابر او بزمین نهاده است این عبارات خوانده می شود :

« عامله کمترین خانه زادان دولت جهانگیر شاهی از عمل استاد بهزاد نقل نمود » . . . . هیئت نجیب و ساده جامی که ازین تصویر نمایان است با شرحیکه صاحبان تذکره از اخلاق و صفات آن شاعر داده اند موافقت تام دارد . پیداست که مرد نیك محضر و مهربان بوده است .

۲۳ - از جمله آثار بهزاد که بیشتر از همه مورد دلچسپی ما واقع می شود تصاویر مینیاتوری است که در یك نسخه خمسه نظامی کشیده شده است این نسخه بخط سلطان علی معروف تحریر و در کتابخانه ی شخصی بناغلی محمد نعیم (در زمان طبع اول کتاب وزیر معارف و معاون صدارت بودند ، موجود است امید است در آیندهٔ نزدیکی مقالهٔ جداگانه در اطراف این اثر مهم تهیه و بمعرض استفاده قرار بدهیم .

((ت))

تابعی (مولانا)

از نقاشان و صنعتگران معروف هرات است . علاوه بر صنعت نقاشی و صورتگری در علم موسیقی و نواختن موزیك هم شهرت زیاد داشت اگرچه ترجمهٔ مفصل حالات او در تواریخ و تذکره ها یافت نمی شود اما با آن از روی حدس و قراین می توان او را از ناموران قرن دهم هرات دانست از جملهٔ آلات موزیك دری بیشتر مهارت داشت گذشته از آن قریحهٔ شعری نیز داشت واشعاری هم از او بیادگار مانده است (۱)

(۱) صفحه ۱۷۲ ریاض الشعرا نسخهٔ قلمی متعلق به مرحوم هاشم شایق افندی مولفه علی قلمی دا غستانی .

Marfat.com

((ج))

جنید (مو لا نا)

از مصوران و صور تگران قرن نهم هراتست(۱)در عهد سلطان حسین بایقرا شهرت یافته است و از روی نام او معلوم میشود که باید ا صلا از صفحا ت شما ل افغا نستا ن بوده با شد بهر حا ل در فن خو د از صنعتگر ان در جه دوم بحساب میر فت .

((ح))

حا جی محمد نقا ش :

حاجی محمد از نقشان معروف قرن نهم بلدهٔ تاریخی هراتست که در لطا فت طبع واشعارشیوای خودهم شهرت بسیاری داشت او ایل زند گانی این صنعتگر ماهر پره معلوم نیست ولی تا جائیکه کتب ومآخذ کمک میکنند در عصر سلطا ن حسین میر زا بایقرا میز یسته و مرد معزز و محترمی بوده است در ابتدا ء به نزد میر علی شیر نوا ئی تقرب زیاد داشته و بخد مت او سالهای زیادی بسر برده چنا نچه در همین اثر به رتبهٔ کتا بد ا ری و ز یر مو صو ف نا ئل شده بود ولی از آ نجا که حا جی محمد دراواخر ازامیر علی شیر آزرده خاطر گردیده وسر گر انی داشت آرزوی خدمت گذاری بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا را که در آن اوقات از طرف پدر والی سیستان بود بدل می پرورا نید بالاخر ه بدین آرزوی خویش نا یل گردیده و هنگامیکه بدیع الزمان بنای شورش را

جلال الدین میرک حسینی :

از شاگر دان بز رگ بهزاد بود که بعد از بهزاد می توان از و نام برد . سا ل وفا تش واضح نیست ظاهرا بعد از شاه طهماسپ مدت کم حیات دا شته .

---

(۱) صفحهٔ ۷۲ شماره ۷۱ مجله کا بل .

بر پدر گذاشت و در حدود سنه ۹۰۴ هجری هرات را محاصره نمود از شهر هرات فرار کرده بشهزادهٔ مذکور پیوست این نقاش ماهر به نسبت لیاقت و استعداد فوق العادهٔ خویش در حضور بدیع الزمان تقرب و اعتبار زیادی حاصل نموده به سمت کتابداری او مقرر گشت و باقیمانده عمر خودرا به فراغت وآسوده دلی گذرانیده مشغول نقاشی و تذهیب کاری بود-حاجی محمد نه تنها صنعت نقاشی و تذهیب را خوب میدانست بلکه جامع الکمالات بودوچندین اختراع محیر العقولی در آنوقت بوجود آورد ازجمله ساعتی برای کتابخانهٔ امیرعلی شیر نوائی اختراع کرد که صاحب حبیب السیر آنرا چنین تعریف میکند :

(از جملهٔ مخترعات مولانا حاجی محمد صندوق ساعتی است که در کتابخانهٔ امیر نظام الدین علیشیر ترتیب نموده و در آن صندوق صورتی تعبیین کرده بود . که چوبی در دست داشت و چون یکساعت از روز می گذشت آن پیکرچوب را یکنوبت بر نقاره که در پیش او بود میزد و بعد از گذشتن ساعت دوم دو نوبت آن حرکت میکرد و علی هذالقیاس (۱) مولانا حاجی محمد نقاش درحسن رویه وسلوك در تمام تذکره ها و مآخذ موقعیت خوبی را احراز کرده و میگویند مرد کریم النفس، عالم و خوش صحبت بود، درعلوم وصنایع متداولهٔ آن زمان ازقبیل نقاشی و تذهیب کاری وغیره کمترچیزی بود که وی به آن شناسائی و مهارت نداشته باشد چنانچه امیر علی شیر نوائی در تذکرهٔ معروف خود (مجالس النفائس) چنین میگوید : (نقاش شهر هرات ومرد خوش طبعی است خیالات غریب میکند و کم فنی باشد که اورا در آن اندیشه بخاطر نرسد . . . حالا در عراق است (۲)

طوریکه درمدارك ومآخذ مذکور است حاجی محمد دستگاه و کارخانهٔ چینی سازی نیز در هرات بنا نموده بود وبعد از تجارب و عملیات زیاد بالاخره موفق شد که دران ظروفی به سبك واجزاء ظروف چینی خطائی

---

(۱) صفحه ۳۴۲ حبیب السیر طبع ۱۸۴۷ هندوستان .

(۲) صفحه ۲۵۵ لطایف نامهٔ فخری (ترجمه فارسی مجالس النفایس

Marfat.com

که دران اوقات معروف به‌چینی فغفوری بود بسازد چینی های ساخته فابر یکه او بقو ل خو ند میر با چینی ها ی محصو ل مملکت خطا ی هیچ تفاو تی ند ا شت ۰

این نقاش وصنعتگر شهیر و طن مرد جهان دیده بوده و مسا فرتها به فارس و عراق کرده است که جز ئیات آنها چندان رو شن نسیت خلا صه این استا د هنر مند در اوایل استیلای محمد خا ن شیبا نی (: ر حد ود ۹۱۳ - ۹۱۵) در هر ا ت فوت کرده است.

حسا م الد ین (استا د)

معروف به حسام الدین غداره گرواز صنعتگر ان قرن نهم هر ا تست ور زمان سلطان حسین با یقرا میزیست وصاحب تاریخ رشیدی او را از صورتگرا ن و نقاشا ن درجه دوم می شمارد (۱) از شهرت او معلو م می‌شود که علاوه بر مصوری و نقاشی درساختن تیر وپیکان نیز استاد ماهری بوده است ۰

(سید) روح الله هروی معروف بخواجه میرك نقاش :

وی بقول دوست محمد گوشانی از سادات کما نگرهرات است‌وشاگردمولانا ولی‌الله نقا ش و خط ثلث‌را ظاهراً از مولینا ولی الله (ولی قلندرهروی) آموخته باشد . سید روح‌الله میرك از نقاشان وهنر مندان زبر دست عصر سلطان حسین با یقرا است که چندی بشغل کتا بد ا ری وی منصوب بوده‌او را نیز میرك کتا بدار می گفتند ۰

این نقاش هنرمند مردی آزاد مشرب‌وخوشگذران بوده چنا نکه امیر علی شیر نوائی هنگام ترمیم مسجد جامع هرات کار نگاشتن کتا یب‌مسجد را بوی امر فر موده و او بی اعتنا ئی میکرده ودر قریه شاد رو ان (سفیدروان) ساوه حا لیه که دهی ازدهات هرات است بباغ خصوصی خود بعیش مشغو ل بود بکار مسجد نمی پرداخت و از طرفی مرحوم امیره‌ای شیر نیز شتاب مینمود که کار مسجد بزودی بپایان رسد وازحلم و محبتی که باهل هنر داشت نمی خواست که شخصاً خواجه‌میرك را تکلیف دهد تا آخر

---

(۱) صفحه ۷۲ شما ره ۱۱ سا ل ٦ مجله کا بل ۰

((د))

د ر و یش محمد :

مولینادرویش محمد از جملهٔ مصور ان و نقا شان هراست که در زمان سلطان حسین بایقرا میز یسته و در نگار خا نهٔ بهز اد مشغو ل وظیفه نقاشی بوده است این صنعتگرنامدار از جملهٔ شا گردان هنرمند استاد بهراد است پدر او محمد مومن نام دا شته اگر چه درویش محمد در ابتداء بصنعت نقاشی تعمیرات و رنگمالی منازل و غیره ا شتغا ل می ور زیده مگر بعد ها به خدمت استاد کمال الدین بهزاد در آمده و در اثر حسن تربیه و تعلیمات این نا بغهٔ فن به مصو ری و نقا شی عشق مفرطی حاصل کرده آنرا به سر حد کمال رسانید قرار یکه امیر علی شیر نو ائی می نو یسد (۱) تقریباً تمام کار های نگار ستا ن بهزاد را او میکر د ه است .

درویش محمد نه تنها نقاش و مصورزبردست بود بلکه در شعر و ادبیات نیز دست رس کافی داشت جزئیات زند گانی این صنعت کار چندان معلوم نیست

فرمانی از طرف سلطان حسین اسمی خواجه میرك صادر فرمود که فلان مبلغ باقیات دیوان سلطنتی که بر ذمه شماست بصورت فوری تحویل خزانه نموده بخود رسید بگیرید بیچاره خواجه میرك ازین حکم مشوش گردیده خود را بامیر علی شیر رسانیده و عرض کرد که هرگز چنین پولی باقی نبوده واستدعا نموده که او را از قهر سلطانی نجات بخشد .

امیر بخند ید و فرمود تو کار کتیبه مسجد را تمام کن ما هم علاوه برحق الزحمه تو آن مبلغ را بدیوان ادا می نمائیم تا از قرض که دفتر بنام تو نوشته اند خلاص شوی . پس خواجه میرك بزودترین فرصتی کتیبه مسجد را با تمام رسانید .

دو بال یمین و یسار ایوان جنوبی مسجد جامع هرات بخط ثلث و زیبای سیدروح الله

---

(۱) صفحه ۲۵۶ لطائف نامه فخری

و لی چیز یکه می تو ا ن اظهار نمود اینست که وی بعد از انقراض سلطنت تیموریان هرات مسافرتی بفا رس کرده واز آنجا به هندوستان رفت و بدربار همایون پادشاه مغلی هند تقرب و اعتماد زیادحاصل کرد. چون مغلهای هندمانند دیگر اسلاف واقارب خویش (جانشینان چنگیز و تیمور) ذوق مفرطی به صنایع ظریفه و میناتورو نقاشی داشتند حتی وزراء و منشیان ایشان نیز به تأسی اذواق آنها به مصوری و نقاشی می پرداختند چنانچه میرزا حیدر منشی دربار همایون مصوری رادوست می داشت و به نزد درویش محمد شاگرد شدونظر به احترام معلمی و اعتباریکه به نزد همایون داشت منشی مذکور اورا فوق العاده احترام میکرد و در بارهٔ وی به مولفهٔ معروف خود تاریخ رشیدی در ضمن بیان مصوران عصر سلطان حسین بایقراچنین می نویسد :

(مولینا درویش محمد که استاد فقیر است شاگرد مظفر شاه است در بار یکی قلم مثل ندارد بلکه از شاه مظفر نیز گذرانیده ... وی صورت سواری ساخته است که شیری را بر نیزه بر داشته است مجموع آن در تهٔ یك برنج مینماید)

میرك باقی بود که در نظر بود آنرا از جای برداشتند و دوباره بجایش نصب نمایند که رو کار کاشی علی شیر از بنا خود را جدا نموده بطرف مسجد مایل شده بوده متأسفانه بدستور شخصی که سر پرستی کار مسجد بوی قرار گرفته بود قدر این یادگار نفیس سید روح الله میرك را ندانسته آنرا فروباشاندند و ناچار آنقسمت را که از عصر امیر علی شیر کاشی آن ثابت باقیمانده و بظن قوی نقاشی آن نیز از خواجه میرك بود دوباره کاشی کاری و خط آن دوباره بقلم زیبای محمد علی خطاط نگارش یافت .

گرچه استاد محمد علی خطاط خط خود را چنان اندازه گرفته بود که از اول سورهٔ طوری بنویسد که وقتی بخطوط سید روح الله برسد کم و زیادی رخ ندهد و آیات کلام الهی خط وی به آیات خط سید روح الله وصل شود و دریغا که آن زحمت هدر رفت وگنبد سید روح الله فرو باشیده و نابود شد .

Marfat.com

قرار فوق از جملهٔ آثار (استاد فقیر است) معلوم می شود که درویش محمد تا زمان تالیف تاریخ رشیدی یعنی تا ۹۵۳ هجری قمری حیات داشته وازین می توان گفت که سنین عمر استاد موصوف زیاد بوده است .

((س))

سلطان محمد

هنگامیکه نگارخانهٔ هرات چون عروس زیبائی باقلم های مقتدر و دست های سحر کار نقاشان ومصوران قرن نهم افغانستان آراسته شده ونظر فریبی های آن بمنتهای کمال رسیده بود یعنی در همان هنگامیکه آفتاب علم وهنردوستی آخرین سلطان دودمان تیموری

اکنون امضای سید روح الله میرک در کتیبه‌ی که روی سنگ رخام سیاه نوشته و گویا تعریف و القاب سلطان حسین را روی همان سنگ نوشته بوده قسمتی از آنرا هنگام ترمیم مسجد جامع یافته ام وآنرا جزء سنگهای دیگری که جهة موزیم هرات جمع نموده (در خانه واقع در مسجد جامع هرات محفوظ نمودم) وفات خواجه میرک نقاش در سال استیلای محمد خان شیبانی در هرات بوقوع پیوسته یعنی در حدود ۹۱۳

(آقا) رضای کاشانی :

وی نیز معاصر رضای عباسی و بیر و سبک مولیانا محمدی بوده چنانکه غالباً آثار این دو نقاش بهم اشتباه میشود شرح حال آقا رضا نیز تاریک است و غالبا این دو استاد نیز مانند آثار شان مورد اشتباه برخی تذکره نویسان واقع شده هردو را یکی پنداشته اند .

و برخی هم رضای عباسی را کاشانی و آقا را هروی پنداشته اند. ظاهراً آقا رضا در پایان عمر به هندوستان رفته وچندی درهند بسر برده سال وفاتش معلوم نیست .

فکری علاوه میدارد ، نزد نگار نده تابلویی است که درختی را رسم نموده که مرغابی بشاخهای آن نشسته اند و مرغ دیگر از هوا بقصد نشستن بیکی از شاخهای این درخت بال کشوده

هرات سلطان حسین بایقرا سراسر کشور را منور نموده در هر گوشه وکنار آن شاعر ، نقاش، مصور، ، تذهیب کار و . . . تربیت می نمود چشم حسود زمانه بر پیکر رعنای آن سامان کارگر افتاد ه شمع آن بزم زیبا را با صرصر مرگ خراب وآن سلطان نامدار را به پدرود حیات وادار نمو د . موقعیکه سلطا ن حسین با یقر ا چشم از جها ن بست (۹۱۱ هجر ی) ار کا ن و شا لو د ۀ سلطنت مقتد ر و پر فیض دود مان تیموری از هم پاشیده و بیگانگا ن فر صت طغیان وسر کشی یافتند (هرات) مر کز صنایع زیبای شرق را مورد تاخت و تاز قرار دادند تا آنکه تنها بر بردن آثار گرانبهای آن کارخانۀ اکتفاء نکرده صنعتگر ان وصور تگران معروف آ ن را نیز در جملۀ غنایم باخود بغارت بردند.

اسماعیل صفوی که فریفتۀ صنایع زیبای این شهر تاریخی افغانستان بود استادان بزرگ وصور تگران ماهر را به تبریز جلب نموده ذریعه

و پروانه‌ی بمنقار دارد در پای درخت صورت سه سگ رسم نموده که یکی درخواب است و دیگری بپهلوی سگ خوابیده نشسته و خود را بوی چسپانیده وسگ دیگر در عقب این دو ایستاده. این تابلو چندان بمهارت تصویر شده که گویی هر سه سگ زنده اند و تمام این تابلوی سیاه قلم جز برگ درختان که برنگ سبز تلخ که سیاه مینماید هیچگونه رنگی بکار نخورده و متأسفانه این اثر نفیس چند ان خراب وکثیف شده که ممکن نیست عکسی از آن تهیه گر دد. و در گو شه آن تنها عمل استاد رضاء بنظرمیر سد که بسیار آسیب دیده و بز حمت خوا نده میشود .

در شرح حال آقا رضا مرحوم فکری به نوشته فوق اکتفاء کرده ولی وفا ی سلجوقی شرح ذیل را علاوه نموده (۱) آقای رکن الدین همایو ن فر خ دا نشمند ایرانی در کتاب (کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی) بوسه‌زدن شاه عبا س بر د ست رضای عباسی را از قول گلستان هنر منسوب برضای کاشانی میدا ند و نیز بیك آقا رضای دیگر بنام آقارضای هروی مشهور به جهانگیری قا ئل ا ست که به هندوستان رفته ودر دربار ا مرای مغولی هند مشغول هنر نمائی بوده و تصویری ازان چاپ نموده ا ند که در گو شه آ ن نوشته ا ست : (مرید باا خلاص شاه آقا رضای

Marfat.com

بهزاد استاد فرزانه ونقاش معروف هرات مکتب نقاشی تیموری هرات را در آنجا بنانهاد. از جملهٔ کسانیکه در ترویج و ترقی دادن این مکتب فنی با ثر حسن تربیه بهزاد سهم بزرگی گرفته مقام ارجمندی را احراز نمود سلطان محمد هروی بود. سلطان محمد نقاش پدر استاد محمدی هروی است که شرح حال او بجای خودش خواهد آمد.

این استاد نادره کار از جملهٔ همان صنعتگران بلند رتبه ای است که میتوان در تاریخ صنایع افغانستان ومکاتب صنایع افغانی که در خارج کشور تشکیل شده نام اورا بخط زرین نوشت.

جهانگیر پادشاهی) و در گوشه دیگر آن نوشته شده: (درسن شصت سالگی ساخته شد.

فکر میشود این آقا رضای کاشانی است که بد مزاج وتنگ حوصله بوده از شاه عباس رنجیده وبه هندوستان رفته، دانشمند فقید ایرانی دکتر مهدی بیانی در کتاب کار نامه بزرگان ایران می نویسد که: (آقا رضا کاشانی بالاخره رخت سفر بسته وبه هندوستان رفت وبه خدمت جلال الدین اکبر پیوست پس از سالی چند که اکبر وفات یافت جهانگیر پادشاه ویرا مشغول عنایت والتفات فرموده.)

واین موضوع در تصویر صدق میکند که درسن شصت سالگی که ایام پیری وی بوده بدربار جهانگیر کار میکرد واز طرفی در تاریخ بنام آقا رضای هروی تا اواخر قرن دوازده وابتدای قرن سیزده کسی دانمی شناسیم بعد از ان البته شخصی را بنام میرزا رضای هروی معروف به آذربایجانی میشناسیم. بهرصورت اگر آقا رضائی سوای آقا رضای کاشانی باشد پس دریک عصر چهار نفر رضا نام هنرمند بوده: علی رضای عباسی خطاط، رضا عباسی میناتور کار، رضای کاشانی نقاش وآقا رضای هروی مصور که سه نفر نقاش ومصور بوده و یکی خطاط بود.

میرزا رضای هروی معروف به آذربایجانی که از نقاشان هرات بود نسب خویش را به علی رضای عباسی تبریزی خوشنویس میرساند وبآن نسبت رضای آذربایجانی امضاء میکرد وی از زمان امیر دوست محمد خان تا عصر امیر عبدالرحمن خان زنده بود وعمر طولانی داشت از نقاشان ومصوران زبردست وبامهارت بشمار است.

از آثار او صحنهٔ جنگ مرحوم امیر دوست محمد خان وسلطان احمد خان را که

شرح زندگی و ترجمهٔ حال او بر عکس شهرتش خیلی مجهو مانده وحتی مورخین دورهٔ صفوی نیز ازان خبری نداده اند، تنها سکندر بیك صاحب عالم آرای عباسی باکلمات موجز ومختصری چنین میگوید :

(تهماسپ شاگرد استاد سلطان محمد بود در آغاز جوانی ذوق وشوق بسیار به این کار داشت واستادان نادره کار این فن مثل استاد بهزاد واستاد سلطان محمد که در ین فن شریف طاق قند و در نزاکت وقلم شهرهٔ آفاق در کتابخانه معموره کار میکردند) این استاد زبردست چنانچه از آثار او وشهادت تأریخ معلوم است با اندازهٔ فن مصوری و نقاشی را بحد کمال رسانید که استادان زمان به چیره دستی او و زیبائی آثارش اعتراف داشتند ترقی تام وشهرت کامل و به اواسط زمان تهماسپ اول بود سنهٔ تولد وتاریخ وفات او معلوم نیست ولی منجمله از روی تاریخ هائیکه در بعضی از آثار او نوشته شده وخود سلطان محمد به آن امضاء نموده است میتوان گفت که تا آخر نیمه دوم قرن دهم هجری حیات داشته است بعضی از مورخین و دانشمندانیکه در تاریخ

که حسب الامر امیر شهنواز خان کشیده اکنون در موزیم هرات محفوظ است .

رضای عباسی هروی :

بعد از بهزاد از مشهور ترین مصوران و نقاشان است که نامش شهرت تام دارد طوریکه بملاحظه میرسد وی از پیروان مولینا محمد هروی است و سبك او را صد فیصد پیروی می نماید . مکتب نقاشی محمدی و پیروانش به طبیعت نزدیکتر است و خط کشی ها و چین و چروك البسه و سیاهی و تاریکی ها و تناسب و حرکات تصویر در این مکتب بار بار از مکتب قدیم هرات بهتر و سنجیده تر است اما از حیث نرم کاری و گره بندیهای کاشی کاری و بکار بردن رنگهای تلخ و روشن و در صفحه کوچك بوجود آوردن صحنه بزرگ خاصه سبك میناتور سازی قدیم هرات است و در آن زیبائی مخصوص ممزوج است که برای آن قاموس جداگانه لازم است چون یکی از تابلوهای زمی کار بهزاد یا سلطان محمد و یا از پیروان ایشانرا بدقت ملاحظه مینمائیم عالمی دیگر و جهانی تازه پیش چشم ما جلوه میکند وطبع ما بیان گردش می یابد و نشاط احساس میکنیم .

Marfat.com

صنایع زیبای شرق ومخصوصاً مکتب هرات دلچسپی داشته تتبعات عمیق وقیمتداری مینمایند عقیده دارند که سلطان محمد بعد از مرگ بهزاد به ریاست نگارستان مکتب هرات در تبریز تقرر حاصل کرده است سبك وروش او در نقاشی ومصوری به استثنای بعضی ازممیزات و اختصاصاتیکه مخصوص خودش بود عیناً رویه و اسلوب استاد بهزاد است استاد سلطان محمد هروی در آثار وتا بلوهای جهان متاع خود عموماً صحنه‌های ارستوکراتی و زندگانی اشرافی راتصویر کرده است آثار و نقاشی های محدودی از او بیادگار مانده که امروززیب موزه‌ها ورونق بخش کتبخانه های معروف دنیا است از جملهٔ این آثار او دو تصویر از نسخهٔ خطی کتاب نظامی است که درسال ۹۴۶-۹۴۹هجری در تبریز بخط خوشنویس معروف آن‌زمان شاه‌محمود نیشابوری برای تهماسپ نوشته شده‌و امروز در موزهٔ برطانیامحفوظ است ونقاشی ها وتصاویر آن به‌توسط چند نفر از نقاشان معروف که منجله آقا میرك وسلطان محمد هروی است بعمل آمده امضای سلطان محمد در روی این دو تصویر فوق الذکر دیده میشود یکی از آن‌ها بهرام گور را درهنگام شکار شیر نشان میدهد و دومی ملاقات خسرو را با پرویز در هنگامی نشان می‌دهد که شیرین مشغول استحمام‌وغسل کردن است

در کار های محمدی و رضای عباسی سایه تاریکی ها بیشتر بنظر میرسد و بهتر جلوه میکنند و رنگهای رقیق و نازك بکار رفته وآن تیزی و تلخی و روشنی الوان که در مکتب قدیم جلوه گری می نمود در مکتب محمدی و رضای عباسی بخط کشی های راست و منحنی ساده ولی خیلی نازك و ماهرانه تبدیل یافته و آنان در پرداز چهره و سایه تار یکها بیشتر توجه می نمودند که در صفحه کار خویش تصویر مرد می بسیار بگنجانند-رضای عباسی دردربار شاه عباس معزز و در کتابخانه وی مشغول خدمت بود شاه عباس نزد اوشاگردی میکرد . شاه عباس وقتی یکی از تصویر های رضا را دید زیاد پسند بد آفرینها گفت و دست او را بوسه داد و باو بخشش زیاد اعطاء نمود . رضا با همه شهرتی که دارد شرح حال او چندان روشن نیست و سال وفات او معلوم نشده بعضی از تذکره نویسان خصوصاً عبدا لمحمدصاحب کتاب خط وخطاطان

این دو تصویر ازحیث استادی که در تزئین لباس‌ها و سحرکاری که در رنگ آمیزی ها ومهارتیکه در رسوم حیوانات و کشیدن قیافهٔ اشخاص بعمل آمده از آثار بسیار برجسته و ممتاز بشمار میرود از بدیع ترین وزیباترین تصاویر قلمی سلطان محمد دو تصویر یست که در یکی از نسخه های خطی دیوان حافظ موجود وفعلا درمجموعه آثار نفیس کاخ تیه محفوظ است .

یکی از این دو تصویر یکی از شهزادگان صفوی را با جمعی از غلامان وملازمان خود در میان باغی نشان میدهد که‌حلقه وار دورهم نشسته اند اما دومی منظره‌ی ازمجالس انس وشراب را نمایش میدهد . اگر رنگ آمیزی وصفای منظره وزیبائی تصویر اول قابل دقت باشد در تصویر دوم مهارت و استادی و جنبهٔ فکاهی نقاشی به قدری نمایان است که تصویر را نشاط وروح مخصوصی بخشیده‌و گوئی متحرک بنظر میآید . این تصویر تقریباً کاریکاتوریست که بصورت بسیار مضحکه رذایل وبدعت شراب نوشی را نشان میدهد .

تصویر دیگری هم هست که بیشتر مورخین فنون اسلامی عقیده دارند که اثر قلم سلطان محمد است و شاید انتساب آن به استادما بی‌مورد نباشدزیرا این تصویر را می‌توان‌از بدیع‌ترین وشاهکاری های دنبالهٔ مکتب هرات درتبریز دانست . اما امضای مصور دران دیده

در بارهٔ رضای عباسی خوشنویس تبریزی و رضای عباسی نقاش‌هروی دچار اشتباه شده و هردو را یکنفر تصور کرده اند .

مولینا رستم علی هروی پسر خواهر بهزاد نقاش است که در فن خطاطی و تذهیب کاری اورا ستوده اند موصوف در سال ۹۴۲ در هرات وفات و او را در مقبرهٔ شیخ عمر جغاری گی در حوالی کوه مختار بخاک سپرده‌اند بقولی بهزاد نقاش نیز از تبریز بهرات برگشته و در سال مذکوراز دنیا رفت و پهلوی رستم علی خواهر زادهٔ خود دفن شد مولینا رستم علی را پسری هنرور بنام محب علی بوده که در خطاطی و نقاشی استاد هنرمند بوده است .

Marfat.com

نمیشود . موضوع آن معراج رفتن حضرت پیغمبر ص و اصلا یکی از تصاویر نسخه خطی خمسه نظامی است که در زمان تهماسپ صفوی نوشته شده وفعلا در موزهٔ برطانیا می باشد . خلاصه در ین تصویر بهترین تخیلات فنی وعالی ویك نشاط عجیبی دیده میشود که آن را از زیبا ترین وگران بها ترین تصاویر مکاتب صنعتی هرات قرار میدهد. در یك مجموعهٔ آثار زیبا ونفیسیکه راجع ببارون موریس است یك نسخهٔ شاهنامهٔ قلمی است که در سال ۹۴۴ هجری نوشته شده ودارای ۲۵۶ تصویر بزرگ می باشد که در آنها روش واسلوب اساتید ونقاشان معروف مکتب هرات درزمان صفوی ظاهر ونمایان است این تصویر خیلی ها دارای اهمیت است اگر چه شرق شناسان ومورخین آثار اسلامی شرق تصاویر این شاهنامه را اثر های گردان سلطان محمد هروی و آقا میرك میدانند ولی رنه گروسه اکثر انها را منسوب به خود سلطان محمد میداند . دیگر تصویر تهماسپ صفوی است بسن جوانی که در حال مطالعه کشیده شده است . این مینیاتور خیلی زیبا وقشنگ

مولینا سلطان محمد هروی : وی نقاش بزرگ بود او را بهزاد ثانی می توان گفت او نیز در کتاب خانهٔ امیر علی شیر همکار بهزاد بود و بعد به کتابخانهٔ سلطان حسین خدمت میکرد . بعد از انقراض تیموریان وی نیز همراه بهزاد و دیگر هنرمندان به قزوین کوچانیده شد .

این استاد هنرمند علاوه بر تصویر وتذهیب در هنر نقش قالین یگانه عصر خویش بود وباین منظور او را شاه اسمعیل از هرات برد تا اصول نقش قالین و فن قالین بافی هرات را در قزوین رایج سازد و بعد از سلطان محمد صنعت قالین بافی هرات در قزوین وتبریز و از آنجا باصفهان وکاشان رفت ورواجی بسزا یافت وتا اکنون رایج است وبه قالین ایرانی معروف شده . مولینا سلطان محمد پس از بهزاد چند سال دیگر حیات داشته ومدتی نقاش کتابخانهٔ بهرام میرزا و همکار و دوست محمد هروی بود . تاریخ وفاتش را نشان نمیدهند وظاهراً بعد از شاه طهماسب بمدت کمی زنده بود .

Marfat.com

بود ودرموزهٔ بوستون امریکا محفوظ است-یکی دیگراز مینا تور ها ئیکه به استاد سلطان محمد نسبت میدهندصفحه‌ی‌از مینا تو ر ها ی یکی از دواوین شعرای زبان فارسی است که از اصل کتاب خوه جد ا شده است . این مینا تور در جز و کلکسیون های تصاویر شر قی مو ز ۀ بوستو ن ا مر یکا محفو ظ ا ست . یکی از تصا و یر قلمی د یگر ی نیز است که‌جوانی را با جا می در د ست نشا ن میدهد و میگو یند که از آثار سلطان محمد مصور است ،جوان مذکور کلاه و دستا ر ی بر سر دارد که بصورت چلیپا بسته شده است . این کلا ه و د ستا ر عموماً مود دربار همایون پادشاه هند می‌باشد لهذا میتوان گفت که این مینا تور دراواسطقرن شانزده یعنی د ر زما نی که همایون پادشاه مغلی به دربار تهماسپ پناهنده شده بود کشیده‌شده است واحتما ل دارد صاحب این تصویر یکی از همر کابان ودر باری های همایو ن پادشاه باشد که بمعیت او بفارس آمده بود .

سید بابا:

از صنعتگران قرن نهم هرا ت است که با سلطان حسین بایقر ا معا صر بوده است (۱) در صنعت تذهیب وافشان کردن اوراق کتب از استادان ماهر وچیره‌دست بشمار میرفت . باکثر فضلا و دانشمندان وصنعتگران معاصر خود مانند سلطان علی مشهدی خطاط معروف هر ا ت وغیره دوستی ومعاشرت دا شت .

تفصیل زند گانی او بدست نیست . چون در صنعت افشان کردن اوراق کتب استاد بود به سید بابای افشا نگر اشتها ر د ا شت .

((ش))

استاد شیخ احمد :

برادر بابا حاجی صورتگر است که ترجمهٔ حال او دررد یف (ب) نگارش

---

(۱) شماره ده ویازده مجله موسیقی طبع تهرا ن

یافته است شیخ احمد مانند برادر خود در نقاشی وصورنگری معروف و با سلطان حسین میرزا معاصر بود . (۱)

((ف))

فضلی :

از هرا تسه در زمان سلطان حسین بایقرا نیز یست مرد فاضل و هنر مند بود . در اکثر علوم و فنون مخصو صاًدر عروض شاعری ونقاشی شهرت تام‌داشت، فضلی در عصر در خشان سلطان حسین بایقرا یعنی در عهد یکه صنایع ظریفه در هرات به اوج ترقي و کمال رسیده بود از نقاشان معروف بحساب میرفت سنهٔ تولد و وفات او بدست نیامده است (۲)

((ق))

قاسم علی مصور :

از نقاشان و مینا تورسازان قرن دهم هرا تست در اواخر زمان سلطان حسین بایقرا شهرت یافته و در نقاشی و مینا تورسازی شاگرد معروف بهزاد بوده است . سبك کارهای نقاشی او عیناً اسلوب بهزاد است . (۳)

«ص»

مولانا صادقی افشار :

در تصویر و تذهیب شاگرد مظفر علی هروی و در خط نستعلیق از جمله شاگردان میرعلی هروی است . وی کتابی در فن نقاشی نوشته چون شاعرهم بود آنرا برشتهٔ نظم در آورد . سال وفاتش مجهول است

---

(۱) صفحهٔ (۷۲)شماره (۱۱) سال سال ٦ مجلهٔ کابل .

(۲)تذکرهٔ حسینی طبع لکنو .

(۳) صفحه ۷۱شماره ۱۱ سال ٦ مجله کابل

Marfat.com

چون نقاش ما هر و صو ر تگر کامل بود به قاسم علی چهر ه کشا اشتهار داشت از آثار او یکی تصاویر خمسهٔ نظا می است که در سال ۹۰۰ هجری مطابق ۱۴۹۵ عیسوی نوشته شده و تعداد تصا ویر این نسخه که به قاسم علی نسبت یافته ودر هر کدام آن امضای مشارالیه موجود است از هفت تصویر تجاوز نمیکند (۱)

در کتابخانهٔ (بوریس) اکسفور دیك نسخه کتاب خطی است که تا ریخ تحر یریش سال ۸۹۰هجری (۱۴۸۵ع) است ودارای تصاویریست که منسوب به قاسم علی و بهتر ین و زیبا ترین آنهاتصویر یست از جماعت صفویه که در باغچه سبز و خرمی میباشد و صور تهای بعضی اشخاص آن از نسخه خطی دار الکتب ا لعصر یه نقل شده است (۲)

(م)

(استاد) محمدی :

وقتیکه مافهرستهای آثار نقاشی ومیناتور های شرقی موزه های معروف دنیا را از نظر میگذرانیم به آثار واسمای یك عدهٔ محدود صنعتگرانی بر می خوریم که روی هم رفته تماما آ نها یا از هرات بوده و یابه دربار سلاطین وشاهان باذوق هرات تر بیه شده ا ند . از جملهٔ این هنر وران ونقاشان باافتخار وطن کسیکه بیشتر درد نیا بعد از بهزاد شهرت واهمیتی در نقاشی ومیناتورسازی حاصل نموده استاد محمدی هروی است. این هنر مند شهیر پسر وشاگرد سلطان محمد مصو ر است شرح جزئیات زند گانی او مانند بسی از اسلافش طوریکه

(۱) صفحه ۳ شما ره اول ۱۹۴۱ مجله روز گار او طبع لندن .

(۲) ۱۱۶ ترجمه کتا ب تاریخ صنایع بعد او اسلام . ولفهٔ ز کی ـ محمد حسن تر جمه محمد علی خلیلی طبع تهر ا ن ۱۳۲۰ .

Marfat.com

باید و شاید معلوم نیست و ما باوجود تفحص و کنج کاوی های لاینقطع تاحال نتوانسته ایم سنهٔ تولد اورا پیدا کنیم ولی رو یهمرفته بطور تخمین می توان گفت که در حدود ۹۳۵-۹۴۰ هـ ق در هرات تولد یافته است محیط تربیهٔ او از دامان مادرالی زمان رشد و جوانی محیط ذ و ق و صنعت بوده و ازابتداء در ضمن دیگر علوم و تعلیمات ابتدا ئی فن تصویر و نقاشی را به نزد مولانا سلطان محمد مصور یعنی والدمحترم خود آموخته و رفته رفته ذوق و استعداد موروثی اودر این صنعت بیشتر گردید و آنرا بحد کمال رسانید چنانچه بالاخره درمکتب نقاشی های

«م»

محسن کاتب :

محسن کاتب هروی هم نقاش وهم مصور بود وهم بخط نستعلیق مهارت داشت . دیوان حافظ بخط او در ذیل نسخ خطی کابل موجود است که تصویر و تذهیب آنرا نیز خودش نموده و با مر فریدون حسین پسر سلطان حسین بایقرا نوشته شده سال وفاتش معلوم نیست .

میر مصور :-

پسر روح الله میرک هروی است از نقاشان کتابخانه بهرام میرزا و از همکاران دوست محمد گوا شانی هروی است . سال وفات او نیز مشخص نیست .

مولینا محمد عدیمی اصفهانی :

از نقاشان هرات است که در عصر سلطان حسین و امیر علی شیر زندگی میکرد وطن اصلی او اصفهان است و در مکتب هرات تربیت یافت . و در هندسة و نجوم نیز ماهر بود در فن نقاشی و صور تگری مهارت او از تمام جنبه های هنری او قویتر بود . غیاث الدین خوند میر در خلاصة الاخبار او را بتمام مولانا محمد اصفهانی معرفی نموده است .

گویند او نیز چون حاجی محمد هروی صندوق ساعتی اختراع نمود . مولینا محمد نیز از جمله کسانی است که او را از هرات بقزوین برده بودند و اخیراً بکتابخانهٔ بهرام میرزا همکار دوست محمد بوده . سال وفات او نیز بدست نیامد .

هرات در تبریز که اولا در فارس وبعدها درهند هم رواج یافت مقام ارجمند ومهمی را اشغال نمود .

چون سبك نقاشی های مکتب بهزاد که بعضی ها آنرا بنام مکتب هرات هم یاد میکنند تأثیرات خود را در ذوق وسلیقهٔ صنعتگران بومی فارس وماوراءالنهر وهند درطی مدت کمی بصورت عمیق انداخت از طرف کلیه هنرمندان وصاحبان ذوق استقبال خوبی گردیده اسلوب وطرز مخصوص آنها را بکلی از بین برد وخود جانشین آنها شد سلاطین و امرای صفوی صنعتگران بزرگ واستادان ماهر رااز هرات جلب کرده از آنها کارتزئینات میگرفتند ولی لیاقت واهلیتی که استادمحمدی درین فن داشت موجب شهرت بزرگ آن شدچنانچه سکندر بیك منشی صاحب عالم آرای عباسی درضمن صحبت از استادان مکتب نقاشی هرات در عصر تهماسپ میگوید : دیگر نقاشان ومصوران بودند مثل محمدی هروی و قصری بیك کوسه وغیرهما-اما بذکر چند نفر از مشاهیر این طبقه وبهره‌مند این فن اقتصارنموده . دلیل اینکه‌چرا صاحب عالم آرا تنها بذکر نام این استاد بزرگ اکتفأ نموده و شرح بیشتری در باب شخصیت او نداده است بکلی واضح است که اگر چه درنگارش تاریخ خود خواسته از روش صاحب تأریخ حبیب السیر پیروی نموده شرح زندگانی رجال بزرگ مانند شعراء ،علمأو صنعتگران

محمود مذهب :

در عصر امیر علی شیر نوائی میزیسته در تذهیب استاد معروف بوده از فن تصویر نیز بهره کافی داشت و خط نستعلیق را خوب می نوشت .

از آثار مولانا محمود مذهب چند تصویر موجود است از آنجمله تصویر امیر علی شیر نوائی است که بعصای بلندی تکیه زده . این اثر در موزه حضرت رضا محفوظ است که خود او در گوشهٔ تصویر بخط نستعلیق نوشته :

عمل محمود مذهب .

عصر هرپادشاه را بنگارد مگر معهذا نتوانسته خود را از حیطهٔ نفوذ و تأثیر اسلوب تاریخ نویسان متقدم متر خارج سازد اینست که در تاریخ خود برای شرح و تفسیر زندگی نقاشان و مینیاتور سازان چندان اهمیتی را قایل نشده تنها بذکر دو نفر از استادان عصر تهماسپ که عبارتند از آقا میرك و سلطان محمد هروی اکتفا نموده و روی قلم را مجدداً به تحصیل وقایع سیاسی وزد وخورد های تاریخی گردانیده است اگر چه استاد محمدی از پیروان و پرورش یافتگان مکتب استاد بهزاد است ولی به نسبت اینکه درین فن استعداد غریبی داشت درحین استقبال و پیروی از سبك بهزاد و مکتب او در قسمت نقاشی های رنگه چنان تصرفات نمود که می توان گفت از خود سبك و اسلوب علیحده بوجود آورد چنانچه کریستی ویلسن میگوید :

(دراواخر سلطنت شاه تهماسپ نقاشی به اسم استادمحمدی شهرت یافت و میگویند که او پسر و شاگرد سلطان محمد بوده و علاوه بر نقاشی هائیکه کشیده سبك جدید و قشنگی در نقاشی های رنگی بوجودآورده و نیز برای ظرافتیکه در تصویرسازی انسان وحیوانات بکار برده مشهوراست)

سنهٔ فوت سلطان محمدی بدست نیامد ولی از تاریخ ۹۸۶ هجری

میرخلیل الله هروی :

نقاش معروف عصر بایسنغر و استاد نقاش اصیل هرات است که در عصر خود بی بدیل بوده و در نقاشی بسبك خالص خراسان هنر نمائی میکرد .

تصویری از امیرتیمور بقلم امیرخلیل دیده شد که در صحرائی در خرگاه خود نشسته و نزدیك خرگاه چند (کله منار) دیده میشود کله منار عبارت از منار هائی است که از کله های انسان بناشده باین ترتیب که کله های آدمی بالای هم وصل واز آنها منار ها برپا شده و پیش روی امیر یکتن عود نوازدر حال نواختن است . وبین اسلیمی حاشیه این تصویر بطور واضح و روشن چنین امضا نموده :

(خلیل میرزا شاهرخی) این میر خلیل نباید با امیر خلیل قلندر هروی خوشنویس معاصر میر عماد اشتباه شود .

Marfat.com

که در یکی از آثار و نقاشی های او نوشته شده و به آن امضاء نموده است معلوم میشود که تا اوایل سلطنت اسمعیل دوم درقید حیات بوده آثار و نقاشی های گرانبهائی ازین هنر ور فرزانهٔ هرات بیادگار باقی مانده که امروز موزه های بزرگ دنیا به آن مزین است- بعضی از آثار او که در موزه های ممالك اروپائی و غیره موجود است و در فهرست آثار صنعتی ممالك شرقی نشر گردیده قرار ذیل است :

۱ - تصویر یك شهزادهٔ محبوس مغلی :

اگر چه این تصویر را بعضی از میناتور شناسان به بهزاد نسبت میدهند ولی برخی دیگر مانند موسیو (مارتو) و (دور) که در شناختن میناتورهای شرقی و کار استادان هرات مهارت مخصوصی دارند آنرا از آثار استاد محمدی میدانند این میناتور در جزء کلکسیون میناتورهای گولوبو در موزهٔ صنایع ظریفه بوستون محفوظ است .

۲- صفحه‌ی از کتاب شرفنامه :

درین صفحه تصویر یك شهزاده دیده میشود که در مقابل نهر آبی بروی یك تخت جلوس نموده ودر پیش رویش موزیکك نواز ان مشغول نواختن موزیکك هستند این میناتور امضای روشن استاد محمدی را دارا می باشد .

۳ - یك صفحه از خمسهٔ نظامی :

درین میناتور یك صفحه عشق تصویر شده بدین طریق که جوانی بیك دوشیزهٔ زیبا قدحی تقدیم میکنند و دران یك درخت سبز و یك درخت پر از شکوفه نیز بمشاهده میرسد در پایان این میناتور که در موزهٔ بوستون محفوظ است بگوشهٔ طرف چپ چنین ارقام گردیده:
(عمل استاد محمدی)

۴ - صفحه‌ی از صفحات یك مرقع :

در یك طرف این ورق تصویر دوشیزه‌ی دیده میشود که بدست راست خود یك کتاب و بدست چپ خود یکدانه تاك دارد ومشغول مطالعه کتاب است اگر چه مستر (هولز) آنرا اثر استاد سلطان محمد هروی میداند

ولی بکثرت اراء میناتور شناسان کار استاد محمدی است فعلا درموزهٔ بوستون امریکا محفوظ می باشد .

۵ - تصویر یکعده درویشان که در بیشهٔ مشغول طعام خوردن اند : رنگهاییکه درین میناتور استعمال شده خیلی قشنگ و زیبا می باشد این تصویر یکی از شاهکارهای استاد محمد ی بوده‌ودران (رقم‌محمدی) امضأ نموده است .

٦ - تصویر دونفر شبان که رمه های خود را بچرا آورده اند یکی ازین شبانان بر چوب دست خود تکیه زده‌ودیگری برزمین نشسته مشغول نی زدن است .

۷ - تصویر درویشی که درپای درخت نشسته وچند نفر روستائیا ن را که مشغول وظیفه وکار خود ها هستند تما شا میکند این تصویر در موزهٔ لوور پاریس محفوظ است .

استاد محمدی باخط خوش وزیبای خود چنین امضاء نموده (قلم فقیر الداعی محمد ی مصور فی سنه ۹۸٦) درپایان مقاله باید خاطر نشان نمائیم که استاد محمدی برخلاف ذوق وروش پدرواستاد خود سلطان محمد که در آثار او عموماً صحنه های اریستو کرا تی بمشا هده میرسد درتابلوها ومیناتور های خود صحنه های زندگانی روستا یی ومناظر دلکش طبیعی رارسم نموده است .

محمود مولانا :

از مذهبین طلا کاران ونقاشان هرا ت،درقرن نهم هجری میزیسته وعهد سلطنت سلطان حسین بایقرا را یافته است بقول صاحب تأریخ رشیدی در نقاشی وتذهیب از استادان زبر دست وماهر بود چنا نچه میگویند (محمود تذهیب ازیاری بهتر کرده‌است و بغایت نازك کرده‌است دیباچهٔ برا ی میرزا سلطان حسین تیار کرده است و ناتما م ما ند دران هفت سال کارکرده است چنا ن با ریك سا خته ا ست که د ر مفاصل بند رو می که شا ید مقدار نیم نخودبود ه باشد درآنجا یکما یهٔ زرد زر ساخته که پنجاه برگ اسلیمی شمرده‌شده ا ست . (۱)

(۱) از صفحه ۷۳ شما ره ۱۹-سا ل ٦ مجله کا بل

مظفر علی :

مظفر علی برادر زادهٔ بهزاد و از زمرهٔ میناتوریست ها واجلهٔ نقاشان هرات است مشار الیه در اواخر سلطنت سلطان حسین میرزا (متوفی در سنهٔ ۹۱۱ هجری) بوجود آمده وتازمان عباس صفوی حیات داشته است به نزد اسماعیل و تهماسپ و عباس صفوی دارای اعتبارات و نفوذ بسیار بوده و گمان میرود که اسماعیل صفوی اورا با بهزاد یک جا به تبریز خوانده باشد (ارمغانک بیک) عضو وزارت فرهنگ و او قاف ترکیه درضمن مقالهٔ خودراجع به بهزاد نسبت خویشاوندی مظفر علی را با استاد بهزاد خوب روشن ساخته واورا برادر زادهٔ وی خوانده است مشار الیه میگوید : (یک جلد کتاب خمسهٔ نظامی که بسال ۱۵۴۲ بتوسط یکی از خطاطان هراتی استنساخ شده ودر موزهٔ گلستان می باشد از نقطهٔ نظر تأریخ و شناختن آثار صنعتی بهزاد خیلی مفید است ازروی امضاء ها وغیره آثاریکه درین نسخه موجود است معلوم میشود که مظفر علی برادرزاده وحیدر علی خواهرزادهٔ بهزاد بودند

فکاه سلجوقی می نویسد:

دوست محمد هروی صور تگران اسلامی را از عهد استاد احمد بن موسی که در عصر سلطان ابو سعید خدا بنده چنگیزی میز یسته شروع نموده و مظفر علی مخترع سبک نقاشی عصرمغول معرفی می نماید که آن سبک بااصلاحات نقاشان هری تا عصر دوست محمد معمول بوده و چند تن دیگر را نیز نام میبرد مانند امیر دولتیار که از جمله غلامان سلطان ابوسعید بوده و او را نباید با دولت جهانگیری که او نیز غلامی هنرمند بوده و تصویر حضرت مولینا عبدالرحمن جامی را که از روی عمل استاد بهزاد کپیه نموده هم اکنون جزو مرقع گلشن و در کتابخانه سلطنتی ایران محفوظ میباشد اشتباه نموده . و مولینا ولی الله هروی معروف بملا ولی قلندر نقاش که علاوه بر نقاشی خط ثلث را نظیر جعفر بایسنغری و سید روح الله میرک می نوشته و حیاتش تاسال تعمیر مسجد جامع زیارتگاه مسلم است استاد

(۱) صفحه ۹۹ تعلیقات .

Marfat.com

مظفرعلی را بتوسط کتاب معروف نظامی او که بنام تهماسپ نوشته شده و در (بریتش موزیم) لندن می باشدمی شناسیم .

ولی این را خبر نداشتیم که برازادهٔ بهزاد است ـ در باب حیدرعلی اگرچه دریك کتاب عصر صفویان معرفی این صنعگررا نشر کرده‌ام اما راجع به سوانح زندگی اومعلوماتی دردست ندارم این دو نفر خواهرزاده وبرادر زادهٔ بهزاد که پیشهٔ کاکا وماما ی خود را آموخته اند بایستی شاگرد او هم باشند .

اما صاحب عالم آرای عباسی میگوید : مولانا مظفر علی که بقلم موشکاف چهره کشای صور اهل انصاف است نسبت خویشی با استاد بهزاد دارد ودر خدمت او کسب هنر نموده بمرتبه کمال رسید وجمعی از استادان نادره کار وچهره کشایان بدایع نگار، او را در این فن بیعدیل مسلم میدانستند مصور خوب و طراح بی بدل بود تصویرات دولت خانهٔ همایون و مجلس دیوان چهل ستون طراحی مشارالیه و اکثر نگاشته ارقام زرین فام اوست و بعد ازهایلهٔ شاه جنت‌مکان تهماسپ بر صحیفه هستی طرح ممالك انداخت تاکنون در جملهٔ کتب قلمی ومصور بجز همان خمسهٔ نظامی که در بریتش موزهٔ لندن محفوظ است و(ارمنامك بیك) به آن اشاره نموده دگر اثری از کارهای دستی مظفرعلی دردست نیست ولی یگانه اثر نامدار وشگفت انگیز یکه ازاو

منشی الدین نقاش که در عهد سلطان او یس جلایری میزیسته و از معاصرین میرعلی تبریزی مخترع نستعلیق بوده و خواجه عبدالحی نقاشی که او نیز نباید باخواجه عبدالحی منشی خوشنویس خط نستعلیق اشتباه شود و خواجه عبدالحی نقاش را امیر تیمور گورگان از بغداد بسمرقند آورده واواست که پایه نقاشی سبك تیموری را در سمرقند اساس گذاشت و نقاشان ما بعد همه تتبع کار اورا میکردند و استاد جنید بغدادی که او را با استاد جنید شیرازی خوشنویس نباید اشتباه نمود .

و استاد پیر احمد باغ شمالی استاد سیدی محمد نقاش و خواجه علی مصور واستاد قوام الدین مجلد صحاف ونقاش تبریزی که این سه تن را بایستی از تبریز بهرات

Marfat.com

باقی مانده تزئینات و مینا تور های قصر چهل ستون اصفهان است که در زمان عباس صفوی و بنا بخواهش او آنرا نقش و تمام نموده است فضل الله حقیقی درضمن مقالهٔ خود راجع به چهل ستون اصفهان که دریکی از شماره های سال دوم ایران امروز نشر شده از توصیف و تمجید نقاشی های این استاد عالی مقام هرات خودداری نکرده می نویسد :

« چیزیکه پیش از هر چیز در مشاهده کاخ باشکوه چهل ستون انسانرا شیفته ومجذوب می سازد طرز رنگ آمیزی وقدرت نقاشی وجلا کاری است که بروی قطعات لوزی شکل سقف گنبدها در ایوان بکار رفته است این کار های باروح که عالی ترین نمایندهٔ عظمت و ترقی فن نقاشی وزینت کاری دورهٔ صفویه است بدست مظفر علی که ازخویشاوندان وشاگردان زبر دست بهزاد میشود ساخته شده است) متأسفانه تاکنون مدرکی در باب سنهٔ مرگ وتاریخ تولد مظفرعلی هروی بدست نیست مگر ازقرائن وحدسیات می توان فوت او را درسنوات اولیهٔ سلطنت عباس اول صفوی (یعنی در حدود ۹۹۰-۱۰۰۰ هجری) تعیین نمود .

مقصود نقاش :

ازمصوران وصنعتگران معروف قرن دهم هجری است هراتی الاصل بوده و اواخر سلطنت سلطان حسین بایقرا رادر یافته است . صنعت نقاشی را در هنرستان استاد معروف هرات یعنی بهزاد آموخته است، در عصر خود از نقاشان وصورتگران متوسط بشمار میرفت ، از ترجمهٔ حال او کمتر معلوماتی در دست است تنها صاحب کتاب تأریخ رشیدی از او نام برده است . (۱)

آورد و سید خلیل الله مشهور بامیر خلیل هروی نقاش که او نیز هم اسم امیر خلیل هروی خوش نویس معاصر عماد است نباید اشتباه شود . و خواجه غیاث الدین پیراحمدزرکوب که شاید همان غیاث الدین نقاش هروی باشد که از طرف یایسنغر بسفارت بجانب ختای رفت تا طرح باغهای چین را باخود بیاورد و هم به نقاشی سبک چین آشنا شودوشرح حال آن هنر مند ان را بیش از آنچه دوست محمد گفته در جایی یافته نتوانستم .

---

(۱) صفحه ۷۱ شمارهٔ ۱۱ سال ۶ مجله کابل .

Marfat.com

میرک :

همه میدانیم که در اواسط قرن نهم هجری که عصر عروج و نهضت کامل صنایع ظریفه بود طفلی در هرات بدنیا آمد که بعد ها آوازهٔ استادی و شهرت هنروری او سراسر گیتی را فرا گرفت - این طفل بهزاد هروی بود که اروپائیان رفائیل شرقش می نامند و آثار قیمتدار او امروز درموزه‌های اروپا و امریکا مایه افتخار وسرفرازی ما است - اگرچه بهزاد در حیات خود شهرت ونفوذ فوق العادهٔ داشت و بعد از مرگش نیز آوازهٔ او از خاطره ها فراموش نگشت مگر با آنهم اوایل زندگانی او بکلی تاریك مانده وکسی از آن خبر ندارد طوریکه درسنهٔ تولد او اختلاف است وطوریکه تاچندی قبل درمحل مزار او گفتگوی بود همانطور در بارهٔ معلم و آموزگار او نیز روایاتی نقل میکردند چنانچه اکثر او را شاگرد بهتر از استاد پیر سید احمد تبریزی میدانستند ولی این مسأله هم مانند دیگر مسایل مربوط به او رفته رفته حل گردید و معلوم شد که معلم وآموزگار حقیقی او سید روح الله یکی از نقاشان بزرگ هرات بوده که در مآخذ و مدارك به القاب مختلف سید میرك و خواجه میرك و میرك نقاش ذکر گردیده است.

سنهٔ تولد سید روح الله نقاش که هراتی الاصل و از جمله سادات آن دیار است بدست نیامده و اوایل زندگانی او مانند حیات طفلی بهزاد بکلی مجهول مانده است ولی معلوم است که در دربار امرا و سلاطین هم عصر خود خیلی محترم وصاحب امتیاز بوده این استاد نیز درعصر در خشان سلطان حسین بایقرا میزیسته ونظر به ذوق واستعداد وصف ناپذیریکه در استاد کمال الدین بهزاد سراغ داشته به تعلیم و تربیت او همت گماشته است چنانچه قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول صفوی که تقریباً از سنهٔ ۹۹۵ - الی ۱۰۳۸ ه در فارس حکومت داشته است در تذکره خود موسوم به خوش نویسان ونقاشان در شرح حال استاد بهزاد میگوید : وی از دارالسلطنت هرات است .

استاد زمانه حضرت بهزاد است کو داد هنروری بعالم داد است
کم زاد بسان مانی از مادر دهر البته که بهزاد از او بهزاد است

استاد در طفولیت از پدر و مادر مانده و استاد میرك که کتابدار پادشاه مرحوم سلطان حسین بوده او را برداشته تربیت نموده و در اندك زمانی ترقی فرموده و کارش بجائی رسید که تا صورت نقش بستر همچو او مصوری کس درین روزگار ندیده .

نگارذ غالش بچابك روی به است از قلم گیری مانوی
اگر مانی از وی خبر داشتی از و طرح واندازه برداشتی
بود صورت مرغ او دلپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان پادشاه کامران سلطان حسین میرزا تا چند مدت از اوایل سلطنت و پادشاهی شاه تهماسپ در عرصه روزگار بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است قبر ش :

(در دارالسلطنت هرات و در حوالی کوه مختار در حظیره پر نقش و نگار مدفون شده است) بر حسب این نوشته قاضی احمد و هم چنان بر طبق نگارش مولانا دوست محمد صاحب تذکرهٔ (حالات هنروران) استاد میرك هروی کتابدار سلطان حسین میرزا بوده و در صور تگری و نقاشی و تذهیب کاری ید طولا داشته است ـ علاوتاً خوش نویس نیز بوده چنانچه هنگامیکه سلطان حسین میرزا به تعمیر مسجد جامع هرات پرداخت امیر علی شیر نوائی و زیر معروف و دانشمند او تحریر کتیبه مسجد را به این نقاش واستاد زبردست وطن محول نمود وسید روح الله میرك کتیبه مذکور را به زودی تمام انجام داد باید خاطر نشان نمود که در تعمیر مسجد جامع هرات اختلا فات زیاد موجود بوده واکثر مورخین تعمیر آن را به سلطان غیاث الدین غوری نسبت میدهند . خلاصه استاد میرك هروی طبق اشارهٔ بعضی از مورخین مانند صاحب حبیب السیر و غیره در زمان تسلط محمد خان شیبانی درهرات فوت کرده و در همانجا مدفون شده است.

Marfat.com

حبیب السیر میگوید : خواجه میرك نقاش در علم تصویر و تذهیب نظیر نداشت و در فن کتاب نویسی رایت بی مثلی برافراشت اکثر کتابه های عمارات هرات بخط اواست و فاتش درزمان تسلط محمد خان شیبانی بر ولایت خراسان بوقوع پیوست .

مولانا دوست محمد در حالات هنروران میگوید . وی هروی الاصل است واز سادات کمانگر است و در اوایل حال بحفظ و تلاوت کلام مجید ومشق اشتغال داشت و بعد از فوت پدر بکتابت کتابه میل کرد وچون از سادات کمانگر بود آن شغل را نیز ورزید بعد ازان به خدمت مولانا ولی الله افتاد و به تحریر وتذهیب مایل گشت وازان نیز گذشت میل تصویر در خاطرش گذشت ودرین فن بی بدل ودرین شیوهٔ بی مثل شد ودر زمان پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا تقرب یافته ازجمله منصب کتابداری خاص بعهدهٔ او شد دیگر مورخین و تذکره نگاران نیز مانند صاحب تاریخ رشیدی وغیره میرك را از عجایب روزگار و استاد بهزاد میدانند .

((و))

مولانا ولی :

از نقاشان وصورتگران قرن نهم هراتست (۱) باسلطان حسین میرزا متوفا (در سنهٔ ۹۰۰ هجری قمری) همعصر بوده واز صنعتگران متوسط عصر خود بشمار میرفت . در نقاشی وتذهیب وصورتگری شاگردان داشت .

« و »

(مولانا) ولی الله هروی : معروف به ملا ولی قلندر . هم مذهب وهم مصور وهم خطاط کتیبه نویس بود که در عصر سلطان حسین میرزا و امیر علی شیر نوائی میزیست علاوه برنقاشی درخطاطی خصوصاً ثلث استاد ماهر بود کتیبه ثلث سر دروازه مسجد جامع زیارتگاه نمونه خط ثلث او است و مثلاً سفالنه از میان رفته الدکی اذان باقی است .

---

(۱) صفحه ۷۲ شماره ۱۱ سال مجله کابل

Marfat.com

((ی))

یاری :

از صنعتگران شهیر هرات است در زمان سلطان حسین میرزا میزیست در صنعت تذهیب وطلا کاری خیلی ماهر بوده . بقول صاحب کتاب رشیدی علاوه برنقاشی وتذهیب کاری‌در خوشنویسی نیز اشتهار داشت (۱) ودر صنعت تذهیب شاگرد مولانا ولی‌هروی‌بود که‌ترجمهٔ‌حال او قبلا در جای خود ش تذکار یافته است .

ملا یوسف :

از نقاشان وصورتگران هراتست در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری میزیست - سلطنت‌سلطان حسین میرزا را دریافته بود ازشاگردان استاد بهزاد بود گرچه در صورتگری از هنرمندان بلند پایه نبود اما در صنعت تذهیب و طلا کاری چیره دستی کامل داشت . (۲)

« ی »

مولانا یاری هروی :

او بتمام عمرش درهرات بود و جای دیگر نرفت . یاری مذهب بود و خط نستعلیق را خوب می نوشت .

گویند مهر سلطان‌حسین را بقلم مو نقشه کرده‌وجعل نموده بود از حضور-لطان فرمان اعدامش صادر شد.ولی بشفاعت امیر علی شیر نجات یافت، اوطبع شعر نیز داشت بعضی مورخین سال وفات او را ۹۸۰ هجری نوشته اند .ولی دور ازحقیقت بنظر میرسد .

---

(۱) ۷۲ مجله کابل شماره ۱۱ سال ٦

(۲)صفحه ۷۲ شماره ۱۱ سال ٦ مجله کابل .

Marfat.com

((حصه دوم))

خط و خوشنویسی
خطاطان و خوشنویسان

خوشنویسی :

خوشنویسی و توجه بخط امریست طبیعی چون خوشنویسان و خطاطان ممالك اسلامی وخراسان ومخصوصاً خوشنویسان (هرات) اکثراوقات خودرا به استنساخ قرآن مجید، کتب ادبی ودواوین شعراء که طرف توجه مخصوص مردمان بودند صرف می نمودند حسن خط وخوشنویسی پیشرفت و ترقی بسزائی نمود وذوق ظریف پسندی در سلاطین وامراءورجال دولت وعموم مردمان پرورش یافت ذوق مندان بخریداری کتب خطی و نمونه های خطوط خوشنویسان معروف پرداختند و ازین راه صنعت

تاریخ اختراع اقسام خط

از کتاب پیدایش خط وخطاطان تالیف عبدالمحمد ایرانی :

خط کوفی قبل از اسلام در کوفه از خط نبطی وخط سریانی مشتق گردیده .
اول کسی که خط کوفی را در تحت نظم وترتیب در آورد مرامة بن مرة بود . واز او دست بدست با اسلم بن سدره رسید و حرب بن امیه بن عبدالشمس از مکه بطرف کوفه برای تحصیل خط کوفی روان شد وزمانی دراز در آن جا بماند و از استادان فن طریقه وشیوهٔ نوشتن خط بیاموخت تا خود در ین فن استاد شد . و سپس بمکه مراجعت کرد وعده ی از قریش نزد او تعلیم گرفتند اول او طالب عم حضرت پیغمبرص پدر علی رض و عفان بن ابی العماص وغیره بتدریج آنرا آموختند در مکه وجزیرة العرب مشهور بخط کوفی گردید .

بعد از ظهور اسلام عده ی در نوشتن خط کوفی اهتمام یافتند که پنج تن آنها از دیگران معروف تراند . اول عمر بن خطاب دوم عثمان بن عفان سوم علی

Marfat.com

خوشنویسی وخطاطی بیشتر از پیش کسب ترقی نمود . خوشنویس برای افتخار ومباهات نام خوده را در زیر خطوطی که مینوشت قید میکرد یعنی درزیر آثار خوده برخلاف روش نقاشان و صورتگران امضاء می نمود و بهمین جهت است که نام خطاطان وخوشنویسان معروف بود ودر شرح حال ایشان (برخلاف نقاشان) کتب زیادی نوشته شد درمقابل این خوشنویسان مشهور عدهٔ از نساخهای بی نام نیز وجود داشت که مشغول نوشتن کتب بدست مزد ارزان تری بودند و این کتب را کسانی خریداری می نمودند که از داشتن کتب خطی گرانبها محروم بودند .

خط وحروف عربی کاملا در اختیار نویسنده بوده ودارای همه گونه صفات تزئیناتی می باشد یعنی نویسنده وخطاط بهر شکلی که خواسته باشد آنرا آورده می تواند وهمین امتیاز سبب آن گشت که خوشنویسان وخطاطان بفکر ایجاد انواع خطوط و تطورخط بیفتند مثلاء حروف در ابتدای امر خیلی فراخ و کم ارتفاع بود ولی در اوایل

بن ابیطالب چهارم ابی بن کعب پنجم زید بن ثابت وغیره (صحابه رضی الله عنهم) واز ین خط بتدریج سی وهفت خط دیگر بشکل های مختلف وبنام های انواع واین خطوط تا زمان المقتدر بالله عباسی که سال ۲۹۵ بر تخت خلافت نشست مروج بود ودر اوایل قرن چهارم که نابغهٔ زمان ابو علی محمد ابن مقله بیضاوی شیرازی بعرصهٔ ظهور رسید همت برین گماشت که جدیدی از خط کوفی استخراج کند که تحریر آن برای هر کس آسان باشد از خط کوفی خطی احداث نمود آنرا خط محقق نامید ودر تحت قاعدهٔ صحیحی در آوردو جمعی را بیاموخت و کتابت قرآن شریف وکتب دینی را بدان شروع نمود وبعد بایجاد خط ریحان پرداخت وآن خط را از محقق بیرون آورد وبیشتر کلمات آن تابع خط محقق بود و در اندك مدتی خط محقق و ریحان بین مردم اشتهار یافت . وسپس خط ثلث را از خط ریحان بیرون آورد و تحت قاعده اش کشید تا بدرجه کمال رسید . وپس از انتشار این خط خط نسخ را اختراع کرد در واقع خط نسخ سایر خطوط را نسخ

قرن پنجم هجری کشیده و زیباشد (۱) و در دوره غزنویان و سلجوقیان خط کوفی بر دقت و زیبائی خود افزو د و خط نسخ نیز از آن بوجود آمد و درقرن هفتم هجری خط دیگری که موسوم به نستعلیق (مرکب از نسخ وتعلیق) بود ظهورنمود و از آنوقت بیشتر کتب خطی به این خط نوشته شد و بحدی این خط شیوع ورواج یافت که اگر کتابی بخط نسخ دیده می‌شود می توان یقین نمود از کتبی است که پیش از قرن نهم هجر ی نوشته شده است .

ضمنا خمن خطو طمختلف و متنو ع برکسانی که اهل فن نیستند و از خط بهرهٔ ندارند مشکل است و غیرهٔ از خوشنو یسان کسی نمی تواند کاملا تفا وت میان خطوط مختلف را که در دو ره های مختلف در خراسان وفارس مورد استعمال بوده درك کنند اگر چه ما می توانیستیم از روی کتب و نظر یات اهل فن که در مدارك عدیده قید است اختلافات وامتیازات اکثر خطوط را در اینجا نقل کنیم مگر بعلت اینکه چندان مورد دلچسپی واستفاده واقع نمی شد عمداء صرف نظر گر دید .

کرد وبعد خط توقیع را احداث کرد تاقضات سجلات وسایر چیزها را بدان خط نگاشتند . پس از آن خط رقاع را ایجاد نمود تا رقعه ها وفرمان های حکام ولا یات بدان نوشته شود . واین خطو ط بسرعتی شگفت آور در عهد خودش انتشار یا فت وبعد ها بکوشش برادرش حسن بن مقله وابن بواب ودیگرا ن تکمیل گردید .

در قرن ششم هجری خط تعلیق بهمت حسن فارسی وخواجه تاج الدین از خط نسخ ورقاع که موسوم برسل بود اختراع شد . ا ست و خط نستعلیق بقرن هفتم هجر ی باهر نمائی خواجه میرعلی تبریزی از خط نسخ وخط تعلیق بوجود آمد و بعد بوسیله پدرش میر عبدالله وسایر خطاطان آراسته گردید خط شکسته درقرن یازده هم هجری بوسیله مرتضی قلی خان و به همکاری شفیعی هروی بو جو د آمد و بعد در و یش عبدالمجید بکرسی نشاندو دیگر خطو ط تزئینی بنامهای مختلف از ا سنا دا ن گذشته بجا ما نده و از آن جمله مجقون هروی خط نوامان را اختراع نمود

---

(۱) صفحه ۶۶ ترجمه تاریخ صفا یع ایران بعداز اسلام طبع تهران

Marfat.com

پیشتر گفتیم که در قرن نهم هجری خطی بنام نستعلیق بمیان آمد و از آنوقت به بعد بالعموم کتب خطی را با آن خط نوشتند.

اختراع آن خط را به میر علی تبریزی نسبت میدهند که به دربار تیموری پرورش یافته و پس از او پسرش عبدالله دنباله کار پدر را گرفته و بعضی نواقص آنرا رفع کرده است - این شخص دو نفر شاگرد نیز داشت که از جمله مولانا جعفر تبریزی است. چون جعفر تبریزی اصلا در هرات که کانون خوشنویسی بود پرورش یافته شرح حال او را در جای خودش نوشته ایم که از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

خلاصه دورهٔ تیموریان هرات در تاریخ خط و خوشنویسی یک دورهٔ طلائی بشمار میرود زیرا این سلاله هنر دوست از خوشنویسی تشویق و حمایه واز خوشنویسان تقدیر کرده آنهارا بمقامات عالی رسانده اند. از جمله امیر بدرالدین که یکی از وزرای تیموراست خوشنویس معروفی بود علاوه بران بعضی از امراء وشهزادگان تیموری نیز بخط خوب معروف بودند چنانچه شرح حال ابراهیم میرزا و با یسنغر میرزا دو نوادهٔ تیمور را در جای خودش مطالعه خواهند فرمود گذشته از تکمیل و پیشرفت خط نستعلیق در دورهٔ تیموریان دو خط دیگر که عبارت از خط دیوانی و خط دشتی باشد نیز بوجود آمده است.

از کتاب تاریخ نوشته های کهن تالیف بوهاند عبدالحی حبیبی :

غلام محمد هفت قلمی دهلوی مولف تذکره خوشنویسان در حدود ۱۲۳۹ می نویسد که بیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند لیکن این مرد بزرگوار قواعدی در خط نستعلیق مقرر نموده بنابر این زمان آغاز نستعلیق هنری را درحدود ۷۰۰ هجری تعیین باید کرد درحالیکه اساس آن در خط تعلیق بیش از سه قرن گذاشته شده بود ما سندی در دست داریم که نمونه نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری بخط یک هروی نشان میدهد.

بدین معنی که نسخه خطی کتابت عجائب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخه ربیع الاول سنه ۷۹۰ هجری در کتابخانه ملی پاریس موجوداست (۳۴۲) تکمله فارسی

Marfat.com

در پایان این مختصر باید متذکرشویم که اگر خوشنویسی ترقی نمیکرد وصنعت کتاب نویسی به‌منتهی درجه ترقی نمیرسید البته صنعت مینا تورسازی درهرات بوجود نمی‌آمد ودر تأریخ صنایع شرق فصل برجسته را احراز نمی نمود .

(خوشنویسان)

الف

ابراهیم میرزا :

ابراهیم‌میرزا ابن شارخ میرزا ابن تیمور که از جملهٔ شهزادگان تیموری هرات است در تحصیل علم وکمال و مخصوصاً در بدست آوردن وآموختن بعضی از صنایع نفیسه مانند خوشنویسی شوق ومجاهدت زیاد داشت . چنانچه بهمین منا سبت شش نوع خط معمول آنوقت را آموخت وشهرت ومهارت بسزایی در خوشنویسی حاصل کرد . از آنجمله خط ثلث را بروش یاقوت مستعصمی یاچنان استادی وز بردستی مینگاشت که کمتر کسی می توانست دربین خط او و یاقوت فرقی بگذارد . در زمانیکه بشیر از حکمروائی داشت‌علماء واد باء و نقاشان وخطاطان زیادرا بدورخود جمع کرده بوده درسنه ۸۴۴ هجری پدرود زندگانی گفت .

که در آخرآن نوشته اند : تاریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفی عنه . این کتاب برای کتابخانه سلطان احمد خان (شیخ اویس ایلکانی ۷۸۴ - ۸۱۳ هجری) نوشته شده است . (یادداشتهای قزوینی ۷ - ۲۰۳) بهر صورت در عصر تیمور و شاهرخ خط نستعلیق که زیباترین خطوط بوده و هم زاده قریحه تابناک مردم خراسان است، در مملکت تیموریان ورواج کامل یافت بکتیبه ابنیه و کتب مستعمل گردید و در دربار تیمور یان شاگردان میر علی که استاد و مرتب این خط بود بعد از عبدالله پسر هنرمندش هروش یافتند . که از آن جمله مولا جعفرو پسرش جلال و مولانا اظهر متوفی در ۸۸۰ هجری وپسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی و میر علی هروی و محمد اوبهی و سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و دیگر مشاهیر نستعلیق نویسانند .

Marfat.com

خط ثلث سلطان ابراهيم بن شاهرخ ميرزا

تفصيل درصفحه ٦٨

Marfat.com

Marfat.com

ابو بکر جامی :

اسم پدر ش اسحاق و سلسلهٔ نسبش بملا عبدالرحمن جامی میرسد در کمالات صوری و معنوی کامل بودو بحسن خط و خوشنویسی شهرت تام داشت . زمانی از خراسان به سوی کردستان مسافرت نموده در مدرسهٔ سلیمیه آنجا جای گرفت . چون مراتب فضل و هنر مخصوصاً حسن خطش شهره بود جمعی بخدمتش شتافته ودرخواست افاده نمودند او هم نظر به حیات نیک و نوع خواهانه که داشت دعوت ایشانرا پذیرفته مصروف آموزش خط شد ۱۰ زجمله خطوط نسخ و تعلیق را نیکو مینگاشت و قطعات و مرقعات زیادی ازو بیادگار مانده است فوت او درسنهٔ ۱۰۷۷ هجری بوقوع پیوسته .

(شکل ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲) که بعد از قرن ۱۶ - م سبك نستعلیق ایشان از هرات به ماوراءالنهر و ایران و هند و عثمانی نیز انتقال یافت .

نفایس آثار هنری نستعلیق نویسی بر اینیه تیموریان در هرات فراوان است مانند لوح قدیم مرقد مولانا جامی منسوب بخط میر علی هروی و لوح مزار شیخ زین العابدین خوافی ۸۳۸ هجری (۱۴۳۴ میلادی) ولوحه سنگ مرمر باخط نستعلیق بسیار جلی و عالی در رواق حوض زمزم کاذر گاه هرات و قطعات سنگ مرمر مرقد پیر هرات ۹۵۹ هجری ۱۴۵۴ م و الواح نستعلیق کاذر گاه بر قبر رستم محمد خان و خط نستعلیق سلطان علی مشهدی بر گور میر غیاث الدین منصور پدر سلطان حسین بایقرا ۸۸۲ ❁

الف

خواجه ابراهیم : شاید همان امیر ابراهیم قانونی هروی باشد که در خط ثلث وتعلیق شاگرد شهاب الدین عبدالله بیانی بوده ودر موسیقی و ادوار نیز شاگرد او در نواختن قانون بی عدیل بوده چنانچه بعد از عبدالله بیانی ساز قانون را کسی چون او ننواخته اخیرا از بهند رفته سال وفاتش ذکر نشده .

خواجه اختیار هروی : محمد اختیار منشی هروی یاشاگرد تاج سلمانی و یاشاگرد عبدالحی منشی است . ودر عصر سلطان حسین بایقرا بوده و بگفته گلستان هنر تا اخیر عمر از هرات جایی نرفته بعضی مورخین سال وفاتش را ۹۹۰ نوشته اند .

یك قطعه خط نستعلیق او نزد فکری سلجوقی بود . زاید برین ازو معلومماتی در دست نیست .

Marfat.com

ارشد :

میرزا محمد ارشد پسر خواجه علی اکبر بن محمد هاشم بن محمد طاهر بن جلال الدین ارشد بن سراج الدین علی است- میرزا محمد ارشد در برناباد هرات نشوونما یافته و باشاه صفی وشاه سلیمان صفوی معاصر و با ناظم هروی و فصیحی و ملا عیشی مصاحب بوده است ، درسنه ۱۰۵۲ متولد و درسنه ۱۱۱۴ هجری در هرات وفات یافته است . ارشد شاعر بزرگ بود ودر تمام شعب ادبیات دست کافی داشت غزل وقصیده ورباعی را استادانه میسرایید . در نثر

✿ هجری ۱۴۷۷ م وچهار قبر دیگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی و چند مرثیه در آندرون گنبد آرامگاه شهزاده بایسنغر در خیابان هرات و دو بیت بقلم بسیار قوی جلی نستعلیق بر مرمر سفید مرقد پیر هرات بخط حسن خان شاملو (شکل ۱۱۴) درین عصر عموماً کتاب ها را به نستعلیق خوش می نوشتند و نستعلیق نویسان مکتب هرات آثار گرانمایه و شهکاری های خطی بوجود آورده اند . که از آنجمله جعفر بایسنغری شهکار هنری خود یعنی نسخه نفیس شاهنامه بایسنغری را در سنه ۸۳۳ هجری ۱۴۲۹ م نوشت که در موزه گلستان تهران است (شکل ۱۱۵) وهم سه ورق مجموعه خطوط نستعلیق و ریحان و نسخ و ثلث و رقاع و شکسته نستعلیق به امضای اوست در موزه ملی تهران (شکل ۱۰۹) و هم هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دواوین شعرا والبم ها در موزیم های دنیا موجود است .

پنجم خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵ و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع ثلث در سرتا سر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر و امور عامه در ضمن چابک نویسی از امتزاج و در هم شکستن هر دو، خطی بوجود آورند که آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق نامیدند. اسلوب شکسته نویسی نیز در طول قرن ۱۵ - ۱۶ رنگ فنی و هنری گرفت و ما می بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه بر اقلام سته اساسی دو قلم تعلیق و نستعلیق و یک قلم نهم شکسته مستقلا افزوده شد و استاد جعفر بایسنغری در اوراق نمونهٔ خطوط مذکورهٔ خویش که در موزه ملی تهران است دو سطر بسیار زیبا و نفیسی را بهمین شکسته نستعلیق هم نوشته است (شکل ۱۰۹) که پختگی این شیوه را درعصر شاهرخ میرساند . ✿

Marfat.com

هم قریحه سرشاری داشت . در خوشنویسی هم از اجلهٔ استادان ودر موسیقی از ماهرترین نوازندگان بشمار میرفت ودر اخیر عمر دست از شعر کشیده بکلی مصروف کتابت کلام الله شریف شد وهشت مرتبه آنرا نوشت .

چنانچه خودش میگوید :

قلم بموسم پیری عصای من شده است — کلام حق چمن دلکشای من شده است
قلم بمصحف هشتم چوزد رقم ارشد — ضمان هشت بهشت از برای من شده است (۱)

اسفزاری :

مولانا معین الدین محمد معروف به اسفزاری از جمله شعراء و مولفین و خوشنویسان عصر سلطان حسین بایقرا است . در شهر تاریخی هرات نشو و نما یافته و به خوشنویسی و تدریس خطوط مشغول بوده است چنانچه فوقاً اشاره کردیم علاوه بر شاعری صاحب تألیفات نیز است از جمله آثار او یکی تأریخ شهر هرات ودیگری مجموعه مناشیر و مکتوبات معروف است (۲)

اشرف خان میر منشی :

اسمش میر محمد اصغر و از سادات حسینی است اصلا از سبزوار است در فن انشاء ونازك خیالی اقتدار کامل داشت ، در خطاطی وخوشنویسی

وبعد از آن میرزا فصیحی هروی و شفیعای هروی و مرتضی قلمی شاملوی هروی و درویش عبدالمجید تالقانی وغیره از هنر مندان نامور این طریقه اند و برخی از شکسته نویسان چون شیوه خاصی داشتند آنرا شکسته آمیز منسوب به شفیعای هروی دانسته خط شفیعه هم گفته اند .

ولی خط شکسته برای کتاب و کتیبه نویسی کمتر استعمال شده و رواج آن تا کنون هم برای مراسلات عامه و دفتری بوده و گاهی بطور نمونه هنری و تزئینی بر قطعات زیبا نوشته شده است .

---

(۱) آثار هرات مولفه خلیلی افغان .

(۲) حبیب السیر .

Marfat.com

به نگارش هفت خط استاد بود، مخصوصاً تعلیق و نسخ تعلیق را تا اندازه‌ی استاد انه می نوشت که او را از سرآمدان روزگار می خواندند علاوه بر آن به جعفر نیز آشنا بود. در زمان همایون پادشاه مغلی هند میزیست واز طرف او به مراتب رفیعه رسیده به خطاب میر منشی امتیاز یافت.

زمانی به حجاز سفر کرده و در سال ۹۶۸ ه بدربار جلال الدین اکبر بار یافت و مورد مراحم و اشفاق شاها نه او قرار گرفت، در سنه ۹۶۹ از طرف جلال الدین اکبر به لقب اشرف خانی سرافراز گشت وفات او در سنه ۹۷۳ در بلده مذکور به مرض وبا اتفاق افتاد. اشعار رنگین وآبدار نیز از و بیاد گار مانده است. (۱)

اظهر مولانا

از شاگردان معروف حکیم جعفر هروی است ابتداء در هرات مشغول تحصیل گردیده تا این فن را بدست آورده است و به اندك زمانی بدرجه استادی نایل شده چون در هرات قطعات و مرقعات بی نظیر نگاشت هوای سیاحت نموده رو بجانب کرمان آورد و از آنجا به اصفهان و شیراز و بغداد و بصره مسافرت کرده بالاخره عزم بیت الله شریف در دل گرفت. و از راه خشکه عازم مدینه مکرمه و مکه معظمه گردید پس از ادای فریضه حج و زیارت حضرت خیرالبشر (ص) رو بجانب بیت المقدس نمود.

. (قاضی) اختیار الدین حسن گنابادی هروی :

در عصر سلطان حسین میرزا قاضی القضات هرات بوده از جناید (گناباد) خراسان است در هرات نشو ونما یافته بعضی او را همان محمد اختیار منشی هروی میدانند ولی حقیقت اینست که محمد اختیار منشی هروی شخص دیگر است. و قاضی اختیار الدین حسن نستعلیق نویس است که در روضة الصفا جلد ۷ مختصر شرح حال او را ذکر کرده و سام میرزای صفوی نیز در تحفه سامی او را یاد کرده و او را از تربت خراسان (زاوهٔ قدیم) دانسته وشهرت اورا به امساك و جمع کردن از ذکر نموده.

---

(۱) صفحه ۷۴ جلد اول جزء اول مآثر الامراء طبع هند.

و در آنجا مدتی مشغول کتابت گشت (۱) و هم دران دیار وفات یافت سنه وفات او معلوم نشد.

افغان : اسم او محمد رحیم و از کاتبان خوشنویس قرن سیزده هراتست با محمد عمر هروی خطاط و ملا محمدحسین هروی که شرح حال او را در ردیف (م) مطالعه خواهند فرموده معاصر بوده است از جمله خطوط نستعلیق خفی را نهایت زیبا می نوشت (۲)

امیر خلیل هراتی :

امیر خیل قلندر هراتی در اوان طفولیت تحصیلات خود را بهرات شروع نموده خط را نزد استادان وقت آموخت از آنجا که دارای ذوق و قریحه سرشاری بود با ثر مجاهدت ومساعی زیاد با ندك مدتی استاد شد واشتهار کاملی درخوشنویسی حاصل کرد چون تهماسپ اول صفوی برای فرونشاندن شورش وآتش انقلاب بجانب خراسان حرکت نمود از لیاقت وکمالات خلیل باخبرشدواو را از هرات بدربار خوددعوت نموده مقرب ساخت، چون خلیل مردآزاده بود پس از مدتی دربارویرا ترك داده عازم هندشدودرآنجاهم برحسب لیاقت وشخصیت خود به نزد پادشاه وقت یعنی همایون که ذوق مفرطی به صنایع زیبا داشت عزیز ومحترم گشت . پس ازچندی درهند هم دلگیر گردید دوباره عزم فارس کرد و باصفهان رفت ولی درین وقت زمام حکومت

تاریخ وفاتش معلوم نیست ظاهراً هنگام تالیف تحفه سامی در قید حیات نبوده که میگوید : در پایان عمرش مثنوی را بنظم آورد .

امیر خلیل قلندر هروی : فکری سلجوقی او را حسب ذیل معرفی میکند :

سید خلیل الله هروی برادر زادهٔ میر محمد حسین باخرزی هروی از شاگردان محمود بن اسحق شهابی است و بعضی او را از شاگردان سید احمد غزالی لعین گفته اند . او شاه تهماسپ را در مشهد مشق خط میداد وهمراه شاه تهماسپ بعراق رفت لذا بعضی او را عراقی دانسته اند .

---

(۱) کلکسیون سال ۳ مجلهٔ ادبی هرات .

(۲) کلکسیون سال ٤ مجلهٔ ادبی هرات .

Marfat.com

آنجا بدست عباس اول صفوی رسیده بود، چون چشم و دل عباس را حسن وزیبایی خطوط خلیل ربود برمقام تقدیر برآمده او را مقرب درگاه خود ساخت وجائزهٔ بسیارش بخشود و هم خواهش کرد که مرقعی برای کتابخانهٔ سلطنتی بنگارد، بدینمنوال ایام خود را میگذرانید تا آنکه آوازهٔ شهرتش سراسر آنسامان را فرا گرفته شهرت میر عماد قزوینی راکه باوی معاصر بوداز بین برده. صاحب پیدایش خط وخطان میگوید: زمانی بین او و (خلیل هراتی) ومیرعماد که شرح حالش خواهد آمد درجحانیت وبرتری خط مسابقه وبعد مناقشه دست داد وهر یکی مدعی برتری خط خود بودند چون آوازهٔ این مناقشه بگوش شاه رسید فرمان داد تاملا محمدحسین وعلیرضای عباسی که هریك درسپهر کمال آفتاب تابنده بودند درمیان آنان حکم واقع شوند. ملا حسین و علیرضا پس از تعمق در خطوط هردو خط امیرخلیل قلندر را ترجیح دادند(۱)

خلیل بعد ازچندین سال توقف در فارس به نسبت درخواستنامه های ملوك هند که آرزومند صحبت و خریدار صنعت او بودند از عباس صفوی اجازه گرفته مجدداً عازم هند شد.

چون به حیدر آباد دکن رسید بیمار گشته در اثر آن فوت کرد (درسنهٔ ۱۰۳۵ھ) و بهما نجا مدفون گردید.

یك قطعه سیاه مشق بقلم سه دانگ و دو دانگ و نیم و دو دانگ بمرکب مطوس و مرکب کت بهمان قلم سه دانگ بامضای خلیل الله در کتابخانه فکری سلجوقی موجود بوده فکری میگوید: واقعاً براستی از اکثر استادان نستعلیق بهتر و شیرین تر نوشته اما قلم او را بعماد ترجیح دادن ظلمی است که بتحریك شاه عباس وهمقطاران عماد بوی روا داشته اند که در قضاوت خط او را برخط عماد ترجیح داده اند. سال وفات امیرخلیل را تذکره نویسان ذکر نکرده اند مگر هدایت الله الملك یکهزار و بیست و چهار (۱۰۲۴) که سال شهادت عماد قزوینی است نوشته است.

---

(۱) صفحه ۱۳۰ پیدایش خط وخطاطان

Marfat.com

۱ میر سبزواری :

از تولد یافتگان و سربرآوردگان سبزوار هراتست خطوط مختلفه را بکمال زیبائی می نوشت درعلوم دینی وصنایع شعری معلومات فراوانی داشت درزمان سلطان حسین بایقرا شهرت پیدا کرد و شرح زندگانی و گذارشات حیاتی او بکلی مجهول است، تنها امیر علی شیر نوائی در باب او چنین می نویسد : (شیخ الاسلام سبزوار بود و صلاحیت تمام داشت اکثر خطوط را نیك می نوشت اما بسیار خود پسند بود) . (۱) مولانا امیر سبزواری شاعر هم بود و قریحهٔ او درین فن بلند است چنانچه این رباعی از اوست :

گر لایق دولت وصال تو نیم — یا قابل دیدن جمال تو نیم
اما بهمین خوشم که هرگز نفسی — محروم ز خدمت خیال تو نیم

امیر شاهی : اسمش آقا ملك و اصلا از تولد یا فتگان خطهٔ باستانی و با فیض سبزوار هراتست. پدر او جمال الدین فیروز کوهی است که از اولاد سربداران سبزوار بود و در خدمت بایسنغر میرزا رتبه ندیمی ومصاحبی داشت قرار گفتهٔ امیر علی شیر نوائی (۲) و

صفحه ۶۴۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

(امامی) هروی شیخ

از زبردست ترین کاتبان و خوشنویس قرن نهم است با اینکه هیچ یك از کاتبان و خوش نویسان شهیر معاصر و قبل از وی مانند اظهر و جعفر بایسنغری و حتی سلطان علی مشهدی در خوشنویسی از وی برتر نبوده اند و از آثار خطوط وی یك نسخه انیس العاشقین بقلم نستعلیق کتابت عالی ورقم تمت هذه الرسالة الشریفة الموسومة بانیس العاشقین فی تاریخ سنه سبع و ثمانین و ثمانمائه علی ید العبد الفقیر المحتاج الی الملك الصمد شیخ محمد الامامی . در کتابخانه سلطنتی تهران است . دیگر یك نسخه هفت اورنگ جامی بقلم کتابت خطی خوش که چنین تمام میشود :

---

(۱) لطائف نامه فخری ۲۳۶
(۲) ۴۶ لطائف نامه فخری .

صاحب آتشکده آذر (۱) امیر شاهی نیز مانند پدر خود مدتی در خدمت بایسنغر میرزا بود ولی بعدها ازمشاغل رسمی کناره جوئی کرد و در گوشهٔ قناعت خزید ـ میگویند: روزی بایسنغر میرزا هنگامیکه فتنه وشورش سر بدار ان سبزوار فرو نشسته بود بمعیت اصحاب وحواشی بشکار رفت درحین شکار از قضاء هرکس درپی صیدی رفت و بایسنغر میرزا باامیر شاهی تنها ماند سلطان رو را بجانب امیرشاهی کرده گفت :

جمال الدین پدرت مانند امروز در حالیکه با یکی از سر بدداران سبزوار تنها مانده بوداورا بکارد زده کشت میترسم توهم ازموقع استفاده نمود آسیبی بمن برسانی . امیر شاهی پاسخ داد :

حتماً و طبیعی نیست که هر پسر تابع و پیرو اختلاف وافکار پدر خویش باشد . ازان روز به بعد امیر شاهی خدمت در بار سلطان وشهزادگان را ترک داده از مقام وشهرت دو روزی دوری جست و در سبزوار به کشت وزراعت مشغول شده وقت خودرا به قناعت و آسودگی میگذرانید . امیرشاهی یکی از رجال نامور سبزوار و از جملهٔ شعراء ، خطاطان ، نقاشان زبردست آن سامان بشمار میرود شهرت او بیشتر از ناحیه خطاطی وشاعری است چنانچه همین شهرت باعث آن گردید که پس ازچندی انزوا و گوشه گیری اختیارکرد موقعیکه ابوالقاسم بابر میرزای بن بایسنغر بن شاهرخ دست تسلط واقتدار یافت (۲)

کتبه العبد الفقیر الحقیر شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنه تسع و تسعین و ثمانمائه در کتابخانه دانشگاه استانبول یک نسخه مثنوی اشتر نامه شیخ فرید الدین عطار با تاریخ و رقم اضعف عباد الملک الصمد شیخ محمد بن احمد هروی احسن الله احوالهٔ روز یکشنبه ماه ذوالقعدة سنه احدی وعشرین و ثمانمائه ببلدة سمرقند . و دیگر کتاب های متعدد مثل دیوان جامی وقطعات زیاد دارد و تاریخ فوت او بدست نیامده .

---

(۱) صفحه ۷۵ T تشکده آذر طبع بمبئی .

(۱) صفحه ٤٧ تحفه سامی طبع تهران .

Marfat.com

او را در خدمت خود خوانده با خویش به استرآباد فارس برد و او را به منقش کاری خویش در آنجا مقرر کرد. خلاصه شاهی پس از یک عمر طولانی (هفتاد سال) در سنه ۸۵۷ در استر آباد وفات یافت و نعش اورا به سبزوار در مزار ستان جدادیش نقل داده دفن کردند.

دیوان شعر یکه حاوی هر نوع اشکال شعری است و همچنان یک تذکره بنام مجوعهٔ شعرا از او به یادگار باقی مانده است، میگویند شاهی در مدت حیات خویش دو هزار بیت گفته بود مگر دیوان او مشتمل بر یک هزار بیت است و باقی اشعار او تلف شده.

امین الدین محمود (خواجه) :

از مردان بزرگ فاضل و هنر پرور قرن دهم هجری هرات است مرد با تقوی و متدین بوده علاوه بر فضایل علمی در صنایع ظریفه مخصوصاً خوشنویسی شهرهٔ آفاق بود، موقعیکه همایون پادشاه مغلی هند بدست شیر شاه سوری که از شاهان نامور افغان در هند است شکست خورده ازلاهور الی افغانستان آمدو از آنجا به فارس فرار نمود و باز مجدداً در سنه ۹۰۱ هـ از راه هرات و سیستان وارد خاک افغانستان گردید. خواجه امین الدین محمود را که از نامورانو سر برآوردگان، دانشمندان و صنعتگران آنعصر بود دعوت نموده باخود به هند برد. چون خواجه موصوف مرد

صفحه ۶۵۱ تعلیق نویسان دکتور بیانی :

امین هروی :

کاتب کم نام معاصر محمد امین مشهدی از آثار وی دیدم یک نسخه یوسف و زلیخا و تحفة الاحرار و سبحة الابرار و خرد نامه سکندری بقلم و کتابت جلی چنین تمام گردیده: (کتبه الفقیر محمد امین الکاتب الهروی فی شهور سنه ۹۹۲) دیگر قطعه ی از یک مرقع بقلم دو دانگ خوش با رقم و نشقه محمد امین الهروی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است.

---

(۱) صفحه ۶۵۱ تعلیق نویسان دکتور بیانی.

Marfat.com

فاضلی بودو خطو ط متد ا و ل مخصوصاً شکسته را بی اندا زه زیبا و قشنگ می نوشت بدربار همایون عزت و اعتبار ز یا د حاصل کرد و چون در علم سیاق و محاسبه و د فتر داری هم از نوابغ عصر بو د به رتبه های عالی کشوری رسید و بخطاب خواجه جهانی سرافراز و معروف گردید (۱) بالاخر در سنهٔ ۹۸۲ در حوالی لکنهو پد رو د زندگانی گفت .

((ب))

بایسنغر میرزا :

پسر سوم شاهرخ سلطان بن تیمور است مادر او گوهر شاد بیگم ملکهٔ معروف قرن نهم افغانستان است بایسنغر میرزا در شب جمعه ۲۱ ذی حجه ۷۹۹ متولد گردید (۲) مورخین او را بلقب غیاث الدوله خوانده اند

صفحه ٤٠ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

احمد شاملو :

میرزا احمد شاملو بن محمد حسین شاملو از خوشنویسان قرن سیزدهم در خوشنویسی شهرت یافته است . خط نستعلیق را خوش و شکسته را عالی می نوشت .

ابرج میرزا ماده تاریخ وفاتش را (قدمات بعده الخط) یافته است که سال ۱۲٦٤ میشود تاریخ مذکور در المآثر والاثار و منتظم ناصر و ناسخ التواریخ است و واقعه مرگ او را در مشهد ذکر ده اند .

میرزا احمد ظاهراً عمری دراز داشته و سالهای متمادی خوشنویسی کرده است وقدیم ترین اثری که از وی دیده ام یک نسخه رساله (ذخیرة الاخره) در کتابخانهٔ سلطنتی است که تاریخ شوال ۱۲۱۷ دارد .

تبصره : جملهٔ ی (قدمات بعده الخط) که درین جا هزار و دو صد شصت چهار به حساب آمده سهو است و حساب کل آن هزار و دو صد شصت و شش (۱۲٦٦) می شود . میر عبدالعلی شایق

---

۱) صفحة ۲۳۲ ا کبر نامه طبع هند .

(۲) روضة الصفاء حبیب السیر ص ٤۳ ج ۳ جزء ۳ . کعب التواریخ مولفه یحیی قزوینی صفحه ۱۹۱ طبع تهران . امادر لتشاه سمرقندی در تذکره خود سنه تولد بایسنغر را ۸۰۲ ه - می نویسد که بسن ۳۵ سالگی در سنه ۸۳۷ وفات یافته ا-ت.

Marfat.com

خط محقق اثر بایسنغر میرزا پسر
شاهرخ تفضیل در صفحه ۷۸

Marfat.com

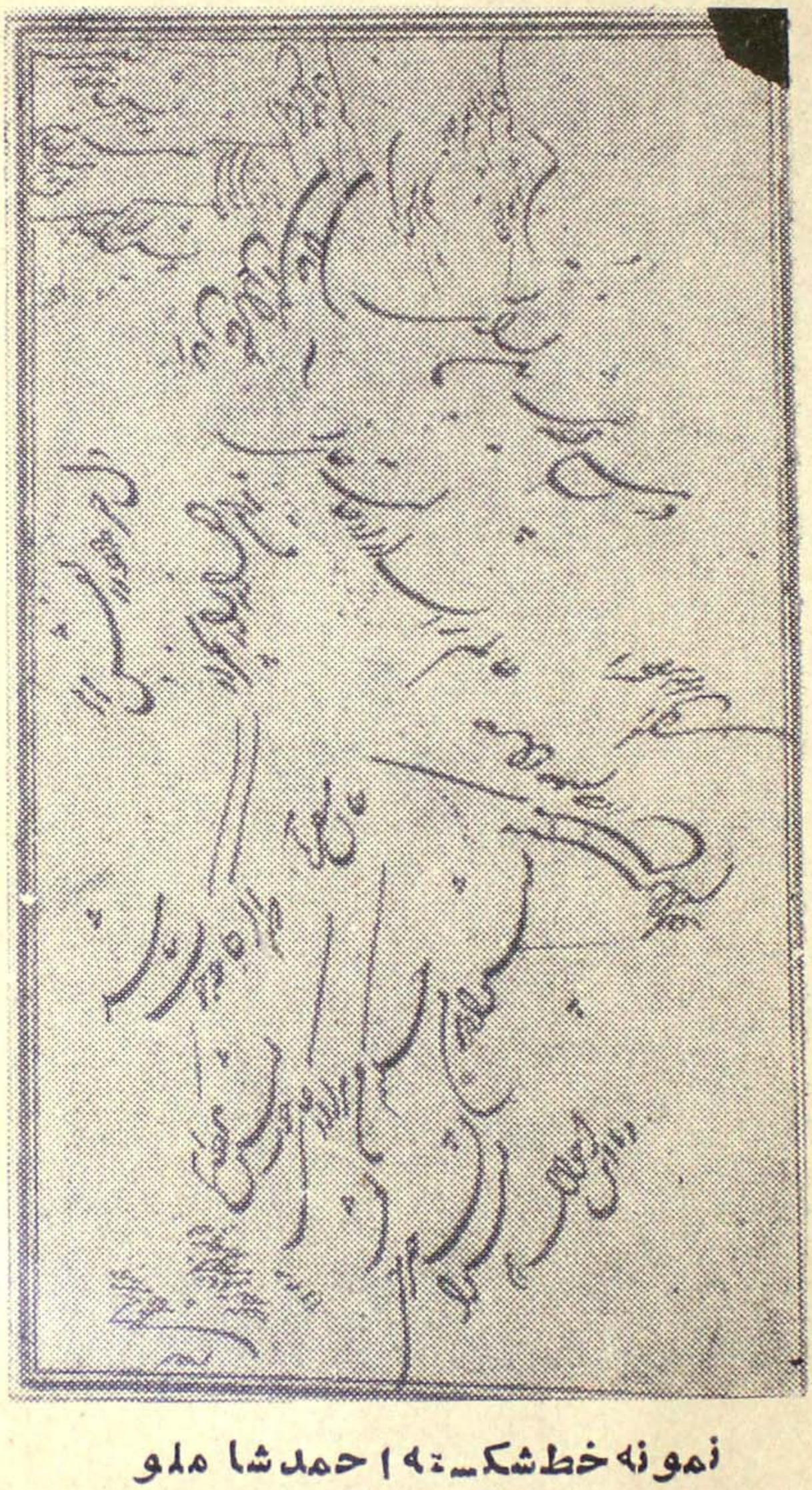

نمونه خط شکسته احمد شاملو

تفصیل در صفحه ۷۸

Marfat.com

در سنه ۸۱۷ شاهرخ حکومت ولایات طوس ومشهد وابیورد و شملقان وجرمغان وخبوشان و نشاو تمام مازندران و استرا باد و شالسمان و کبود جامه ومضافات ومنسوبات جرجان را بدو تفویض نمود .
اما بعد از چندی چون عقل وکاردانی وذکاو حسن سلوك وروية او را شاهرخ تقدیر ودر سنهٔ ۸۱۹ امور وزارت را که طبق تشکیلات امروزی عبارت از رتبهٔ صدارت ورئیس الوزرائی باشد بدو سپرد (۳) بایسنغر در هنر پروری وادب دوستی شهره بود . همیشه با علماء وادباء وشعراء وهنرمندان وصنعتگران مصاحبت داشت خود ش هم گاه گاهی شعر میگفت این بیت را از او نقل میکنند :

گدای کوی او شد بایسنغر گدای کوی خوبان پادشاهست

بایسنغر در هرات کتابخانهٔ بزرگی تأسیس نمود که در آن چهل نفر از خطاطان و خوشنویسان و چهره کشا یان معروف به استنساخ کتب ومصور نمودن آنها اشتغال داشتند، یك عده صحافان و جلدسازان نیز در زمرهٔ همان چهل نفر شامل بودند .
مولانا جعفر خوشنویس حیثیت رئیس کتابخانهٔ مذکور را داشت بایسنغر از شعراء و علماء و هنروران حمایت بسیار میکرد وقصهٔ مولانا معروف خطاط را که بجرم همدستی با احمد لر که شاهرخ را

صفحه ۹۶ تستعلیق نویسان دکتور بیانی

«ب»

بایسنغر میرزا :

فرزند محمود بن احمد بن ابو سعید گورگانی است که از سال ۸۷۹ تا سال ۹۰۰ در ناحیه بدخشان حکومت داشت و بفضل و دانش وحسن وجمال آراسته بود شعر میگفت و (عالی) تخلص میکرد در مجالس النفایس آمده است که سلطانعلی مشهدی بکرات خط نستعلیق ویرا ستوده است .
از آثار وی قطعه ی در مرقع بهرام میرزا در کتابخانه اوقاف استانبول است که بقلم دو دانگ خوش نوشته است و رقم تاریخ دارد: مشقه العبد بایسنغر .
نباید ابن بایسنغر را با بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ بن امیر تیمور اشتباه کرد ابن بایسنغر بسال ۸۳۷ در گذشته و همه اقلام جز نستعلیق را خوش می نوشته است .

صفحه ۶۴۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

در مسجد جامع هرات زخم زده بود معروف است که او را حبس کردند و میخواستند اعدام کنند اما بایسنغر وی را از مرگ نجات داد و تنها به حبسش اکتفا نمودند بایسنغر شهزادهٔ ظریف وخوش طبع بود و موسیقی را نیز در ضمن دیگر صنایع ظریفه دوست میداشت ودر دربار او را مشگران وخنیاگران زیاد تربیه شده بودند حکایت کنند که خواجه یوسف اندکانی بروزگار بایسنغر درگوینده‌گی و مطربی در هفت اقلیم نظیر نداشت. لحن داودی یوسف دل میخراشید وآهنگ خسروانی او بر جگر های مجروح نمك می پاشید سلطان ابراهیم میرزا (برادر او) از شیراز چند نوبت خواجه یوسف را از بایسنغر خواهش نمود که بجهت او بفرستد بایسنغر این بیت را بجواب او نوشت :

ما یوسف خود نمی فروشیم توسیم سیاه خود نگهدار(۱)

خلاصه بایسنغر درسن ۳۹ به دارالسلطنهٔ هرات در باغ سفید به صبح سه شنبه ۷ جمادی الاولی سنهٔ ۸۳۷ هجری قمری پدرود حیات گفت ودل والدین واخوان را بداغ حسرت کباب کرد شعراء درمرثیه او

صفحهٔ ۶۵۹ نستعلیق نویسان دکنو بیانی .

(میر محمد) باقر هروی فرزند میر علی هروی :

خط نستعلیق را خوب می نوشت و به خط تعلیق نیز دست داشته است ، متأخرین تذکره نویسان گویند که در علم کلام و حکمت بی مانند بود و بشرح اشارات خواجه نصیر طوسی اعتراضات دارد . صاحب مناقب هنروران محمد حسین هروی و محمد امین را از شاگردان وی دانسته است .

از آثار وی یك قطعه بقلم سه دانگ جلی و نیم دانگ عالی با رقم : کتبه العبد محمد باقر بن میرعلی هروی غفرالله ذنوبهما در کتابخانه ملی پاریس یك قطعه از مرقع بقلم سه دانگ خوش بسفید اب اعلی با رقم و تاریخ .

فی سنه ۹۸۲ بافرالهروی نیمه دیگر این مرقع بخط پدروی میر علی است که رقم فقیر علی دارد :

---

(۱) تذکره دولت شاه سمرقندی .

که یگانه مشوق وحامی ایشان بود مراثی زیاد سرودنداز جمله اینست :

سلطان سعید بایسنغر سحرم　　گفتا که ببر باهل عالم خبرم
من رفتم وتاریخ وفاتم اینست　　بادا به جهان در ازعمر پدرم

اما امیرشاهی سبزواری باین رباعی بر همگان فایق آمده :

در ماتم تود هربسی شیون کرد　　لاله همه خون دیده در دامن کرد
گل چست قبای ابروانی بدرید　　قمری نمد سیاه در گردن کرد

شعرائیکه در زمان شاهرخ سلطان بملازمت بایسنغر بسر برده اند :

بابا سودائی - مولانا یوسف امیری - امیرشاهی سبزواری - مولانا کاتبی وامیرالدین نزل آبادی . ازمیرزا بایسنغر سه پسرمانده بشرح ذیل :

۱- میرزاعلاءالدوله ملقب برکن الدین که درشب پنجشنبه غرهٔ جمادی الاولی سنهٔ ۸۲۰ متولدودرسنهٔ ۸۵۰ هجری موقعیکه شاهرخ به سفر عراق وآذربایجان رفت به نیابت سلطنت درهرات تقرر حاصل کردو بالاخره درسنهٔ ۸۶۵ وفات کردودرمدرسهٔ گوهرشاد بیگم جده اش دفن گردید .

۲- میرزا سلطان محمد که حکمران فارس ومازندران بود و درسنهٔ ۸۵۵ فوت کرد .

۳- میرزا ابوالقاسم بابر که درسنهٔ ۸۵۴ حاکم خراسان بوده و بعد از سلطان محمد در سنهٔ ۸۵۵ حکومت فارس نیز نصیب او شد و در سنهٔ ۸۶۱ فوت کرد. بایسنغررا بایدسلطان هنرمندان خواند، زیراکمتر

در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول .

و یک قطعه نیم دو دانگی و کتابت رنگه خوش بارقم الفقیر الی الله هب محمد باقر الکاتب الهروی در مجموعه نگارنده .

(مولانا) پارسا :

مولانا پارسا هروی الاصل بوده خط خفی را خوب می نوشته از بن بیش معلومات از و در دست نیست .

(۲) صفحه ۲۰۸ لب التواریخ مولفه یحیی قزوینی ، طبع تهران .

Marfat.com

امیر علی شیر نوائی نسبت بشعراء و هنروران محتاج به تذکار نیست بنائی هم به نوبهٔ خود مورد الطاف و نوازش دربار هنر پرور هرات واقع شده سهم و حصهٔ خود را گرفت، مگر در اخیر بین امیر علی شیر وبنائی کدورت خاطر پیدا شده موجبات دلسردی و دوری جستن بنائی را از هرات فراهم آورد علل، مخالفت و رنجش خاطر امیر علیشیر را با بنائی تذکره نویسان و مورخین شکل ورنگ مختلف داده اند که نمی توان بسهولت صورت حقیقت را از خلال آنها پیدا نمود.

از جمله صاحب تاریخ رشیدی میگوید:

در میان او و امیر علیشیر دایم منا قضات می بود و ظ ا فتها در میا ن ایشا ن گذشته است از جمله آنکه امیر علیشیر دو مطلعیکه یکی از مولانا صاحب است از وی به التماس خریده میر تمام ساخته است و مطلع دیگر از مولانا لطفی است که پیش از میر کسی مقدار او نبوده تمام نکرده بوده است میرآن مطلع را خوش کرده آنرا تمام ساخته بوده است که متأسفانه آن مطلع بدست نیامد.

پیر علی هروی: ولد عبدالرحیم کتابعنبرین قلم هروی در خط نستعلیق استاد بوده و او غیراز پیرعلی جامی است که، بجز همین معلومات ازو چیزی در دست نداریم.

پیر علی جامی، او از شاگردان سلطانعلی مشهدی بنظر میرسد و همعصر میر علی هروی بوده.

فکری می نویسد، سبحة الابرار جامی را بخط پیر علی جامی در هرات دیدم و اکنون کلیات جامی را بخط پیر علی جامی دردست دارم و در نسخ خطی کتابخانه وزارت اطلاعات و کلتور گلستان سعدی بخط پیر علی جامی موجوداست که درختم آن چنین رقم نموده:

«بتاریخ غره آبان سنه احد جلوس مبارک مطابق ۲۴ ماه صفر سنه ۱۰۳۸ برسم کتابخانه بندگان اعلیحضرت سکندر شوکت خلافت مرتبت سلیمان مکانی خلیفة الرحمانی ابو المظفر شهاب الدین محمد شاه جهان پادشاه غازی سمت تحریر یافت محرره العبد الاقل پیر علی ابن ملا عبدالرحیم عنبرین قلم بهذا الفاخره آگره».

Marfat.com

بنائی از جهت آنکه به امیرعلیشیر ظرافتهایی برگذار میکرده میر نیز درمقام ظرافت شده فرموده است مولینا بنائی دیوانه شده است اورا به دارالشفاء برده بکف پای او نخود آب علاج کنند ازین جهت گریخته بعراق رفته بود واز سلطان یعقوب تربیتها یافته بعداز مدت کمی باز بهرات آمده بوده است میرعلیشیر کسی فرستاده طلب نموده درمقام لطف وآشنائی شده است و به انعام واکرام تلافی نموده وعذر ما فات گذشته کرده است و بنائی نیز عذرهای ظرافتها خواسته بهم نیك برآمدند . درمحل خوش پرسی ها میر پرسیده است که عراق را چون یافتید؟ بنائی گفته است که یك چیز عراقیان را بسیار خوب یافتم که ایشان مطلقاً شعر ترکی نمیگویند- میر گفته تو هنوز هشیار نشده‌ای ، بگذار این تعرضات را بیازروی یاری واتحاد راستی را بگوی در دیوانهای ما کدام مطلع خوبست گفته است مطلعی از مولانا را خوانده است .

میر گفته عجب مرد متعرضی ۱ این مطلع خود ازمولانا صاحب است که ماخریده ایم وتو قصداً از برای تعرض این میگویی .. تو هرگز تعرض را ترك نخواهی کرد، هردو باز بر سرآزارخود رفتند . بعضی مدارك دیگر مانند خزانهٔ عامره علت آزردگی امیر علی شیر نوایی راازمولانا بنائی چیز دیگر دانسته می نویسد: معمار طبیعت او (یعنی بنائی) بنای سخن بلند ساخته ومهندس اندیشهٔ او طرح معنی دلپسند انداخته بقول میر غیاث الدین منصور ملای شاعران وشاعر ملایان است و قتی قصیدهٔ در مدح علی شیر گفته گذرانیده وصلهٔ خاطر خواه نیافت لاجرم بعضی الفاظ قصیده را تغییرداده بنام سلطان احمد میرزا که همشیره زاده سلطان حسین میرزا بود کرد واین قطعه را به امیر علیشیر فرستاد :

دخترا نیکه بکر فکر من اند هریکی را بشو هری دادم
آنکه کابین نداد وعنین بود زو گرفتم بد یگری دادم

امیرعلی شیر برنجید ، بنائی جلای وطن اختیارکرده به نزد سلطان یعقوب رفت بعد از فوت او بهرات برگشت چون کدورت خاطر امیر

هنوز صفا نیافته بود بماوراء النهر شتافت.
چنانچه فوقاً دیدیم بهر علتی که بود بنائی از ترس وخوف اینکه مبادا امیر علیشیر وزیر به اذاویتی برساند هرات را ترک داده سیاحت تبریز نموده و در آنجا رسوخ و اعتبار کامل پیدا کرد زیرا سلطان یعقوب بن حسن بیگ بن علی بیك بن قرا عثمان که از امرای محلی خانوادهٔ آق قوینلوی تبریز وشیفتهٔ علم وصنعت وشهرت مولانا بنائی بود ازورود او بدانجا مسبوق گردیده مورد لطف و احترام ومهمان نوازی خویش قرار داد.
مگر از آنجا که حب وطن وغرور ملی از اختصاصات فرزندان کشور باستانی افغانستان است مولانا بنائی پس ازمرگ سلطان یعقوب (۸۹۶ هجری قمری) بسیاحت خویش در فارس وآذربایجان و توقف خود به تبریز خاتمه داده مجدداً بهرات که سرچشمهٔ الهامات شاعرانه وذوق صنعتی او بود مراجعت کرده برحسب تذکره صاحب تاریخ رشیدی اینمرتبه باز طرف توجه والطاف امیر علیشیر و زیر معروف ودانش پرور هرات واقع شده، پس ازاقامتی چند سرازنو فضای صمیمیت آنها تیره گردیده این دفعه برای اینکه زنگ کدورت را از صفحهٔ خاطر خود دور کرده باشد آهنگ مسافرت بسوی ماوراءالنهر نمود. چون بسمرقند که امور آن بتوسط سلطان علی میرزا ابن سلطان احمد میرزا نواسه خواهر سلطان حسین میرزا اداره می شد رسیده مدتی رحل اقامت افگند از آنجا که سلطان علی میرزا مانند مامای خود سلطان حسین میرزا ودیگر اسلاف خود علم دوست و هنر پرور بود بنائی را مجذوب الطاف وقدر دانی های خود قرار داده وی را نه قهراً بلکه از روی لطف ومهربانی مجبور ساخت که مدتی وی را از فیوض شعر وادب و صنعت خویش مستفید گرداند، چندگاهیکه بنائی در خدمت او مصروف و مشغول شعر سرائی و خوشنویسی بود دمی از خیال و طن زیبای خود هرات فارغ نه نشست ودرحالیکه آرزوی وصول و مراجعت را به وطن در دل می پرورانید روزگار با همان کج روشی هائیکه شیوه اوست متأسفانه بنائی را امان نداد که جامی از آب خوشگوار رود بارهری پر نموده تلخی روزگار مفارقت را

را از کام خود بزداید اینست که در حدود ۹۰۶ هجری سمرقند مورد حمله محمد خان شیبانی قرار گرفت سلطان علی میرزا به نسبت قلت عساکر و قوا سمرقند را به امید فتح ثانی تخلیه و با همراهان و حواشی وسپاه محدود خود عقب نشینی اختیار نمود درین وقت بنائی فرصت بیرون رفتن از شهر سمرقند را نیافته درجمله غنایم گران بها بدست شیبانی اسیر گشت - اگرچه محمد خان شیبانی مرد درشت طبع بود و چندان با شعار و ادب وصنعت را بطه نداشت مگر با آن باد لیل اینکه قیمت وارزش جواهر از نظر کسی پوشیده نیست طبع سرشار و ذوق شاعرانه بنائی چون قطرات باران نیسانی که دشت و چمن را مساویانه سرسبز وشاداب می نماید بروح محمد خان شیبانی نیز بی تأثیر نمانده درنظرش محترم وعزیز گشت، اخلاف محمدخان نیز ازو احترام و تقدیر کردند ودرهمین فرصت بود که بنائی از اشعار خواجه استقبال کرده تخلص خود را از بنائی به (حالی) تغییر داد.

آثار قلمی وصنعتی مولینا بنائی متأسفانه خیلی کم و نایاب است زیرا طور یکه دیدیم عمر او سراسر بسیاحت و گشت و گذار سپری شده و همواره مانند کواکب سیار در گردش و حرکت بود در هر سرزمینیکه چیزی نوشت ازدستی بدست دیگری انتقال نمود وزمانه یغماگر بالاخره آنرا از بین برد.

دیوان اشعار او در همه جا و مخصوصاً در ماوراء النهر معروف و عزیز بود و اشعار آبدارش در سینه خاص و عام محفوظ ماند چنانچه

« ت »

صفحه ۶۷۰ تعلیق نویسان دو کتوری بیانی

(محمد) تقی هروی

از خوشنویسان زبردست قرن دهم و بخط وی یک نسخه منتخبات اشعار متفرقه در مجموعه آقا مهندس دیدم بقلم کتابت عالی با رقم تاریخ :

کتبه محمد تقی الهروی فی سنه سبع وتسعین وتسعمائه .

Marfat.com

پیشتر اشاره نمودیم بنائی آرزوی خاك هرات را با خود بخاك برد و موفق نشد که در زیر آسمان پر فیض وطن جان داده دز دل خاك مرد خیزآن مدفون گردد به این معنی که در حد و د ۹۱۸ مو قعی که شاه اسماعیل صفوی از ضعف و نزاع امرای ازبك در بخارا وسمر قند استفاده کرده لشکری به سر کرد گی ا میر یا ر ا حمد ا صفها نی بدانسو فرستاد و آن را بتصرف خویش در آورد درین هنگام بنائی به معیت شیخ میرزا حاکم قرشی بود، چون آن ناحیه نیز مورد تاخت و تاز صفویان قرار گرفت تقریباً پانزده هزار کس از مردمان ملکی و نظامی بقتل رسیدند مولا نا بنا ئی و شیخ میرزا نیز از تیغ ظلم و شقاوت آنها جان بسلامت نبرده بقتل رسیدند.

شاید بنائی آثار و مؤلفات دیگری نیز داشته مگر آنچه ازاو معروف است بهرام و بهروزاواست ـ درعلم موسیقی و ریاضی نیز رسائلی دارد.

این هم نا گفته نماند که بنائی از صنعت معما ر ی و کا شی کاری نیز که شغل پد ر ی ا و بـو د و بهمـا ن لحا ظ بنا ئی تخلص میکر د بی بهره نبود.

((ج))

مو لا نا جا می :

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی آفتاب علم و فضیلت هرات است پسر نظام الدین احمد بن محمد است ـ جامی باندازه‌ی نور وقهرت دارد که حاجت بمعرفی نیست ولی در دیده ها ئیکه بجانب او نگران اند تفاوت واختلافات موجوداست. یکی اوراشاعر بزرگ وزبردست دیگری مطابق میل خود پیر روشن ضمیر عالی مرتبت میپنا بد، یکی او را قدوة ار باب علم و دیگری عمده صا حبان قلم میدا نند.

نه دیوان شعر است این بلکه جا می کشیده است خوا نی برسم کریمان
زا لوان نعمت در او هرچه خواهی بیا بی مگر مدح و ذم لئیمان

در باب جا می هر چه بگو ئیم و بنو یسیم با ز هم کم است ما نمی توا نیم

Marfat.com

حق صفات جامی و اندازهٔ مقام بلند شخصیت او را بزبان یا قلم بیان نمائیم در باب جامی هرچه بخواهید مانند جام جم خواهید دید، ماهم به این عقیده مولانا را دارنده خط خوش و زیبا خواندیم و بران موفق آمدیم لهذا اگر ما در اینجا ذکری از مولانا کردیم فقط و فقط از نقطهٔ نظر خط وخوشنویسی بوده نه علم ومقام او.

مولانا عبدالرحمن جامی که لقب اصلیش عماد الدین و لقب معروف شان نورالدین است در شب بیست و سوم شعبان ۸۲۷ در قریه جام متولد شده چنانچه خودش میگوید.

مولدم جام و رشحهٔ قلمم جرعه جام شیخ الاسلامی است (۱)

طفلی و صباوت مولانا جامی در همان قریهٔ جام سپری شده و در عنفوان جوانی شروع به تحصیل علوم نموده قدم بر مدارج زهد و تقوی گذاشت. در رشحات مرقوم است که جامی درصغر سن با والد خویش وارد شهر هرات گردیده در مدرسهٔ نظامیه آنجا اقامت گزید و از علمای زبده عصر مانند مولانا جنید اصولی و مولانا خواجه علی سمرقندی وغیره کسب علوم نموده ملای زبردست شد جامی از همان روزیکه داخل مدرسه گردیده زبان به تلفظ الف باء کشود ذکاء بی پایان

ج - (حکیم) جعفر هروی: فریدالدین جعفر معروف به حکیم جعفر هروی و جعفر بایسنغری از خطاطان نامی هرات و ملقب به فریدالدین و عین الاعیان است. وی جهت تحصیل خط از هرات بتبریز رفت نزد استادان آندیار خصوصاً خواجه میر عبدالله خلف میر علی تبریزی خطوط سبعه را فرا گرفت. چون بهرات مراجعت کرد بواسطه مسافرت طولانی و اقامت به تبریز به تبریزی معروف گردید. او شاگردان زیاد داشت و از آنجمله آخند ملا اظهر هروی است. وفات حکیم جعفر را بسالهای ۸۶۳ و ۸۸۰ و ۸۸۵ در هرات نوشته اند و او را پسری بود بنام جلال الدین محمد بن جعفر مشهوی به جلال جعفر که در خطوط سبعه مخصوصاً ثلث در روزگار خود فرد یگانه بود. کتیبه ایوان مزار شیخ زین الدین تایبادی بخط ثلث زیبای اواست فکری گوید. آنرا دیده ام و الحق که بسیار عالی نوشته و امضاء نموده.

---

(۱) در بعضی دواوین رشحه رجام شیخ الاسلامی است

و نبوغ فوق العاده خود را آشکار نمود، جامی در خوردی طفل ذکی و هوشیار درجوانی عالم و شاعر زبر دست و در پیری و افتادگی شیخ بجا رسیده بود.

در زمان ابو القاسم بابر پسر بایسنغر اشعار مولانا شهرت یافت و همه او را تقدیر نمودند درهمین وقت بود که رسالهٔ کبیر خود را در معما نوشت و بنام ابو القاسم میرزا اهداء کرد. در ایام سلطنت سلطان ابو سعید صیت زهد و دانش او بهمه جارسید و سلطان مذکور بی نهایت در احترام و تکریم او کوشش میکرد. چنانچه مشهور است که شبی یا روزی جامی به دربار سلطان ابوسعید رفته و چون اورا مشغول عیش وطرب یافت باز گشت واز سلطان دیدن نکرد چون این خبر بگوش ابو سعید کورگان رسید بمحض احترام و مراعات خاطر جامی سامان وآلات طرب را رفع کرد و ملازمی را بطلب مولانا فرستاد مگر باآنهم جامی ازحضور بهم رسانیدن انکار ورزید واین دو بیت را فی البدیهه سرود:

نه زهد آمد مرا مانع زبزم عشرت اندیشان غم خوددورمیدارم زبزم عشرت ایشان
بجایی کاطلس شاهان نشاید فرش درگاشا که راه قرب یابد دلق گرد آلود درویشان

(مولانا) جمشید کتابدار هروی:

گویند یکی از اجداد او از دوم بهرات آمده لذا او را جمشیدی رومی میگفتند. او از شاگردان ملا اظهر هروی است، نستعلیق را خوب می نوشته و شعر خوب میگفته و در فن معما و حل آن فکر قوی داشته. جمشید بسال ۹۱۸ درهرات وفات یافته.

جعفر حسینی هروی:

مولانا جعفر حسینی در عصر حسن خان شاملو وعباس قلی خان در هرات میزیسته در نستعلیق شیوهٔ خاص داشته. فکری یکقطعه خط او را دیده میگوید:

کتیبهٔ حوض انبار داخل صحن مزار سلطان میر عبد الواحد شهید بخط نستعلیق او به ملا حظه میرسد.

درین دور مولانا کتب و آثار زیاد نوشت، از جمله دیوان اول و بعضی از رسایل تصوفی او.

در عصر سلطان حسین میرزا بایقرا مولانا جامی بیشتر از پیش مقبول عام وخاص گشت و آن سلطان علم دوست را همانند مغناطیسی بسوی خود جلب نموده. امیر علیشیر نوائی خیلی ها محبت و ارادت مولانا را بدل می پروراند و مولانا هم او را فوق العاده عزیز میداشت چنانچه در اکثر آثار و اشعار مولانا مدح و تمجید آن وزیر دانشمند دیده میشود. جامی را نه تنها سلطان حسین و امیرعلی شیر دوست میداشتند بلکه تماماً شهزادگان واراکین وعلماء ومشایخ عصر مراتب احترام وعزت اورا بجا می آوردند.

بیشتر از آثار گرانبهای جامی در زمان سلطان حسین میرزا بوجود آمده اند. زیرا درین عصر علم وادبیات بیشتر ترقی داشت واز آثار ومؤلفات او درین دوره زیاده تر تقدیر وستایش بعمل می آمد بالاخره مولانا در هرات بروز جمعه دژدهم محرم سنهٔ ۸۹۸ بعمر هشتاد ویك سالگی جهان ناپایدار را پدرود گفت وآز زندگانی چشم پوشید. فردای آنروز یعنی در ۱۹ ماه مذکور خود سلطان حسین بایقرا بمعیت امیرعلیشیر نوائی وسایر اراکین مهم دولت وعلماً وفضلاء وروحانیون بمنزل شخصی مولانا تشریف برده و پس از مراسم تجهیز و تکفین نعش او را به مسجد بزرگ عیدگاه هرات نقل داده نماز جنازه اش را خواندند و بدین تشریفات دفن گردید. در زمان امیرحبیب الله خان شهید مقبره ی جهت او بنا شد و قنات مشهور به خسرو آقا را وقف آن نمود. آثار و مولفات مولانا جامی قرار ذیل است :

۱- شواهد النبوة ۲ - اشعة اللمعات ۳- شرح فصوص الحکم ۴- لوامع

جمال الدین محمد مشهدی :

شاگرد بابا شاه اصفهانی یعنی شاگرد شاگرد میرعلی هروی است که در مشهد بکتابخانهٔ سلطان ابراهیم پسر بهرام میرزا کتابت میکرد. سال وفاتش مجهول است.

Marfat.com

۵- شرح بعضی ابیات کافیه فارضیه ٦- تفسیر تا به آیه کریمه «وایای فارهبون» ۷ - شرح رباعیات ۸- لوائح ۹- شرح دو بیت مثنوی مولوی ۱۰ - شرح حدیث ابی ذرغفاری ۱۱ - رسالة فی الوجود ۱۲ - ترجمة اربعین حدیث ۱۳ - رساله لا اله الا الله ۱۴ - مناقب خواجه عبد الله انصاری ۱۵ - رساله تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم ۱٦ - رساله سوال وجواب هندوستان ۱۷ - رساله مناسك حج ۱۸ - هفت اورنگ که مشتمل است بر هفت کتاب: اول سلسلة الذهب، دوم سلامان وابسال، سوم تحفة الاحرار، چهارم سبحة الابرار، پنجم یوسف و زلیخا ششم لیلی و مجنون، هفتم خردنامه اسکندری .

۱۹- رساله در قافیه ۲۰- دیوان اول ۲۱- دیوان ثانی ۲۲ - دیوان ثالث ۲۳- رساله منشور بهارستان ۲۴- رساله کبیر در معما ۲۵ رساله متوسط در معما ۲٦- رسالهٔ صغیر در معما ۲۷ - رسالهٔ اصغر در معما ۲۸ - رسالهٔ عروض ۲۹ رسالهٔ موسیقی ۳۰ - منشآت ۳۱ - فوائد الضیائیه فی شرح الکافیه ۳۲ - شرح بعضی از مفتاح الغیب منظوم و منثور ۳۳ - نقد النصوص ۳۴ - نفحات الانس ۳۵ - رساله طریق صوفیان ۳٦ - شرح بیت خسرو دهلوی ۳۷ - مناقب مولوی ۳۸ - سخنان خواجه پارسا .

این بود مختصری از سوانح و تراجم احوال مولانا - طوریکه پیشتر گفتیم علاوه بر داشتن صفات و ممیزات دینی و علمی مولانا جامی خطاط نیز بود یعنی خط خوش و زیبا نیز مینوشت .

مگر در بین خوشنویسی مولانا جامی و دیگر خطاطان و خوشنویسان معاصر او فرقی موجود است اکثر خطاطان که درین نامهٔ کوچك از ایشان ذکری شده یا به دوایر رسمی دولت کاتب و خوشنویس بودند و یا خود شخصاً کتب و دواوین شعرا را استنساخ نموده بعد از منقش و مذهب کاری آنها را بقیمت های گزاف بفروش میرسانیدند و روی همرفته ازین راه امرار معیشت میکردند ولی مولینا نه ازین راه نان بدست میآورد و نه تنزل میکرد که تالیفات و دواوین دیگران را استنساخ می نمود و علاوه بر ان وقت

Marfat.com

گرانبهای مولانا نیز برای اینکار بقدر کافی مساعدت نمیکرد فقط خوشنویسی وخطاطی او محدود به نقل ورونویس کردن مؤلفات ورساله های خود ش. بود مولینا اشعار، قصاید، غزلیات و مؤلفات خود را به خط زیبای خویش که شیوه واسلوب مخصوصی دارد نقل میکرد چنانچه بعضی از نسخه های او تاکنون موجوداست از جمله سلسلة الذهب وسبحة الابرار او میباشد که بخط خود مولانا جامی در موزهٔ کابل محفوظ است این دو کتاب دریك وقایه جلد شده اند.

این نسخه بدون تذهیب وسایر نقوش و محاسنیکه دردوره تیموریان هرات و مخصوصاً در عهد سلطنت سلطان حسین بایقرا دراینگونه کتب بکار میبردند می باشد و خط آن سر تا پا بیك شیوه واسلوب نوشته شده و تقریباً شکل آن همین خط حروفی مطابع است ولی بناغلی سرور خان گویا اعتمادی سبك خط آنرا مایل بطرز شکست میداند (۱)

علاوه برین نسخه معلوم میشود که نسخه های دیگر نیز بخط مولانا جامی در افغانستان موجود بوده، چنانچه در صفحه اخیر سبحة الابرار فوق الذکر یك ورق علیحده بخط امیر حبیب الله خان شهید و نصرالله خان نائب السلطنه ضم گردیده که این مدعای مارا تأیید مینماید، مضمون ورق

صفحه ۱۲۸ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

جمشید معمائی هروی: سپهر گوید که فرزند احمد رومی بوده و در هرات نشو و نما کرده در فن معما ماهر بود و نستعلیق را با مزه و پخته می نوشت مولف قواعد خطوط و گلستان هنر ویرا از اولاد مولانا جلال الدین بلخی دانسته اند تاریخ وفات ویرا سلطان حسین جمشید عیالی (که خود از خوشنویسان است) چنین یافته است:

با خلق نکو و آشنایی جمشید — جا کرد بکنج بی نوایی جمشید
گردید جدا ز جان وشد تاریخش — جان داده بمحنت جدایی جمشید

---

(۱) صفحه ۱۷۷ مقاله بعضی از نسخه‌های نایاب قلمی موزهٔ کابل

Marfat.com

مذکور قرار آتی است :

(ارجمند عزیز الوجود نائب السلطنه !

بخط حضرت مولانا جامی چند رساله نزد شما است . نوشتهٔ این کتاب را به آن رساله مقابله کرده عرضهٔ حضور بدارید . سراج الملت والدین

جواب :

اعلیحضرت سراج الملت والدین را غلامم!

قبل برین هم نوشته بودم حال هم مقابله شد مطابق خط خود حضرت مولانا است ـ باقی غلام شما نصرالله ۲۵ شعبان ۱۳۳۶)

علاوه برین درین نزدیکی به کتابخانه اعلیحضرت یك جلد کتاب دیگری از رسائل مولانا جامی افزوده شده که سر تا پا بخط خود مولانای موصوف است این نسخه نیز مانند نسخه های سبحة الابرار موزهٔ کابل بشکل ساده و عاری از تزئینات و نقوش است .

خلاصه مولانا جامی نیز از جملهٔ خوشنویسان وهنروران هرات محسوب شده می تواند . خط او فوق العاده خوانا بوده و بخود یك سبك و اسلوب بکلی جداگانه دارد وخیلی پخته و قرص بنظر می خود .

جعفر تبریزی : مولانا جعفر گرچه اصلا تبریزیست اما در هرات

که کانون نقاشی و خوشنویسی بود تربیت یافته در زمان شاهرخ میرزا (۸۰۷-۸۵۰) میزیسته است صاحب حبیب السیر ترجمهٔ حال اورا توضیح مختصر داده و از سنه تولد و تاریخ وفات او ذکری نکرده است در نوشتن انواع خطوط استاد بود اما نسخ تعلیق را طوری می نوشت که دگر خوشنویسان نه توانستند آنرا به پایهٔ او برسانند . اکثر خوشنویسان وخطاطان آنوقت مانند مولانا اظهر ومولانا شهاب الدین و عبدالله آشپز وشیخ محمود که هریك آنها درخوشنویسی خود را ابن مقله ویاقوت وقت می دانستند شاگرد او بودند .

✿ که می شود سال ۹۵۳ ولی سپهر طور معمول خود با لتسامح تاریخ مرگ اورا سال ۹۱۵ ضبط کرده است .

نمونه خطوط جعفر بایسنغری

تفصیل در صفحه ۹۵

Marfat.com

جعفر جلال :

از صنعتگر ان و خوشنو یسا ن خیلی معروف قر ن نهم هرات است در زمان شاهرخ میرزا بن تیمور (۸۰۷ - ۸۵۰ هجری قمری) در هرات میز یست در عصر خو یش به خوشنو یسی وخطا طی از اجله استادان بشمار میر فت، خطوط متدا و ل را عموماً و ثلث ر ا خصو صاً زیبا و استادا نه مینو شت ا ز نمو نه آثار خطی فنا نا پذیر او یکی کتیبه‌ی است به خط ثلث که برای مدر سهٔ گوهر شا د بیگم زوجهٔ شاهرخ میرزا در ۸۴۱ نوشته و بروی سنگ مرمر حك شده است و در موزه هرات محفو ظ میباشد .

(ح)

حا فظ (هروی)

اسم وسنه تو لد او بد ست نیا مده بعد از مر گ سلطان حسین با یقرا یعنی پس از سقوط نهضت علم و فن و صنعت در هر ا ت د ر سنه ۹۱۹ هجری قمر ی پدرود حیا ت گفته است . (۱)

حکیم جعفر هروی :

نخستین استا د یست که در ساحت هرات خط نستعلیق نگاشته واین روش را بیا د گار گذاشته است .

جعفر هروی خوشنو یسی است که در اکثر خطوط مخصو صاً ثلث مها رت واستا دی کامل داشت- بعضی را عقیده بران است که حکیم جعفر در خوشنو یسی شا گرد خواجه میرعلی تبر یزی بوده و برخی را نظر چنین ا ست که به شاگرد ی خو ا جه میر عبد الله شکر ین قلم پسر خواجهٔ موصوف رسیده است (۲) امابنا غلی فکری هر وی نو یسنده معا صر ما می نو یسد که بخد مت هردو رسیده است (۳)

---

(۱) شماره دوازده سال ۳ مجله ادبی هرات

(۲) ص ۴۲ تذکرة خوشنو یسان طبع هند .

(۳) کلکسیون سال ٤ مجله ادبی هرات .

Marfat.com

حکیم جعفر در اوایل شهرت خویش در هرات به مرقع نگاری و قطعه آرایی مشغول بوده ولی بعد ها بسوی بلخ و خوارزم

«ح»

حسن خان شاملو :

خاندان شاملو از قدیم در هرات میزیسته. گویند طایفه شاملو ازشام به آذربایجان آمده و از آنجا با طراف خراسان پراگنده شده اند. حسن خان پسر حسین خان شاملو است و امیر خراسان و بیگلربیگی هرات بوده و سالها بنام بیگلربیگی باشی در هرات بحیث حکمران می بود.

او از جمله استادان زبردست خط نستعلیق بوده، یک قطعه سنگ مرمر عالی بخط او بسایز چهار دانگ در کتیبه پیش روی تربت حضرت خواجه انصار قدس سره نصب است که از نفایس روزگار است یکقطعه خط حسن خان شاملو در کتابخانه ارگ کابل موجود است.

حسن خان شاملو بسال ۱۰۵۲ هـ ـ وفات یافته ودر گنبد مزار سید عبد الله بن معاویه (رض) بهلوی پدر خویش حسین علی خان مدفون گردیده.

ص ۱۳۲ نستعلیق نویسان دکتور پیانی :

(خواجه) حافظ هروی :

صاحب مرآت العالم گوید که از فضل و هنر بهره داشت و سوای نستعلیق همه اقلام خطرا بپایه اعلا رسانیده بود از مخصوصان امیر علی شیر نوائی بوده است و خطایع جامع شریف هرات وپیش نمازی مسجد نوایی را داشت شعر هم میگفت. بسال ۹۲٤ در گذشت.

ص ۷۰۰ نستعلیق نویسان دکتور پیانی :

(محمد حسین بن غیاث الدین علی :

از کاتبان خوشنویس قرن دهم وبخط وی یک نسخه دیوان جامی در کتابخانه کابل است بقلم و کتابت خوش با رقم و تاریخ :

کتبه العبد المذنب الراجی الی رحمة الله الملک الولی (محمد) حسین بن غیاث الدین علی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما سنه ۹۰۰

Marfat.com

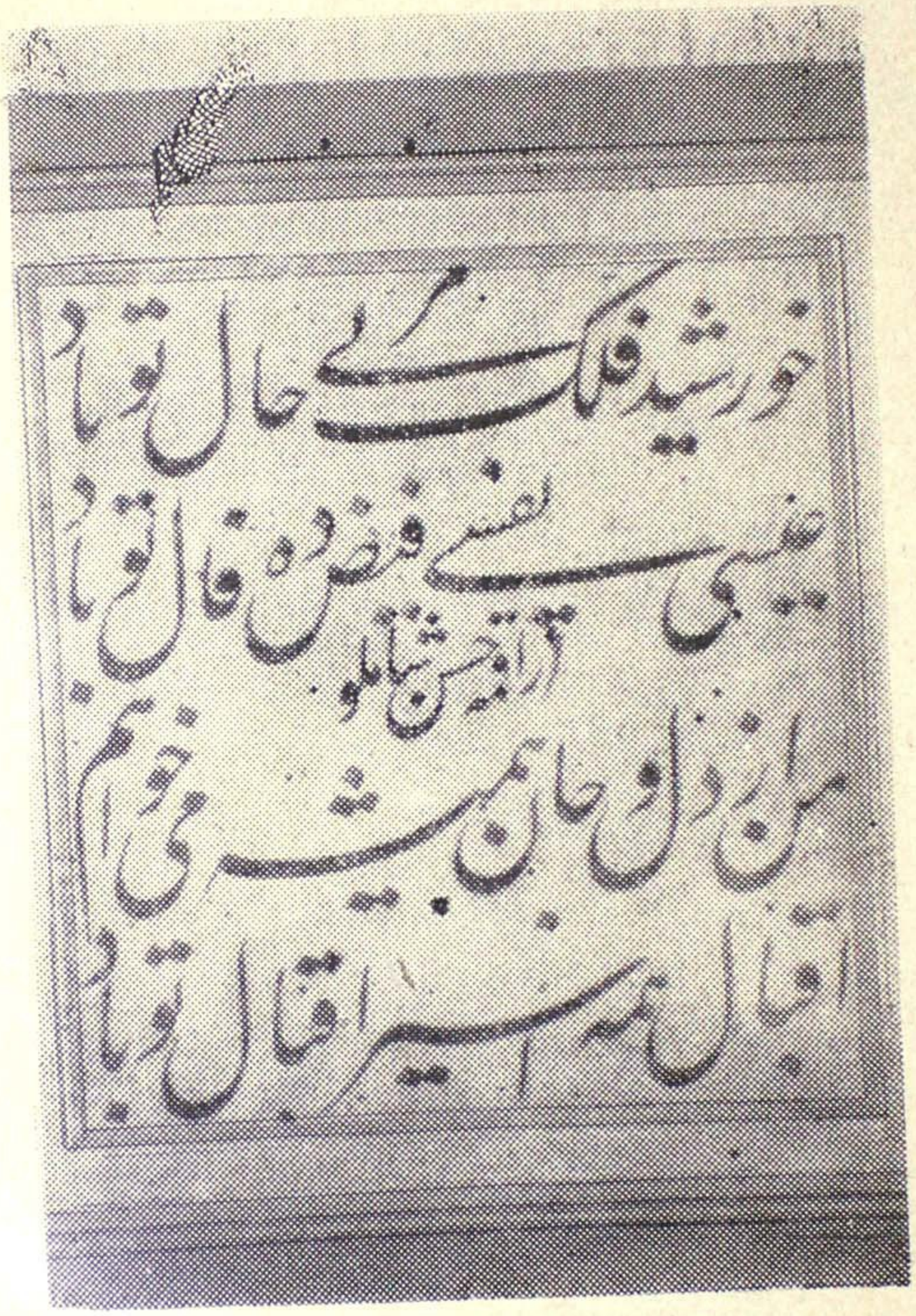

خط نستعلیق حسن خان شاملو

تفصیل در صفحه ۹۶

Marfat.com

Marfat.com

وسمر قند مسافرت کرده و با لاخره به بخارا را مقر وطن گشته است و در آنجا هم کتابت می نمود - میگویند دیوان دقیقی بلخی را به امر امیر بخارا را بنهایت دقت نگاشت و پس از ان به انعامات و نوازشات ملوکانه مفوض شد ومدتی در نهایت عزت زیست. تاریخ تولد و سنهٔ وفات او معلوم نیست.

ص(۷۰۹) استعلیق نویسان دکتور بیانی ؛

(محمد) حسین هروی :

در مناقب هنروران است که وی شاگرد میر محمد باقر بن میر علی هروی بود تاریخ وفاتش معلوم نیست .

صفحه (۱٤۸) نستعلیق نویسان دکتور بیانی ؛

حسن هروی :

در تذکره مرجز (ریحان نستعلیق) آمده است که از خواجه حسن هروی است که من از شاگردان میر علی هروی بودم و اکثر اوقات را صرف خدمت میر مینمودم . . . . ولی کدام تذکره حسن هروی نامی را جزء شاگردان میر علی نیاورده است .

حسین شهابی هروی:

او را بعضی بلخی وشاگرد محمود بن اسحق نوشته اند صاحب بیدایش خط و خطاطان درذیل احوال محمود بن اسحق شهابی می نویسد :

محمود شهابی پس از چندی توقف در بخارا به هرات برگشت و بکرسی افاده نشست درین وقت شاه حسین شهابی بلخی در هرات بود و چون مراتب کمالات و حسن خط خواجه محمود را دانست او را بخواند و نوازش نمود و او بمناسبت خدمت بشاه حسین شهابی متدرجاً بخواجه محمود شهابی بلخی شهرت یافت . شاه حسین بلخی از شاه حسین شهابی هروی فرق دارد. شاه حسین بلخی از امرا بود ولی خوشنویس نبوده.

خواجه محمود شهابی چون در محله خواجه شهاب سیاوشان سکونت داشت شهابی تخلص می نمود . اگر شاه حسین شهابی به نسبت شاگردی محمود شهابی به شهابی معروف نشده باشد در آن صورت بطور قطع او نیز از سیاوشان هرات واز محله خواجه شهاب و هموطن و هم قریه استاد خود محمود شهابی بوده .

((خ))

خازن :

نامش ابوالفضل و از خطاطان و خوشنویسان معروف قرن ششم خراسان (افغانستان) است در مرگ او اختلاف است زیرا حبیب افندی صاحب خط و خطاطان ترکی آنرا در سنهٔ ۵۱۸ هـ،ق و ابن خلکان در سنهٔ ۵۴۲ هـ،ق مینگارد و ایشان متفق الرأی او را از جملهٔ شاگردان ابراهیم بن هلال خطاط معروف عرب که با ملوك دیالمه معاصر بوده میشمارند، این امر بکلی غلط ثابت میشود زیرا فاصلهٔ مدتیکه بین خازن و ابن هلال بوده متجاوز از یکصد و پنجاه سال است یعنی ابراهیم بن هلال در سنهٔ ۳۸۴ هـ ـ ق وفات کرده است.

بهر حال ابو الفضل خازن از اعجوبهٔ خوشنویسان زمان بشمار میرفت چنانچه بقول صاحب پیدایش خط و خطاطان در مدت عمر خویش ۵۰۰ نسخه از قرآن عظیم الشان نوشته و از زمرهٔ مختار عین خطوط رقاع و توقیع بحساب میرود طبع شعر نیز داشته و مخصوصاً در عربی نظر به ایجاز بات زمان اشعار زیبایی سروده است که تا حال بنام او باقی است.

فکری سلجوقی صفات العاشقین هلالی هروی را بخط محمود شهابی دیده که به کتابخانه حسن خان شاملو نوشته و بصراحت (حسین شهابی هروی) امضاء نموده است.

« خ »

خواجه جان سیاوشانی :

بعد از محمود شهابی وشاه حسین شهابی وی سومین خوشنویس سیاوشان هراتست از حالاتش اطلاعی در دست نیست زندگانی او تا سال ۹۳۹ که نسخه تحفة الابرار جامی را نوشته ودر کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات وکلتور موجود است مشخص ومعین است در اخیر تحفة الابرار چنین رقم نموده (کتبه . . . . خواجه جان بن سلطان احمد سیاوشانی سترعیوبه وغفرذنوبه)

خط نستعلق خواجه تاج الدین منشی تفصیل در صفحه ۹۹

Marfat.com

خوش مردان :

میر محمود خوش مردان پسر خواجه علاؤ الدین حسن بن با با علی خوش مردان و از مردمان سبزوار هرات است پدر کلان با با علی خوش مردان یکی از رجال صاحب حال متصوف معروف است از خودخانقاه بزرگ و مریدان زیاد داشت - شاهرخ میرزا او را فوق العاده محترم و بزرگوار میدانست و پیوسته و را مورد لطف و عنایات شاهان خود قرار میداد .

میر محمود خوش مردان که از طرف پدر و جد خویش رسوخ و اعتبار زیادی در بین مردمان داشت مرد بسیار فاضل و هنرور بود در قسمت خوشنویسی اشتهار زیاد داشت وچندین خط متداول را با بسیار لطافت و زیبایی بصورت استادانه می نوشت این مرد دانشمند درزمان سلطان حسین بایقرا میزیسته و سلطان و وزیراو یعنی امیرعلی شیر نوایی باوی التفات وعنایات بی پایانی داشتند، میرمحمود طبع شعر هم داشت اشعارش روان و متین اند .

قراریکه میگویند میر مذکور از اشخاص عادی نبوده زیرا هیچ گاهی عصبانیت نمیکرد طبع حلیم داشته و شخص با صلاحیت بود مردمان آثار خطی اورا به بسیار احترام حفظ و نگهداری میکردند خط نستعلیق او مخصوصاً تعریف و توصیف زیاد داشت وآثار بی اندازه زیبا مینوشت .

رسالهٔ در حدودسنه ۸۹۷ هجری در خصوص اصول و قواعد نوشتن خط نوشت و در آن اصول نگارش شش نوع رسم الخط را نگاشت .

خواجه تاج سلمانی هروی :

از اولاد سلمان فارسی (رض) بوده از آنرو سلمانی تخلص میکرده . وی کتابی بنام شمس الحسن در تاریخ زندگانی شاهرخ میرزا و گارنامه های

در قسمت اخیر این رساله خود چند بیت برجستهٔ در تعریف خط وخوشنویسی سرا ئیده در بیت اخیرآن تاریخ تالیف کتاب را نشان داده است آن بیت اینست :

چون اصول‌شش قلم کردم رقم گشت تاریخش «اصول‌شش قلم»

خندان

هرات تقریباً مدت یك قرن یعنی از زمان سلطنت شاهرخ میرزا الی فوت سلطان حسین با یقرا مرکز وکانون صنایع جمیله بود که دران صنعتگران و هنروران زیادی از قبیل نقاشان مینیاتورسازان، معماران، خاتم‌کاران‌وخوشنویسان بوجودآمدند. مابنوبهٔ خود چند نفر ازین هنروران را صفحات گذشته نوشتیم اینك به ترجمهٔ حال سلطان محمد خندان که در زمرهٔ استادان بزرگ و خوشنویسان معروف آنجاست می پردازیم .

سلطان محمد خندان ازان نامووران هرات است که میتوان وی را در بوستان صنایع زیبای آن سامان گل سرسبد نامید مشارالیه در اواخر قرن نهم هجری یعنی در زمان سلطان حسین با یقرا پا بعرصه وجود گذاشته واز مقدم او نگارستان معروف هرات

او تالیف کرده ازاشعار او قصیده معروفی است که در توصیف شهر هرات سروده. که افرادذیل از آن قصده است :

هرات چشم‌و چراغ تمام بلدان است جهان تن است و به نسبت هرات چون جان است
شده است سینه‌روی زمین خراسان لیك هرات ازره معنی دل خراسان است
نسیم خلد ز باغ مرو حشی مظهر بخاك طینت او مظهر آب حیوان است
صفای او بصفت غیرت صفای بهشت هوای او بفرح رشك روح و ریحان است
بسان چرخ بنایش معهد الارکان مثال سدره اساسش رفیع بنیان است
نعیم ناز بهشت است سر بسر آنجا مجاورش بمثل نیز مثل رضوان است
ازآن گذشت برفعت ز آسمان که کنون مقام سلطنت آفتاب تابان است

رونق وشکوه تازه یافت این استاد جلیل القدر تعلیمات ابتدائی وانتهائی خود را در علوم متداولهٔ آن وقت بهرات بپایان رسانیده چون ذوق مفرطی به صنعت خوشنویسی داشت به نزد خطاط معروف سلطانعلی مشهدی خوشنویسی را فراگرفته مهارت بی پایان یافت بالاخره در زمرهٔ خوشنویسان رسمی دربار سلطان‌حسین بایقرا داخل شد چنانچه امیر علی شیر نوائی وزیر نامدار هرات درتذکرهٔ معروف خود می نویسد : (سلطان‌محمد خندان خوشنویس مقرر ممالک خراسان است و بدین قابلیت فرزندزمان ویگانهٔ دوران است شیوهٔ خط سلطان محمد خندان عیناً همان روش خط سلطان علی بوده و بی نهایت پخته ومتین است اگرچه چندین خط را نیکو می نوشت ولی نستعلیق او زیبائی وقشنگی مخصوص دارد این استاد معروف وطن نه تنها خوشنویس است بلکه در شعروادبیات نیز ماهر بوده است اگر چه دائماً شعر نمی گفت واشعار زیادی ازاو باقی نمانده ولی چند بیت که ازوی نقل میکنندمقبول وزیبا است .

سیرت واخلاق او بی اندازه محبوب و تربیت خانوادگیش فوق العاده عالی بود، صحبت شیرین داشت . دردوستی ور فاقت صمیمی بود و در آشنائی وصحبت تکلف و تشریفات را نمی پسندید .

سنهٔ تولد و تاریخ وفات او مانند اکثر هنروران آنوقت بدست نیامده .و در باب اینکه مسافرتی در ممالک همجوار نموده یا خیر در هیچ یك مأخذی تذکار نشده است صاحب حبیب‌السیر میگوید :

سلطان محمد خندان با وجود حسن خط به لطف طبع موصوف است و به صحبت اهل عیش و طرب مشغوف وحالا در بلدهٔ فاخرهٔ هرات وطن دارد . گاهی به نسخ شریفه مینگاردوازین چند سطر مختصر معلوم

خواجه موصوف در عصر تیمور گورکان خط تعلیق را از خط توقیع ورقاع استخراج و اختراع کرد و از آن پس فرامین و تعلیمات را باین خط نوشته خط تعلیق در توقیعات و فرامین جای خط توقیع و رقاع را اشغال کرد . سال وفات خواجه موصوف محقق نیست .

Marfat.com

میشود که وی تاسال ۹۳۰ که سنه اتمام حبیب السیر است حیات داشته در دهات هرات میزیسته است ذوق سلمان محمد خندان درصنایع ظریفه تنها محدود بهخوشنویسی وشاعری نبوده بلکه درموسیقی نیز دستی داشته وازجمله نی را ماهرانه می نواخته است .

((ن))

درایت :

اسم او عبدالله است، پدرش محمد جعفر هروی متخلص به کفایت است که ترجمهٔ حال اورا درردیف کاف مطالعه خواهند فرمود .

عبدالله لقب درایتخان را از شاه جهان شاه مغلی هند دریافت نموده است خط شکسته را بقول مولانا غلام محمد صاحب تذکره خوشنویسان از پدرخویش جعفر کفایت وجد خویش محمدحسین بمراتب بهتر وزیباتر می نوشت ودران چندین طرز دیگر اختراع نموده بود

فکری سلجوقو در مقدمه تعلیقاتش دوست محمد را چنین معرفی میکند لشکر کشی شاه اسماعیل صفوی به سلطنت خاندان تیموری خاتمه بخشید و هنر وران هری را اغلباً شاه اسماعیل بقزوین کوچانید و از آنجا به تبریز برد و بقیه را عبدالله خان بغارت گرفت و کرهاً به بخارا کوچ داد که از آنجمله استاد میر علی هروی و میر سید احمد آمو چشم و محمود بن اسحاق شهابی بودند که در بخارا به دلتنگی بسر میبردند واز آن جمله آنچه باقی ماند خود سفر هند اختیار کردند و تن از مهر که بیرون کشیدند یکی از آن هنرورا نیکه از هرات بقزوین فرستاده شد همان خطاط و نقاش جوانی بود از گواشان هرات که آنرا استاد دوست محمد می گفتند .

این استاد هنرمند در نگاشتن خط ثلث و نستعلیق و فن تصویر و تذهیب و تجلید کتب یگانه روزگار بود و اولین کسی است که قرآن کریم را بخط زیبای نستعلیق نوشت شرح حال دوست محمد را سام میرزای صفوی در تحفه سامی چنین مینویسد :

غلام محمد موصوف در تذکره خو یش میگو ید : (جریدهٔ د ستخطی عبد ا لله د را یت را مطلا و مذ هب بخط خفی و جلی که بنظر فقیر در آمده کسی ندیده با شد . (۱)

دوست محمد :

اسم پدرش سلیما ن واز خو شنو یسان معر و ف قرن دهم هر ا تست درخوشنو یسی به تمام خرا سان (ا فغا نستا ن) و فارس شهرت زائد الوصفی حاصل کرده بود از خطوط متداول چندین خط مخصوصاً نستعلیق را بی ا ندازه مقبول وزیبا می نوشت .

در عصر صفو یا ن فارس مسا فرتی به فارس نموده و به نزد تهماسپ صفوی تقرب جسته است چنا نچه این امر از ا ثر خطی گرانبهای او که در موزهٔ زیار تگاه قم محفوظ است واضح میشود- ا ثر مذکور عبا ر ت از نسخهٔ قلمی قر آن کریم است که بر حسب فر ما یش شاه تهما سپ صفوی در سنهٔ ۹۶۸ هجری قمری نوشته شد ه است (۲)

دوست محمد گوا شانی :

گوا شان دهی ا ست در حوالی هرات و مو لانا جوانی وآدمی است خو ش صحبت ،خطنسـ علیق را خوب می نویسد و در شعر و عروض و معمی مهارتی دارد و گاهی بصحافی نیز می پردازدو تخلص او کامی است و این مطلع ازو است .

تا چند بحسرت در ودیوار تو بینم از خا نه بیرون آی که دیدار تو بینم

سام میرزا که تحفه سامی را در عصر پدر خویش شاه اسما عیل نوشته مولانا دوست محمد را جوانی هنر مند دیده و بهمان ما یه در تذکره خویش از وی نوشته و ظاهرأمولانا دوست محمد تا عصر شاه تهماسپ در تبریز بود و در حیات تهما سپ

(۱) تذکره خوشنو یسان مولفه مولانا غلام محمد هفت قلمی دهلوی .

(۲) کتاب پیدایش خطوخطاطان شمارهٔ ۱۸۶۷ مورخهٔ یوم شنبه ۲۰ خر داد سنه ۱۳۲۰ سال ۷روز نامه فرانسوی ژورنال. تهران طبع تهران به مقاله (آ ثار محفوظ در موزه زیا رتگاه قم) مرا جعه شود .

Marfat.com

(ذ)

ذوالکمالین :

میر باقر ذوالکمالین پدر خطاط معروف میر علی هروی بوده (۱) و از مفاخر قرن نهم هجری واز ستارگان آسمان فضل و هنر آنعصر بشمار میرود چندین خط رابکمال زیبائی مینوشت و بکلیه آنها مقام استادی را احراز نموده بود-میر باقر نه تنها خطاط وصنعتگر بلکه دارای تألیفات و تصنیفات زیاد بود از جمله کتابی نوشت ودران شرحی راکه خواجه نصیر الدین طوسی بر اشارات شیخ الرئیس ابو علی سینای بلخی نگاشته بود رد کرد فصاحت کلام و منطق بیان او را از همین اثرش میتوان درک کرد .

سنهٔ تولد ووفاتش معلوم نیست و حیات با افتخارش در پردهٔ فراموشی مجهول مانده تنها اینقدر معلوم است که زمانی از هرات عازم هندوستان گشت و به نزد جیپال نام حاکم لاهور تقرب حاصل نموده است، جیپال مذکور از میر باقر درخواست مرقعی نمود و میر هم آنرا پذیرفته نسخه‌ی بغایت نیکو تمام کرد و بصورت تحفه بوی تقدیم داشت جیپال از دریافت آن در گرانمایه بی اندازه مسرور گردیده با اعطای چهار هزار دانه

از تبریز بمشهد آمده ویکتا بخانه بهرام میرزا مشغول هنر نمائی شد و باین وسیله خود را بهرات نزدیك کرد زیرا شاه تهماسپ طبعی داشت که با هنر و دانش سازگار نبود .

چنانچه میر محمد حسین هروی معروف به باخرزی از دوی برنجید و رخصت خواست و رخصت نیافت و کمال الدین حسین واحد العین هراتی از وی رنجید و از دربار وی بخراسان فراری شد وهمچنین شاه اسماعیل ملا محب علی هروی پسر خواهر زاده بهزاد را بسعایت بد خواهان قهر کرد و اورا چون غلامی به سید منصور بیك بخشید .

---

(۱) ص ۱۴۵ خط و خطاطان مولفهٔ عبدالمحمد ایرانی طبع هند .

Marfat.com

طلای سرخ از وی تقدیر نمود چون میر صاحب همت بلند بود از قبول نمودن انعام پادشاه امتناع ورزید ـ قرار گفتهٔ صاحب خطاطان بعمر ۸۷ سالگی در هند وستان وفات کرده است

(ر)

رستم علی :

درهر مأخذ و مدرکیکه بسراغ این اسم مرا جعه میکنیم به جز یك یاد و کلمهٔ مختصر چیزی بیش در بارهٔ آن نمی یابیم ولی با آن هم مطلب کلی ما که عبارت از مناسبت خوشی او با استاد بهزاد هروی باشد از همه جا بدست می آید رستم علی خواهرزاده کمال الدین بهزاد هروی وازطرف پدر از نجیب زادگان هرات بشمار میرود .

مشار الیه خطاط وخوشنویس معروف بوده واین هم درست معلوم نیست که در نقاشی و صور تگری دستی داشته یاخیر .

مگر تا جاییکه یقیناً میتوان نظریه داد رستم علی نقاش هم بوده زیرا اکثر خطاطان و خوشنویسان قدیم کتب وقطعات ومرقعات قلمی خودرا شخصاً خود آنها منقش و طلا کاری مینمودند .

تاریخ وفات وسنهٔ تولد او بدست نیامده ولی ازروی حدسیکه به یقین نزدیك باشد میتوان گفت که باید در زمان سلطان حسین با یقرا یا بعرصهٔ وجود گذاشته باشد چون عصر فرخندهٔ این پادشاه

خلاصه مولانا دوست محمد در کتابخانه بهرام میرزا برتبه کتابداری مشغول هنر نمائی بود و سال وفات و چگونگی اخر تش پیدا نیست و از قرآنی که بخط در تهران موجود است پیدا است که بدر وی سلیمان بوده ووی بدست محمد بن سلمان امضا می نموده .

بیست سال قبل یکی از مثنویات جامی را گ فراموش نموده اکه کدام یك از مثنویات او است و پندارم که سلسلة الذهب باشد از کابل جهته موریم هرات خریداری نمودم که دم پایان کتاب بنام :

Marfat.com

هنردوستهرات یکی از دورههای درخشان و مشعشع صنایع ملی افغانستان بود رستمعلی صنعت خوشنویسی را بر حسب ذوق خود یا مصلحت مامای خویش استاد بهزاد به نزد استادان وقت که همه از محبان و ارادتمندان بهزاد بودند آموخت و درین فن سر آمد استادان شد- این خوشنویس معروف هرات پس از دورهٔ سلطنت سلطان حسین بایقرا بر حسب شهادت تواریخ به تبریز و فارس مسافرت کرده در آنجا به خوشنویسی مشهور گشته است چنانچه مولانا دوست محمد کتابدار بهرام میرزای صفوی از او چنین توصیف میکند :

(عمدة الکتاب فی زمان نگارندهٔ خطخفی وجلی مولانا کمال الدین رستمعلی که در ریزنویسی زیب وزینت کتاب زمان و بحسن تمکین سرآمد دوران بود). مسافرت رستمعلی بفارس شاید از روی کدام امر اجباری نبوده باشد بلکه میتوان گفت که از هرات بقصد دیدن مامای خود استاد بهزاد بدان دیار رهسپار گردیده است چون در دربار اسماعیل صفوی معرفی گشت و بواسطهٔ صنعت مطبوع خود مورد اعتبار او واقع شد مدتی در آنجا اوامی گزید ذوق منداان سواد، خط زیبای او را به دیدهٔ اشتیاق میکشیدند و چون تو تیا آنرا درهرکجا سراغ میکردند- از روی بعضی احتمالات می توان گفت که رستم علی در حدود سنه ۹۴۳ بعد از پدرود حیات گفته زیرا صاحب عالم آرای عباسی در ضمن تذکار خطاطان و صنعتگران عصر تهماسپ صفوی میگوید :

« از زمرهٔ خوشنویسان که در آن عصر قلم بر خطوط سایر

(بنده درگاه دوست محمد ادلات) . رقم دارد من آن وقت پنداشته بودم که بخط دوست محمد گواشانی است با آنکه خطش بشیوه عصر تیموری است و بدین نوشته چون خط نستعلیق مولانا دوست محمد را بسیار تعریف می نمایند گمان میکنم که دوست محمد ادلات سوای دوست محمد گواشانی باشد .

Marfat.com

او ستادان کشیدند از نستعلیق نویسان جمعی بوده اند که دران حین جهان فانی را پدرود کرده بودند، ازان جمله مولانا دوست محمد هراتی ومولانا رستم علی خواهرزادهٔ بهزاد مصور است .

علاوه برین چیز دیگر یکه ما را بیشتر به سنهٔ مرگ رستم علی نزدیک میسازد اینست که (ارمنا گ بیگ) عضو وزارت معارف و اوقاف ترکیه درضمن مقاله خود در ژورنال آزیاتیك میگوید :

« بهزاد در پهلوی خواهرزاده خود رستم علی خطاط در سنه ۱۵۶۲م دفن شد » ازین معلوم میشود که رستم علی پیش از بهزاد وفات کرده است و چون بهزاد در سنهٔ ۹۴۲ هـ - پدرودزندگانی گفته طبعاً تاریخ وفات رستم علی ازین بعدتر یعنی در حدود سنه بعد از ۹۴۲ می باشد

رضای برنابادی (میرزا)

پدرش محمد کاظم است که درزمان تیمورشاه سدوزایی وزیر خالصه جات هرات بوده است . محمد کاظم پسر ابو طالب مایل بن ابوالفتح بن محمد هاشم بن محمد طاهر بانی هفت بنای خیریه برنا باد (حوض، حمام، خانه سمت قبله و باغچهٔ مزار خواجه وحید الدین محمد و ترمیم مسجد جامع و تعمیر شفاخانه و حفر نهر) است ومحمد طاهر پسرجلال الدین ارشد است که درزمان سلطان حسین بایقرا از اکابر هرات بوده است .

تولد میرزا محمد رضای برنابادی درسنهٔ ۱۱۶۴ هجری واقع شده واز شش سالگی الی شانزده سالگی به تحت تعلیم محمد علی بیگ قاری ومیرزا عبدالله مفتون مصروف آموختن خطوط فارسی وعربی بوده است پس از فراغ تحصیل حسب الامر تیمورشاه بوکالت غوریان مقرر گردید .

در سال ۱۲۰۶ بعوض پدر وزیرخالصه جات هرات شد در سنه ۱۲۰۷ یعنی بعد از خبر وفات تیمورشاه مورد تاخت وتاز وابستگان شاهزاده محمود واقع گردیده ومدت ۲۳ سال را درتحت فشار فقر و بیچارگی بسر رسانیدبالاخره درسنهٔ ۱۲۳۰ هجری وفات یافت ودرقریهٔ برنا باد

Marfat.com

مربوط به محال غوریان مدفون شده در رسم الخط فارسی و عربی از خطاطان خوب بشمار میرفت . تذکرة الشعرائی هم نوشته و به تعداد شصت حدیث مبارک نبوی (ص) را برشتهٔ نظم دراورده است قبر او درجنب مزار خواجه وحیدالدین محمد واقع است (۱)

رهایی (مولانا) :

در انشاء وخطوط دست تمام داشته آباءواجداد او تورانی بوده اند به سبب حادثات زمان وانقلابات دوران به شیروان افتادند ، واز آنجا بهرات متوطن شدند . رهائی دراوایل حال به خدمت سلطان خلیل شیروانی بوده گویند جوان خیلی زیبا وخلیق بود. دراخیر دوره جوانی بهرات آمده وباشهزاده های سلطان حسین میرزا آشنا شده درمجالس آنها انس و تربیت یافت .

شهزادگان سلطان موصوف واراکین دولت به او تکلیف خدمت نمودند . وحتی خواستند او را بوزارت یکی از شهزادگان نصب کنند قبول نکرد- علاوه برخوشنویسی مولانا رهائی طبع وقریحهٔ شعر نیز داشت. (۲)

((ز))

زینب شهده : دختر صاحب کمال احمد مفرج ازی ابیوردی خراسانی بوده در فضائل وحسن خط ازاکثر مردان آنوقت فضیلت و برتری داشت . چنانچه یاقوت مستعصمی در نزد او تحصیل نموده است . علاوه برخط خوش وزیبا دارای حلاوت بیان و فصاحت زبان نیز بوده بعمر هشتاد سالگی درسنهٔ ۷۴۷ هجری وفات کرده است .

---

(۱) کلکسیون سال ۳ مجله ادبی هرات

(۲) ص ٦٤ مجمع الفضلا نسخهٔ قلمی .

Marfat.com

((س))

سائلی :

بقول امیر علیشیر نوائی اصلا از عراق بوده و لی تر بیت یا فتهٔ هنر ستان هراتست در شعروخوشنویسی و معما شهرت کاملی دا شت . درموسیقی نیز استاد ماهروزبردست بود . و معلوم میشود که در اواخر قرن نهم واوایل قرن دهم هجری میزیسته است : (۱)

سلطانعلی اوبهی :

حافظ سلطانعلی از مردمان پاکیزه نهاد هرات و مسقط الراس او اوبه است . اوبه یکی از مضافات و توابع خیلی معروف و حاصل خیز هراتست که نظر به قدامت و نام تاریخی خویش در اکثر کتب قدیم از او نامی برده شده از این ناحیه مردان نامی و هنروران زبردستی بوجود آمده است .

حافظعلی مردباتر بیت وسلیقه بوده و قریحه او در قسمت خطاطی و خوش طبعی خیلی ها معروف است اکثر خطوط را خوب می نوشت ولی نستعلیق او بسیار جذاب وزیبا بود، درزمان سلطان حسین بایقرا شهرت بسزائی پیدا کرده، و وی را با امیر علی شیر نوایی معرفت و شناسایی زیادی بوده است .

« س »

سلطانعلی مشهدی :

نگارستان هنر که سلطان علی مشهدی را شاگرد حافظ حاجی محمد میداند بعقیدهٔ همه تذکره نویسان سلطانعلی مشهدی شاگرد ملا فضل مولینا اظهر هروی است .

حاجی محمد که شاگرد ملا اظهر است نزد تذکره نویسان شهرتی ندارد

(۱) آثار هرات مولفهٔ خلیلی افغان .

Marfat.com

صحبت سلطانعلی خیلی شیرین و جذاب بود در لباس پوشیدن و نظافت طبع انگشت نمای عصر خود بود، در شعر و شاعری هم استاد، هری بوده و گاهگاهی که از کتابت وخوشنویسی فراغت حاصل می نمود شعر می گفت و غزل میسرا ئید .

این شعر از و است :

بیستون را گر کند سیل فنا بنیاد دست کی تواند نقش شیرین از دل فرهاد شست

راجع به سنه تولد و تاریخ فوت او هر چه تجسس شد کمتر بدست آمد ولی چیز یکه ثابت شده اینست که مولانا حافظ سلطان علی (۱۰۹) سال عمر کرده چنانچه صاحب تذکرهٔ مذکر احباب (۱)

ممکن است که او همان مولینا حاجی محمد نقاش هروی باشد که مخترع صندوق ساعت کتابخانه امیر علی شیراست نگارستان هنر که سلطان علی مشهدی را شاگرد او میگوید او را شاگرد مولینا اظهر دانسته است که رئیس دارالکتب سلطان حسین بایقرا واستاد اکثر خوشنویسان هراتست .

ملا اظهر در دهم ربیع الاول سال ۹۲۶ وفات یافته .

ملا اظهر بسلطان علی مشهدی این فرد را نوشت :

در مشق کوتاهی مکن پیوسته ای سلطانعلی

در روز کن مشق خفی در شام کن مشق جلی

سلطان علی مانند یاقوت شش نفر شاگردان داشت که هرکدام از استادان خط نستعلیق بشمارند صاحب ریحانه شاگردان او را بترتیب ذیل معرفی میکنند :

۱ - مولینا سلطان محمد خندان - هر گاه مولینا خط او را که بدون امضاء بود میدید میگفت خط بوانهٔ ماست و باسم خود امضاء میکرد .

---

(۱) صفحه ۲۰۸ نسخه قلمی که در نزد فاضل دانشمند هاشم شائق افندی موجود است .

این ادعاء را تا ئید میکند و آنچه در تذکره مذکور راجع به حافظ سلطانعلی مذکور است درینجا عیناً نقل مینمائیم :

«حافظ» سلطانعلی او بهی از جملهٔ فضلای مشهور و سند سیادت او به پنج واسطه به حضرت سید کائنات و سند مکنونات علیه افضل الصلوات واکمل التحیات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم مع الشیخ العمر (رض) مع الشیخ ابن العباس مع الشیخ شهاب الدین احمد مع الشیخ زین الدین الخوافی مع الشیخ شمس الدین محمد نا باوگانی مع حافظ سلطانعلی او بهی رحمهم الله تعالی . واعزهٔ بخارا بیشتری بشرف مصافحه اش مشرف گشته اند و بفقیر مزید التفات داشت و بعز مصافحه معزز ساخته بود و دروقت نزع این فقیر بملازمتش رسیدر سالهٔ دران باب بخطشر یفش نوشته بود بفقیر لطف نمود و بحفظ آن وصیت فرمود .

اگر خطوط را نیکو مینوشت مولانا سلطانعلی مشهدی که ملك الکتابست متعرضانه معامله میکرد واین شعر او ناطق به این معنی است :

---

۲ - مولینا سلطان محمد نوراد را مولینا اظهر ثانی میگفتند یوسف وزلیخای نا تمام او را مولینا میر علی به تکلیف عبد العزیز خان با تمام رسانید .

۳ - مولینا علاوالدین محمد هروی. فکری میکوید خمسهٔ امیر خسرو را بخط او دیدم .

٤ - مولینا نظام الدین احمد (زین الدین محمود) شنیده میشود که کلیات میر شیخم سهیلی که از ملا یعنی (سلطانعلی) نا تمام مانده بود وی با تمام رسانیدد ۹۳۵ وفات یافته است .

٥ - مولینا عبدالله نیشاپوری .

٦ - محمد قاسم شادی شاه که در نزاکت و نظافت خط بی نظیر بود .

گرچه قرار فوق صاحب ریحان در تعلیق قاسم شادیشاه را شاگرد سلطانعلی معرفی میکند در حقیقت قاسم شاه دیشاه شاگرد سلطان محمد نور است و شاگردی سلطان محمد خندا نرا نیز نموده . ولی صاحب ریحان از شاگردان معروف سلطانعلی مشهدی حرفی نزده مانند مولینا محمد ابریشمی در حالیکه او اصلا از مشهد و از شاگردان سلطانعلی میبا شد ودر کتابخانه امیر علی شیر بکتابت مشغول بود واین

گر چه آن سلطان علی از مشهد است لیك این سلطان علی از اوبه است
حضرت خان شیبانی آیهٔ کریمهٔ (فسیکفیکهم الله) را بقلم جلی نوشته بود
و از فضلای خراسان طلب تحسین نموده حافظ در تعریف آن گفته : ـ

ای خان جهانگیر که از لطف الهی بر مسند اقبال تویی خسر وجمجاه
تا لوح و قلم هست کسی در همه عالم ننوشت بخوبی چو خط خوب تو دلخواه
بر خوبی خطت دو گواه بعدالت کافیست دو کاف فسیکفیکهم الله

طبع رقیق داشت و این رباعی را لطیف گفته :

لعلیست لبت که زیا قوت ترا ست درجی است دهانت که لبالب گهر است
بر ماه رخت نه یك هلال از ابروست هر موی ز ابرویت هلال دگر است
در سن صد و نه رحلت نموده . »

از سطور فوق معلوم میشود که حافظ سلطان علی در بخارا مسافرت کرده و با سید حسن خواجه نقیب الاشراف بخارا صاحب تذکرهٔ مذکر احباب دوستی و محبت زیاد داشته است و در بخارا قبل از ۹۷۴ که تاریخ تالیف تذکرهٔ مذکور است فوت نموده و در آنجا دفن شده است .

رباعی که از طبع سلطان علی مشهدی است بلوح مزار سلطان علی بخط او است :

عین عدم و الم بود عالم دون زنهار درد مجوی آرام و سکون
چون اکثر جزء نام عالم الم است دل فتیم ازین الم ولی غرقه بخون

وفات مولینا سلطان علی مشهدی را ۹۰۹ و ۹۱۹ و ۹۲۰ نوشته اند که هیچیك درست نیست روایت صحیح آنست که در دهم ربیع الاول سال ۹۲۶ وفات یافته .

احمد بن سلطان علی بنام احمد خوشنویس معروف بوده که تذکره ها از و نام برده اند ولی مرحوم فکری میگوید :

خوشبختانه نه نسخهٔ نفیس از دیوان حضرت حافظ شیرازی بخط زیبای احمد بن سلطان علی مشهدی در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور موجود است

سلطا نعلی قاینی :

اگر چه اصلا از قاین است ولی در هرات تحصیل کرده وهم در آنجا میزیسته است از اجلهٔ خوشنویسان عهد سلطان حسین بایقرا بوده چنانچه با مولانا جامی رفاقت تام داشت وهر چه مولانای موصوف برای سلطان حسین بایقرا می نوشت او بخط خوش خود نقل میکرد .

و هم تذکره مجالس النفائس امیر علی شیر نوایی را خیلی زیبا و خوش خط استنساخ نمود . (۱)

تاریخ تولد و وفات او مجهول است .

که متاسفانه قسمت تاریخ کتابت از صفحه آخر کتاب پاره شده و خوشبختانه نام کاتب باقی مانده وتنها این کتاب نفیس واین رقم ناقص نام این هنرمند را بار دیگر زنده ساخته وبهتر دوستان معرفی نموده شیوهٔ خطش بحدی بخط سلطا نعلی شبیه است که اگر کلمات (احمد بن) را برداری هیچ نقادی نمی تواند تصور نماید که این کتاب بجز سلطا نعلی مشهدی به خط دیگری نوشته شده است .

سلطا نعلی هروی

اگر مولینا سلطا نعلی سبز هروی همان سلطا نعلی او بتی نبا شد پس درهرات چهار نفر سلطا نعلی خوشنو یس میزیسته .

دران عصر بنام سبز وسرخ بسیار اشخاص معروف بوده اند ما نند مولینا علی سرخ و استاد محمد سبز . . . و سلطا نعلی سبز چون سبز چشم بود باین القاب شهرت یافت .

مرحوم فکری در کتابی بخط او دیده که بنام سلطا نعلی هروی امضاء داشته وعقیده دارد که هر دو کتاب بخط سلطا نعلی سبز است .

ازین هنرمند بیش ازین معلوماتی در دست نیست .

---

۱ - صفحه ۱۶۱ پیدایش خط وخطاطان طبع مصر .

Marfat.com

سلطانعلی :

مولانا سلطان علی از خطاطان و خوشنویسان معروف هرات است که خطوط و آثار او مانند مینا تور های بهزاد قیمت و اشتهار دارد اگر چه به مشهدی معروف است ولی تماماً عمر او در شهر هرات به خدمت سلاطین آن ولا گذشته است مرد پاکیزه سرشت و خوش صحبتی بود و در زمان سلطان حسین بایقرا شهرت زیادی حاصل کرد در

سلطان محمد خندان :

سلطان محمد خندان هروی شاگرد سلطانعلی است در خط نستعلیق مقام استادی داشته و در شعر و موسیقی نیز دارای مهارت بوده ولی را نهایت نیکو میتوانسته در نازک دلی و خوش صحبتی او را ستوده اند و بختگی و استحکام خط او را قابل قدر پنداشته اند .

سلطانعلی قاینی :

وی از شاگردان ملا اظهر هروی است اما شیوهٔ خط او با سلطانعلی مشهدی تفاوت کلی دارد گرچه هر دو شاگرد یک استاد اند .

سلطانعلی مشهدی در تیس دار الکتب سلطان حسین بوده و مولینا سلطانعلی قاینی در کتابخانه امیر علی شیر کتابت می نموده و قبل ازان در تبریز نزد یعقوب بک ترکمان برده و شاید پس از قتل وی به هرات برگشته و بکتابخانه امیر علی شیر به کتابت مؤظف شده باشد .

در کتابخانه امیر علی شیر وظیفه کتابت تألیفات مولوی عبد الرحمن جامی بدوش او بوده . و هم چندی معلم و مربی یکی از فرزندان سلطان حسین بایقرا بوده تا اینکه در هرات وفات یافته :

سال وفات أو را (۹۱٤) گفته اند .

در آن عصر دو سلطانعلی خوشنویس در هرات میزیسته که هر یک بخط نستعلیق مقام استادی داشتند که یکی از آنها سلطان علی اوبهی بوده که یوسف و زلیخای

نگارستان هرات با استاد بهزاد همکار بود و او را یکی از دو ستان مقرب این استاد میدانند چنانچه هر کتاب و نسخه‌ی را که بخط این استاد می نگریم با تصاویر شگفت بهزاد زینت شده است و آنچه را که بهزاد مصور کرده ضرور اثر خطی سلطان‌علی در آن مشاهده می شود.

این ستاد از جملهٔ هنر وران بزرگ هرات بشمار میرود.

گرچه زندگانی او بشکل روشن معلوم نیست مگر می توان به یقین گفت: سلطان علی در هرات نشو ونما یافته وهم در آنجا تعلیمات خورد را فرا گرفته است.

این مردوشهیر نه تنها خطاط بلکه شاعر زبردست و عالم متبحری نیز بود چنانچه میر علی شیر نوایی در تذکره معروف خود ازوی یاد کرده است، در تماماً کتب و مآخذ از سلطان علی ذکر شده حبیب السیر میگوید. بوجاهت صورت ومحاسن سیرت موصوف بود، در خط نسخ و تعلیق آن مقدار مهارت حاصل نمود که خطوط استادان متقدمین

حضرت جامی را خیلی زیبا نوشته و تذهیب شده وتنها سلطانعلی امضاء کرده، فکری این اثر را در سال ۱۳۲۸ دیده است.

(میر) سید احمد غزال العین (آهو چشم):

ازمشهد بود. از شاگردان میر علی هروی است. بعزم تحصیل خط ازمشهد بهرات آمد و بشاگردی میر علی بمرتبهٔ استادی رسید او را نیز همراه میر علی به بخارا بردند چندی بکتابخانه سلطان عبد العزیز خان بخدمت میر علی به کتابت مصروف بود پس از مدتی به مشهد برگشت و باز بهرات رفت و بسال ۹۸۶ وفات یافت.

سلطان محمود هروی:

سلطان محمود (میرزا حبیب) او را بخارائی وشاگرد میر علی هروی معرفی نموده وصاحب گلستان هنر وهدایت الله لسان الملک او را پسر محمد ابراهیم استر آبادی وازخوشنویسان خط نستعلیق معرفی نموده اند اگر سلطان محمود تعلیق نویس و سلطان محمود نستعلیق نویس هردو یک نفر باشند یقیناً هروی الاصل است

متأخرین را منسوخ ساخت ودر زمان خاقان منصور (حسین بایقرا) همواره باشارت آنحضرت والتماس امیر نظام الدین علی شیر بکتابت نسخ شریفه پرداخت و گاهی به نظم و اشعار نیز زبان میکشاد (۱)

طوریکه در سطور متذکره فوق می بینیم سلطانعلی در زمان تألیف حبیب السیر یعنی در سنه ۹۰۰ به قید حیات نبوده است .

بعضی تاریخ فوت اورا سنهٔ ۹۰۲ هـ (۲) برخی سنه ۹۱۹ (۳) و گروهی سنهٔ ۹۲۹ نگاشته اند (۴) بهرحال عمر درازو طولانی داشته ومتجاوز از شصت سال حیات کرده است چنانچه خود میگوید :

مرا عصر شصت ودو شد بیش و کم هنوزم جوان است مشکین قلم
تو انم نوشتن خفی و جلی نویسم که العبد سلطان علی

معلوم است که مولانای موصوف تا نفس اخیر و ایام کهولت و پیری دست از نوشتن نکشیده است در حالات هنروران از و چنین

است زیرا اکنون مثنوی مولینای بلخی قرار نوشته فکری در نزد مائل هروی است که در ختم دفتر اول چنین امضاء نموده : (تمام شد دفتر اول مثنوی مولوی در شب جمعه خدا بیامرزد که دعای خیر کند کاتب را الفقیر سلطان محمود کاتب الهروی)

دردفتر دیگر نوشته : (تمت الکتابة مثنوی معنوی المولوی فی جمادی الاخر سنه تسع وتسع مائه علی ید العبد الفقیر المذنب سلطان محمود الکاتب تجاوز الله عن سیآته)

بهر حال وی از شاگردان میر علی هروی است وشك نیست که بصحبت استادش

---

(۱) ص ۲۴۴ حبیب السیر طبع هند (۱۸۴۷ ع) .

(۲) ص ۴۹ تذکرهٔ خوشنویسان مولفهٔ مولانا غلام محمد هنت قلمی دهلوی بحوالهٔ مرآت العلوم .

(۳) ص ۳۳۰ جلد سوم حبیب السیر .

( ) ص ۶۹ تحفهٔ سامی طبع تهران .

Marfat.com

تعریف شده: «مولانا سلطان‌علی» با وجود فضایل مثل شعر همواره فن ادوار و حسن اخلاق و اطوار خط‌نستعلیق را بسر حدی‌رسانیدند که از ابتداء این خط تا غایت هیچ کس بدان فایز نگشته و بقدوم سعی بر آن وادی نگذشته و نام نامیش یوماً فیوماً بر صفحهٔ روزگار خواهد بود (۱)

سلطانعلی علاوه بر آن که چندین خط را بنهایت خوبی واستادی می نوشت و به‌عدهٔ زیادی از شاگردان خود درس‌علمی میداد رساله‌ی هم در اصول و قوانین رسم الخط نوشت (۲).

آثار و نسخه هاییکه از این استاد زبر دست باقی مانده خیلی ها زیاد است وموزه های دنیا به آن زینت گردیده مدفن او در مشهد مقدس رضوی است.

سلطان محمد نور :

از مشاهیر خطاطان وخوشنویسان هرات است پدراو مولانا نورالله نامداروازین سبب‌در بعضی از مآخذ بنام سلطان‌محمد نور یاد شده‌است

صفحه ۷۴۷ نستعلیق نویسان دکتور بیانی.

(محمد) سعید هروی :

از کاتبان در بار قطب شاه هندی و بخط وی یك نسخهٔ ثمانیه امیرخسرو دهلوی در کتابخانه ارگ است بقلم کتابت خفی که‌چنین تمام میشود: تمام‌شد ثمانیهٔ خسرو دهلوی برسم خزانهٔ ... اعلیحضرت قطب ... بدست کمترین بندگان درگاه محمد سعیدبن‌مسعود الهروی در سال ۹۷۲ الهجرت نبوی.

مانند دیگر شاگردان به بخارا رفته وآنجا اقامت گزیده باشد وودور نیست که‌آنرا همان محمود هیشی هروی معاصر امیر علی‌شیر نوائی بشمار میم.

(۱) ص ۱۶ حالات هنروران طبع هند.

(۲) ص ۶۸ شماره ۶۱ سال ۶ مجله کابل.

این مرد هنرمند همیشه در هرات میبوده ودور خارج از آنجا مسافرت نکرده است ویا اگر گاهی هم کرده باشد معلوماتی بدست نیست . میر علی شیر نوائی وسلطان حسین بایقرا او را بسیار دوست داشتند سنهٔ تولد او معلوم نیست سلطان محمد در جملهٔ کارمندان نگارستان حسین بایقرا سهم بزرگی را درقسمت خطاطی وخوشنویسی دارا بود مشارالیه بر علاوه آنکه درصنعت خطاطی و خوش نویسی مقام ارجمندی را در تاریخ هنر احراز نموده یکی ازشعرای صاحب قریحهٔ آن سرزمین (با فیض) نیز بشمار می رود ازاوست :

بدوران عقدهٔ زلف ترا خواهم که بکشایم
ازین سودا شدم دیوانه وزنجیر می خایم

سلطان محمد در خطاطی و خوشنویسی شاگرد معین الدین واعظ بوده و آنرا در اثر تربیت این استاد بحد کمال رسانید .

مولانا سلطان محمد نه تنها با مرکب سیاه خط مقبول و زیبا می نوشت بلکه با اقسام رنگها انواع خطوط متداول زمان مخصوصاً نسخ تعلیق را باندازه ی قشنگ وصاف می نوشت که از خط مرکب و سیاهی او بهتر می بود چون سلطان محمد مرد نیکو سیرت و خلیق بود وصحبتش فوق العاده شیرینی وعذوبت داشت همه او را دوست و محترم میداشتند .

سنه مرگ و تاریخ وفات سلطان محمد نور نیز معلوم نیست ولی چیزیکه ثابت است اینست که عمر طولانی داشته و بسن ۶۴ سالگی وفات کرده است (۱) و ازینقرار بصورت تخمین می توان گفت که باید در حدود ۹۴۰ - ۹۵۰ جهان فانی را پدرود گفته باشد.

نسخه هاو آثار قلمی این استاد شهیروطن خیلی ها کم یاب ونادراست قطعات ونمونه های خطاو چه درعصر خودش و چه در زمان مابعد خیلی ها قیمت و ارزش داشتند و مردم آنها را باپول وقیمت گزافی

---

(۱) ص ۱۶ حالات هنر وران طبع هند .

بدست می آورد ند . یك قطعه خط او كه با قلم نستعلیق نوشته شده در موزه بوستون موجود است . درین قطعهٔ خطی دو رباعی ودوغزل كه یكی آن غزل امیر شاهی است به خط سلطان محمد نور ویك رباعی به خط محمود مذهب و رباعی دیگر بخط مولانا یاری مذهب نوشته است سلطان محمد نور در زیر هر رباعی و غزل بصورت جداگانه امضاء نموده و مضمون امضای او در زیر غزل امیر شاهی چنین است :

(مشقه العبد الفقیر سلطان محمد نور) و (سلطان محمد نور بمدینة الهرات)

((ش))

شبلی (مولانا) :

از اوبه هرات است و به حسن خلق وسیرت نیکو اشتهار تمام داشت اشعار خوب میگفت واز جملهٔ خطوط مروجه آنوقت چندین خط و منجمله نستعلیق را خوب می نوشت .

طبع شعرش روان بود وجز كتابت واستنساخ كتب وگاهی هم غزل سرائی وظیفه ی نداشت . درزمان سلطان ابو سعید بن سلطان محمد بن میرانشاه بن تیمور (۸۵۴-۸۷۳) زندگی میكرد و تا اوایل سلطنت سلطان حسین بایقرا نیز حیات داشت این دوبیت را ازونقل مكنند :

دی سگی را رقیب میزد چوب — سگ همی خورد چوب و می نالید

گفتمش چیست با تو او را گفت — بهتر ازخود نمی تواند دید

«ش»

(خواجه) شهاب الدین :

شاید همان مولوی عبدالله طباخ هروی باشد او وظهیر الدین اظهر از شاگردان حكیم جعفر بایسنغری بوده اند زاید از این معلومانی ازان در دست نیست :

شهاب الدین عبدالله بیانی :

شهاب الدین عبدالله خلف شمس الدین محمد كرمانی است شمس الدین محمد وقتی سفارت بحرین رفت مقداری مرواوید را با خود او و بیزرگان عصر خود

Marfat.com

شفیعا :

میرزا شفیعا ملقب به پیشوا واز خطاطان هراتست درهنرهای زیبا وکمالات مختلفه مقام بزرگی داشت یعنی علاوه براینکه چندین خط مخصوصاً خط شکسته را بکمال زیبائی می نوشت از نقاشی، رسامی، تذهیب کاری هم بی بهره نبود در قرن یازده هجری میزیسته وسفری بهندوستان کرده است بالاخره به هرات باز گشته وهشتاد وپنج سال عمر نموده است . (۱)

و در سنهٔ ۱۰۸۱ هجری فوت کرده ودر هرات مدفون شده است (۲)

شفیق :

از سادات هراتست . در خوشنویسی وخطاطی شهرت زیاد داشت . اقسام خطوط مخصوصاً شکسته را باندازه‌ی قشنگ واستادانه می نوشت که می توان گفت یگانهٔ عصر بود . واله داغستانی صاحب ریاض الشعراء می گوید :

« شفیق در کاغذحلوا که بخط جلی برآو قلم گذاشتن مشکل است در کمال شیرینی بخط شکستهٔ خفی به نحوی می نوشت که بسحر میرسید راقم حروف کحل الجواهر خطش رابه جهت ضیاء بسیار بدیدهٔ حیرت کشیده است » شفیق مرد متدین و ریاضت کش بوده ، طبع شعر نیز داشت .

هدیه میداد لذا بشهاب الدین مروارید معروف گردید .

خواجه شهاب الدین عبدالله درهرات بدنیا آمدودر هرات نشو ونما و تحصیل نمود اودر موسیقی مهارت تام داشت ودر قانون نوازی بسی نظیر بود و در هفت رقم خط مقام استادی را دارا بوداودر خطشاگرد عبدالله طباخ هروی است و تعلیق رابشیوهٔ تاج سلمانی نهایت عالی می نوشت .

پس از استعفای امیر علی شیر چندی برتبه صدارت رسید لذا او را خواجه عبدالله صدر نیز میگویند .خواجه شهاب الدین تألیفات زیاد دارد .

او درآخر عمر انزوا گزید و در سال ۹۹۲ در هرات وفات یافت ،

---

(۱) ص ۲۳۰ پیدایش خط وخطاطان .

(۲) ص ۴۰۶ تذکرهٔ نصیر آبادی طبع تهران ۱۳۱۷ شمسی .

Marfat.com

شمس الدین الهروی :

از خوشنویسان و خطاطان شهیر عصر شاهرخ میرزا است پس از اکمال تحصیلات ابتدایی و انتهایی درخوشنویسی شاگرد مولانا معروف خطاط شد. بایسنغر میرزا از او حمایت و تقدیر زیادمی نمود و همیشه بدر بار او مورد ملاطفت ونوازش واقع می شدچنانچه بهمین مناسبت

مرحوم فکری مثنوی مونس الاحباب تالیف اورا دیده است .

او دو فرزند داشت که اول مولینا عبد المو من ودو م مو لینا محمد مؤ من که هر دوشاعر وخوشنویس ونقاش بودند سام میرزا محمد مومن را از هرات باخود برد ودرغزو ین نزدشاه اسماعیل بمرتبهٔ قرب واعزاز رسیدودیری نگذ شت که بهند رفت ودر سال ۹۴۸ درهند وفات یافت .

صنعت افشان بیزی از مخترعات او ست .

(مولینا) شمس الدین بایسنغری هروی :

الغ بیك کورگان خط مولانا شمس الدین را زیاد می پسندید الغ بیك زمانی دیوان قاضی شمس الدین طبسی را که بخط شمس الدین هروی نگاشته شده بود بسیار تو صیف میکرد و میگفت که شعر شمس هروی بخط شمس هروی بسیار شایسته و موزون است . شمس طبسی که اجدادش از طبس بودند چون وی در هرات میزیسته بنام شمس الدین طبسی و شمس هروی شهرت داشته و بهر دو نام یاد میشده .

خواجه شمس الدین چون در خدمت بایسنغر مصروف بود اورا بایسنغری نیز میگفتند .

وفات شمس الدین بایسنغری را بعضی مورخین بسال ۸۵۰ نوشته اند .

شاه قاسم هروی :

شاه قاسم درعصر حسن خان شاملو میزیسته و کاتب کتابخانهٔ حسن خان بوده. وی در خط نستعلیق مهارت خوب داشته . فکری سلجوقی یوسف و زلیخای جامی را در قندهار دیده که شاه قاسم هروی در کتابخانه حسن خان شاملو نوشته بود.

راجع به شرح حال و سال وفاتش معلوماتی در دست نیست .

Marfat.com

اورا از کشرشمس الدین الهروی بایسنغر میخوانند بسیار احتمال میرود که شمس الدین یکی از اعضاء و ارکان مهم چهل گانه نگارستان هرات باشد که در زمان بایسنغر تأسیس و بناء یافت در تعریف خط او صاحب حبیب السیر میگوید :

بحسن خط بمرتبه‌ی ترقی نمود که بسیاری ازخطوطش را بنام یاقوت مستعصمی کرده ومبصران نکته دان این معنی را قبول فرمودند . تاریخ وسنهٔ فوت او بدست نیامد .

شیخ عبدالله کاتب :

از نویسندگان وخطاطان قرن دهم هراتست و او غیر از عبد الله آشپز وخواجه عبد الله مروارید میباشد . در دورهٔ فرمانروائی سلطان حسین بایقرا میزیسته ومدت مدیدی بخدمت امیر علی شیر نوائی وزیر معروف هرات مصروف بوده -است صاحب خلاصة الاخبار می نویسد که قریب ۴۵ سال است که مولانا شیخ عبد الله خدمت وملازمت امیرعالیقدر را نموده وشرف مصاحبت و سوانست دارد . و ازسلك مشاهیر و فضلاء محسوب است . (۱)

شیخ موصوف خط تعلیق ونستعلیق را به نهایت زیبائی و لطف

(میر محمد) شفیع هروی اوبهی :

بگمان قوی وی همان شفیعای حسینی شکسته نویس است . او پسر حسن خان و برادر میر محمد صلاح است . فکری خطوط نستعلیق او را مکرر دیده که محمد شفیع حسینی امضاء نموده است .

چون خطوط شکسته زیاد نیز بنظر فکری رسیده که با مضای محمد شفیع حسینی که به شفیعای هروی معروف است بوده لذا فکری مصمم است بر اینکه محمد شفیع شکسته نویس و محمد شفیع نستعلیق نویس هر دو یکنفر اند .

هم اکنون لوح بالای سر مزار حسن خان اوبهی پدر محمد شفیع و محمد صلاح

(۱) کلکسیون سال ۳ مجله ادبی هرات .

Marfat.com

می نوشت و در شعر وادب و انشانیز قریحهٔ خوبی داشت، در سال ۹۴۸ هجری قمری در هرات وفات نموده است .

((ص))

صالحی :

هروی الاصل است در هند بسر برده و در زمان اکبر شاه مغلی هندشهرت بسزایافته بود، در شعر طبع خوبی داشت از اغلب علوم باخبر بود، خطوط متداول خوب می نوشت و اورا از خوشنویسان درجه دوم می شمردند مدتی در سلك منشیان اکبر بوده (۲) بالاخره به وطن مألوف خود یعنی هرات باز گشته و وفات یافته است .

بخط نستعلیق محمد شفیع حسینی دراوبه موجود است که هردو پسر حسن خان ادبی دو لوح بخاك پدر خود ها نوشته اند و لوح پایان مقبره موصوف بخط میر صلاح است .

«ص»

مولینا صادقی افشار :

صادقی در نستعلیق از شاگردان میر علی هروی و در تصویر و تذهیب شاگرد مظفر علی هروی است وی کتابی در فن نقاشی نوشته و بر شتهٔ نظم در آورد- سال وفاتش معلوم نیست .

صفحه ۷۷۹ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمد صالح هروی :

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است و بخط وی قطعه‌ی دارم بقلم سه دانگ و نیم و دو دانگ بخط خوش با رقم و تاریخ ، مشقه محمد صالح الهروی غفرذنوبه ۱۰۸۸ .

---

(۲) ص ۲۵۸ جلد ۳ منتخب التواریخ بدوانی طبع هند .

Marfat.com

((ض))

ضیاء الدین یوسف :

از جملهٔ خوشنو یسان هرات و پسر مولانا عبدا لرحمن جامی است (۱) علا و ه بر فضل و کمال که در عروض و زبان فارسی وغیره داشت در چندین خط استادبود مخصوصاً نستعلیق را بطرز واسلوب میر علی کا تب هر وی فو ق العا ده ز یبا می نوشت در زما ن سلطان حسین با یقرا زندگانی میکر د . در حد و د سنه ۹۰۰ هجری و فات کرده است .

(ط)

طاهری :

از نامور ان هراتست با سلطا ن حسین با یقرا همعصر بود و در زمان او شهرت یا فته است - اگر چه ابتداء به شغل کفش دوزی مشغول

صفحه ۱۲ نستعلیق نویسان د کتور بیانی

صالحی هروی :

در نقل صاحب هفت اقلیم و شمع انجمن وی در تحریر انواع خطوط د ر جه کمال داشته ومدتی در سلك منشیان دربار اکبر پادشاه هندوستان ۹۶۳ د ۱۰۱٤ بسر میبرده است .

گویندسلیقه تمام در شعر و انشا ء دا شته در آخر عمر بهرات مو طن خو د باز گشت وهما نجا در گذشت .

صفحه ۷۷٤ نستعلیق نویسان د کتور بیانی .

محمد صالح بخارایی :

از شاگردان محمود شهابی سیاوشا نی و از خوشنویسان زمان دولت اسکندرخان و عبد الله خان ثا نی امرا ی بن شیبان (۹٦۳ - ۹۹۱) بوده هنگام تالیف مناقب هنروران سال ۹۹۵ در گذ شته بود .

---

(۱) ص ۷۸ تذکرهٔ خوشنویسان .

Marfat.com

بوده اما در اخیر نظر به ذوق واستعداد فطری که داشت تغییر شغل داده به خوشنویسی و شعر سرایی پرداخت (۱) در شعر طبع خوب داشت و درخطاطی مهارت کاملی حاصل کرد ، سنه وفات او بدست نیامد

((ع))

عارف :

از استادان شعر و خوشنویسان هرات است، در قرن نهم هجری زندگی میکرد و با سلطان حسین با یقرا همعصر بود از جملهٔ خطوط مخصوصاً نستعلیق را خوب می نوشت . (۲)

عبدالله میرزا :

از خوشنویسان وخطاطان معروف قرن (۱۳) واوایل قرن (۱۴) هجری هرات است . با اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان معاصر بوده است . چندین خطوط مخصوصاً خط ثلث وریحان وکوفی را فوق العاده خوب می نوشت، در سنهٔ ۱۲۹۶ هجری شمسی پدرود حیات گفته است ونمونه خط او در موزهٔ کابل محفوظ است .

عبدالحمید صاحب پیدایش خط وخطاطان که به تعقیب از میرزا حبیب او را تبریزی معرفی کرده ولی درذیل حالات سلطان علی مشهدی مولینا اظهر را که استاد سلطان علی مشهدی بوده هروی معرفی مینماید سال وفات ملا اظهر را ۸۸۰ هجری نوشته اند .

اثر پسری بنام میرک مانده که مانند پدر خوشنویس بوده فکری مینویسد :

یک قطعه به خط نستعلیق بقلم سه دانگه بامضای میرک نود نگارنده موجود است که ممکن است از خطوط میرک بن اظهر باشد اما شیوهٔ خط این میرک متمایل بشیوهٔ خطاطان هند است .

نوت :

اظهر هروی در ردیف الف اصل کتاب ذکر شده. وهمین مولینا اظهراست ولی درشرح حالات او در این نوشته فکری معلومات مزید است. شایق .

---

(۱) ص ۱۹۷ تذکرهٔ حسینی طبع لکنهور .

(۲) تذکرهٔ روشن طبع هند .

Marfat.com

عبدالکریم (امیرابوالفتح) :

امیرابوالفتح عبدالکریم بن احمد الحاتمی الهروی از مشاهیر علماء وهنرمندان هراتست. تواریخ و تذکره ها کمتر در خصوص او سخن رانده‌اند تنها محمدعوفی در کتاب لباب الالباب خویش میگوید :

(حاتمی که حاتم عهد وحامی ارباب جهد بود بر عوام ولایت هرات راعی و ارباب فضل وهنر را داعی افضل کتاب عهد واکمل ارباب فضل بود باخطی چون درمکتوب و نظمی چون زر موزون واو فارس هردو میدان ووالی هردو بیان بود (۱) در فارسی و تازی شعر میگفت : این قصیده در توصیف بهار از اوست :

آمد بهارخرم وفرخنده‌روزگار — وارست مشک بادجهانرا بهشت‌وار
باران بهمنی همه یاقوت گشت‌ودر — هر قطره‌زابر گشت همه در آب‌دار
صحراهمه‌زلاله و گل زردوسبزوسرخ — گویی بر آب‌عکس‌ستاره است بیشمار
صلصل بغلغل اندر با بلبل ازنشاط — قمری سرود گوی‌شده بر سرچنار
من یار فاخته‌شده‌اندر فراق دوست — او نزد یارخویش مرا هجر یار یار

چون قبل از عوفی بوده لهذا می توان گفت که از خوشنویسان قرن ۶ هرات است .

عبدالرحمن (میر) :

از خطاطان معروف هراتست که پس از میر عماد خط نستعلیق را کسی بپایهٔ او زیباو مقبول ننوشته است .

«ع»

عبدالخالق :

عبدالخالق بن حبیب‌الله هروی در ثلث ورقاع و نسخ استاد بوده تاریخ وفات وشرح حالش مجهول است اینقدر گفته میتوانیم که تا سال ۹۸۴ در دائره ایران باستان بکتابت قرآن کریم مصروف بوده .

(۱) ص ۳۴ ـ ۳۵ جلد ۲ لباب الالباب عوفی .

نمونه خط میر عبدالرحمن حسینی

مربوط صفحه (۱۳۶)

Marfat.com

Marfat.com

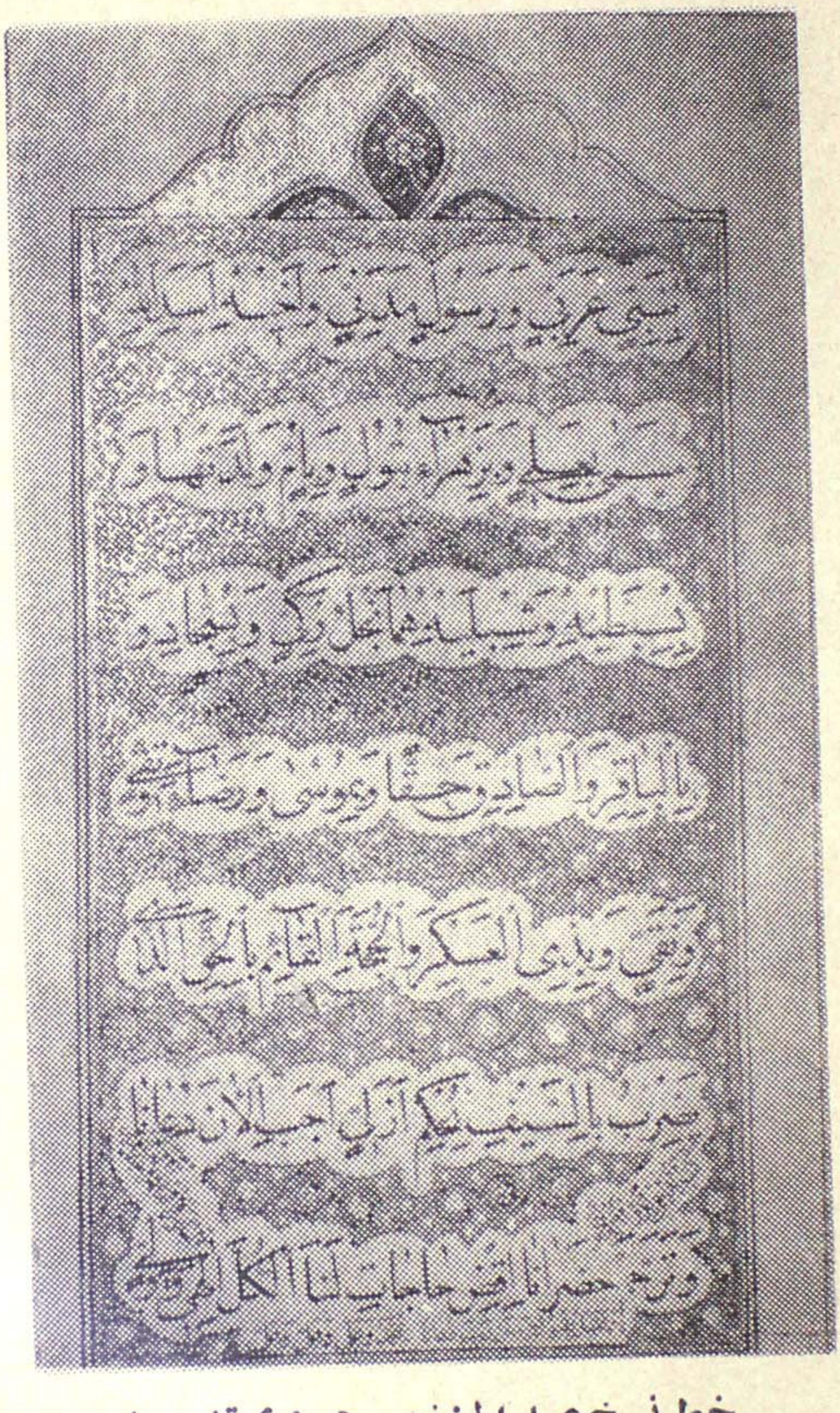

خط نسخ عبدالغفور هروی تفصیل
در صفحه ۱۲۷

Marfat.com

میرعبدالرحمن گرچه از معاصرین شاه محمود سدوزائی و پسراو شهزاده کامران بوده و باایشان مصاحبت و الفت داشته است . مگر با آن مرد درویش منش و متواضعی بوده است .

درخوشنویسی شاگردن چند مانند ملا حسین سلجوقی ونجف سلمانی وغیره تربیه نمودشاعر هم بود مادام الحیاة درهرات بکمال عزت واعتبار میزیسته و مرد بی بضاعت و فقیر بوده است . درسنهٔ ۱۲۶۸ وفات یافته و در مصرخ در درون گنبدمقبره سادات هرات مدفون است .

چنانچه ملا ابوبکر تسلیم درقطعه تاریخ فوت او که فعلاهم برلوح مزارش منقوش است (۱) میگوید :

تارقم زد زازل لفظ اجل کلك قضاء

معنی هستی ما نیستی آمد به بیان

شاه اقلیم خطو ماه فلك جاه هنر

میرو میرزای حسینی نسب عبدالرحمن

آنکه از کلك درر سلك همه عمر نگاشت

نور بینائی چشم خرد و جوهر جان

کلمات و قطعات خط نستعلیقش

روح افزا همه چون جعد رخ حور جنان

حق بفردوسش از ان نرد که ازنوك قلم

طاق هر قصر بصد زیب کند مشك افشان

چون بفرمان اذا جاء اجل شد به بهشت

ماند ازو باقی وتاریخ (خط خوب آن)

۱۲۶۸

عبدالغفور (۸۵) :

از مشاهیر خطاطان هراتست . به انواع کمالات آراسته ودرخط نسخ و ثلث معروف بود اما نسخ را نسبت به اکثر نسخ نویسان سلف بهتر می نوشت .

با میر عبدالرحمن هروی معاصر وانیس بود میگویند قرآن مجید را به خط نسخ با نهایت زیبائی واستادی جهت پادشاه وقت (شاه محمود سد وزائی) نوشت وترجمهٔ آنرا میر عبدالرحمن هروی که سمت استادی وی را داشت به خط نستعلیق زیبا ارقام کرده است این هدیه مبارک نهایت مطلوب طبع واقع گردیده نگارندهٔ آن بنوازشات زیاد نایل شد. یکی از قطعات زیبای عبدالغفور که درچهار قلم یعنی بخط کوفی، معقلی، ثلث ونسخ نوشته شده معروفست.

و در آن این فرد خوانده می شود:

دایم که خط نسخ بنامش منور است عبدالغفور کاتب قرآن داور است

بیشتر اوقات او به کتابت قرآن کریم صرف شده تاریخ وفات او معلوم نیست و در یکی از قطعات خود چنین امضاء نموده است:

(کتبه الداعی لدام الدولة الباهر القاهره عبد لغفور فی سنه ۱۲۴۹ (۱)

عبدالله مروارید:

خواجه عبدالله مروارید متخلص به بیانی پسر خواجه شمس الدین محمد مروارید کرمانی است. خواجه شمس الدین محمد که از اجلهٔ اشراف واعیان کرمان بوده در زمان تسلط میرزا جهانشاه ترکمان (که طبعاً بعد از سنهٔ ۸۵۰ هجری که تاریخ وفات شاهرخ است اتفاق

عبد الرحیم خوارزمی:

مولینا عبدالرحیم خوارزمی متخلص به (انیس) از خطاطان نامی خط نستعلیق وشاگرد ملا اظهر هروی است او با سلطانعلی مشهدی معاصر و هم مکتب بود. بعضی مورخین خط او را از خط سلطانعلی مشهدی در صفا ترجیح داده اند ولی در پختگی خط سلطانعلی را بهتر از خط او ستوده اند.

تاریخ وفات مولینا عبدالرحیم واضح نیست.

(۱) کلکسیون سال ٤ مجله ادبی هرات.

۱ فتاده) بهرات آمده و در سنهٔ ۸۶۳ موقعیکه سلطان ابوسعید کورگانی برای دفعه دوم از بخارا وسمرقند بجانب هرات حرکت نموده آنرا از دست میرزا جهانشاه بدرآورد .

هرکاب سلطان ابوسعید گردیده درسلك وزراء باعتماد اودرآمد و در ۸۷۲ هنگامیکه سلطان ابوسعید بعزم تسخیر عراق و آذربایجان رهسپار گردید خواجه شمس الدین محمد بموجب فرمان او بطرف سمرقند حرکت کرد چون سلطان ابو سعید در آنسفر بجنگ ترکمانان آق قویونلو کشته شد خواجه شمس الدین مدتی درماوراء النهر مانده موقعیکه سلطان حسین بایقرا بر تخت سلطنت هرات جلوس نمود واپس بهرات آمده بدربار او بصورت دایمی کمر خدمت بر بست و برتبه وزارت رسید بعد از چندی از رتبه وزارت استعفاء داده عزلت گزین شد واز طرف حسین بایقرا منصب شیخ تولیت مزار خواجه عبدالله انصاری (رح) بدو سپرده شد و تا آخر حیات به همین وظیفه مشغول بود تا آنکه در سنه ۹۰۴ فوت کرد .

(مولینا) عبدالکریم خوارزمی معروف به پادشاه .

او برادر عبدالرحیم خوارزمی بوده وهر دو پسران عبدالرحمن خوارزمی بوده اند مولینا عبدالکریم نیز مانند برادرش هم شاعر وهم خوشنویس بوده اما چون بخبط دماغی مبتلی بود خود را پادشاه میگفت ودر نوشته هایش وقطعاتیکه مینوشت گاهی مینوشت : (کتبه پادشاه) وزمانی (کتبه خدا (عیاذاً بالله) وگاهی : (کتبه زراقه) بهمین ترتیب امضاء ها میکرد - فکری میشویسد : در سال ۱۳۳۰ یکتا بخانه دوست دانشمند حسین پادشاه نوائی در تهران رساله (گوی وچوگان) عارفی و سعادتنامه و روشنائی نامهٔ حکیم ناصر خسرو را در یکجلد بقطع وحجم کوچك بخط شیوای عبدالکریم پادشاه دیدم که بصراحت (عبد الکریم بن عبد الرحمن خوارزمی) امضاء کرده بود الحق کاتب هنرمند بوده و بشیوهٔ مخصوص مینوشته و گویا پیرو شیوهٔ جعفر بایسنقری واظهر هروی بوده .

خواجه عبدالله مروارید پسر او که از جمله هنروران بزرگ و خوشنویسان زبردست بشمار میرود در هرات تربیت یافته و بزمان سلطان حسین بایقرا میزیسته است، باثر تعلیم و توجهات استادان هرات و همچنین برحسب شفقت و مراحم شاهانه این سلطان هنرپرور و وزیر فرزانه او میر علی شیر

عبد الرحمن :

میرزا عبدالرحمن حسینی اول خط نستعلیق وشکسته را نزد لشکر نویس هروی مشق میکرد تا در هردو خط از استاد برتری یافت .

از مرحوم سید محمد عمر بیله کش که نواسه میر عبدالرحمن است شنیده شده که میگفت : جدم میر عبدالرحمن یاد ها از لشکر نویس که استاد او بود بخیر یاد میکرد و میگفت : روزی کاغذ مشق باستاد بردم تا مشق گذشته ام را اصلاح نماید و بمن سر مشق تازه بدهد .

چون بمشق گذشته من بدقت نظر کرد ، قلمدان و کاغذ ها را جمع کرد و بر دست و روی من بوسه داد و گفت :

ای مخدوم زاده هر چند مرا بر تو حق استادی است از امروز بتو خط شاگردی میدهم . پس ازین بیرانه سر هوای مشق مرا در سر افتاد مرا به شاگردی قبول کن .

زیرا دلچسپی وروشنی ولذتیکه درخط تو دیدم بر دفتر نستعلیق نویسان خط بطلان کشید م . . . . آنقدر مرا نوازش نمود که از لطفهای پدرم فراموش کردم پس از آن بخانه نشستم و دور بر روی همه بستم و از روی خطوط میر علی هروی و میر عماد و عبد الرشید بدقت تمام مشق میکرد .

معیشت ما در حالیکه پدرم چندی قبل از آن وفات یافته بود بحسرت سپری میشد و مادر پیرم بمن خدمت میکرد روزی نان خواستم دادرم دسته ی از نوشته هایم را پیشم گذاشت و گفت جز اینها چیزی دربساط نیست .

با تأثر از خانه بر آمدم و بفکر کار افتاده ابتدا بمیرزایی اقدام کردم و رشته کار را ادامه دادم . میرزا محمد علی سنگلاخ خراسانی در کتاب تذکرة الخطاطین خود میرزا عبدالرحمن را از شاگردان خود معرفی میکند .

میرزا سنگلاخ در عصر شاه محمود سدوزائی یکسفر در هرات آمده و مدتی کم

نوائی خواجه عبدالله نه تنها درخوشنویسی از سرآمدان عهد خود شد بلکه درشعرسرائی وغزل خوانی و آواز موسیقی نوازی هم از استادان بزرگ بشمار میرفت . اشعار بسیار خوب دارد و بیانی تخلص میکرده از اوست :

خوش آنزمان که خطت گرد آنعذار نبود
میان حسن تو و عشق من غبار نبود
نبود چون تو گلی در مه کبود ی چرخ
دمیکه باغ رخت را بنفشه زار نبود
بشب رساند خطت روز بیقرار ی من
وگرنه بیتو مرا روزو شب قرار نبود

عبدالله مروارید بی اندازه مورد الطاف سلطان حسین بایقرا و میر علی شیر نوایی واقع بود در بهار شباب و جوانی به منصب صدارت نایل شد بعداز چندی خدمت و جان نثاری بالاخره عزلت نشین گردیده از وزارت وصدارت دست کشید و مدت سه سال بدون آنکه مقید

در هرات توقف داشته ممکن است میرزا عبدالرحمن از روی هم مسلکی بصحبت او رسیده باشد . اما شاگردی او به میرزا سنگلاخ بعید می نماید زیرا دو آن تاریخ میرزا عبدالرحمن از خوشنویسان معروف بشمار بود واز طرفی شیوهٔ خط او باخط میرزا سنگلاخ روش موافق ندارد میرزا عبدالرحمن نزد شاهان سدوزائی خصوصاً شاه محمود وشاه کامران مقرب بود اما بدنیا بی علاقه ودرویش مشرب بود سلسله خطاطان کنونی خط نستعلیق وطن همه بمیر عبدالرحمن میرسد و شیوهٔ میرغوبش تا کنون نزد بسا نستعلیق نگار آن متداول ومحبوب است .

میر عبدالرحمن بسال ۱۲۶۸ وفات یافت و بداخل گنبد سیدعبدالله در رواق پایان پای مزار مدفون است .

الواح بسا از قبور گازرگاه ومزار سادات مصرخ بخط میر عبدالرحمن میباشد که بقلم دو دانگ وسه دانگ نوشته وهیچیک امضاء ندارد و نیز لوح مزار

Marfat.com

به منصبی باشد بحضور حسین میرزا مصاحبت داشت بقول صاحب حبیب السیر مجدداً بر حسب فرمان شاهانه بمنصب رسالت و پروانه که در زمان سلاطین تیموری از مناصب بزرگ دولت بود سرافراز گردید و بعد از چندی از آن رتبه هم ارتقاءجسته به رتبه امراء عظام رسید وجای امیرعلی شیر نوایی رااحراز نمود. (۱) ولی بعد از

و زیر یار محمد خان و برادرش سردار شیرمحمد خان در خیابان نزدیک دهنه د و برادران که بکمر کلاغ معروف است از بهترین شاهکارهای خط میرزا عبدالرحمن است که بطور بی اعتنائی بخاک افتاده. فکری میگوید:

در بغا که اولاد وزیر مرحوم قدر این الواح نفایس را ندانسته واعتنائی نمی نمایند، دیری نخواهد گذشت که آن الواح بی مثل ومانند بخاک بی اعتنائی افتاده مانند هزاران الواح پر ارزش دیگر تلف ونابود شود و از خاک و زیر مرحوم اثری باقی نماند.

مرحوم فکری در تاریخ وفات میر عبدالرحمن در تعلیقات خود راجع به کلمه (خط خوب آن) که ماده تاریخ است تردد نشان داده وچنین نوشته:

(اگر الف را ممدود بتاریخ گیریم هزار ودوصدوشصت ونه میشود ومرا معلوم نشد که ۱۲۶۸ درست است یا ۱۲۶۹) (۲)

(شیخ) عبد الله کاتب:

در خط نستعلیق استاد بود وخط شناسی نیز او را بمرتبه استادی می شناسند در کتابخانه امیرعلی شیر وسلطان حسین میرزا مدت ۴۵ سال وظیفه کتابت را داشت از همین سبب بنام شیخ عبدالله کاتب شهرت یافت در خلاصة الاخبار خواند میر

---

(۱) ص ۳۳۰ حبیب السیر جلد سوم.

(۲) چون قانون مواد تواریخ چنین است که نقش کتابتی آن مورد اعتبار است جمله (خطخوب آن) اگر الف ممدود هم باشد در کتابت یک الف است ومدیز بر حروف نیست بلکه جزوحرکات است لذا تاریخ آن بدون اشتباه (۱۲۶۸) صحیح است است: (نایق)

۹۳خط عبدالله طباخ هروی ۸۴۰ق در گنجینه قرآن مشهد رضوی

خط ثلث و نسخ عبدالله طباخ هروی

تفصیل در صفحه ۱۳۳

Marfat.com

Marfat.com

فوت سلطان حسین میرزا اکثر اوقات را به کتابت قرآن مجید و دوا وین شعرای بزرگ می گذرانید تا آنکه در سنه ۹۲۲ فوت کرد .

عبد الله آشپز :

از هنروران و خطاطان معروف هرات است تحصیلات خود را در ابتدا به هرات تکمیل نموده و بعد بسوی بغداد عزیمت کرده است ، در (۸۱۰) متولد گردیده و در پی تحصیل خط زحمات و مشکلات زیادی را در زندگانی متحمل شده است این هنر را باندازه‌ی رسانید که کسی خط او را

هروی شرح حال اوذکر شده بعضی مورخین سال وفات اورا ۹۰۰ هجری نوشته اند .

(مولینا) عیشی هروی :

در عصر امیر علیشیر نوائی از جمله کاتبان بوده ودرخط نستعلیق مهارت داشته در شعر نیز طبع خوب و قریحه عالی را دارا بوده اخیراً از هرات بمشهد رفته و بکتابخانه سلطان ابراهیم بکتابت مشغول گردیده وفات او را ۹۸۰ نوشته اند یک قطعه از آثار او بخط نستعلیق مرصع در کتابخانه مرحوم فکری بوده که حاشیه دار ومنقش بوده چنین رقم نموده :

(مشقه عیشی)

(ملا) عبدالرحیم هروی :

او ملقب عبد الرحیم عنبرین قلم بوده و از خوشنویسان نستعلیق هرات است که در هند شهرت یافته ودر عصر جهانگیر میزیسته سال وفاتش معلوم نیست .

عماد هروی :

فکری مینویسد : نگارنده قطعاتی بخط عماد دیده ام که کتبه عماد یا مشقه امضاء داشت بدون کلمه حسنی یا حسینی ودر قرصی و پختگی کم از خطوط عماد حسینی نبود ولی اندك تفاوت از شیوه واسلوب خاص میر مبرور عماد حسینی داشت که در اصالت آنان مردمی بودم اخیراً این اشتباه به آسانی حل شد که در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات وکلتور مثنوی حضرت مولانا را دیدم بخط ملا محیی هروی وعماد والدین بن محیی هروی بخطی عالی که در نهایت نفاست

Marfat.com

از خط یاقوت مستعصمی فرق نمیتوانست . چنانچه بهمین مناسبت معروفست که وی مدتی شاگردی یاقوت را نیز نموده ولی این حرف بکلی غلط و بی اساس ثابت می شود زیرا یاقوت در ۶۶۷ هجری وفات کرده ودر بین او و عبد الله آشپز تقریباً یکصد و پنجاه سال فاصله موجود بوده است .

عبد الله کاتب :

هراتی الاصل واز خطاطان معروفست معلوماتی درباب زندگانی او بدست نیامده تنها اینقدر معلوم است که در ۸۴۹ وفات کرده است (۱)

عبد القادر هراتی :

علاوه برآنکه از خطاطان وخوشنویسان معروف کشور است ودر چندین خط مقام استادی داشت مو سیقی را نیز نیکو می نواخت

کتابت یافته ودر دفتری ازان تنها بنام عماد بن محیی الهروی امضا نموده و در دفتر های دیگر عماد الدین محیی امضاء کرده و این کتاب نفیس که بخط این پدر و پسر یعنی محیی وعماد کتابت یافته از نفایس روزگار است که در قبة الاسلام بلخ با مر عبد المومن خان پادشاه بلخ کتابت یافته و در نهایت نفاست تذهیب ووقایه شده ودرآغاز آن مقدمهٔ در دو صفحه بخط نستعلیق عالی یک دانک دنیم بمدح عبد المومن خان نگاشته شده که غالباً بخط محیی کاتب دفتر اول بوده باشد .

خطاطان هم قرن اخیر که اطلاعات شان کمتر بود میر عماد حسینی قزوینی را هروی معرفی می نمودند و معروف است که عماد حسینی قزوینی قبل از آنکه بدربار پادشاه عباس برسد مدتی در هرات اقامت جست و بعشق و تمرین خط پرداخت بهر حال محیی هروی و پسرش هر دو تن از معاصرین میر عماد حسینی قزوینی بوده اند .

---

(۱) ص ۲۵ پیدایش خط و خطاطان .

وشعرمتین هم میگفت پس از اکمال تحصیلات ابتدائی و انتهایی در هرات به اوایل جوانی رهسپار بغداد گردیده و نظر به لیاقت و اهلیتی که داشت سلطان احمد جلایر پادشاه آنوقت او را بدر خود بار داد واز جمله مقربان خود گردانید چنانچه در مجالس خصوصی آن سلطان حق مداخلت داشته و همیشه از طرف او به اسم یار عزیز خوانده میشد چون سلطان احمدجلایر که آخرین پادشاه سلاله جلایر است وفات نموده خواجه عبدا لقادر هرآتی دعوت میرزا میرانشاه بن تیمور که از

وفات محیی طوری یکه پیشتر هم تذکر یافت (اگر محیی خوشنویس و ملا محیی باغدشتی یکنفر باشند) رسال ۱۰۲۸ هجری قمری در هرات بوقوع پیوسته و در باغدشت مدفون شد . اما سال وفات عماد هروی معلوم نیست و تا سال ۱۰۰۳ و ۱۰۰۵ یعنی کتابت همان مثنوی مولینا زندگی او مسلم است پس از ان معلوم نیست .

عباس قلی خان شاملوی هروی :

پسر نواب حسن خان شاملو است که درخط نستعلیق استاد بوده . در مشهد وفات یافته و در مدرسه ی که خودش در آنجا بناء نموده مدفون گردید . وقطعه خط او را فکری سلجوقی داشته خطش را فکری مماثل بخطاطان هند معرفی می نماید .

عبد الحی منشی هروی :

خواجه عبدالحی از شاگردان خواجه تاج سلمانی است و درعصر سلطان ابو سعید کورگانی میزیسته ومنشی دربار او بوده او راهروی الاصل دانسته اند و بعضی گویند در اصل استر آبادی است و در هرات نشو و نما یافته و تا زمان وفاتش در هرات بوده . درخط نستعلیق شاگرد تاج سلمانی است . تاریخ وفاتش معلوم نیست :

(درویش) عبد الله سلطانی بلخی :

اصلا از بلخ بوده ودر هرات بسر میبرده از شاگردان خواجه عبدالحی منشی است . و استاد و شاگرد هر دو در عصر سلطان ابو سعید بوده اند .

سنه ۸۰۷ الی سنه ۸۱۰ در آذربایجان و عراق حکمرانی داشت قبول نموده به حلقه اطرافیان او در آمد و هنگامی هم به دربار خود تیمور کورگان راه یافته بود ، در سنه ۸۳۸ هجری وفات نموده است .

خواجه عبدالقادر گوینده :

درانواع فضایل شهرت کامل داشت و در موسیقی و علم موسیقی و همچنان درعلم ادوار از سر آمدان عهد خود بود درقرائت و تلاوت قرآن عظیم الشان و شعرسرائی و خوشنویسی بغایت اقتدار داشت و درکتیبه نوشتن بروی سنگ بی مانند و بی همتا بود دراوایل زندگی به بغداد بوده به مصاحبت سلطان احمد جلایر بسر میبرد و سلطان ازوی بسیار احترام نموده عزیز و محترمش میداشت چون سلطان احمد جلایر در گذشت خواجه عبدالقادر گوینده در سلک مصاحبان و ملازمان میرزا میرانشاه بن تیمور که در موقع حیات پدر والی و حاکم عراق و بغداد بود درآمد ومورد نوازشات شاهانه و هنر پرورانه واقع گردید .

درویش عبدالله تا پایان عصر سلطان حسین حیات داشته تاریخ وفاتش را ۹۲۰ نوشته اند .

ص ۴۵۳ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

علی حسینی : از کاتبان خوشنویس قرن نهم بوده و بخط وی یک نسخه کلیات سعدی بقلم کتابت خفی خوش بکتابخانه مجلس شورای ملی تهران موجود است که چنین رقم و تاریخ دارد :

تمام شد خط فقیر کمترین تراب اقدام مؤمنین ابن معین الدین علی الحسینی فی سنه ۱۲۳۲ .

ص ۴۵۳ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

علی حسینی .

خوشنویس کمتام قرن سیزدهم است و بخط وی مرقعی دارم بقلم نیم ودو دانگ خوش که رقم و تاریخ دارد : مشقه علی الحسینی ۱۲۷۸

در موقعیکه میرزا مئیر انشاه نظر به عارضهٔ دماغی که برای او پیدا شده بود بر پدر شوریده، وامیر تیمور کورگان راه تادیب او پیش گرفت واکثرآ ندما و مصاحبان او راکشت خواجه عبد الله در مجال یافته فرار کرد و بعد از چندی در لباس قلندران

صفحه ۳۵۶ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

عبدالله زیارت گاهی :

از خوشنویسان زبردست گمنام اقلام شش گانه قرن نهم است که نستعلیق را نیز خوش بخوشنه و از قدیم ترین خوشنویسان این خط ومعاصر جعفر بایسنغری است بخط وی دو قطعه در مرقع امیر غیب بیک در کتابخانه خزینه او قاف استانبول است با رقم و تاریخ: کتبه ... الحبد ... عبد الله ذ یارتگاهی احسن الله احواله و لاستاذه و لمن نظر فیه و دعا هم بالرحمة فی سنه اثنی و تلثین و ثمانمائه الهجریه ،

س ٤٥٢ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

میر علی حسینی : خوش نویس زبردست گمنامی است که چندی از دوران آخر زندگی

میر علی حسینی هروی را درك کرده و مانند وی کاتب السلطانی رقم می نموده و بشیوه شیوای میر علی هروی کتابت می کرده است یك نسخه دیوان امیر شاهی بقلم و کتابت خفی خوش با رقم و تاریخ «وقف کتابتها افقر عباد الله تعالی الفقیر میر علی الکاتب السلطانی . غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۰۰۸ در کتابخانه دانشگاه استانبول .

س ٤٥٠ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

علی جامی - فخر الدین :

از کاتبان گمنام دیگر قرن دهم است و بخط او یك نسخه یوسف وزلیخای عبد الرحمن جامی دارم بقلم کتابت متوسط با رقم و تاریخ فی سادس شهر ربیع الاول سنة ۹۹۱ بدار السلطنة هرات واقع شد و علی ید العبد الضعیف فخرالدین علی بن محمد اصغر الجامی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه .

Marfat.com

به نزد تیمور شتافته معذرت خواست و طلب عفو نمود تیمور هم او را نوازش کرده تحت تربیه خود بگرفت بعد از فوت امیر تیمور بملازمت پسر او شاهرخ میرزا در آمده در خدمت او کار میکرد تا آنکه در سنه ۸۳۸ ه ـ به مرض و باو طاعون مصاب گردیده در گذشت .

ص ۵۳۹ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

عماد فراهی :

از خوشنویسان گمنام قرن ودهم بخط وی قطعه‌ی در مرقع بهرامیرزای صفوی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است . بقلم دودانگه و کتابت خوش با رقم : مشقه عماد الفراهی :

ص ۵۱۶ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

(میر) علی هروی :

ظاهراً اندکی پس از دورهٔ خوشنویسی میر علی هروی مذکور میر علی دیگری که او نیز عنوان « سلطانی » داشته ودر هرات میزیسته بوده است که حتی شیوهٔ خط او شبیه شیوهٔ میر علی هروی و کاتبی زبردست بوده است از آثار این میر علی هروی یک نسخه بوستان سعدی در کتابخانه سلطنتی تهران است بقلم کتابت جلی خوش نوشته است وچنین رقم دارد : در دارالسلطنة هرات صورت اتمام پذیرفت الفقیر الحقیر میر علی السلطانی غفرذنوبه و ستر عیوبه ۹۰۷۰ است زیرا که این نسخه نفیس مصور بچند تصویر مینیاتوری جالی است که نوشته است : بامر الغفاری عبدالله خان بهادر تصویر شد ۱۹۷۰ است .

صفحه ۵۱۷ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

علی کاتب ـ میر :

شاگرد سلطانعلی مشهدی و اظهر بوده یک نسخه طب یوسفی هروی در کتابخانه مدرسه سپهسالار است بقلم کتابت خوش و رقم دارد : الفقیر الحقیر میر علی غفرذنوبه ۸۸۱ و بسال ۹۲۵ در گذشت .

عبدالحق :

از سبزوار هراست شش نوع خط را بحد کمال رسانیده بود واز اجلهٔ خوشنویسان بشمار میرود، شرح حال او مجهول مانده و به استثنای آئین اکبری به هیچ مأخذی از او ذکر نشده است .

صفحه ۵۱۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

علی هروی حافظ :

فرزند نورالدین محمد از مردم غور بان از توابع هرات است که چندین سال منصب صدارت و استادی ابو تراب میرزا فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا داشته است این شاهزاده در زمان حیات پدر خود در گذشت ، حفظ علی را بحدت ذهن و جودت شعر ستوده اند ، و گویند اکثر خطوط را خوش می نوشت و در علم عروض وصنایع اشعار تبحر داشت چنانکه قصیدهٔ سلمان ساوجی را چار نوبت تتبع کرد و هر نوبت چند صنعت بان افزود. صاحب مناقب هنروران و برا جزو کاتبان چهل گانه کتابخانه بایسنغر میرزا آورده است تاریخ در گذشت او معلوم نشد ولی در زمان صنه تألیف حبیب السیر سال ۹۳۰ در قید حیات بود .

صفحه ۳۳۸ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

عارف هروی :

فرزند میر روح الله حسینی است صاحب خوشنویسان هرات و روز روشن او را از شعرای دوره سلطان حسین میرزا بایقرا متوفی سال ۹۱۱ شمرده اند .

صفحه ۳۵۹ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

(شیخ) عبدالله هروی :

از کاتبان مقرب هرات بود و مدت ۴۵ سال با امیر علی شیر نوائی بسر برده واز مصاحبت او بهره یافت در سلک فضلا و ظرفا بود و گفته اند که از خطوط نستعلیق و نسخ و تعلیق را در غایت لطافت مینوشت وشعر میگفت تاریخ وفاتش سال ۹۴۸ در هرات در گذشت .

Marfat.com

علاؤالدین علی میکال :

ازوزرای قرن نهم هرا تست د ر ز ما ن سلطا ن حسین با یقر ا زیست میکرد . این وزیر دانشمند علاوه برآنکه به اکثر علوم و فنون آراسته بوددر امور کشوری ومملکت داری نیز کفایت و لیاقت بسزا داشت خطش درخو بی وزیبائی معروف بودو ازجملهٔ خوشنویسان زبردست بحساب میر فت . بقول خواو ند میر صاحب، تا ریخ حبیب السیروکتاب دستور ا لو زرا ء از کار مندان دیوان شاهی سلطا ن حسین با یقر ا بو د ولی بعد ها بر حسب صفات وسجایای نیك به رتبهٔ وزار ت ارتقامجست و تااخیر عمر بدان ر تبه ر فیعهٔ اشتغال داشت . (۱)

صفحه ٤٥١ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

علی جان هروی :

فرزند حیدر علی از کاتبان گم نام قرن دهم ویازد هم و به خط و ی نسخه ی از دیوان او حدی است در کتا بخانه مدرسه سپهسالار کتابت خفی بارقم و تاریخ تمت الکتاب علی ید العبد . . . علی جان بن حیدر علی الهروی فی شهر جما دی الثا نی سنه خمسین و الف (۱۰۵۰) .

صفحه ٤٢٦ نستعلیق نویسان دکتور بیا نی .

عبد ی هرو ی :

فقط در تذکره روز روشن آمده است که شاعر و معاصر و مصاحب جامی و از کاتبان هرات بوده وفات وی معلوم نیست .

عبدالواسع نظا می :

مولانا عبدالوا سع نظا می در عصر سلطان حسین میرزا میز یسته منشی ما هر وزیردست بوده رساله‌ی درشرح حال حضرت جامی بامر سلطان حسین انشاء نموده تاریخ وفا تش معلو م نیست .

---

(۱) صفحه ٤٤٢ دستور الوزراء مؤلفه خوند میر طبع تهرا ن .

Marfat.com

علاؤ الدین :

ازخوشنویسان هراتست در آئین اکبری در جملهٔ اجلهٔ خطا طان نستعلیق ذکر شده است .

علی الحسینی :

از خطاطان معروف قرن دهم هراتست وشخصیت او غیر ازمیرعلی هروی است چندین خط متداول مخصوصاً نستعلیق را فوق العاده خوش می نوشت درواقعات بابری به توصیف او گفته شده (به‌قوت دست او معلوم نیست کسی گذشته باشد (۱) تاریخ تولد وسنهٔ وفات او معلوم نیست نسخه‌ی‌از بوستان سعدی به خط او در موزهٔ کابل محفوظ است که‌در سنهٔ ۹۲۱ هجری قمری نوشته شده است و ازین معلوم میشود که تااواسط قرن دهم هجری حیات داشته است .

عهدی :

از هراتست با مولانا جامی (رح) معاصر بوده است شعر خوب میسرائید در کتابت وخوشنویسی نیز شهرت داشت . (۲)

عینی : ز هنروران و فضلای هراتست که در أو به تولد و پرورش یافته است امیرعلی شیرنوائی وزیر سلطان‌حسین بایقرا را با او آشنائی ودوستی کامل بود مولانا عینی علاوه برطبع شعر دارای خط خوش وزیبا نیز بود نستعلیق‌را خوب می نوشت وهمواره به استنساخ دواوین شعرای نامور اشتغال داشت میرعلی‌شیر درتذکره معروف خود از او یادی کرده است .

علاؤ الدین منصور :

خواجه علاء الدین منصور هروی شاید همان میرمنصور استرآبادی باشد ازجمله شاگردان میرزا کافی هروی است درخط نستعلیق بمرتبه استادی بوده . سال وفاتش ۹۶۹۱ نوشته اند .

---

(۱) نقل ازصفحه ۱۹۸ سالنامه ۱۳۱٤ کابل .

(۲) صفحه ۱۷۲ تذکره حسینی طبع لکنهو .

Marfat.com

((غ))

غوریانی (حافظ علی)

نه تنها هرات در قسمت صنایع و ادبیات رولهای بزرگی بازی کرده و مردان ناموری بوجود آورده است بلکه قدم بقدم و قریه بقریه آن مردان بزرگی بوطن تقدیم کرده و ناموران چیره دستی در صنایع ظریفه پرورش داده است .

از جمله توابع و نواحی هرات که شهرت تاریخی دارند عبارتند از : سبزوار ، غوریان ، بادغیس ، کرخ و غیره . حافظ علی که یکی از خوشنویسان و خطاطان معروف هرات است تولد یافتهٔ غوریان میباشد پدر او مولانا نورالدین محمد غوریانی است و چندین سال در زمان ابوتراب میرزا مقام صدارت و استادی او را دارا بوده است .

حافظ علی چون از خانواده خیلی بزرگ و بارسوخ هرات بود تربیه فوق العاده بلند داشته و به حسن خلق و طبع لطیف خیلی ها معروف بود تعلیمات او در قسمت ادبیات و علم عروض و صنایع شعری بسیار عالی و بلند بود این مرد بزرگ که به خطاطی و خوشنویسی شهرت دارد نه تنها چندین خط رازیباوقشنگ می نوشت بلکه تذهیب و شعررا نیز به حد کمال رسانیده بود . حافظ علی قرار معلوم بایددر زمان تسلط سلطان ابوسعید (تقریباً (۸۷۰) تولد یافته باشد

غیاث الدین :

خواجه غیاث الدین شاید همان خواجه غیاث الدین پیر احمد زرکوب نقاش معروف بهروی باشد که در عصر شاهرخ و بایسنغر میزیسته وحسب الامر بایسنغر بطرف چین وختای بسفارت رفته همچنین نقاش دیگری در عصر بایسنغر و شاهرخ در هرات میزیسته بنام خواجه سیف الدین که علاوه بر فن تصویر در تذهیب استاد بوده و در شعر طبع عالی داشته (واحدی) تخلص می نمود و بمرگ بایسنغر مرثیه عالی سروده .

Marfat.com

باشد بهر حال شهرت و نام او در زمان سلطان حسین میرزا بلند شده قراریکه از قراین معلوم گردیده تاسنه ۹۳۰ که سنه تألیف حبیب السیر است حیات داشته است .

چنانکه گفتیم حافظ علی شاعر زبردست نیز بود و مخصوصاً در صنایع شعری او را استاد بزرگ می‌خوانند ومیگویند که به صنعت مقلوب مستوی که مشکلترین صنایع شعر وادب است مهارت زیاد داشت، ازجملهٔ آثار واشعار مشهور او چندین قصاید است که به استقبال و تضمین قصاید سلمان ساوجی سروده است .

((ف))

فائض هراتی :

(۱) هنرمند قابل ودر خوشنویسی استاد ماهر بود بر علاوه خوشنویسی بزبان های عمدهٔ دری، عربی و ترکی معرفت و آشنائی

تبصره :

طوریکه مرحوم مولوی ملا عبدالفتاح سلجوقی پدرفکری توضیحات میداد در داخل گنبد بایسنغر کتیبه‌ی بکاشی نوشته بوده که یکفرد آنرا از زبان مولوی موصوف بحافظ دارم .

غوطه زد در نیل مصر از مصر گوهر بی شد عزیز

چین گرفت ابروی چین در چین مگر خاقان نماند

و مرحوم مولوی که همین فرد از قصیده موصوف را بیاد داشت میگفت یک فرد از آن قصیده به این جمله میرسد :

(بایسنقر خان نماند) وافسوس میکرد که کتیبه مزبور که شعر عالی و بخط عالی بوده از بین رفته است .

شعر موصوف شاید همین قصیده واحدی نقاش بوده باشد که بمرثیه بایسنغر سروده .

شایق

---

(۱) صفحه ۱۳۲ پیدایش خط وخطاطان .

Marfat.com

کامل داشت در خطا طی به تمام افغانستان وحتی سراسر ترکستان و فارس و ماوراءالنهر شهرت زیاد حاصل نمود، وقت خود را به نوشتن قطعات و ترتیب مرقعات قشنگ وزیبا میگذرانید تا آنکه در سنهٔ ۱۱۴۵ هجری وفات نمود.

فراهی :

مولانا معین الدین الفراهی پسر دوم مولانا شرف الدین حاجی محمد فراهی بود. مولانا حاجی محمد درسلك اعاظم فقهای زمان ابوالقاسم بابر شامل بود، برادر بزرگ مولانا معین الدین قاضی نظام الدین نام داشت که در زمان سلطان حسین با یقرا قاضی دارالسلطنه

«ف»

فصیحی هروی :

میرزا فصیحی انصاری از شعرا واربابهنر است در عصر حسن خان شاملو میزیسته ونزد او تقرب حاصل نموده بود تا حدیکه حسن خان او را ملك الشعرا خطاب میکرد او همعصر ناظم هروی ومیرزا ارشد بر نابادی است که باو شان دوستی و مصاحبت داشته ازمنشی لایق بود ودر نوشتن خطوط تعلیق و نستعلیق یگانه زمان خود بود.

این هنرمند در خط ابتکار بی سابقه بخرج داده واصول خط تعلیق و نستعلیق هر دو راشکست و خط شکسته را بوجود آورد که اورا مخترع خط شکسته میدانند.

شاه عباس ثانی او را از هرات با خود باصفهان برد واز اصفهان بهندوستان رفت وبعد از چندی در هند وفات یافت.

فکری سلجوقی قطعه ذیل را از یك جنگ خطی نقل کرده که بعنوان آن چنین نوشته بوده :

(تاریخ فوت ملك الشعرا میرزا فصیحی هروی)

معدن فضل فصیحی که خرد — پیش او درس فصاحت خواند.
هاتفی سال وفاتش میگفت — (بحر دانش ز تموج ماند.)

فکری مینویسد :

از مصرع اخیر ۱۱۳۱ بدست می آید اگر این قطعه صحیح باشد واز فصیحی دیگری نباشد یا باید میرزا فصیحی متجاوز از یکصد سال عمر طولانی گذرانده باشد.

(۲) مجمع الفضلا مولفه ملا محمد عارف متخلص به شفائی که در سنهٔ ۹۹۶ کتاب خود را در اندخوی آغاز کرده و در هند وستان بعهد جلال الدین اکبر تمام کرده است نسخه مذکور متعلق به دوست فاضلم آقای گویا اعتمادی است.

Marfat.com

هرات بود معین الدین فراهی در بسیاری از فضایل وکمالات اظهار وقوف مینمود . (۱)
در زهد و تقوی درجه علیا داشت واکثر خطوط را با نهایت استادی وقشنگی برروی صفحه کاغذ نقش می بست بقول صاحب آیین اکبری در شش خط از اجله استادان معروف بشمار میرفت . (۱)
بعداز مرگ برادر خود یعنی قاضی نظام الدین بامر سلطان حسین میرزا بر مسند رسمی قضاوت در شهر هرات مقرر و بعداز یک سال استعفاء داد
تفسیر سوره یوسف (ع) وشهور به تفسیر نقره کار و معراج النبوة از آثار و تالیفات گرانبهای اوست در سنه ۹۰۷ هـ - مریض شده جهان را وداع گفت و در مزار خواجه عبد الله انصار به پهلوی برادر خود مدفون گشت .

فرخ شاه (مولانا) :

هروی الاصل است (۲) اما در سمرقند تولد یافته او تخلص ودر شعر منشی است پدرش میرزا حسن نام داشت و به علاوه بند با فی امرار معیشت مینمود . فرخ شاه درکسب فضایل کوشیده و در خطوط و انشاء و معما دست خوب داشت از سیاق نیز بی بهره نبود از جمله خطوط نستعلیق را خوب می نوشت . روزی چند ویرا در ملازمت شهزاده ابو الخیر سلطان تقرب حاصل شد و به منصب انشاء قیام نمود چون آن شهزاده وفات یافت در شهور سنه ۹۸۷ هـ - خود را بملازمت شاهزاده سلطان یار افگنده در سلک ملازمان او داخل شد . و در اخیر حیات اختلال دماغ پیدا نمود .

فخرا لدین :

غیر ازینکه از هنرمندان هرات است در شعر وسخنوری نیز استاد بوده و در موعظه زبان گویا داشته است اما کمال خوشنویسی اوراز پایه تقریر و تحریرش بیشتر بود بقول صاحب تذکره ریاض الشعراء زمان عوفی را دریافته و ازین قرار میتوان گفت که در حدود سنه ۶۰۰ هـ الی سنه ۶۵۰ هـ - قمیزیسته است .

(۱) صفحه ۵۱۰ تذکره روز روشن طبع هند .

فخر الدین علی :

پسر ارشد ملا حسین واعظ کاشفی هروی است درهرات تولدیافته و در زمان سلطان حسین بایقرا زندگی میکرد مانند پدرخویش در فن وعظ وخطابت شهرت زیاد داشت چنانچه درین فن جانشین پدر گشت (۱) مرد عالم و فاضل و هنرمند بود واز مؤلفین زبردست قرن نهم و نیمه قرن دهم هجری هرات بشمار میرود، کتاب رشحات عین الحیاة در شرح احوال مشایخ نقشبندیه از آثار اوست (۲)

گذشته ازین در خوشنویسی نیز از استادان بزرگ بود طبع شعر هم داشت و مثنوی محمود و ایاز اوخیلی معروف است . بقول صاحب تاریخ سلسله تیموریان نام او فخرالدین علی ولقب او صفی بوده است .

قاسم شادیشاه :

مولینا قاسم شادیشاه هروی از شاگردان سلطان محمد نور است ازسلطان محمد خندان نیز مشق گرفته و استفادهٔ خطاطی نموده صاحب ریحان او را در خط نستعلیق شاگرد مستقیم سلطانعلی مشهدی میداند طوریکه معلوم میشود او از هرسه استاد مشق خط نستعلیق را گرفته او نستعلیق را خوب می نوشت ولی دیر نویس بود مولینا قاسم با میر علی هروی معارضه و مناقشه داشت چون میر علی گران شنو بود شادیشاه رباعی ذیل را بطور طعن باو نوشت :

گران کاتب که دارد دعوی خط هوای خود پسندی برده هوش
ازآن نر و خط او اصلی ندارد که تعلیم کسی نشنید و گوش

میر علی هروی قطعه ذیل را بجواب او نوشت .

پسر ناقبول شادیشاه چون پدر ناقبول ومنکوب است
خط بی نقل او نباشد خوب لیك اگر نقل میکند خوب است

---

(۱) صفحه ۵۱۰ تذکر دوشن طبع هند

(۲) صفحه ۷۲ تاریخ سلسله تیموریان مولفه شکرانی طبع تهران .

Marfat.com

((ق))

قاسم شادیشاه :

از اعاظم فضلاء و شاعر گرا نمایه وخوش نویس معروف است که در عصر سلطان ابوسعید کورگانی (که الی سنه ۸۷۳ درما وراءالنهر و هرات سلطنت کرد میزیست ازجمله خطاطانو خوشنویسان معروف که باوی همعصر بودند یکی میر علی هروی است که شرح حالش گذشت میگویند بامیر موصوف همچشمی و رقابت داشته و همیشه در بین ایشان کشیدگی بوده است سنه فوت او معلوم نشد :

(کـ)

کاتبی :

مولانا محمد بن عبدالله متخلص به کاتبی یکی از خطاطان خیلی معروف هراتست و نام او ورد زبان ها می باشد . زیبایی خط واسلوب کتابت اوشهرت دارد و در هیچ مآخذ و مدارك شرح زندگانی او ذکر

قرار نوشته مرحوم فکری سال وفات قاسم شادیشاه محقق نیست لسان الملك وفات اورا در سال ۹۰۵ نوشته ولی صحیح نیست در کتابخانه نسخ خطی و زارت اطلاعات و کلتور کتاب کوی دچوگان عارفی هروی بخط او موجود است که در آخر چنین رقم نموده :(تمت الکتاب بعون الملك الوهاب علی ید الفقیر الی الله الراجی الی رحمة الله محمد قاسم بن شادیشاه غفرذ وبهما وستر عیوبهما بدارالسلطنه هرات سنة ۹۵۱ .

ونیز دیوان امیر شاهی سبزواری بخط او در تهران موجود است که تاریخ آن ۹۵۵ است و حیاتش تاهمین سال ۹۵۵ مسلم است .

از شاگردان قاسم شادیشاه . میر محمد حسین هروی پسر علاوالدین علی صانعی باخرزی است که وزیر سلطان حسین بایقرا بوده .

Marfat.com

نگردیده تنها آتشکده آذر چند کلمه در باب او نوشته که آنهم بکلی مجمل است و از آن چیزی بر نمی آید تنها اینقدر مفهوم میشود که مولانا کاتبی یکی از فضلای معروف عصرخود بوده ودر شاعری دستررس خوبی داشته است آتشکده آذر میگوید : (۱)

« اسمش یوسف شاه و در هرات او قات به کتابت میگذرانیده این مطلع از واست :

ای جدا گشته که دوری زبر هم نفسان دمادرین شهر باین روز تودر شهر کسان

مدفن او در استرآباد ودر سنه وفاتش کمی اختلاف است بعضی سنه ۸۳۸ و برخی سنه ۸۳۰ هجری می نگارند .

کافی :

میرزا کافی از مردمان هراتست در همین بلده فاخره تعلیم وتربیت یافته وخانواده او ازجملهٔ نجیب زادگان هرات است چنانچه پدر او به وزارت بدیع الزمان میرزابن سلطان حسین بایقرا اشتغال داشت (۲) میرزا کافی در ابتدا به تحصیل علوم وکمالات همت گماشته فنون متداول وقت از قبیل ادبیاء عروض و خوشنویسی وغیره را آموخت .

خط مولانا کافی خیلی خوش وزیبا بود و نستعلیق او مخصوصاً رونق وروش تازه داشت چنانچه صاحب تحفه سامی او را چنین می ستاید : (درخوشنویسی مسلم روزگا ودرانشاسرامد فضلای بلاغت شعار بود . » حقیقتاً انشاء و اشعار کافی خیلی بلند وبامزه بوده

کمال الدین حسین .

حافظ کمال الدین حسین هروی واحد العین (یک چشم) در خطوط هشتگانه استاد بوده قرآن کریم را نیز حفظ داشته و فقیر مشرب ومتدیوش بوده شاه تهماسپ او را بقسم خواست عاقبت از شاه تهماسپ رنجید وبه خراسان برگشت بسال ۹۷٤ و بقولی ۹۷۳ در مشهد وفات یافت .

---

(۱) صفحه ۱۵۵ آتشکده آذر طبع بمبئی .

(۲) صفحه ۷۱ تحفه سامی طبع تهران .

Marfat.com

و هیچ کمی از اشعار شعرای استاد ندارد. ازو است :

آمد برمن قاصد آن سروسهی　　آورد بهی تا نبود دست تهی
منهم رخ زرد خود بدان مالیدم　　یعنی زمرض نهاده ام رو به بهی

میرزا کافی در عصر صفویان میزیست و درزمان تهماسپ شهرت تامی حاصل کرد و همیشه مصاحبت او با بزرگان و شهزادگان زمان بود چنانچه سام میرزای صفوی در تذکرهٔ خود می نویسد: (۱) (روزی با میرزای مذکور به باغ مراد هرات بطریق گشت رفته و درخانه‌ی که مشهور به بیت العشرت است منزل کرده بودیم این رباعی و مطلع را در بدیهه گفته بدیوار خانه نوشت :

درداکه گل امیدم از باغ مراد　　هرگز بمراد دل غمگین نکشاد
افسوس زهجر یار جانی افسوس　　فریاد ز دست نامرادی فریاد

گرچه کافی خوشنویسی و شاعری را به پایه بلندرسا نیدمگر بعدها بسلك عسکریت ذوق پیدا کرد و عسکر شد هنگامیکه امیش خان تر بیت کننده سام میرزا از طرف تهماسپ حاکم و فرمانده عسکری و ملکی ریاست خراسان مقرر بود میرزا کافی صاحب منصب بود تا آن که در موقع جنگ های خونین که در بین عبید خان بن محمود سلطان از (سلاله شیبانی) وشاه تهماسپ صفوی در سر تسخیر هرات و خراسان در گرفت در حمله دوم عبید خان مذکور بشهر هرات در سنه ۹۳۲ بخانه خواجه حبیب الله نام که یکی از خوانین باذوق هرات بود بدست ترکمان مقتول گشت و چشم از جهان پوشانید .

(میرزا) کافی هروی .

نسب خود را به خواجه نصیر الدین طوسی میرسانده در خط نستعلیق سر آمد همه خطاطان بوده .

سام میرزای صفوی مینویسد : روزی با میرزای موصوف به باغ مراد هرات رفته درخانه‌ی که به بیت العشرت شهرت داشت جای گرفتیم میرزا کافی این بیت را فی البدیهه سرود و در دیوار خانه نوشت :

---

(۱) صفحه ۷۱ تحفه سامی طبع تهران.

Marfat.com

کفایت :

اسمش محمد جعفر و ازخوشنو یسان هرات است پد ر ش محمد مقیم خان نام د ا شت و محمد مقیم نبیره میرزا محمد حسین خا ن خوشنو یس است که ترجمه حا لش را درجای خودش مطا لعه خوا هند فرمود

محمد جعفر کفایت مرد محا سب نیز بود از جمله خطوط تعلیق و شکسته را بمر تبه اعلی رسا نیده بود و در عهد خو د ش وی را از استا دان خط می شمرد ند درزمان شاه جهان کشاه مغلی هند زند گی می کرد و هم از طرف آن پادشاه به لقب کفایت خان رسیده بود و تقر یباً ۳۵ سا ل در د یوان رسمی مملکت هند مشا غلت دا شت و فات او در ۲ رمضان ۱۰۹۵ ه ـق در زمان عالمگیر به شهر شاه جهان آباد اتفاق افتاده ا ست (۱)

کمال الدین حسین هراتی :

معرو ف بواحدالعین وقاری قرآن کریم وخطاط معروف هرات است شش رقم خط را استادانه می نوشت و در خط نستعلیق از سایر خطاطان همعصر خود ماهر تر واستاد تر بود، زمانی از هرات به مشهدواز آنجا بقم مسافرت نمود . تهماسپ اول صفوی از ورود وی با خبر گردید ه بدربار خودش دعوت نمود مدتی به نزدوی مصروف خوشنویسی

ای بیتو گردش فلک کجمدار حیف باشد زمانه و تو نباشی هزار حیف

این فرد حسب حال او واقع شد که در همان نزد یکی بخانه خواجه حبیب الله (ساوجی) بدست تنی چند شهید شد تاریخ شهادتش ۹۳۲ بود چندی بعد مولانا شوقی فرد مذکور را چنین تضمین نمود .

و بردوی دیوار بهلوی خط او نوشت :

بودی و در زمانه نظری ندا شتی ای بیتو گر د ش فلک کجمدار حیف

تا گه ز گر دش فلکت خون بریختند باشد زمانه وتو نبا شی هزا ر حیف

---

(۱) صفحه ۱۰۵ تذکره خوشنویسان طبع هند .

Marfat.com

و ندیمی شد و در سنهٔ ۹۷۰ در حالیکه میخواست به هرات مراجعت کند بمشهد رسیده مریض گردید، ودر همانجا وفات یافتِ .

(م)

مجنون :

اسمش میر علی (۱) واسم پدرش مولانا کمال الدین محمود (۲) یاجمال الدین محمود (۳) متخلص به رفیقی است از نامورا ن وصنعتگران معروف هراتست خطوطرا فوق العاده نیك می نوشت شخص بسیار متواضع شکسته نفس و فقیرمشرب بود . اکثر تذکره نویسان در بارهٔ مجنون مرتکب اشتباهات زیاد گردیدا ند صاحب تذکر ه خوشنویسان اشتباهاً سوانح واشعار میرعلی هروی را تحت نام او ذکرکرده یعنی ممکن است او ومیرعلی هروی را یك شخص دانسته باشد. صاحب پیدایش خطوخطاطان اورا همعصر سلطان غازان (۶۹۴-۷۰۳) قرار داده و می گوید که از مشاهیر قرن ۷ هجری است . حقیقت اینست که میر علی مجنون شخص دیگری ومیرعلی هروی کس دیگر است و مجنو ن در اواخر قرن ۹ ه یا بعر صه وجود گذاشته و در

معین الدین واعظ :

مولانا معین الدین واعظ پسرمو نالاحا جی محمد فراهی صاحب تصانیف عدیده است مانند معارج النبوة ور وضة الواعظین و تفسیر نقر ه کار و موسی نامه و غیره .وی مانند معین الد ین اسفزا ری در خوشنو یسی شهرت زیاد دا شته با ین تفاوت که معین الدین اسفزاری بخط تعلیق و معین ا لد ین فرا هی بخط نستعلیق مشهور ومعروف بوده ا ند .

---

(۱) صفحه ۴۹ تذکره خوشنویسان طبع هند :

(۲) صفحه ۳۰ جلد سوم حبیب السیر .

(۳) صفحهٔ ۲۱۵ پیدایش خط و خطا طان طبع مصر .

Marfat.com

او اخر نیمه اول قرن دهم جهان را وداع گفته است همعصر سلطان حسین بایقرا بوده و در حبیب السیر هم او را در ضمن علماء و مشاهیر و خوشنویسان زمان سلطان مو صوف ذکر کرده اند چندین خط متداول آن زمان را خوب می نوشت و از جمله استادان درجه اول بود چنانچه خود میگوید:

هر کس که بصفحه خطم دیده کشاد — دل بر خط دلبران مهوش نه نهاد
در عالم خط منم مسلم امروز — استادان را چنین خطی دست ندا د

علاوه بر خطاطی و خوشنویسی طوریکه از رباعی فوق هم معلوم میشود طبع روان و قریحه توانایی در شعر داشته این رباعی از اواست:

خوش آنکه بعشق مبتلا گردیده — بیگانه ز خویش و آشنا گردیده
یکبارگی از قید خرد وارسته — در میکده بی روی وریا گردیده

در صنعت تذهیب ورنگ کردن صفحه کاغذ و ساختن سیاهی و رنگ های دیگر استاد زبردستی بوده است - طوریکه استنباط میشود بعداز مرگ سلطان حسین سفری بفارس کرده ودر آنجا بواسطه خط خوش و طبع لطیفش مقام نزد یکی را نزد شهزاد گان صفوی مخصوصاً سام میرزا حایز گردیده بود یکی از استادی های او در صنعت خطاطی و خوشنویسی اینست که با هر دو دست یعنی دست

معروف بغدادی:

مولانا معروف بغدادی شاگرد مولانا سعیدالدین عراقی است و بعضی او را شاگرد شمس الدین خطائی نوشته اند در عصر میرزا سکندر کورگان بشیراز رفته و نزد وی معزز بود و هر روز در کتابخانه وی پنجصد بیت کتابت می نمود وقتی سه روز از کتابت باز ماند و فارغ نشست میرزا سبب تقصیر از وی پرسید مولانا: گفت میخواهم در یکروز کتابت سه روزه نمایم و بدستور میرزا مشغول کتابت شده و شاگردانش قلم تراشیدند آنروز تا نزد یک عصر یکهزار و پنجصد بیت نوشت و بمیرزا سکندر فرستاد و نوازش شاهانه دید.

مولانا معروف را شاهرخ از شیراز بهرات آورد و از وی قدردانی میکرد وچون

Marfat.com

راست وچپ خطوط یکسان زیبا می نوشت خط توأمان یعنی خط دو طرفه را او ایجاد نموده چنانچه خودش میگوید :

توامان مخترع مجنون است کزقلم چهره کشائی ها کرد
تاشدم مخترع وصورت کش خطکم صور تکی پیدا کرد

از تألیفات مجنون سه رساله مستقل در اصول وقوانین خطوط است که اثر اول او رساله خطوسواد، دوم قواعد خطوط سبعه، سوم رسم الخط نام دارد یکی ازین سه رساله خودرا بنام سام میرزای صفوی اهدا کرده چنانچه خود شهزاده مذکور در تحفهٔ سامی باین مسأله اشاره نموده است (۱)

مولانا مردی درویش نهاد و با انواع هنر آراسته بود و علاوه بر همه هنرها که داشت اشعار عالی می سرود و پیش بزرگان خم نمیشد و باستغنا زندگی میکرد وقتی با بسنغر او را بنوشتن کتابی تکلیف کرد و کاغذ بوی فرستاد و او مدت یکسال کاغذ را نگاه داشته عاقبت نانوشته به بایسنغر فرستاد شهزاده راسخت گران آمد و در پی بهانه بود تا در سال هشتصد و سی که احمد لر نامی از پیروان طریقه صوفیه در مسجد جامع هرات کاردی بشکم شاهرخ زد که کار گر نیفتاد و همان دم احمد لر را کشتند اما جاسوسان اطراق او را در تیم طاقیه فروشان هرات پیدا کردند معلوم شد که احمد لر نزد بعضی از اشخاص بنام عصر هرات تردد میکرد از آنجمله سید قاسم انوار را باین بهانه از هرات تبعید نمودند ومولانا معروفی نیز بآشنائی احمد لر متهم شد و بقتل رسید .

محمد بن علاؤالدین رزه ئی : وی سخت مشهور است آثار او کم و بیش بدست

می آید آثار او از بهترین نمونه های نستعلیق خفی است واذا کثر اساتید بیشین صاف قر و شیرین تر نوشته ، خمسه امیر خسرو دهلوی بخط خفی او در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور موجود است فکری می گوید: هر ورقش بجهانی می ارزد و من تا کنون کتابی بخوبی آن خط ندیده ام که بقلم کتابت خفی سراپا بکدست نوشته شده باشد . راستی تراشیدن و قطع نمودن قلم بآن پاریکی و کتابت نمودن کتابی بزرگ بآن قطع و آن قلم از قدرت بشر خارج است . اگر

---

(۱) صفحه ۸٤ تذکره تحفه سامی طبع تهران .

آثار فوق‌الذکر نه تنها در تعریف خط و اصول آن است بلکه حاوی نسخه های گرانبهایی در ترکیبات رنگها و ساختن سیاهی خوب می باشد ازجمله در ترکیب یکی از رنگهای خوب‌جهت نگاشتن خط زیبا می گوید :

رنگیکه صفای خط در انست از آب وحنا وزعفران است

از جمله دلائلیکه ثابت‌می کند مولانا مجنون بر خلاف قول‌صاحب پیدایش خط و خطاطان‌درقرن دهم‌هجری زندگی می کرده با سلطان حسین بایقراهمعصر بوده‌است، اینست که خودش‌درماده تاریخ رساله رسم الخط مگوید :

چو از رسم خطش تاریخ‌دادم از آتش نام‌رسم الخط نهادم

بحساب ابجد رسم الخط سنه ۹۴۰ را نشان میدهد .

مجنون‌هر کتابی را که‌استنساخ می نمود تاریخ اتمامش رانوشته

ریحان ، نستعلیق را اشتباهی دست نداده و یا کاتب محمد بن علاؤالدین رزه‌ئی را علاؤالدین محمد قید نموده باشد یقین دارم این خمسه ئی است که صاحب ریحان نستعلیق آنرا دیده و محمد معصوم‌خان (صاحب تاریخ معصومی) آنرا خریده است.

در آخر خمسه چنین امضاء نموده: تمت الکتاب بعون الملک الوهاب تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه اثنان وثمانین و تسعمائه کتبه العبد الملذنب فقیر محمد بن علاؤالدین رزه‌ئی غفر ذنوبه و ستر عیوبه بولایت در قریه نشقان و این نسخه چند مجلس تصویر دارد و در یکی از مجالس نوشته شده که تصاویر از اول تا آخر کتاب بقلم محمدی است این محمد رزه ئی را فرزند علاؤالدین شاگرد سلطان علی مشهدی معرفی نموده اند واگر علاؤالدین هروی و علاؤالدین رزه‌ئی دو تن بوده اند پس سلطانعلی دو شاگرد بنام علاؤالدین داشته واگر علاؤالدین هروی اصلا از باخرز بوده و در هرات بدنیا آمده ، نشو ونما کرده و به هروی مشهور شده باشد، وی پدر محمد رزه ئی است و نیز در قدیم رزه باخرز

Marfat.com

در اخیر آن بطور واضح امضاءمی نمود چنانچه مجموعه خطوط او که جهانگیر پادشاه هند آنرا بصورت مرقعی تدوین نموده بود به امضای روشن و مزین بود . (۱)

امروز از نمونه های خطی مجنون وهمچنان ازنسخه های رسائل وتالیفات او کمتر اثری بدست می آید ازمصنفا ت و آثار او تنها دو نسخه در بریتش موزیم لندن موجوداست، یکی نسخه قلمی رسم الخط ودیگری خط وسواد . در سنهٔ ۹۵۰ هجری وفات کرده است . (۲)

محب علی :

مولانا محب علی یکی از صاحبا ن ذوق وقریحه خاك پاك هرا تست که در نواختن موسیقی ومخصوصاً نی وهمچنان درلطا فت طبع وخوشنویسی شهرت تا می دار دو پسرمولانا رستم علی خطا ط معروف هرات می باشد . (۳)

در ولایت فارس مسا فرت های زیادی کرده وتقریبا نصف زیادعمر او در آنجا ها گذشته است دورهٔ جوا نی شهرت او متصا د ف است باز مان سلطنت اسماعیل اول و تهماسپ صفوی-چون مولا نا محب علی خط نستعلیق را برعلاوهٔ دگر خطوط مخصوصا خوب می نو شت ذو ق

تا بیاد و حتی خود باخر جزو قصبات هرات شناخته می شده والله اعلم .

سال وفات علا ؤالدین هروی یادزه ئی و پسر ش محمد معلو م نیست .

مو لا نا محمود هروی :

ملقب به قطب معیشی سلطانی ملقب بوده و معصر عبدالله طباخ و در خطوط شکسته شاگرد جعفرهروی بایسنغری است او واظهر هروی را همپایه یاقوت دانسته اند. تاریخ وفاتش نا معلو م است .

---

(۱) ص ٤ تذ کر . خو شنو یسا ن طبع هند .

(۲) ص ٤٥ تذ کر . خو شنو یسا ن طبع هند .

(۳) ص ۲۲۲ خطاطان مؤلفه عبد ا لمحمد ایرانی طبع مصر .

Marfat.com

سرشاری در بدیهه گویی وشعر سرائی داشت مورد لطف شاه اسماعیل وتهماسپ واقع گشت ومدت مدیدی بحکم سلاطین وقت به مصاحبت سام میرزا پسر اسماعیل اول که ارباب فضل وهنر را بی اندازه دوست میداشت مقرر بود ولی بعد ها هنگامیکه سلطنت به تهماسپ رسید محب علی را ازسام میرزای برادر خود گرفت وجبراً به سید بیك که یکی از خوانین وصاحب رسوخان عصر بود سپرد زیرا تهماسپ تمام شهزادگان صفوی را نظر به حسن جاه طلبی چندان خوب نمیدید چون سید بیك مذکور که مشهور به سید منصور است ذوق شاعرانه داشت محب علی را محترم داشته پیوسته با او لطف و شوخی می نمود چنانچه لطائف وخوشطبعی های این دو خیلی معروف است، اشعار محب علی بدانه بوده وفائی تخلص می کرده است. از اوست :

نیست غیراز بلامرارت عشق　　زاول عشق تا نهایت عشق
آه مجنون عشق پیشه کجاست　　تا برم پیش او شکایت عشق

(ملا) محمد علی هروی :

در اوایل قرن یازدهم از جمله نسخ نویسان بوده. فکری می نویسد : که یکز مانی قطعه‌ی از خط نسخ او در دست من بوده و یکدفتر از روضه الصفای امیر خواند بخط نسخ محمدعلی نامی در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور موجود است که حسب الامر شاه حسین صفوی نوشته شده که شاید خط او باشد.

(ملا) یحیی (محیی) باغدشتی :

از خوشنویسان بزرگ هرات است درخطوط ثلث و رقاع و نسخ و نستعلیق استاد بوده. پسرش ملا محمد حسن در خوشنویسی شهرت زیاد داشته ثلث و نسخ و نستعلیق را عالی می نوشت وفات ملا محمد حسن مذکور را ۱۱۳۰ نوشته اند.

بقایای کتیبه ثلث ایوان مزار حضرت پیر هرات بخط محیی بن محمد حسین تاکنون باقی است وواقعاً در کتیبه نویس از هیچ استادی دست کم نداشته بلکه برتری می نموده در ایوان گازرگاه چنین رقم نموده : (کتبه محیی ابن محمد حسین ۱۰۱۴

خلاصه چگونگی اوائل زندگانی محب علی در پرده خفا مانده و در تمام تزک و تواریخ ازاو ذکری نرفته است . مگر تا جاییکه معلوم است درسنهٔ ۹۷۳ هجری قمری پدرود حیات گفته محب علی را در نوشتن اکثر خطوط مخصوصا در نگارش خط نستعلیق بی اندازه تعریف کرده اند .

محمد الکاتب بلخی :

عوفی در لباب الالباب خویش اورا چنین می ستاید :

(جوانی که چرخ نظیر او ندیده و گردون درین کیهان ذاتی مستجمع تر از او نشنیده درخط بدرجه‌ی که ابن البواب انگشت بر حرف او نتواند نهاد و ابن مقله دیده از مشاهده دلبران خط او بر نتواند داشت :

از هر فنی ، که باز جوئی او را آن فن بپی آمده ست گوئی او را

در شعر عدیل انوری و در خط عطارد ش مشتری ، وبا این و فور فضائل بسماحت خلق و کرم طبع ولطافت ذات و دوست انگیزی و مردمداری موسوم وخلاصه آن فضائل است (۱)

محمد اکبر :

پسر محمد جعفر کفایت (به ردیف- ك -مراجعه شود) بر ا درعبد الله درایت (به رد یف-د- مر اجعه شود) است . چندین خط را خوب می نوشت وبقول مو لانا غلام محمد دهلو ی صاحب تذ کر ه خو ش نو یسا ن (طبع هند) با شاه جهان و عالمگیر شاهان مغلی هند معاصر بود .

محمد او بهی :

مولانا محمد اوبهی از استادان و نامور ان خط نستعلیق است چندین خط دیگر را نیز خوش مینوشت صاحب آئین اکبری او را بنام مو لانا احمد اوبهی یاد کرده است (۲) راجع به شرح حال او معلومات

---

(۱) صفحه ۴۲۰ صفحه ۴۲۱ جلد اول لباب الالباب عوفی

(۲) ص ۷۵ آیین اکبری .

Marfat.com

بیشتر بنظر نرسید لیکن اینقدر معلوم شده که علاوه برخوشنویسی در نثر نویسی و انشاء نیز شهرت زیاد داشته است.

محمدحسین (میرزا) :

از خوشنویسان هرات و فرزند باهنر میرزا شکرالله است میرزا شکرالله از خویشاوندان و اقارب غیاث الدین خواند میر مولف حبیب السیر بود وخواند میر نواده خواند شاه (میرخواند) معروف صاحب روضة الصفا است که اجدادش از هرات به بلخ آمده و از مشاهیر آنجا گردیدند (۳) میرزا محمدحسین بناءبر حسد وحس جاه طلبی بعضی از امرای صفوی درزمان سلطان محمد خدا بنده بن شاه تهماسپ بن شاه اسماعیل صفوی از هرات وخراسان به هندوستان فرار نموده بدربار همایون پادشاه کورگانی هند مورد اعزاز واکرام واقع گردیده بعداً در سلك امرای اکبر منسلك گردیده و کمی بعد جهان را پدرود گفت.

(مولانا) میر علی هروی :

دوست محمد گوشانی او را کمال الدین میر جان معروف به علی الحسینی معرفی نموده و او بنا بمهای مختلف : میر علی هروی ، علی الحسینی ، علی الکاتب وعلی ، امضاء می نموده . پسر میر باقر هروی ملقب به ذو الکمالین و از سادات جلیل القدر حسینی بوده ؛ میرزا سنگلاخ صاحب تذکرة الخطاطین میر علی را طوریکه تذکر یافت پسر میر باقر میداند ولی چنانچه ثابت است میر علی هروی پسری بنام میر باقر هروی داشته که مانند پدر در نستعلیق مقام استادی داشته که او را

(۳) ص ۲۵۱ افغانستان در عصر گورگانیان هند نسخه قلمی مولفه عبدالحی خان حبیبی

Marfat.com

نمونه‌ی از خط میرعلی هروی
مربوط صفحه (۱۵۸)

(۳) ص ۲۵۱ افغانستان در عصر [illegible]

Marfat.com

محمد قاسم :

اصلا از هراتست اما در کابل وغیره ولایات افغانستان مدتهای زیاد مسافرت کرده است در خوشنویسی شهرت داشت ۷ قسام خطوط متداول مخصوصاً نستعلیق، ثلث وکوفی را خوب مینوشت - در سنه ۱۲۳۰ هجری و قمری در کابل وفات یافته است آثار خطی او در کلکسیون های شخصی زیاداست .

محمد موسی :

پسر محمد جعفر کفایت و برادر عبدالله درایت و محمد اکبر است چندین خط را خوب‌می نوشت و ازخوشنویسان عصر شاه جهان‌وعالمگیر شاهان مغلی هند بود .

بامیر علی به بخارا برداند .

درین صورت اشتباهی وارد می شود و محقق نیست که آیا پدر و پسر میرعلی هروی نام‌شان‌میرباقر بوده و یا نوشته میر سنگلاخ سهو باشدو میر باقر را که ولد میرعلی شهرت دارد آنرا در اثرسهو کاتب ولد میر علی پند اشتباه است :

میرعلی هروی عمری طولانی داشته ودر بخارا بکتابخانه سلطان عبدالعزیز پسر عبدالله صاحب ازپك مصروف کتابت بود . تا چشمش از بینایی افتاد-تذکره نویسان سال وفات او را ۹۶۶ و۹۷۶نوشته‌اند که درست نیست کآنچه تذکرة الاحباب از عبارت (میر علی فوت نموده) ۹۵۱ می نویسد صحیح است .

میر علی از همه خطاطان عصرخویش حتی از سلطانعلی مشهدی که استاد استادش بوده بهترمی نوشته بعضی تذکره نویسان که اورا میر علی مشهدی ومیرعلی تربتی نوشته اند غلط است زیرا خودش دررساله مداد الخطوط در آداب مشق و تعلیم خط که تألیف نموده در آغاز رساله خود خودش را چنین معرفی نموده :

حقیر فقیر میر علی هروی در اشرورقی چند ساخته و سطری اند در قواعد و قوانین‌خطوط مضبوط که آستادان پیرامون آن نگشته اند پرداخته تا طالبان صورت خطوط را حظی باشد .

فکری‌می نویسد : من چندین کتاب و رساله و قطعات چه در هرات وچه در

محمد مو من :

پسر عبدالله مروارید و مانند پدر در هرات نشو و نما یافته و صاحب فضل و کمالات شده است . اکثر خطوط را مانند پدر فوق العاده خوب و زیبا مینوشت :

چون سلطان حسین با یقرا پدرو د زند گانی گفت و بعد از وی پسرش بدیع الز بر تخت سلطنت جلوس نمود طوریکه تاریخ شاهد است هرج و مرج های زیاد ی جای گیر نهضت و صنا یع هر ا ت شد و هنر مندان از دست ظلم و جو ر و کشمکش و قتل و غارت امرا ء و خوا نین ملوك الطو ئفی فارس و ماوراءالنهر آن شهر ز یبا و علم پرور را ترك گفته بهر طر فی متشتت گشتند محمد مؤمن بجانب فارس و قزوین مسا فرت نمود ، شاه اسماعیل صفوی از هنرخوشنویسی او واقف گرد یده بدر بار خویشش خوا ند ومورد عنا یت خو د ش قرار داد ودر جمله خوشنو یسان کتا بخا نه سلطنتی مقررش کرد .

کابل وچه درجا های دیگر بخطزیبای میرعلی دیده ام که هریك از آنها بجهانی می آزرده از آنجمله مرقعی شامل ده قطعه که منسوب بحضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه (لك الحمدو یاذاالجود و المجد والعلی) را بقلم یك دانگ و نیم و ترجمه آنرا بخط خفی نوشته بکتا بخا نه مرحوم قاضی ملامحمد صدیق قاضی مرا فعه هرات دیدم و مدتی نزد اینجانب بود که در آخر آن چنین امضاء کرده بود :

کتبه العبد المذنب میرعلی الکاتب بتاریخ شهر شوال سنه ثلاثین و تسعما ئه .

و دیگر تلخیص حدیقه سنائی که علی الکاتب امضاء نموده با جلد مرتبه داد و غنی که بکمانم در کتابخانه ارگ دیده ام .

و دیگری مثنوی گل و نوروز خواجوی کرمانی بامضای علی الحسنی در مشهد دیدم و هم اکنون در کتابخانه نسخ خطی سه کتاب بخط میر علی هروی یامیر علیان هروی موجود است اول نسخه ایست عالی از بوستان سعدی دارای چار تابلو مناظر دور نمای بدون تصویر انسان و حیوان که در آخر چنین تمضا نموده تمت علی ید العبد الفقیر المذنب علی الحسینی الکاتب فی اواخر شهر الشوال احدی و عشرین و تسعما ئه بقصبة التربة الحیدریه (۹۲۱)

Marfat.com

مسکن گزید معین الدین پس از مرگ پدر به سرزمین دکن بسر میبرد .
به فضل و هنر و خوشنویسی شهرت داشت در زمان شاه جهان با شهزاده دارا شکوه بهند هـا رآمده پس از مدتی واپس بهند مراجعت نمود درسنه ۱۰۶۴ هـ - از طرف شاه جهان به منصب دیوانی و بخش گیری (که شاید مستوفیت باشد)وواقعه نویسی صوبه ملتان مقرر شد در عهد عالمگیر به رتبه دیوانی کابل مقرر گردیده لقب امانت خان به او داده شد علاوه بر آن معین الدین احمد در عهد عالمگیر به مناصب و وظایف دیگری نیز رسید که ذکر آنها درینجا چندان لزومی ندارد خلاصه معین الدین احمد از جمله خطوط متداول آنعصر خط شکسته ونستعلیق را زیبا می نوشت وکتاب ترجمه شرعة الاسلام که در آداب شریعت نسخه ای است جامع از مؤلفات او است بالاخره در ۱۰۹۵ بهند مسافرت نمود (۱)

مقصود هروی :

یکی از رجال دربار همایون (۹۱۳ - هجری) پادشاه مغلی هند بود، خط رقاع ونستعلیق را خوب مینوشت وی صنعتگر وهنرمند بزرگ بود اسطرلاب وکره ومسطری چندچنان بساخت که بینندگان را بشگفت در آورد و در دوره اکبر پادشاه در فن خوشنویسی و هنر های خود یکتا بود . (۲)

ابن مرحومی مغفوری دیوانه خواجه روز یکشنبه هفتم ماه ذی القعده فی تاریخ ۱۰۱۸ ثمان عشر والف من الهجرة النبویه بردست بنده حقیر کثیرا لتقصیر خواجه علی بن میر کاخواجه علی سمرقندی.و بخط دیگر در بالای میر کا کلمه (بن) الحاق شده که چنین خوانده میشود : خواجه علی بن میر کا بن خواجه علی سمرقندی .

---

(۱) صفحه ۲۵۸ - ۲۶۸ مآثر الامرا جلد اول طبع هند .
(۲) صفحه ۳۱ آئین اکبری .

مقصود هروی تا سال ۹۵۱ هجری در هرات وفراه بسر می برد ولی هنگامیکه همایون پادشاه هند برای دفعه‌دوم بکمك تهماسپ صفوی بقصد هرات وفراه وسیستان وقندهار حرکت نمود در سنهٔ ۹۵۲ هـ مـو قعیـکـه بـه فـراه و قـلاع گـرام سـیـر رسید مقصود را که در علم وکمالات وخوشنویسی معروف بود با خود گرفته بهند برد چنانچه مولف اکبرنامه درضمن ذکر احوال بعضی از ناموران هرات وفراه وسیستان وقندهار که همایون ایشان را به‌همرکابی خود تعیین نموده بود درباره او می نویسد :

(خواجه مقصود هروی مرد پاك طنیت و پاکیزه روزگار بود . به امانت ودیانت وصدق‌وصیانت اتصاف‌داشت وازملازمان حمیده‌صفات حضرت مریم مکانی بود علی الدوام در حوالی هودج آنحضرت بوده التزام خدمت داشت از اودو فرزند سعادتمند ماند ه که نسبت کوکلتاشی بحضرت شاهنشاهی دارند . یکی سیف خان ،واو در سال فتح هرات در رکاب اقدس شربت خوشگوار شهادت نوشید، دیگر زین خان کوکه که بمزید ارادت واخلاص ونور عقل وکیاست وعلو فهم وادراك وفرط فرزانگی ومردانگی ازمنظوران نظر عاطفت حضرت شاهنشاهی بوده‌در امرای کبار منسلك است (۱) متاسفانه سنه فوت خواجه مقصود بدست نیامد .

ملامحمدحسین (خلیفه):

از خوشنویسان قرن دوازده واوائل قرن سیزده هجری هرات است . پدرش ملا عبدالاحد نام داشت تحصیل علوم را به نزد پدرخودنموده ودر فن خوشنویسی ازشاگردان میرعبدالرحمن هرویست .
از آثار خطی او یکی مثنوی مولانا جلال الدین بلخی است که با نهایت زیبائی به خط خفی نگاشته‌وبه سردارمحمدعمر خان حکمران

(۱) صفحه ۲۲۲ اکبر نامه طبع کلکته .

هرات اهداء نموده است از شعروادب نیز بهرهٔ کافی داشت، درسنهٔ ۱۲۲۳ ه،ق وفات یافته است (۱)

ملك حافظ :

پسر ملك غیاث الدین کرت است که بعد از برادر خود ملك شمس‌الدین کرت از سنهٔ ۷۳۰-الی سنهٔ ۷۳۲ ه،ق والی هرات بود .
جوان نیکو سیرت بود از فضل وعلم وهنر بهرهٔ کافی داشت مخصوصا خطوط متداول عصر را نیکو می نگاشت (۲)

منشی مولانا عبدالحی :

منشی هراتی الاصل ودرخط تعلیق سرآمد خوشنویسان بود در زمان سلطان ابوسعید کورگانی مدت مدیدی در رأس دیوان انشاء قرار داشت و بنوشتن مناشیر قیام مینمود پس ازآنکه سلطان ابو سعید در سنه ۸۷۳ هجری در سر تسخیر بلاد عراق عجم و آذربایجان در قراباغ بقتل رسید از هرات بطرف فارس مسافرتی کرده منظور نظر امیرحسن بیگ آق قویونلو واقع شد و تااخیر وقت به دربار ترکمانان آق‌قویونلو به‌همان رتبه منشی دیوان منصوب بود .

میان لعل خان :

برادر محمد موسی فوق الذکر وپسر محمد جعفر کفایت‌است مانند دیگر برادران خود با شاه جهان و عالمگیر همعصر بوده است.

میر علی هروی :

صنعت خوشنویسی و توجه بخط خوب امری است طبیعی وخوشنویسان وخطاطان درممالك اسلامی عموماود رهرات خصوصاً نظر به اینکه

(۱) کلکسیون سال ٤ مجله ادبی هراث .
(۲) رساله ملوك کرت مولفه بناغلی گویا اعتمادی نسخه غیر مطبوع متعلق بمدیریت عمومی تاریخ .

Marfat.com

او قات عزیز خود را صرف قرآن نو یسی واستنساخ کتب اد بی مینمو د ند و برای ا ینکه علما و ا مراء ازا ن ها را ضی بو دند ا ز همه محترم تر و مقا م ار جمند تری را احر ا ز نمو د ه بودند به همین جهت حسن خط و خو شنو یسی پیشر فت بسز ا یی نمو د ه و ذ وق ظر یف پسندی وخو ش سلیقگی در سلا طین وسا یر رجال خطهٔ هرات پرورش یا فت .

اقسام خطوط متداوله در اسلام چنا نچه آثار وبقایا ی آن ها هنوز در آ بدات تاریخی هرات ونسخ خطی که از آنجا بدست آمده بمشا هده میر سد در هرات و در نهضت و ترکی خود را طی کرده و استا دان معروف هرات هر یك بذات خود خو اه یکی یا چند تا ی آن را حتماً باندازه ی خوب می نوشتند که شهرت واعتبار آنها تا کنون زیب صفحات تواریخ کشور ا ست خط نستعلیق نیز که در اوایل قرن نهم هجری بظهو ر رسیده و ازخط تعلیق زا ییده شد و مختر ع آن میرعلی تبر یزی را میدا نند منتهای ترقی خود را در هرات پیمو ده و استادانی درین خط از آنجا به میان آ مد ند که اگرهر کد ا م آنها دعوی سحر کاری و ا بتکا ر را بنماً یند حق دا ر ند از جمله کسا نیکه در هرات به نوشتن خط نستعلیق شهر ه آفاق گردید مولانا میر علی هروی خطا ط و خوش نو یس معروف وطن است این استاد شهیر پسر محمد باقر ذو الکما لین است که خود نیز از اجلهٔ خوشنو یسان هرات بشمار میرود .

میرعلی بدوآ در هرات بکسب علوم و فضایل پرداخته و در ا ثر کوشش ومجاهدت های خستگی نا پذیر پدرخو یش از علمای بر جسته گردیده در عرو ض و اد بیات سر آ مد شد سپس به نزد پدر خو د به تحصیل حسن خط پر داخته بعدآ نرا به نزد سلطان علی خطا طمعروف بحد کما ل رسا نید بعضی مورخین و تذکره نویسان ما نند میر حیدر صاحب تا ریخ رشیدی و هچنان صاحب تاریخ کشیره او را از شا گر دان زین ا لد ین محمود خوشنو یس میدا نند .

موقعیکه میر علی در میدان خو شنو یسی گوی سبقت را ر بوده

Marfat.com

به ذروه اعتبار و اعتماد خود رسید در هرات هرج و مرجی به اثر جنگهای خونین که در بین اسماعیل صفوی و محمد خان شیبانی در گرفت رو نما گردید (درحدود ۹۲۳ هـ - ق) درین وقت خواجه نصر الدین عبدالله که از اجله بزرگان و اشراف هرات بود جمعیتی را ملتزم خود قرار داده بجانب ماوراءالنهر شتافت (۹۲۵هـ-ق) از جمله کسانیکه با او همراهی نمودند یکی میر علی هروی بود .

چون به بخارا رسیدند خواجه نصر الدین عبدالله در حق او فوق العاده احترام نموده مکانی مطلوب برایش معین کرد و او هم مشغول کار گردیده اغلب اوقات خود را بکتابت خطوط مختلفه گذرانید .

صاحب تحفه سامی می نویسد که درین اوقات از کثرت کار و نوشتن زیاد قوه باصره اش ضعیف گردیده بود اگر چه این استاد شهیر چندین خط متداول آن عصر را خوب می نوشت ولی کمال اوستادی او در نگارش خط نستعلیق بود . استاد میر علی هروی علاوه بر خوش نویسی وخطاطی در صنایع شعری نیز ازجمله مشاهیر عصر خود

(امیر) مالک دیلمی :

از شاگردان میر علی هروی است . اولا نزد پدر خود مشق خط ثلث و نسخ کرد و بعد از آن هر شش قلم خط را آموخت و باز بهرات آمد و سالها در تحصیل خط نستعلیق نزد میر علی هروی کوشید تا بمقام استادی رسید بعد از آن بمشهد رفت و به کتابخانه سلطان ابراهیم بکتابت مشغول شد تا شاه تهماسپ صفوی او را به قزوین برد . بسال ۹۶۹ وفات یافت .

محیی باغدشتی :

ملا یحیی مشهور به محیی باغدشتی یا محیی هروی - شرح حال او در تذکره ها نیست کتیبه مزار حضرت خواجه انصار (رح) را در ۱۰۱۴ بخط ثلث عالی نوشته که اکثر آن بهم پاشیده و در پایان آن چنین امضاء نموده : کتبه محیی بن محمد حسین هروی ۱۰۱۴ و در زیر آن بخط کوفی نوشته شده : عمل امام قلی خاتم بر .

Marfat.com

خود بود اشعار او خیلی رنگین و بدیع است ازروی بعضی آثار منظوم واشعارش معلوم میشود که پیوسته به نسبت دوری و جلای وطن در زحمت بوده واز حیات بخارای خود خیلی شکایت داشته‌است چنانچه میگوید :

عمری ازمشق دو تا گشت قدم هم چون چنگ
تاکه خط من بیچاره بدین قانون شد

ازین کتیبه آنچه باقی است از بهترین خطوط ثلث کتیبه نویسی هرات بشمار است . کتب وقطعات زیاد بخط نستعلیق بامضای محیی هروی دیده میشود که تاریخ آنها بسال ۱۰۱۴ کتیبه گازرگاه نزدیك است .

امکان دارد که محیی ثلث‌نویس و محیی نستعلیق نویس همان یکنفر بوده باشد اگر چنین باشدمحیی هروی، هر دو خط‌ثلث ونستعلیق مهارت تام داشته‌است.

یکنفر صوفی در باغدشت شهرت داشته که علاوه بر شهرتیکه در عالم داشته خوشنویسی او نیز ستایش میشده، و نسبت بخطاطی شهرت او بقلم‌و تصوف زیادتر بوده و آن به شیخ محیی باغدشتی شهرت دارد .

صوفی موصوف دیوان‌شعرصوفیانه دارد که در هند سهواً بنام شیخ عبدالقادر گیلانی غوث‌الاعظم طبع شده و نیزمثنوی عالی بنام فتح الحرمین در مناسك حج دارد که آنرا سهواً بنام‌حضرت جامی معرفی می نمایند چندین سال قبل نسخه‌ی‌ازآن بخط نستعلیق محیی هروی دیده شده که باین بیت آغاز یافته :

ای دوجهان غرقه‌آلای تو　　کون و مکان قطره در یای تو

این نسخه فتوح‌الحرمین ۱۲۷۹ قمری در بمبئی بخط نستعلیق زیبا طبع شده و نسخه‌ی‌ازآن در کتابخانه فکری موجود بوده این چند فردرا که در نعت‌شریف‌است‌ازآن نقل کرده است

این چه زمین است که عرش برین　　رشك برد باهمه رفعت برین
نخل نبی سر زده زی آب و گل　　کش ثمره بوده همه جان و دل
رسته ازین باغ بسی کل عجیب　　کش شده جبریل امین عندلیب
علت غائی همه عالم اوست　　سر در اولاد بنی آدم اوست

Marfat.com

طالب من همه شاهان جهانند ومرا — در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد
این بلا بر سرم از حسن خط آمد امروز — وه که خط سلسله پای من مجنون شد
سوخت از غصه درونم چکنم چون سازم — که ازین شهر مرا نیست ره بیرون شد

واسطه فیض وجود همه — را بطهٔ بود و نبود همه
نازده بر تخته مکتب قلم — بر خط پیشینه کشیده رقم
ای شرف عرش به نعلین تو — وی کهر فقر و فنا ز بین تو
خطبه در ان روز بنام تو بود — که نه زبان بود و نه گفت و شنود
معجز تو تا بابد چو نکه هست — رونق دین تو نیابد شکست
آنکه شرف یافت به دیدار تو — چان چه بود تا کند ایثار تو
ما نه تو دیدیم و نه آنکو تودید — نه دگری هم که بآنکس رسید
خود بخود از تو بخیالی خوشیم — پیش نظر از تو مثالی خوشیم
محنت مجنون و غم کوهکن — این ز نظر خاسته آن از سخن
ما ز تو محروم وز آو از تو — کشته چنین عاشق جانباز تو
تو بهمه لطف و عطا و کرم — چشم عطا چون نهی از ما بهم
محیی از افسانه دل لب ببند — کو دل تو با زدها اند ز بند

فکری علاوه میدارد: برخی از متاخرین منظومه ی بهمین بحر و وزن بنام مناسک حج بجامی منسوب داشته اند شاید بسبب اینکه صد سلام جامی نیز در ذیل رساله فتوح الحرمین نوشته شده این رساله را از جامی دانسته اند و شاید تخلص محیی را بجامی بدل کرده باشند.

عارف جام نیز چنین منظومه ی داشته شاید هنگام طبع بعضی ناشران هردو رساله را بهم آمیخته باشند.

وفات شیخ محیی باغدشتی بسال ۱۰۲۸ هـ ـ ق بوده وجمله (ذکر حق) ماده تاریخ وفات او است. نیز فکری می نویسد:

توان گفت شیخ محیی باغدشتی و محیی هروی یکی بوده زیرا رساله فتوح الحرمین محیی باغدشتی را طوریکه تذکر یافت بخط محیی هروی دیدم گرچه از رقم آن واضح نبود که شاعر ونویسنده یکی باشد و هم از امکان دور نیست که فتوح الحرمین محیی باغدشتی را محیی نام خوشنویس دیگری نوشته باشد. بهرحال محیی خوشنویس

Marfat.com

در سنه و محل و فات و مد فن میر علی هروی اختلا فات فاحشی موجود است .
چنا نچه از جمله سید حسن خواجه نقیب الاشراف بخاری صاحب تذکره مذکر احباب
که یك نسخه قلمی آن به نزد فاضل محترم هاشم نا یق مشا ور وزارت
معارف موجود است تاریخ فوت اورا به سنه ۹۵۱ نشان داده می نویسد :
(میر زا بیگ دیوان) اورا بخواب دیده واز تاریخ و فات او پرسیده ملا
در جواب او گفته که (میر علی فوت نموده) میر زا بیگ مذکور
این تاریخ را لباس نظم پوشا نیده :

نستعلیق نویس و محیی بن محمد حسین ثلث نویس کتیبه گارزگاه شریف بظن قوی
یکنفر است . مگر ملا محیی باغدشتی پدر ملا محمد حسن خوشنویس خط ثلث نفر
جدا گانه بوده است تذکره نویسان سال وفات محمد حسن را ۱۱۳۰ ه نوشته اند .

محمود بن اسحق شهابی :

خواجه محمود از سیاوشان هرات است در محله خواجه شهاب سیاوشان سکونت
داشته شهابی تخلص میکرد و عمر طولانی پسر برده و سال وفاتش محقق نیست گر
چه بعضی ۹۴۰ نوشته اند ولی صحیح نیست زیرا طوریکه فکری وضاحت میدهد:

نسخه نفحات الانس بخط خواجه محمود را دکتور مهدی بیانی دیده که تاریخ
کتابتش ۹۹۳ بود .

محمد حسن کاتب هروی : شرح حالش در حصه اول کتاب آمده چون بنام کاتب شهرت
داشته در جنبهٔ خطاطی نیز شهرت بسزا دارد در این حصه هم اورا ذکر کردیم . چون محسن
کاتب در هردو جنبه نقاشی و خطاطی بدرجه استادی رسیده در هر دو حصه نقاشی و
خطاطی قابل قدر و توصیف است .

مقام شهرت او را در هر دو جنبه هنری همین دیوان حافظ او که بامر
فریدون حسن پسر سلطان حسین بایقرا نوشته وتصویر وتذهیب آنرا نیز خودش
نموده است ثابت میکند ولی با شهرتیکه درهر دو جنبه هنری داشته از وشرح حالی
بیش ازین معلوم نیست و سال وفاتش نیز مشخص نیست .

آن بحر فضایل سرار باب هنر را — در واقعه دیدیم با طوار ستوده
گفتیم که تاریخ وفات تو چگویم؟ — گفتا که بگو: میر علی فوت نموده

میر محمد حسین هروی :

میر محمد حسین همان ماما یار(خالوی) امیرخلیل هروی است و از اولاد خواجه صاعی وزیر است که اصلا از باخرز بوده و در هرات زندگی میکرده از خاندان باخرزیان مقیم هرات است که از قدیم باین نام شهرت دارند و از شاگردان میر علی هروی است . شاه تهماسپ او را بقزوین خواست مدتی نزد او بود بعد از آن رخصت خواست شاه تهماسپ خواهش او را نه پذیرفت و باو رخصت نداد.

بعد از فوت شاه تهماسپ بخراسان بر گشت و تازمان وفاتش بزراعت املاک خود مصروف بوده سال وفاتش واضح نیست .

در کتابخانه نسخ خطی کابل کلیات مولینا عبد الرحمن جامی بخط نستعلیق موجود است که در آن بعبارت ذیل امضاء نموده : (کتبه العبد المذنب الراجی الی رحمة الله الولی محمد حسین بن غیاث الدین علی غفر ذنوبهما وستر عیوبهما به تاریخ سنه نه . . . که تنها (۹) باقی مانده وبقیه مغشوش شده. که از خواندن بر آمده شاید ۹۸۰ یا ۹۹۰ بوده باشد .

محمدحسین تبریزی :

ملا محمد حسین تبریزی از شاگردان میر سید احمد آهو چشم است که برای تحصیل خط از تبریز بخراسان آمد و کوشید تا به کرسی استادی قرار گرفت و چون میر عماد قزوینی شاگرد وی ببارد آورد که استاد همه استادان خط گردید .

سال وفات ملا محمد حسین را ۹۸۶ نوشته اند .

میر محمد صالح هروی :

محمد صالح از معاصرین جعفر حسینی و شاگرد قاسم خوشنویس بوده کتیبه گریاس مسجد سعید به هرات بخط او بود که بسال ۱۰۱۸ نوشته بوده چندسال

و باز صاحب تاریخ کثیره او را چنین توصیف و تاریخ وفاتش را به

قبل که حاجی محمد سرور تاجر هراتی مسجد سعدیه را سر از نو آباد کرد آن کتیبه را حک و عوض آن شعری بخط نستعلیق متوسط نوشته است .

این محمد صالح که صریحا بنام محمد صالح هروی امضاء میکند نباید بمیرزا محمد صالح خوشنویس پسر میرزا ابوتراب اصفهانی و میرزا محمد صالح خاتون آبادی شاگردان میر عماد اشتباه شود .

اطراف ایوان مسجد یا مدرسه مذکور کتیبه ی بخط ثلث بسیار عالی با مضای محمد امین نائینی گچ بری شده بود آن نیز از میان رفت .

میر محمد صلاح اوبهی :

او شاعر بوده فایض تخلص میکرد، او برادر شفیعای خوشنویس است خطو طنستعلیق او بسیار دیده شده از آن جمله قرار نوشته فکری مثنوی مولوی بلخی در کتابخانه بیغاله صالح محمد پرونقا موجود است نیز کلیات عرفی شیرازی بخطاو بکتابخانه آخند ملا محمد علی خطا طموجود است که چنین درآخرا مضاء نموده: (تمت دیوان افصح المتکلمین افضل المتأخرین فی شیرازی کتبه العبد المذنب محمدصلاح الاوبهی تحریراً بدار السلطنة هرات ۱۰۳٤ه نیز فکری می نویسد : اکنون لوح بالای پای میر حسن خان اوبهی پدر میر محمدصلاح موف در او به بخطاو موجود است که عالی نوشته .

میر محمد شفیع حسینی اوبهی هروی :

میر محمد شفیع بظن قوی همان شفیعای حسینی شکسته نویس است او نیز پسر حسن جان و برادر میر محمد صلاح میباشد فکری مینویسد : خطوط نستعلیق او را مکرر دیده ام که محمد شفیع حسینی امضاءنموده . چون خطوط شکسته زیاد نیز موجود است که با مضا محمد شفیع حسینی که بنام شفیعای هروی معروف است دیده ام لذا تصمیم دارم با ینکه محمد شفیع شکسته نویس و محمدشفیع نستعلیق نویس هردو یکنفر ند هم اکنون لوح بالای سرحسن جان (اوبهی پدر محمد شفیع ومحمد صلاح بخط نستعلیق محمد شفیع حسینی در او به موجود است که هر دو پسر دو لوح بخاك پدر خود ها نوشته اند .

Marfat.com

سنه ۹۵۳ هجری قرار میدهد در ترکیب خط از مفرد تا مرکب شاگرد

(مولانا) معین الدین اسفزاری :

از اسفزار (شین دند) هرات است . کتاب روضاة الجناة فی اوصاف مدینة الهرات تألیفات او است در خط تعلیق روش تاج سلمانی و خواجه عبدالحی منشی را مراعات میکرد . او از شاگردان عبد لحی است تاریخ وفاتش معلوم نیست .

مولانا محمود هروی :

لقب او (قطب معیشی سلطانی) بوده و با عبدالله طباخ هم عصر بود . در خطوط ششگانه شاگرد جعفر هروی بایسنقری است. اوو اظهر هروی را باستادی همپایه یاقوت دانسته اند . سال وفاتش مجهول است .

محمد اکرم هروی :

محمد اکرم از خوشنویسان نیمه قرن۱۲ و در خط نستعلیق مرتبه استادی داشت قطعه و نوشته او کمتر بنظر رسیده . یکقطعه سنگ مرمر سفید بالای چاه صدرسه سعدیه بدیوار ایوان نصب است و رباعی ذیل بخط دو دانگ روی آن حک شده که قدرت دست و قلم محمد اکرم از آن بخوبی معلوم میشود :

این چاه که چون زمزم بیت الله است آبش خوش و عذب و روشن و دلخواه است

در سال هزار و یکصد و پنجاه و هشت با نیش محمد این شکر الله است

متأسفانه هنگام تخریب و تعمیر جدید مسجد سعدیه این سنگ نفیس و کتیبه بسیار عالی بخط ثلث محمد امین تائینی که در داخل ایوان بود از بین رفته است .

صفحه ۸۷۵ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمود بن سلطانعلی :

از خوشنویسان کم نام قرن دهم است و ندانستم پدر وی کدام یک از سلطان علی های خوشنویس سابق الذکر است اگر چه ممکن است که سلطان علی پدر این محمود اصلا خوشنویس نباشد ولی خوش خطی او موهم این است که باید از خاندان

Marfat.com

زین الدین محمود کاتب بوده در خدمت استاد قدم چون قلم از سر

هنر مندان خوشنویس باشد از خطوط وی دیده ام :

یك نسخه دیوان امیر شاهی سبزواری بقلم و کتابت خفی خوش با رقم و تاریخ : کتبه العبد المذنب محمود بن سلطان علی سنه ۷۶۹ که ظاهراً مقصود ۹۶۷ میباشد و ارقام را از راست بچپ نوشته است در کتابخانه سلطنتی تهران .

یك نسخه دیوان قاسم انوار بقلم و کتابت جلی عالی بشیوهٔ میر علی هروی و سیار خوش و استوار که چنین تمام می شود :

قد وقع الفراغ من کتابته فی شهر ربیع الثانی سنه ثمان وخمسین و تسعمائه بدار السلطنة بلخ علی ید الفقیر الحقیر محمود بن سلطان علی سنه ۹۵۸ غفر ذنوبه و ستر عیوبه در موزه آثار اسلامی ترك ـ استانبول .

صفحه ۷۶۹ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمود جعفری ـ شیخ :

خوشنویس گمنام قرن دهم و بخطوی یك قطعه از مرقعی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است بقلم کتابت خفی متوسط با رقم کتبه شیخ محمود الجعفری بمزار متبرك گازرگاه هرات .

صفحه ۷۰۹ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمد حسین هروی :

در مناقب هنروران است که شاگرد میر محمد باقر بن میر علی هروی است تاریخ وفاتش معلوم نیست . (۱)

ابوالقاسم رفیعی :

ملا محمد علی هراتی متخلص به هراتی از اساتید زمان و مشاهیر دوران و از خوش نویسان بنام روزگار بود پدرش ملا رستمعلی از فضلای متبحر در علوم و فنون آن عهد بود و پسر خواهر بهزاد نقاش که از مفاخر قرن نهم است می بود در آغاز در کتابخانه سلطنتی سلطان ابراهیم میرزا کتابدار بود و بسیار از کتب مهمه را بخط خود نوشت و بیشتر آنها را برای ابراهیم میرزا

(۱) صفحه ۱۱۸ خط و خطاطان

Marfat.com

کرده هم چون نی خامه کمر فرمان برداری بر میان جان بسته - گویند در اندک

ترجمه میکرد چون شهرهٔ آفاق گردید وآوازه اش بگوش شاه تهماسپ اول (۹۳۰ - ۹۸٤) رسید ملا محمدعلی را از هرات طلبیدو در قزوین بحضور شاه مقرر گردید تادر کتابخانه شاهی بکتابت مشغول شود وهمواره از طرف شاه ودربار بان مورد الطاف گوناگون واقع میگردید تا اینکه اجلش دررسید وکتاب زندگانیش در هم ریخت ودر سال (۹۷۳) وفات کرد تا ریخ وفات از این مصرع است :

(ملا محمدعلی را شافع اما م باد)

صفحه ۸۱٤ نستعلیق نو یسان دکتور بیانی .

محمد قلی کاتب هروی :

بخط وی یك نسخه چهل حدیث در موزه کابل است بقلم دو دانگه وکتابت خوش : تمت هذه الرسالة علی ید الحقیر محمد قلی الکاتب غفر ذنوبه فی تاریخ شهر ربیع الاول سنه ثلث و خمسین و تسعما ئه ۹۵۳ .

ص ۹۱۱ نستعلیق نو یسان دکتور بیانی .

مظفر عبدالله :

از کاتبان نیمه اول قرن نهم در دربار سلطان ابراهیم میرزا تیموری میز یسته است بخط وی یك نسخه کلیات سعدی که بنام امیر مزبور بقلم کتابت خفی متوسط نوشته است و چنین تمام می شود : تمام شد دیوان املح الشعراء افضل السالکین ناصح الملوك والسلاطین افصح المتکلمین زبدة العارفین شیخ مصلح الدین مشرف المعروف بسعدی رحمة الله علیه در عهد خلافت حضرت سلطان ..... خلیل آل رحمان ابراهیم سلطان ..... بار شاد جناب مخدومی و استادم خواجه غیاث الدین محمد فرج الله مد ظله . علی ید العبد مظفر بن عبدالله اصلح الله شانهما .... در شهور سنه تسع وعشرین و ثما نما ئه در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور .

صفحه ۸۹٤ نستعلیق نو یسان دکتور بیانی .

محمود هروی مذهب :

از هنر مندان خوش نویس کم نام قرن دهم است که جلی و خفی هر دو را

Marfat.com

زحمت سواد خطهٔ خط را بدستیاری نیزه قلم چنان در زیر نگین خرد درآورده که خوشنویسان صحیفهٔ عرصه عالم چون خامه سر از خط فرمان

خوش می نوشته است و بخط وی دیده ام .

یك نسخه سبحة الا برار جامی بقلم و کتابت خوش بارقم و تاریخ : کتبه العبد محمود المذهب الهروی غفرالله فی شهور سنه ۹۵۱ در نزد کتابفروشی تهران و یك قطعه از مرقع بقلم دودانگ خوش بارقم : کتبه محمود المذهب و کلیات مولانا جامی قدس سره در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول و یك قطعه بقلم دو دانگ بسفید آب بارقم : کتبه العذاب محمود المذهب غفر ذنوبه و ستر عیوبه در مجموعه نگارنده .

صفحه ۸۶۱ نستعلیق نو یسان دکتور بیانی .

محمد هروی :

از خوشنو یسان زبر دست گمنام قرن دوازدهم است و بخط وی دیده ام یك قطعه از مرقعی بقلم چهار دانگ خوش : کتبه محمد هروی سنه ۱۱۲۲ در کتابخانه سلطنتی تهران یك قطعه بقلم دو نیم دانگ خوش : کتبه محمد هروی سنه ۱۱۳۲ در مجموعه نگارنده .

صفحه ۸۹۱ نستعلیق نو یسان دکتور بیانی .

محمود هروی شیخ :

از شاگردان جعفر بایسنقری است نستعلیق را خوش و اقلام شش گانه را بسان استادان طراز اول می نوشت شیخ محمود ابتدا نزد پیر بوداق بن جهانشاه قراقو یونلو بامر کتابت مشغول بود و بهمین مناسبت در بعضی آثار خود پیر بوداقی رقم کرده است پس از آنکه حکومت از خاندان قراقو یونلو به آق قو یونلو منتقل شد سال ۸۷۴ شیخ محمود بدربار سلطان یعقوب بن اوزن حسن پیوست ودر کتابخانهٔ این امیر هنر پرور بکار کتابت برداخت مرقعی بسیار نفیس از متروکات سلطان یعقوب اکنون در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است این مرقع ۳۹ قطعه بقلمهای مختلف و با رقمها وتاریخهادارد از جمله : کتبه العبد المذنب المحتاج الی رحمة الملك الباقی شیخ محمود پیر بوداقی احسن الله احوالهما فی سنه احدی وسبعین وثمانمائه رقم دیگر : کتبه العبد المذنب

او بیرون نکردند خصوصاً نستعلیق که چنان نوشت که کتاب زمان از حیرت سر خامه به کزلك دندان قطع میکردند • در تاریخ نهصد و بیست و پنج

شیخ محمود الکاتب اصلح الله شانه ابدا و کتبه العبد الغریب شیخ محمود اصلح الله شانه ابدا فی شهر الله الاصم رجب المرجب سنه احدی وسبعین وثمانمائه دیگر کتبه العبد شیخ محمود فی سنه سبع وسبعین و ثمانمائه وچندرقم مختلف دیگرهم دارد که صرف نظر نمودیم .

صفحه ۹۱۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

مظفر علی شیروانی :

از کاتبان کم نام قرن دهم و یك نسخه هشت بهشت بخط وی در کتابخانه ارگ است بقلم کتابت متوسط با تاریخ ورقم تمت الکتاب بعون الملك الوهاب فی تواریخ اوایل شهر رجب المرجب سنه احدی و تسعین و سمائه کاتب: العبد السلطانی مظفر علی شیروانی .

صفحه ۸۳۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمد محسن هروی :

از خوشنویسان گم نام قرن دهم است از شاگردان میر محمد باقر بن میر علی هروی است . یك نسخه نصیحت نامه خواجه انصاری بقلم دو نیم دانگی خوش با رقم کتبه محمد محسن الهروی غفر ذنوبه ویك قطعه از مرقع بقلم دو دانگی و نیم و دو دانگی خوش یا جمله (بدار السلطنة هرات تحریر یافت فقیر المذنب محسن الکاتب الهروی) در کتابخانه خزینه استانبول .

صفحه ۸۳۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمد محسن مصور :

از کاتبان خوش نویس زبردست گم نام قرن نهم ودهم وبخط وی یك نسخه دیوان حافظ در موزه کابل است که برای سلطان حسین میرزای بایقرا (۸۸۲ - ۹۱۱) بقلم کتابت جلی عالی نوشته کرده است .

بواسطه انقلاب زمان ازخراسان برسم الخط سرخط تعلیم روزگار دیدا ما
زمانیکه جریده عمرش با نجام رسید در شهور سنه ۹۵۳ه، ق کرام الکاتبین

صفحه ۸٤٦ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمد مومن هروی :

برادر محمد حسین مجلد صحاف زبر دست و پسر شاه محمود هروی است که سالها با برادر خود در کتابخانه خان خانان بکارهای هنری اشتغال داشتند محمد مومن نستعلیق جلی و خفی هر دو را استادانه می نوشت . محمد مومن همچنان در خدمت خان خانان بود تا در گذشت و بنا بر این در سال ۱۰۲۵ تاریخ تألیف مآثر رحیمی در گذشته بود از خطوطوی یك نسخه شاهنامه فردوسی در دو مجلد از سلسله کتابهایی که برای خان خانان نوشته است بقلم کتابت عالی بارقم :

محمدمومن بن شاه محمود الهروی فی شهور سنه ۱۰۱۳ در کتابخانه ملك تهران یك نسخه دیوان امیر شاهی بقلم کتابت خوش با تاریخ ورقم تمت الکتاب بعون الملك الوهاب بتاریخ شهر محرم الحرام .

سنه احدی وسبعین وتسعمائه علی ید العبد المذنب محمدمومن بن محمود الکاتب غفر ذنوبهما وستر عیوبهما بدار السلطنه هرات حمیت عن الآفات والبلیات

در مجموعه آقای مهندس عباس میرزا .

تهران یك نسخه رساله موجودات فارسی از میر سیدشریف بقلم کتابت خفی که چنین تمام میشود: این نسخه شریفه فی شهور سنه ثمان عشر والف من هجرة النبویه کتبه العبد محمد مومن الهروی در کتابخانه مرحوم حاجی سید نصر الله تقوی تهران .

صفحه ۸۹۱ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمود هروی :

کاتبی است معاصر شیخ محمود هروی واین یك شاعری است که هنگام تألیف مجالس النفائس سال ۸۹٦ جواني بوده است نوائی گوید که نستعلیق را خوش می نویسد ولی دماغش ضعیف وسوداییش قوی است .

Marfat.com

روز نامه حیاتش را بتوقیع ممات ختم گردانید . در ولایت بخارا در مزار فائض الانوار قطب الاخیار حضرت شیخ سیف الدین مشهور بخواجهٔ فتح آباد مدفون گشت میرزا بیگ دیوان بیگی از ظرفای زمان بود تاریخ فوت مولانا را بخامه یاقوت همم وبقلم مانی شیم چنین رقم کرده : در اینجا همان رباعی فوق الذکر را که از تذکره مذکر احباب ذکر کرد یم تذکار مینماید معلوم میشود که خود صاحب کتاب هم سهواً ۹۵۱ را ۹۵۳ نوشته است مگر عبد الصمد صاحب کتاب پیدایش خط وخطاطان بطوریقین می نویسد که میرعلی هروی درسنه ۹۶۶ هجری فوت (۱) وبه نزدیك مقبره شیخ یوسف الدین مدفون گشت وازین معلوم میشود که استاد پس ازمدت های طولانی مجدداً عزم وطن کرده وبه هرات مراجعت نموده است این هم ناگفته نماند که میگویند میرعلی هروی هفتاد سال عمر نمود .

میر ولی :

اصلا از سادات جلیل القدر هرات است بکابل متوطن گردیده ومسکون چهاردهی ازمضافات کابل بوده است . درخوشنویسی مهارت داشت درسنه ۱۳۱۰ بکابل وفات یافته است . آثارخطی او بنزدذوقمندان خطموجود است

((ن))

نامی :

مولانا نامی ازمردمان سبزوار هراتست ودر دربار سلطان حسین بایقرا هم گاه گاهی بار می یافت . طبع ظریف وشوخی آمیزی داشت وهمیشه بانشاط وخندان می بوددر زمان خود به خوشنویسی شهرت داشت مگر بعضی هاشاید به نسبت رقابت وهمچشمی خطوط اورا نمی پسندیدند واز ان بد میگفتند چنانچه میرعلی شیرنوایی در تذکره هروف خود می گوید : (۱) «مولانا نامی از ولایت سبزوار است وبا نشاط و

---

(۱) صفحه ۱۷۷ پیدایش خط و خطاطان .

(۱) صفحه ۱۶۷ لطائف نامه نخری .

Marfat.com

خط نستعلیق شهرت تام دا رد اما او را هیچ منشی پسند نمی کند به تخصیص مولانا عبدالواسع وخط نستعلیق او را هیچ خو شنو یسی قبول ندارد .»

درین شکی نیست که مولانا نامی خط را خوب می نوشت مگر اینکه چرا آنرا پسند نمیکردند چیزی نمی توان گفت جز اینکه خوشنو یسان وقت باوی رقابت وحسدورزی داشتند .

نجفعلی سلمانی :

نجفعلی هروی پسر یکی از منسوبین محله حوض کشمیریان بلده هرات است او نزد میر عبدالرحمن خطرا بدرجه استادی رسانیدچنانچه گویند میر عبدالرحمن در آخرین مشق که باو داد مصرع ذیل را نوشت :

قایم مقام شد بخط من نجفعلی

شهرت دارد که نجفعلی خطوط خود را بنام میر عبد الرحمن مضا میکرد وقتی به نسبت استادش یکنوع کستاخی نمود میر ازو سخت رنجید واورا نفرین کرد بعد ازان نجفعلی بمرض جنون مبتلی گردید چون قدری بهوش آمد از خطا طی دست کشید و در حمام امام بدلاکی مصروف گردید ازانجاست که او را نجف سلمالی یا نجف دلاک میگویند .

گفته میشود که چون میر عبد الرحمن وفات یافت به نجف علی تکلیف کردند که لوح مزار استادش را بنویسد از شنیدن این تکلیف بشدت گریست و قبول نکرد هر قدر پول زیاد باو اجرت قایل شدند نپذیرفت .

بالاخره نوشتن لوح مقبره استادش را باین شرط پذیرفت که هر قدر خطها که ازمیر عبد الرحمن مانده باو بدهند خطوط استادش را گرفت ولوح را نوشت وخطوط مذکور را در یک جزودانی تا پایان عمر محفوظ میداشت . یکی از نجاران که با نجفعلی آشنایی داشت گوید :

روزی نجف بدکان نجاریم آمد ، با دلتنگی تمام بنشست ومیگریست از و سبب گریه اش را پرسیدند جواب نداد اخیراً قلمدان کشمیری نهایت زیبا را از جیب خود کشید که با دوات نقره ی و قلم تراش و قلم قطع مهیا بود ، تیشه نجاری را گرفت و قلمدانرا باهمه اسبابش به تیشه نرم کرد بعد از آن دست خود را با لای چوب نهاد

نمونه خط نستعلیق نجف علی تفصیل در صفحه ۱۸۲

Marfat.com

Marfat.com

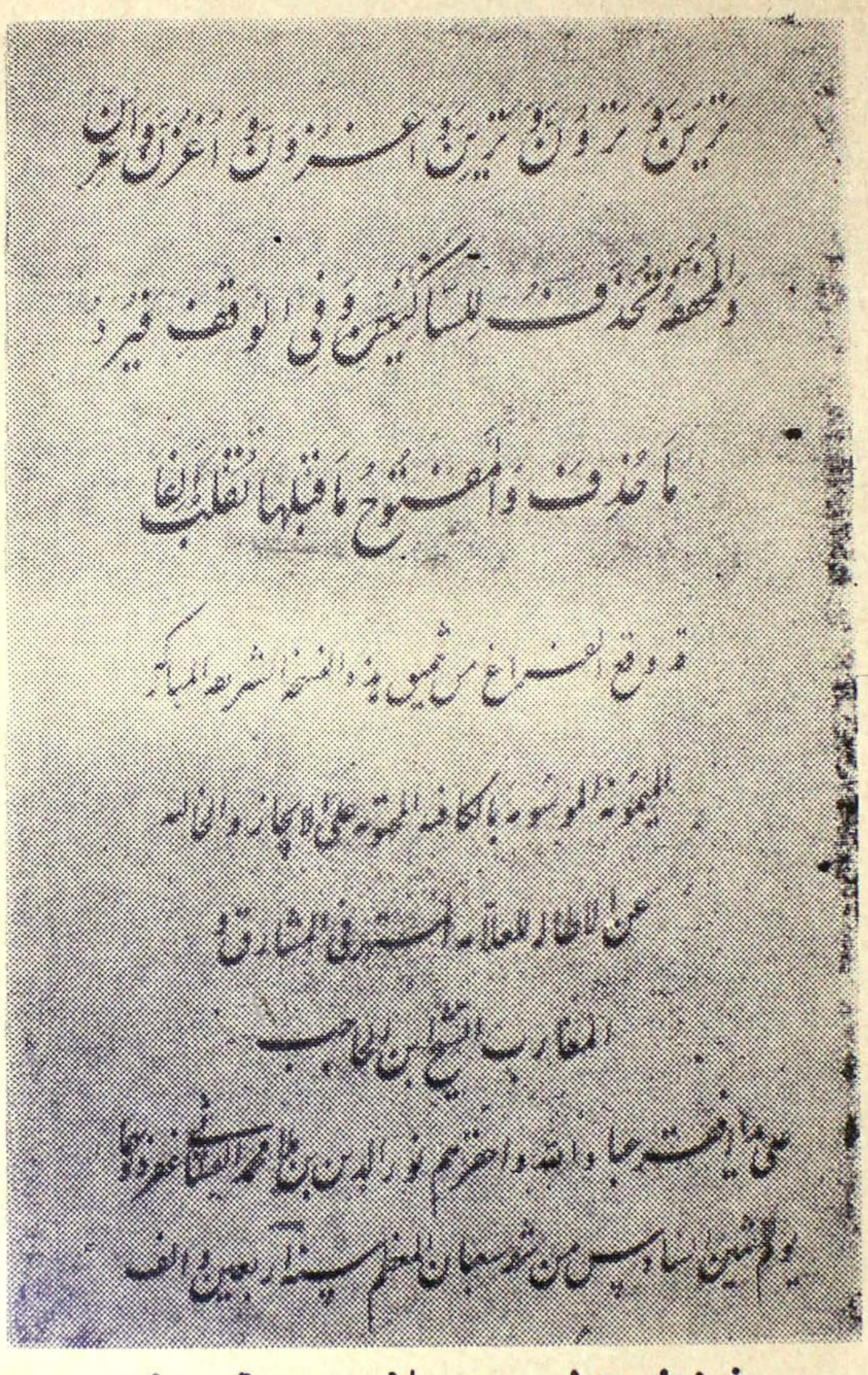

خط نورالدین بن ملا محمدقیسانی

تفصیل در صفحه ۱۸۳

Marfat.com

نجف سلمانی :

نجف علی هروی الاصل ودرخوشنویسی شاگرد میر عبدالرحمن معروف است پدرش اورا به آن استاد جلیل القدر جهت تحصیل خط سپرد و باندک زمانی بکرسی استادی نشست روزی میر عبدالرحمن یکی از قطعات خطی اورا ملاحظه و باسرودن این مصرع ازوی نوازش نمود :

(قائم مقام شد بخط من نجف علی)

روش او درخوشنویسی مخصوصا در نستعلیق عیناً اسلوب میر عبدالرحمن است گاه گاه نجف علی برای اینکه ارزش خطوط خود را بلند برده باشد در زیر قعات ومرقعات خود میر عبدالرحمن هروی امضاء می نمود اما استاد بزرگوار او ازین رویه وی آگاه گردیده ملول شده واورا سرزنش کرد .

و تیشه را بلند کرد تا انگشتانش را قطع کند تیشه را از دست او گرفتم او بحالت مصروع بیهوش افتاد . سال وفاتش معلوم نیست .

(مولانا) نورالدین هروی :

این مولانا بهمه خطوط مخصوصاً نسخ مهارت داشت فکری سلجوقی مینویسد: وقتی ورقی را بخط نستعلیق از قلم موصوف یافتم که تخمین دو دانگ وایم بود چنین امضا کرده بود : (نورالدین محمد الغوریانی) اگر نورالدین نساخ هروی و نورالدین محمد غوریانی یکنفر بوده باشد او در نستعلیق نیز دست داشته .

وفات نورالدین هروی را در سال ۱۰۵۰ نوشته اند .

(مولانا) نظام الدین :

او داماد زین الدین محمود است شنیده میشود که کلیات میر شیخم سهیلی را که بخط ملا یعنی (مولانا سلطانعلی) ناتمام مانده بود وی باتمام رسانیده، او در سال ۹۳۵ وفات یافته است :

Marfat.com

نجف او اخر عمر را به عسرت و پریشان حالی گذرا نیده چنا نچه از همین سبب است که پسانها خوشنویسی را ترک گفته و به شغل سلمانی پردا خته و به نجف سلمانی معروف گشته ا ست .

نگاهی :

مولا ناحاجی علی نگاهی ازمشاهیر خطاطان هرات است شخص بسیار نامور ومحترم بود در زمان سلطان حسین بایقرا زندگی میکرد و محل سکونت او در شهر هرات به محله مقریان وقوع داشت .

چون صنعتگر ماهر وشاعرخوش طبعی بود میر علی شیر نوائی اورا بسیار دوست وعزیز میداشت چنا نچه ازجمله کاتبان و خوشنویسان رسمی خط خراسان بود ازجمله خطوط مختلفه خط نستعلیق راخیلی هاخوب می نوشت وروش خطش بسیار پخته ومحکم بود . لطا فت سخن وشیرینی گفتار او معروف است . مگویند شخص فوق العاده پاکیزه نهاد و بی آلایش بود . اگرچه صورت زندگانی او مفصلا معلوم نیست ولی به آنهم می توان گفت که تاحدود ۹۶۰هـ۹۶۵ و یا زیاده بران حیات داشته است زیرا صاحب تحفهٔ سامی میگوید (۱)

(از هرا تست واوقات بکتابت میگذرانیدو هرروزچهار بارا فیون میخورد)

واز مطالعه این چند کلمه معلوم میشود که نگاهی تا ۹۵۷ که سنه تالیف تحفه سامی است حیات داشته ا ست .

خلاصه نگاهی نه تنها از پهلوی صنعت خوشنویسی شهرت حاصل

(و)

ویسی :

مرحوم علی احمد لعیمی مؤلف این کتاب در آخر غلطنامه که در مولفه خود ترتیب داده تحت عنوان تصحیح نوشته ا ست :

(ودر صفحه ۱۱۲۲ این کتاب ترجمهٔ حال ویسی هروی غلطی وارد شده)

(چون درموقع نگارش کتاب نگارنده بقلت مآخذو مدارك درین قسمت مواجه بودم

(۱) ص ۱۶۱ تحفه سامی طبع تهران .

Marfat.com

نمود بلکه اشعار او نیز رنگین است و میتوان اورا از جمله استادان شعر نیز محسوب نمود . از اوست :

با بتان دل شرح درد بی نوائی میکند دردمندی از دردلها گدائی میکند

ویسی : در هرات دو ویسی میزیسته که هردو هم خطا طو هم شاعر بوده اند و ایکی در دوره سلطان حسین با یقرا زندگی میکرد و دیگری بعد تر بوده که زمان حیات هردو از هم زیاد فاصله ندارد .

ویسی که بعد از دوره سلطا نحسین بوده در خو شنو یسی شهر تی بسز ا دا شته و طبع او در شعر فو ق العاد ه بلند و متین بو د ه چنانچه این غز ل او مدعای مارا ثابت میسا زد :

مدام چهر ه ام ازخون دیده رنگین است
گلی که چیده ام از باغ عاشقی این است
ز با ن مبند ز دشنا م چو ن د عا کنمت
که گفته ا ند دعا ها بر ا ی آمین است
بس ا ست قوت د ل وجان خسته فر هاد
حلا و ت سخنی کز ز با ن شیر ین ا ست
مثا ل یا ر که یکد م ز چشم تر نر و د
بجا ی مر د مك د ید ۀ جهان بین ا ست
مگو بنظم تو تحسین نکر د ویسی ، یار
که یك تبسم او صد هزار تحسین است

(اشتباهاتی در آن رو داده که ذیلا توسط یاد داشت دو ستانه آقای فکری سلجوقی)
(که در شما ره ٤٢ صفحه ١١) مجله آر یانا نشر شده است اصلاح می شود .

بعد از تذکر فوق مرحوم نعیمی نوشته مرحوم فکری را که مدرك تصحیح شرح حال ویسی که خودش نوشته ، قرار داده است سراپا نقل کرده ودر مقابلهٔ این دو نوشته واضح میشود که نعیمی یك نفر ویسی را معرفی کرده که در آرن دهم هجری میزیسته حیات اورا در سال ۹۸۰ یا ۹۸۵ دانسته . ولی در نوشته فکری دو ویسی معرفی شده که هر دو هروی بوده اند و دومی همین ویسی است که نعیمی نوشته

Marfat.com

مولینا ویسی تا مدتی بهرات می بود سپس عزم کعبه شریفه نمود و قرار لطایفنامه فخری از ین مسافرت باز نگشت ودر حین جها نگردی جها نرا وداع گفت (۱) مگر از روی بعضی ما خذ دیگر چنین بر می آید که ویسی در بین راه مراجعت از کعبه شریفه فوت نکرده بلکه بعد از ادای فریضه حج بزیارت مدینه منوره رفت ودر آنجا متوطن شده و ویسی فقیر وبی بضاعت بود و ما نند دیگر خوشنو یسان نخواست جاه و مقامی را اشغال نماید .

طوریکه در تذکره مذکرالاحباب مولفه مولینا سیدحسن بخاری است که اصل نسخه آن در موزه برلین حفظ است و نقل آن قرار نوشته فکری سلجوقی در کتابخانه فاضل هاشم شایق افندی استاد دارالفنون کابل می باشددرین نسخه که بخط مولانا ویسی تحریر یافته درآخرآن مینویسد :

ویسی هروی مجاور خاک حرم

درراه نیاز کمتراز خاک قدم

در ۸۵۳ این نسخه نوشت

اورا بدعا یاد کنند اهل کرم

ازین رباعی که ازخود مولاناویسی است ثابت است که تا سال ۹۸۴ ه مولانا ویسی مجاورحرم بوده و تذکره مذکوررا در زمان مجاورتخود استنساخ کرده است بعضی میگویند : مولانا بعد از مدت طویلی اقامت در عربستان با الاخره عزم هندوستان نموده و در آنجا وفات یافت .

و اولی در عصر سلطان حسین میرزا بسته .

میتنی برآن نگارند که این کتاب را برای طبع دوم مهیا می سازم قرار تذکر فوق که مولف داده نوشتهٔ او را از روی نوشته مرحوم فکری تصحیح وصورت صحیح آنرا فوقاً نگاشتم . شایق

---

(۱) ص ۶۰ لطایفنامه فخری .

Marfat.com

حسب نوشته استاد فکری سجلوقی که در مجله آریانا نگاشته و یسی هروی نسخه نفحات الانس حضرت مولینا جامی را نوشته که در موزه هرات بخط او محفوظ است و آنرا بخواهش شاعری متخلص بشفائی در سنه ۹۷۴ در مکه نوشته است چنانچه تاریخ اتمام و محل کتابت آن چنین ثابت شده است .

یافت این نسخه چو در مکه ز اتمام شرف
زاد ها الله بتارك و تعالی شرفا

ویسی بی سر و پا کرد کتابت آنرا
بشفائی که معین بود و نصیر فقرا

بعد ازان جمعی از احباب مقابل کردند
بخط حضرت مخدوم ما اعظم ملا
ساخت کاتب ز (کتاب نفحات جامی)
سال تاریخ تمامیش زیادست (اما)

(از جمله کتاب نفحات جامی که ۱۰۱۶ میشود کلمه (اما)
را که ۴۲ میباشد کم کنیم ۹۷۴ می ماند)

فکری که بوجود دو نفر ویسی هروی قایل است طوریکه در مجله آریانا نگاشته است نفر اول همان است که فوقاً شرح دادیم نفر دوم ویسی هروی است که باسلطان حسین بایقرا معاصر بوده شرح حال او قرار آتی است:-

لطائف نامه فخری در باره او می نویسد :

« و »

(مولانا) ولی الله هروی :

او به ملا ولی قلندر معروف بود . هم مذهب و مصور و هم خطاط بود و کتیبه نویسی می نمود .

در عصر سلطان حسین و امیر علی شیر نوایی میزیسته و علاوه بر نقاشی در نگاشتن اقسام خطوط خصوصا ثلث استاد ماهر بوده . کتیبه ثلث سر در مسجد زیارتگاه نمونه هنرمندی او در خط ثلث است که متأسفانه از میان رفته و اندکی از آن باقی است .

Marfat.com

مولانا ویسی بکاتبی شهرت داشت اما شعرهم میگفت با وجود آن ساده وگول بود چنانچه فقیر بلکه اکثر یاران تعجب کرده می گفتند که آیا او بدین سادگی نظم چون میگوید.

غزلهایش بدست نیست دیوانی هم دارد واین مطلع از اوست :

رفتم بسیر مرغ و طواف بنفشه زار آمد زهر بنفشه مرا بوی زلف یار

گویند ویسی سفر اختیار کرد و در ان سفر به منزل آخرت رسید.

لطائفنامهٔ فخری در شرح حال مولینا ساغری چنین می نویسد :

در محلی که حضرت مخدومی نورا (مراد حضرت جامی است) عزیمت سفر مکه نمود ویسی و ساغری اظهار کردند که در ملازمت باشند اما در وقت رفتن ویسی بهانه کرد که در از گوش ندارم و ساغری هم بهانه ئی بر انگیخت و هر دو از دولت آن سفر محروم بماندند امیر و شیخم یسهیلی این قطعه را برای ایشان گفت :

ویسی و ساغری بعزم حرم
گشته بودند هردوشان سفری
لیک ازان راه هردو واماندند
آن یک از بی خری و این زخری

((ی))

یحیی سبیک :

از افاضل دیار خراسان بشمار میرود بعضی ها مانند دولتشاه سمرقندی (۱) و مولانا غلام محمد هفت قلمی دهلوی (۲) او را از

(۱) ص ۱۶۸ تذکره دولتشاه چاپ بمبئی.

(۲) ص ۴۷ تذکره خوشنویسان طبع هند.

نیشاپور میدانند .

او همعصر شاهرخ میرزا بوده درخوشنویسی وشاعری شهرهٔ زمان خود نشر را فوق العاده روان وزیبا می نوشت ودراشعار خود به چندین اسم متخلص بود: گاهی، واسطی ، زمانی ، اسراری، چندی، تفاحی، وموقعی فتاحی و خماری تخلص کرده است از اشعار اوست :

آن ترک که صدخانه کمانش زپی انداخت سویت فکنم گفت خدنگی و نیفداخت

و لـــه

ایکه دور لاله ساغرخالی ازمی می کنی رفت عمر این داغ حسرت رادوا کی میکنی؟

ازرسائل مولانا یحیی یکی منظومهٔ خوابنامهٔ است که باین فرد شروع میشود:

ای برون و صفت ز تعبیر و کلام داور بیدار و روح لا ینام

واز مؤلفات منثور او دو رساله معروف است یکی شبستان خیال و دیگری حسن دل .در سنه وفات او اختلا فات است بعضی فوت او را در سنه ۸۵۱ (۱) و برخی در سنه ۸۵۲ مینگارند (۲)

یقینی :

مولانا یقینی از تولد یافتگان شهر باستانی هرات است در لطافت طبع و قریحه سر شار شاعرانه خویش شهرت تامی دارد ، در کتابت و خوشنویسی نیز معروف است خط نستعلیق را منجله خطوط متداوله زمان خوب می نوشت ودرعصر فرخنده هرات یعنی در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا امرار حیات داشت جزئیات و تفصیل زندگانی او بکلیه مجهول است

یوسف شاه کاتب :

از اجله خوشنویسان هرات بود طبع شعر هم داشت و کاتب تخلص می نمود اقسام خطوط متداوله عصر را استادانه می نوشت و با سلطان حسین بایقرا و میر علیشیر نوائی هم عصر بود. (۳) خاتمه. علی احمد نعیمی

---

(۱) ص ۱۶۸ تذکره دولتشاه طبع بمبئی .

(۲) ص ۱۴۸ جزو سوم جلد سوم حبیب السیر .

(۳) ص ۸۶۱ ریاض الشعراء والهداغستانی .

Marfat.com

Marfat.com

بخش دوم

نقاشان و خطاطان معاصر هرات

تتبع و گرد آوری میر عبدالعلی شایق

Marfat.com

Marfat.com

استاد محمد سعید مشعل با فضل احمد مقصودی شاگرد او در اطاق کارش

Marfat.com

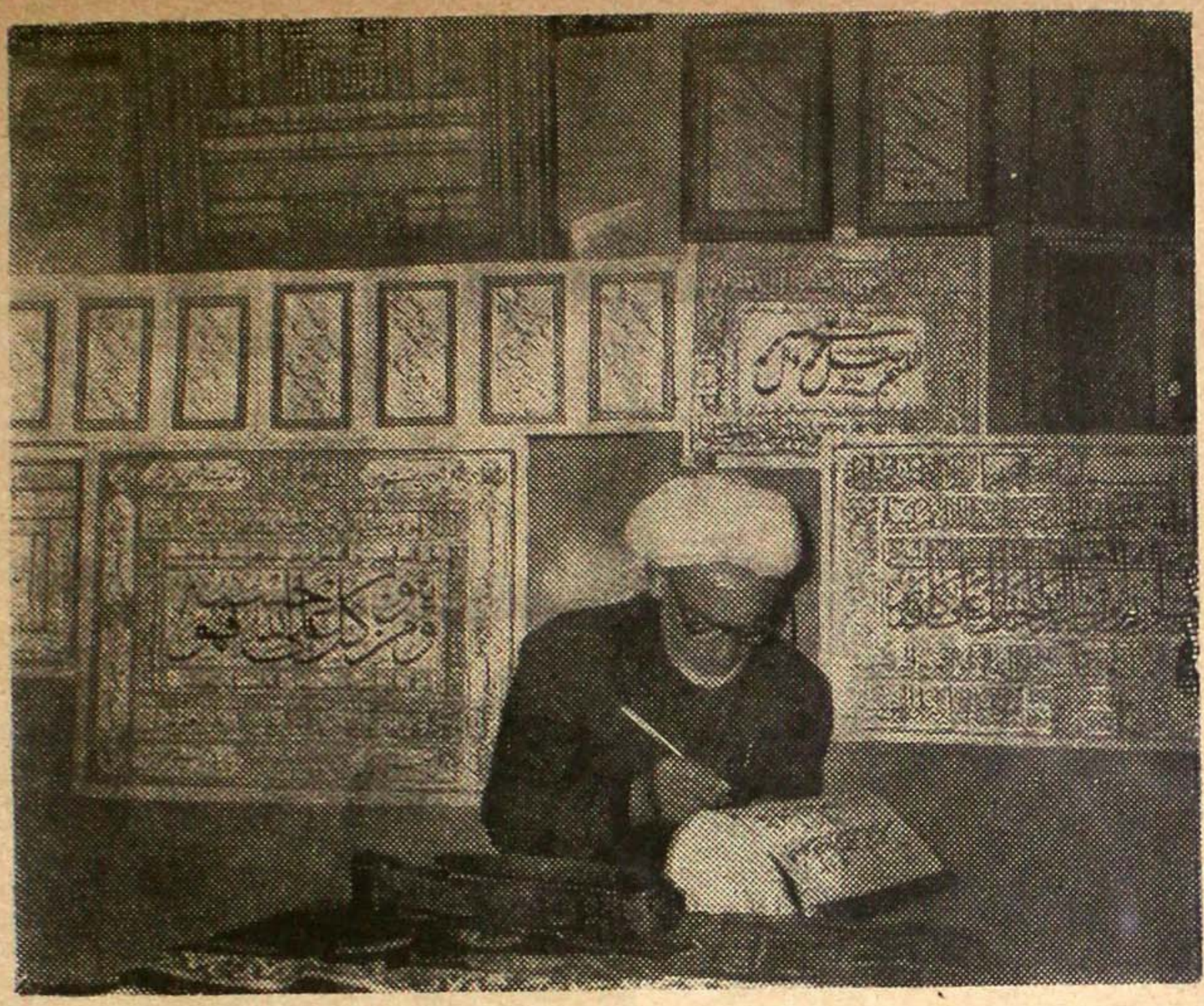

استاد محمد علی عطار در اطاق کارش

Marfat.com

Marfat.com

مقدمه

هنروران معاصر که درین مجموعه معرفی میشوند همان ذواتی هستند که در قرن اخیر میزیستند اعم از آنانیکه تاکنون درقید حیات میباشند ویا آن عده که ازوفات اوشان زاید از یکصدسال نگذشته وبسا مردم ما اوشانرا دیده اند وحالات شان از اولاد و فامیل شان بدست آمده می توانند-این تصمیم برای آن است که بتوانم در حفظ نام وآثار معاصرین خدمتی انجام دهم که برای نسلهای آینده یادگار قناعت بخشی باشد . وتعدادی بدست آید که از آنها اثری تألیف گردد . رجال تاریخ مملکت ما که بزرگترین سرمایهٔ افتخار ما میباشند متأسفانه بسا ازوشان سوانح حیات شان تاریك است وتعدادی از آنها بحدی مجهول الهویه مانده اند که دیگران او شان را از خود میدانند .

البته این قصور ناشی از اینست که درقرون سالفه ذوق تاریخ نویسی کمتر بوده وبسارجال تاریخ مملکت دردورهٔ حیات خودها شناخته نشده اند وآنانکه شناخته شده اند قدر نشده اند و روی هم رفته معاصرین آنها او شانرا معرفی نکرده اند و بعد از آنکه مدتی از دورهٔ زندگی شان سپری شده مورخین درجستجوی نام ونشان آنها بر آمده اند و کوچکترین ذکری اگر از معاصرین شان در بارهٔ سوانح آنها یافته اند آنرا روشن ترین سند تاریخ خود ها قرار داده اند و در سوانح بسا ازوشان اختلاف مورخین بحدی است که حقیقت حال در عمیق ترین پردهٔ خفاء مانداست .

مبنی برآن من کوشیدم تاهنرمندان معاصر را روشن تر معرفی کنم ولی مع الاسف از موانعی که در هر یك از خدمات اجتماعی

Marfat.com

موجود است که مهم ترین آنها کم ذوقی محیط است، باین غایه طوریکه شاید رسیده نتوانستم و تا آن حدی که توانستم همین است که خوانندگان محترم از آن استفاده می نمایند.

در مقدمه متذکرشدم که دو استاد بزرگ نقاشی و خطاطی داریم که امروز بازار هنر هرات را بحدی گرم دارند که دردستگاه نقاشی و خطاطی این دو تن هنرمند معاصر، دوره های پر افتخار تاریخی زمان استاد بهزاد واستاد میر علی هروی پیش نظرما تجسم می نماید.

این دو استاد یعنی حاجی محمد سعید مشعل و ملا استاد محمد علی عطار هر کدام رادر ردیف نامهای شان بخوانندگان محترم معرفی خواهم کرد.

اینک بیاری خداوند «ج» درین بخش مختصر دارد می شوم وآنچه گرد آورده ام بمطالعه ذوقمندان میرسانم.

واز آن ذواتی که فوتو و اثر هنری شانرا وقتاً بدست آورده توانستم وکلیشه اش بدسترس ما رسیده البته قیافه و نمونه هنری شان نیز عرضه خواهد شد وآنانکه بدرخواست ما که در روز نامه وقتاً نشر شده ملتفت نشدند و فوتو و نمونه اثر شان تا زمان معهود بما نرسیده واز نشر باز مانده معذرت ما راخواهند پذیرفت.

نا گفته نماند که درین بخش بمعرفی ونشر آثار همان هنرمندانی اقدام کردیم که یکی ازدو استاد بزرگ که تذکر دادم من حیث ارتباط رشته هنری، او شانرا هنرمند دانستند.

میر عبدالعلی شایق

بسم الله الرحمن الرحیم

حصه اول

نقاشان معاصر

((ب))

باختر کابلی :

ولادتش در کابل صورت گرفته اما در هرات میزیسته و از شاگردان میرزا رضای هروی معروف بآزر بایجانی بوده که او نیز از زمرهٔ نقاشان معروف هرات است.

طوریکه مرحوم فکری سلجوقی تذکر داده (۱) از نقاشان قرن اخیر است.

زیاده براین ازو معلوماتی در دست نیست.

بلقیس مشعل :

بنت الحاج استاد محمد سعید مشعل که هنرمند بزرگ معاصر هرات است. تولد او در سال ۱۳۳۱ هـ، ش صورت گرفته و

(بلقیس مشعل)

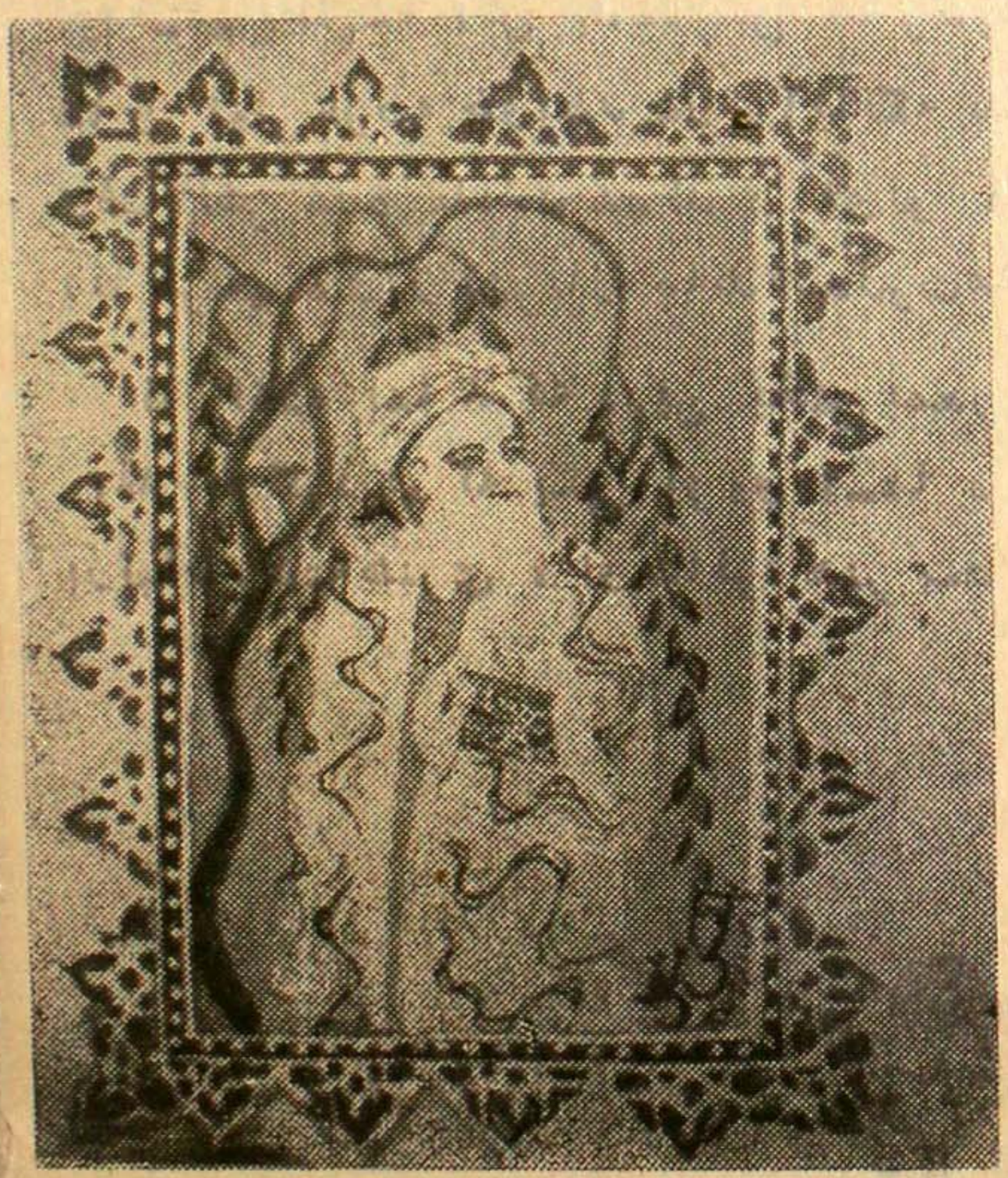

تصویر جامی اثر بلقیس مشعل

(۱) ص ۱۰۸ تعلیقات فکری

Marfat.com

ازصنف ۱۳ دار المعلمین هرات فراغت حاصل نموده و هم ذوق فطری که در زادگان این سر زمین ممزوج است و هم استعداد ورانی و هم روش فامیلی محرك او است که هنر میناتور را بهتر از سایر تلامیذ این مکتب مجلل فرا گیرد امید است در آینده یکی از هنروران نامی این محیط بار آید.

(ح)

حمیده اعتماد :

حمیده بنت حاجی فضل الدین اعتماد و لادتش در سال ۱۳۳۷ در هرات بوده فارغ التحصیل صنف ۱۲ لیسه مهری هرات است و از صنف ۱۳ دارالمعلمین عالی هرات نیز فراغت یافت در مکتب انصاری بوظیفه معلمی شمولیت دارد.

حمیده اعتماد

وی قرار نوشته خودش از سن طفولیت ذوق هنر مینیاتور را داشته و در اثر تعلیم و تشویق استاد مشعل این هنر را فراگرفته و ازشوق سرشاری که درهنر دارد امید است درین رشته مراتب کمال را بپیماید

((خ))

خلیل احمد :

خلیل احمد ولد مرحوم مولوی یار محمد ساکن قریه عنبر مربوط ولسوالی

Marfat.com

کرخ فارغ التحصیل
صنف ۱۲ دار المعلمین
هرات میباشد .

در رسم و مینا تور از
تلامیذ با ذوق مکتب
استاد مشعل است .

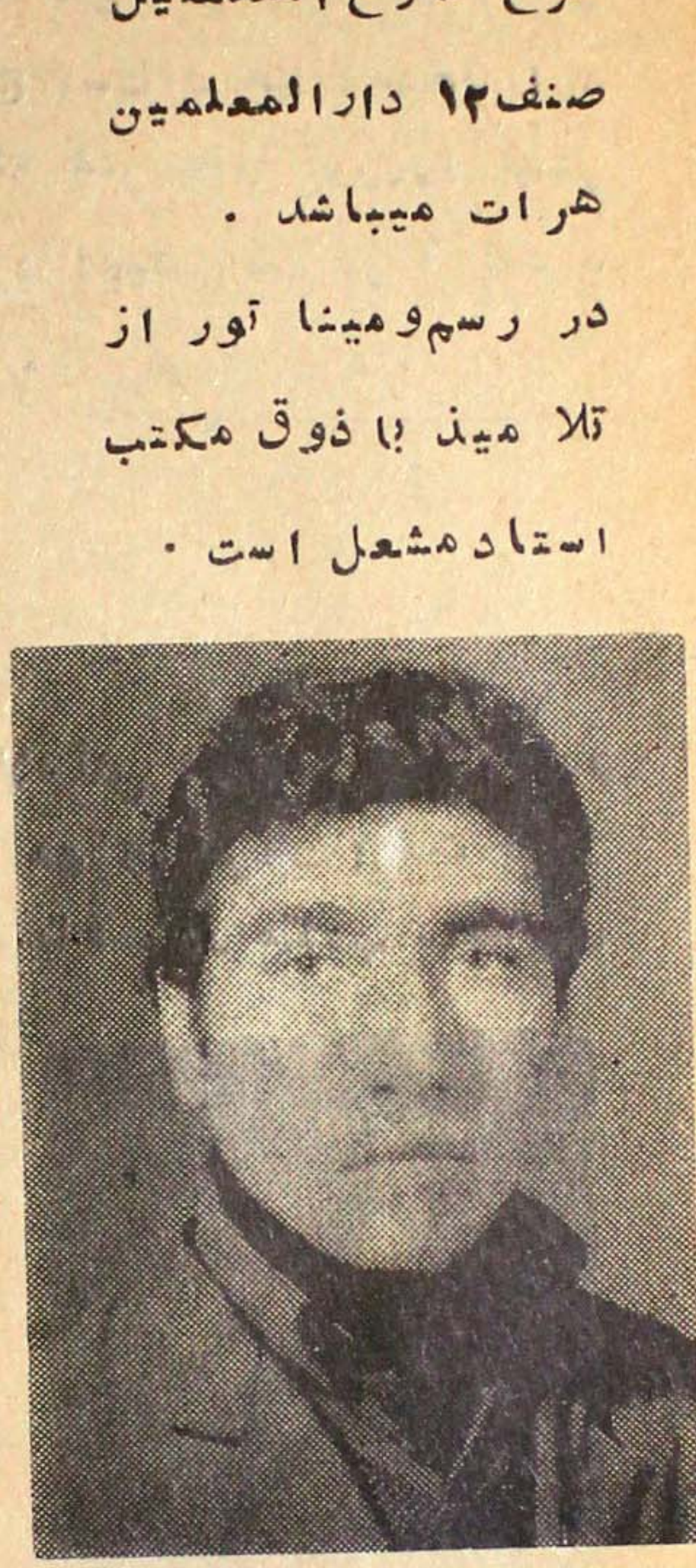

خلیل احمد تیموری

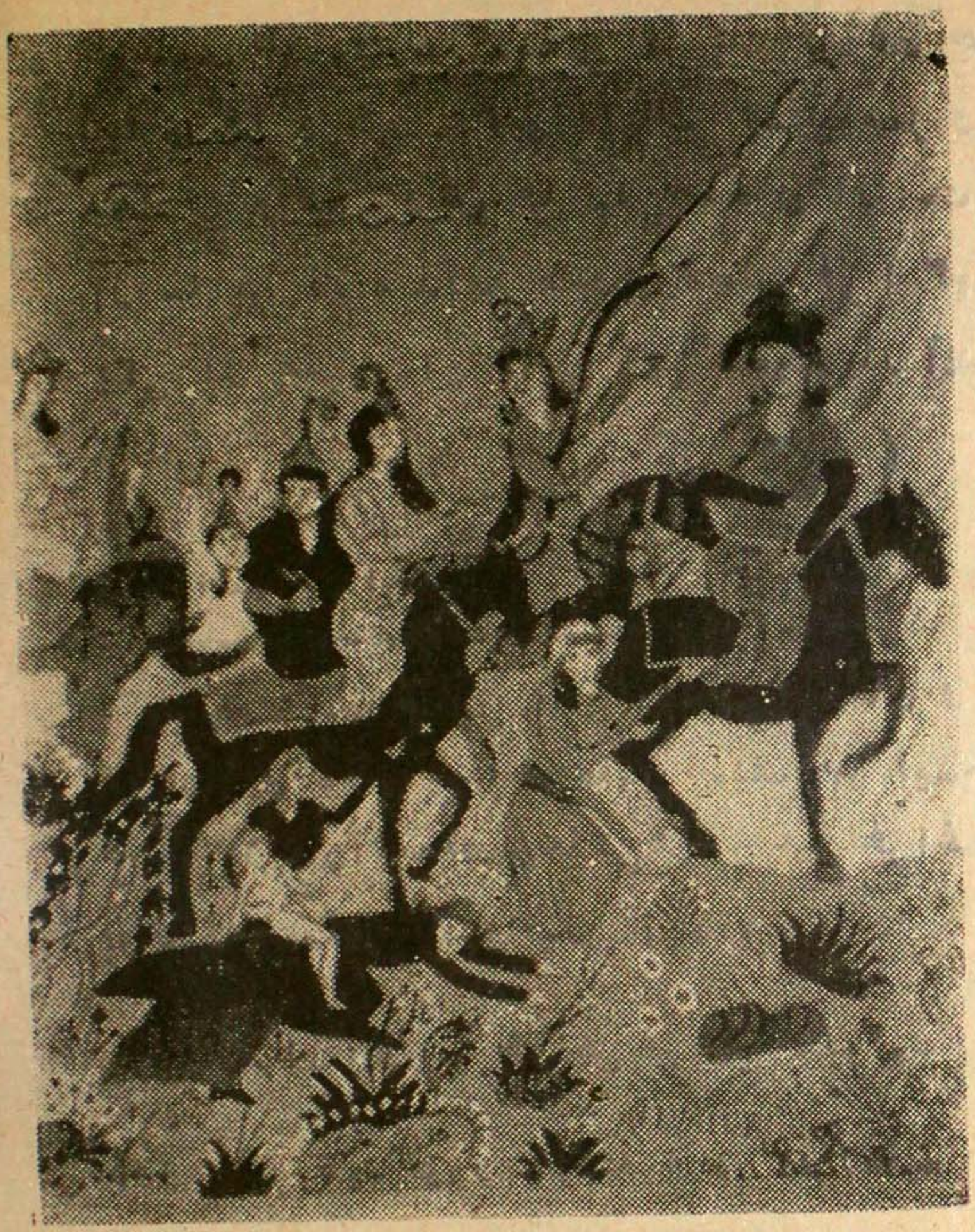

عروسی شهزادگان تیموری
اثر خلیل احمد

(میر) خلیل احمد :

ولد میر غلام احمد اصلا از گازر گاه شریف که فعلا در داخل شهر هرات سکونت دارد .

وی فعلا متعلم صنف ۱۲ لیسه سلطان هرات میباشد . در سال ۱۳۴۱ هـ ش در گازرگاه شریف ولادت یافته . میر خلیل احمد در رسم و مینا تور مشق قوی دارد و آثارش ارزنده و قابل قدر است . آثار او ارزش عملی داشته و بسا از محصولات هنری خود را در بازار بفروش

Marfat.com

میرساند وخریداران وذوقمندانی موجود است که در خواست آثار او را دارند.

ازشاگرادن لایق استاد مشعل است استادش راجع بآثار او نهایت خوشبین است واو را بر بسا تلامیذش رجحان میدهدوذوق سرشار او را در هنر می ستاید چنانچه در زیر یکی از آثار رسامی اوعبارت ذیل رانوشته و تاریخ داده و امضاءنموده است:

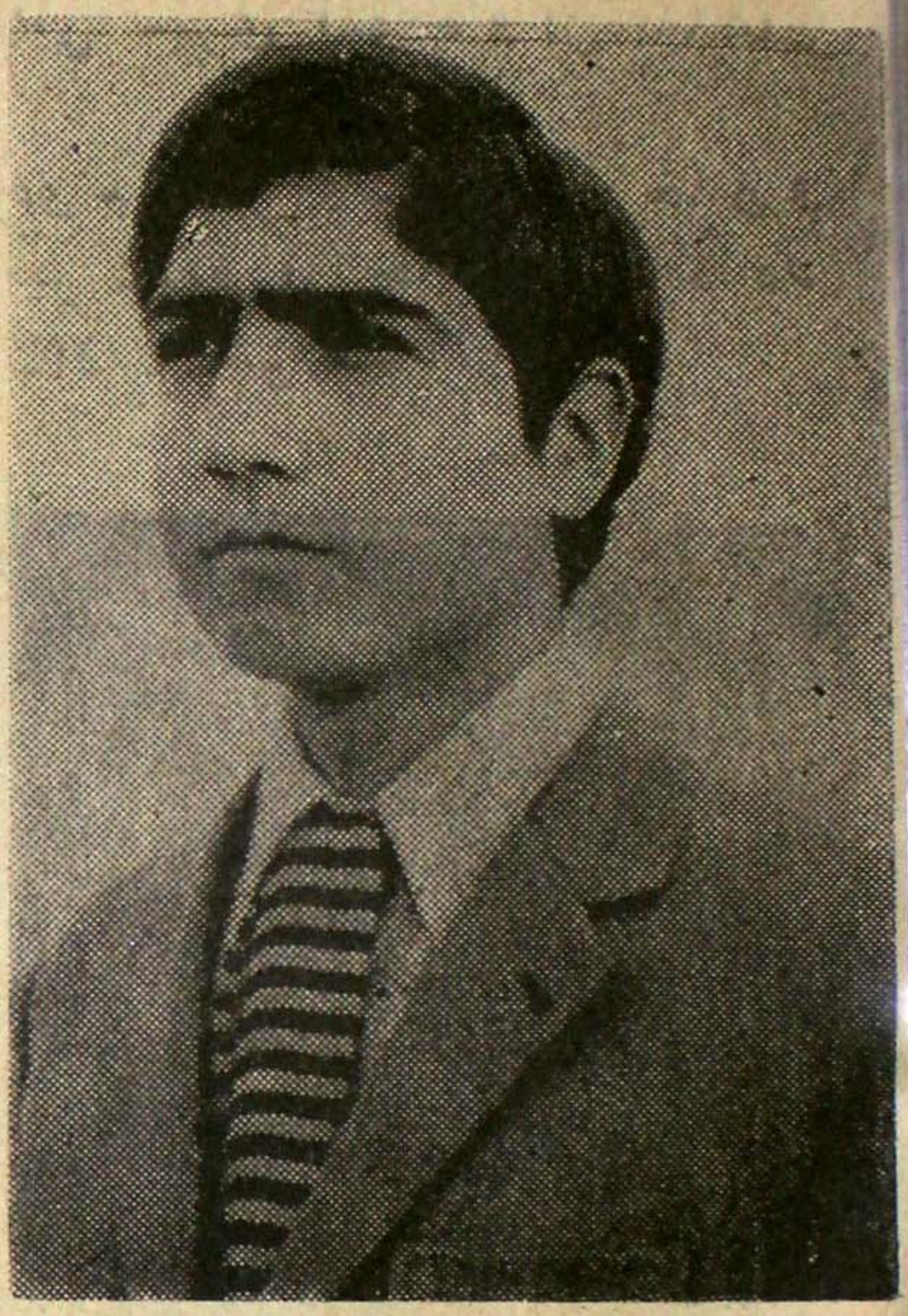

میر خلیل احمد

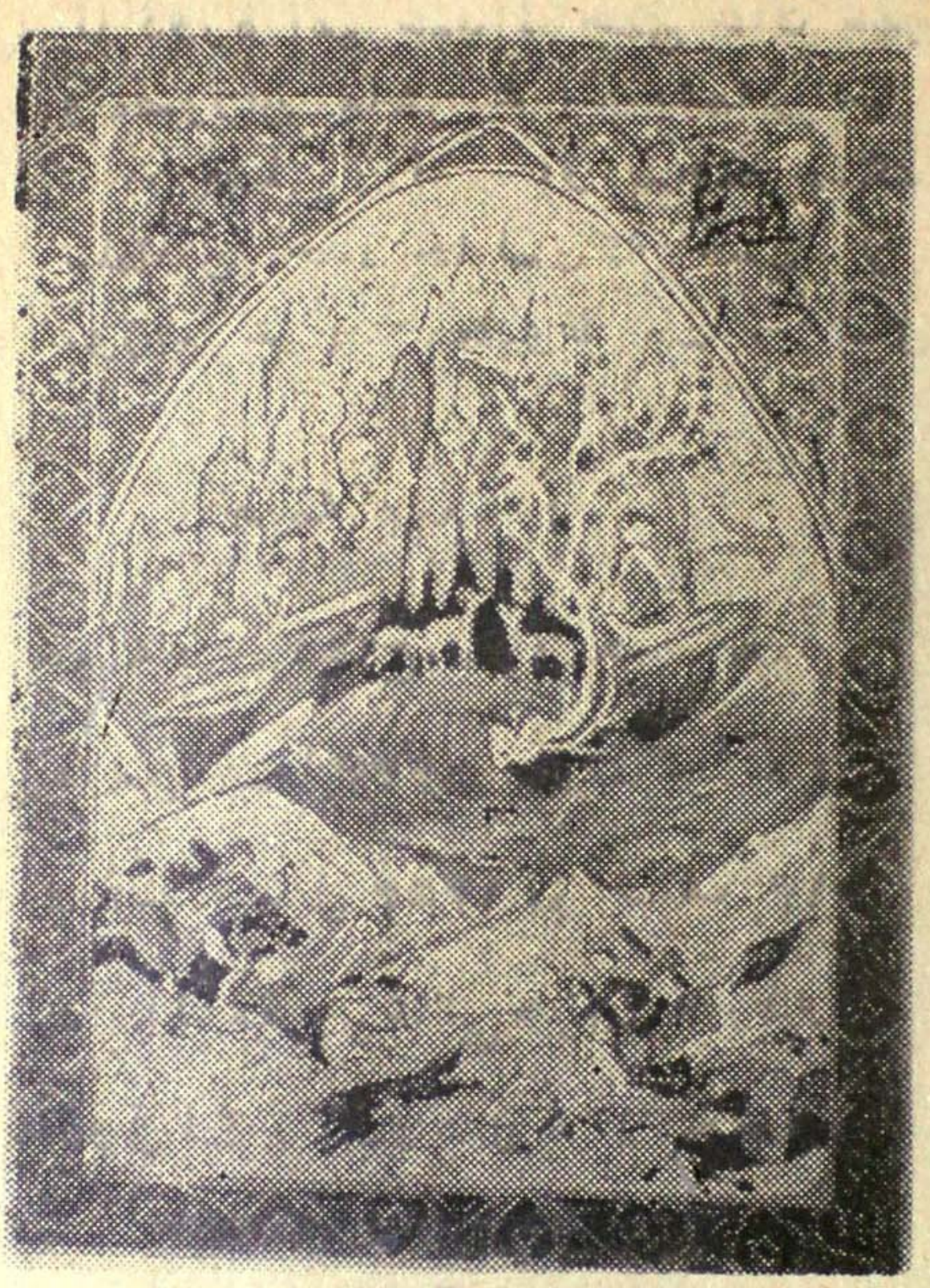

صحنه شکار آهوان
اثر میر خلیل احمد

«ارجمند عزیز! استعداد و ذوق شما را همیها نه تبریک میگویم شما بهتر این آثاری را بآیندهٔ بسیار بسیار نزدیک بجامعه تقدیم میکنید و اثر موجودهٔ شما را نیز بنظر قدر و تمجید مینگریم کوشش کنید و دلسرد نشوید که هم اکنون شمانقاش مبتکر در زیبائی هستید من موفقیت شما را آرزومندم با احترام
امضای محمد سعید مشعل ۱۶ - ۱ - ۱۳۵۰»

(ر)

رضای هروی :

میرزا رضا معروف بآذر بایجانی از نقاشان هرات بود . نسب خود را به علی رضای عباسی تبریزی خوشنویس میرساند بآن نسبت رضای آذر بایجانی امضاء میکرد. وی از زمان امیر دوست محمدخان تا دورهٔ امیر عبدالرحمن خان عمر طولانی سپری نموده و از نقاشان و مصوران ماهر هرات بشمار میرود .

از جمله آثار او صحنه جنگ مرحوم امیر دوست محمد خان و سلطان احمد خانست که حسب الامر امیر شهنو از خان کشیده در موزیم هرات محفوظ است . سال وفات او روشن نیست .

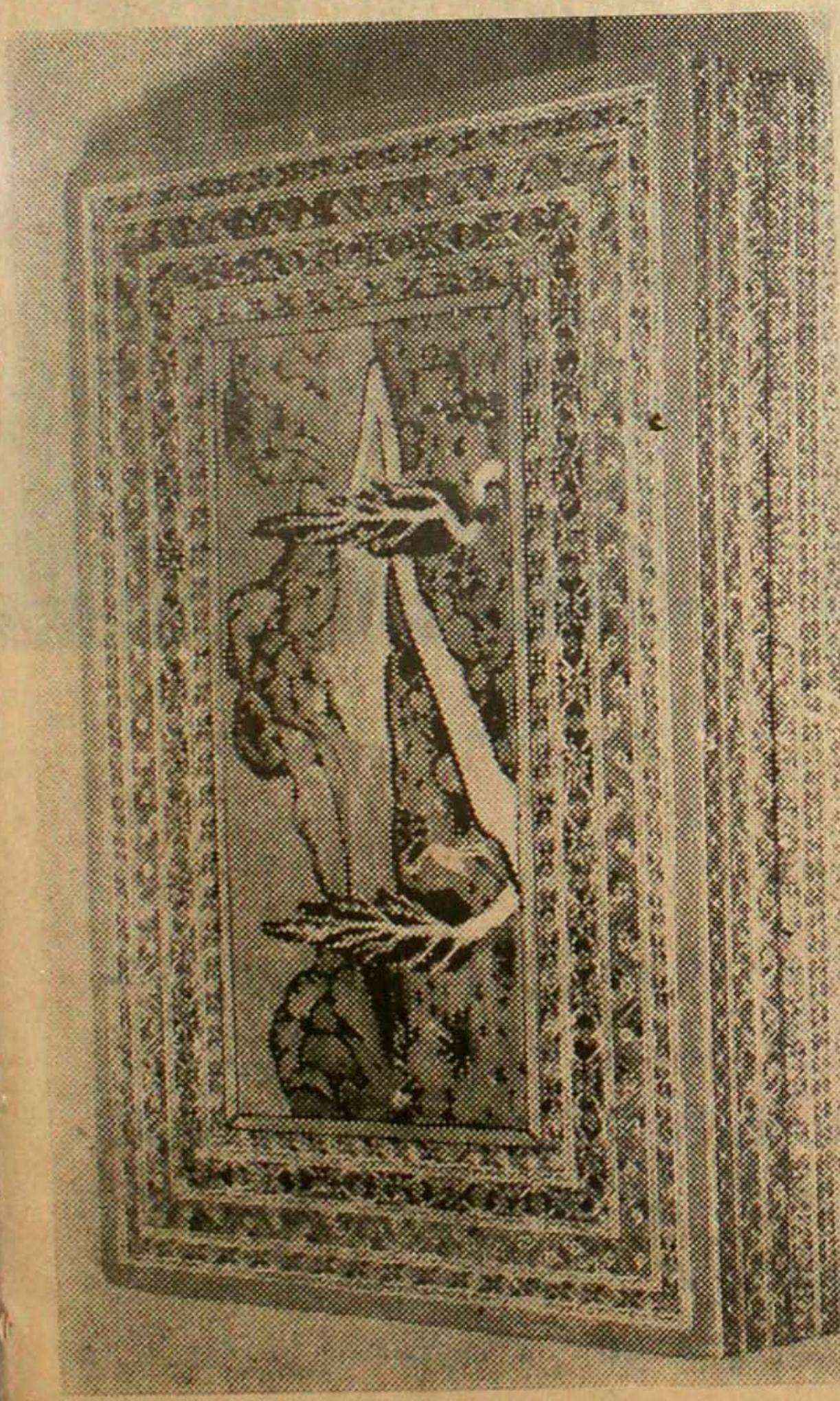

تابلوی صندوقچه آرایش اثر رحیمه مشعل

رحیمه مشعل :

رحیمه بنت الحاج استاد محمد سعید مشعل بسال ۱۳۳۳ متولد گردیده و به سال ۱۳۵۲ از صنف ۱۴ دارالمعلمین عالی هرات فارغ و ذوق فطری آب و خاک هرات خصوصاً

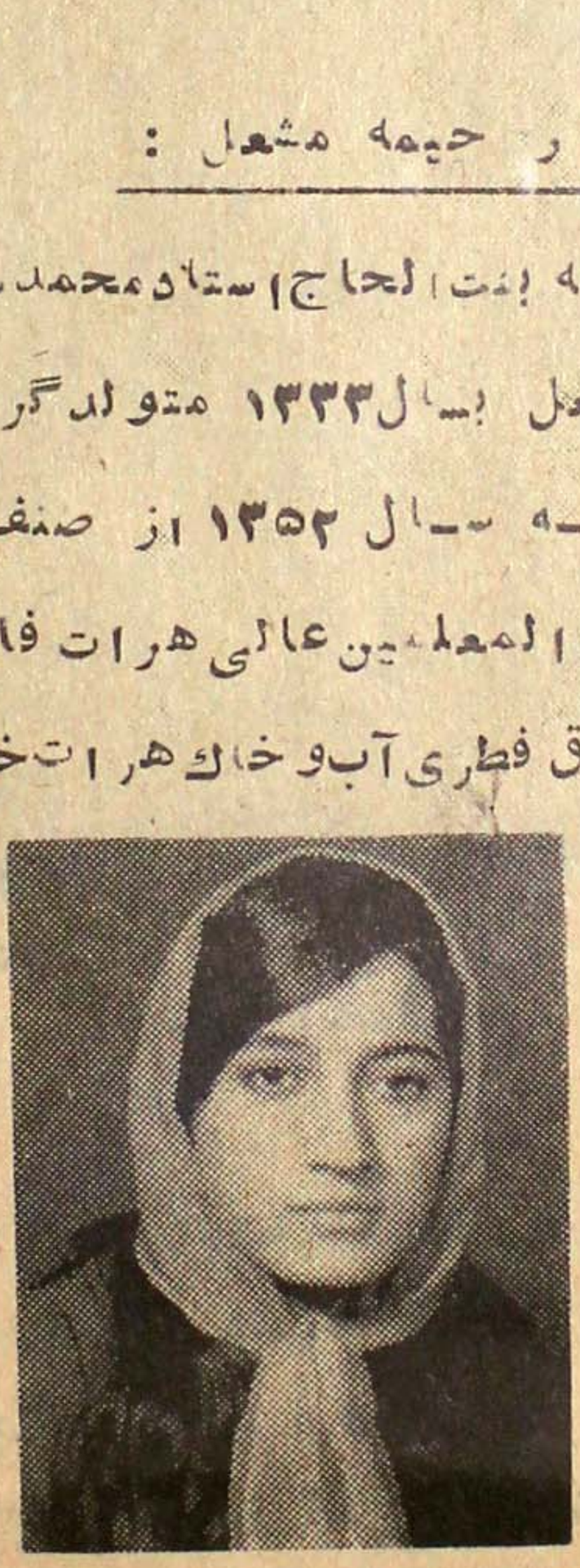

رحیمه مشعل

Marfat.com

قریحه وراثی خاندانی اورا بصوب کسب هنر کشانیده و بمکتب میناتوری استاد مشعل شمولیت ورزیده و درقطار تلامیذ این مکتب قرار یافته است و آینده درخشان باو پیشبینی میشود.

رمزیه مشعل :

رمزیه بنت الحاج استاد محمد سعید مشعل در سال ۱۳۳۷ بدنیا آمده ذوق قطری زادگان این آب وخاك وقریحه وراثی افکار اورا بخود جلب کرده و در ردیف تلامیذ استاد بزرگ بمشق و تمرین هنر میناتور پرداخته وروز بروز به گام های سریع بسوی مقام استادی پله های نردبان عروج را می پیماید و فعلا بصنف ۷ لیسه مهری مصروف تحصیل است.

البته چون هنر زیبای میناتور در خانه شان رنگ و رونق خاص داده ذوق او را نیز مانند ذوقهای سرشار سایر اعضای فامیلش آشفتهٔ هنر ساخته است.

نقاشی بر روی طراحی اثر از رمزیه مشعل

رمزیه مشعل

Marfat.com

رجب علی :

رجبعلی فعلا بکاشی کاری جامع شریف مصر و فاست .
بیش از ین ازو معلوماتی نداریم .

(ز)

زبیر مشعل :

زبیر ولد حاج استاد محمد سعید مشعل بسال ۱۳۳۹ متولد شده فعلا بصنف ۵ مکتب جبلی رشتهٔ تحصیلات ابتدائیش را می پیمایدچون خانه او شأن ساحهٔ مجلل علم وهنر است هنرمیناتور وعوج رنگهای مجلل را در نظر ها جلوه میدهد و هر بیننده خصوصاً طبقه کم سن را بخود جلب میکند و ذوق هنری مخمر در آب و خاك هرات را سریعتر جنبش میدهد این کودك نیز بااستعداد سر شارش رشته هنر موروثی را بدست گرفته و در ردیف تلامیذ پدر هنر پرورش اخذ موقع نموده است وروزی مقام استادی را احراز خواهد کرد .

مهری هروی اثر زبیر مشعل

زبیر مشعل

Marfat.com

((س))

سکندر نقاش :

میرزا سکندر برادر فقیر نقاش و از شاگردان میرزا فقیر بود در سال ۱۳۱۵ ش وفات یافت .

مرحوم فکری سلجوقی نزد دو استاد مشق نقاشی کرده بود که قرار نوشته وفای سلجوقی یکی میرزا بایقر نقاش و دیگری میرزا سکندر است . فکری می نویسد : که بمرگ فقیر نقاش و سکندر نقاش چراغ هنر نقاشی در هرات خاموش گردید و وفای سلجوقی در حاشیه همین نوشته اظهار شاگردی پدرش را باین دو استاد نموده است (۱)

سعد الله جوزجانی :

سعدالله ولد باگل در سال ۱۳۵۰ ش - ه از دارالمعلمین هرات فراغت یافته است .

سعد الله از همین دارالمعلمین هرات هنر مینیاتور را از استاد مشعل که معلم این مکتب بود فرا گرفت وفعلا آثار مینیاتوری او در مکتب موجوده مینیاتوری که استاد مشعل تازه تاسیس نموده موجود است آثار موجوده او عبارت از یک کوزه و چهار تا بلو است .

سعد الله فعلا در سر پل مزار شریف بوظیفه معلمی مصروفیت دارد .

سید محمد :

سید محمد ولد سید کریم در مسجد جامع شریف بکاشی کاری مصروف است و از زمرهٔ نقاشانی بشمار است که در رشته کاشیکاری بتجربه هنرمندی حاصل کرده اند

(۱) ص ۱۰۹ تعلیقات فکری

Marfat.com

سید محمود گیلانی :

وی از فارغ التحصیلان صنف ۱۳ مسلکی دار المعلمین هرات ودر هنر مینا تور از شاگردان استاد مشعل است ودر نازک خیالی های هنری ورزیده ورسیده است .

سلطان محمود پهلوان :

سلطان محمود فارغ التحصیل صنف ۱۴ دارالمعلمین هرات است وسکونت او در کابل میباشد ، هم تحصیلات معارف وهنر مینا توری را از هرات کسب کرده واز شاگردان مکتب استاد مشعل میباشد آثار نقاشی اودراطاق استاد مشعل که مکتب مجلل هنر معاصر است موجود میباشد .

((ش))

شریفه بنت محمد عیسی فارغ التحصیل صنف ۱۲ مسلکی دارالمعلمین هرات از جمله شاگردان مکتب استاد مشعل است .

در هنر نقاشی ، تذهیب ، حکاکی روی فلزات ید طولی و مهارت قابل قدر دارد .

شیرین گل مقصودی :

شرین گل بنت نور محمد باشنده حصه شش شهر هرات قریب بیت الامان ولادت او درسال ۱۳۴۲ ش . دردوره تحصیلات ابتدائی بسال ۱۳۴۹ د ، ق بمکتب نسوان باغدشت شامل شده و فعلا دران مکتب در صنف ۳ مصروف درس و تحصیل است .

درین دوره کودکی ذوق نقاشی ومینا تور که در سرشت زادگان این آب و خاك مخمر است از قریحه طفلانه اوجلوه نموده وبروش بسا

Marfat.com

تابلوی مولوی بلخی اثر شیرین گل مقصودی

اعضای فامیلش که بکاغذ وکتاب ورنگ رجوع داشتند این ذوق تقویه شده ورهنمائی وتشویق استاد مشعل ذوق او را رنگ عمل داده و بمکتب آن استاد افتخار شاگردی را حاصل کرده است و آینده روشنی از آن انتظار برده میشود.

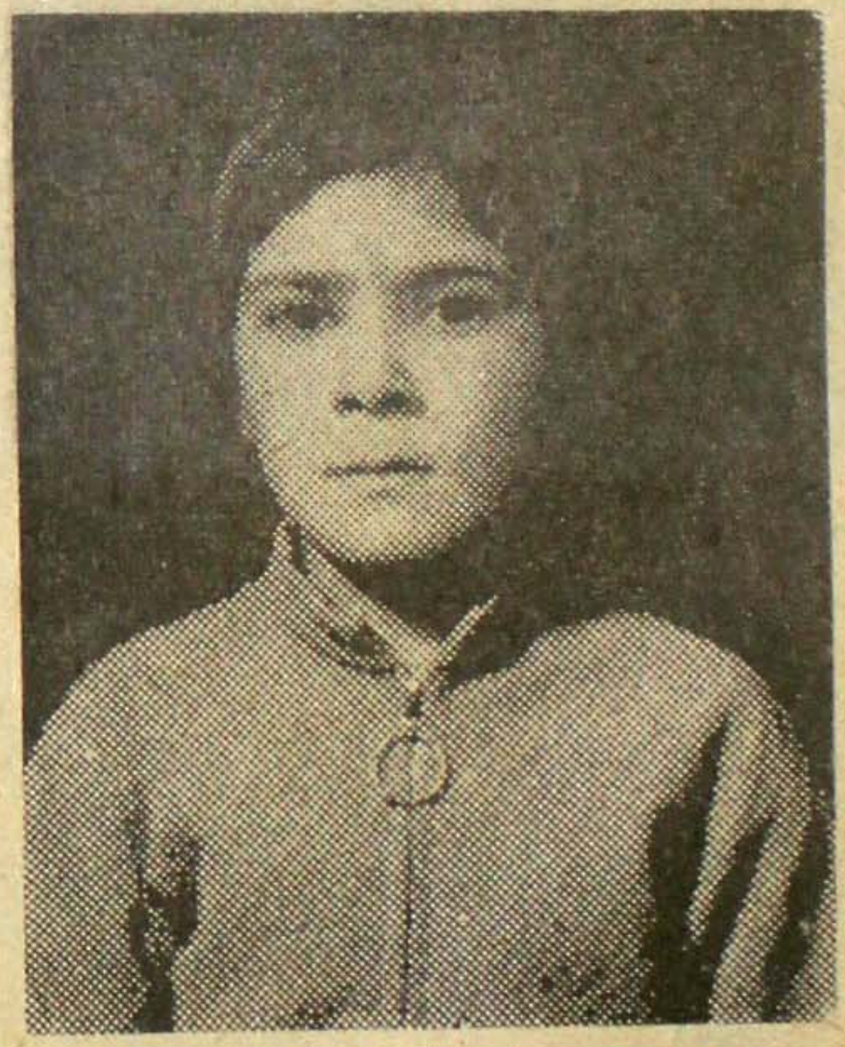

(ض)

ضیاء گل مقصودی :

ضیاء گل بنت نور محمد متعلمه صنف شیرین گل مقصودی ۴ مکتب نسوان باغدشت در سال ۱۳۴۸ ه ، ش شامل مکتب گردیده . چون اعضای فامیلش در هنر میناتور صروفیت داشته اند استعداد فطری این سر زمین وتأثیر روش فامیلی او را جلب نموده در اثر تشویق استاد مشعل بمکتب مینا توری

Marfat.com

او افتخار شاگردی کسب
کرد، وهبین ذوق سر
شار کودکانه او
روشنترین آینه است که
موفقیت مجلل آینده اش را
انعکاس میدهد.

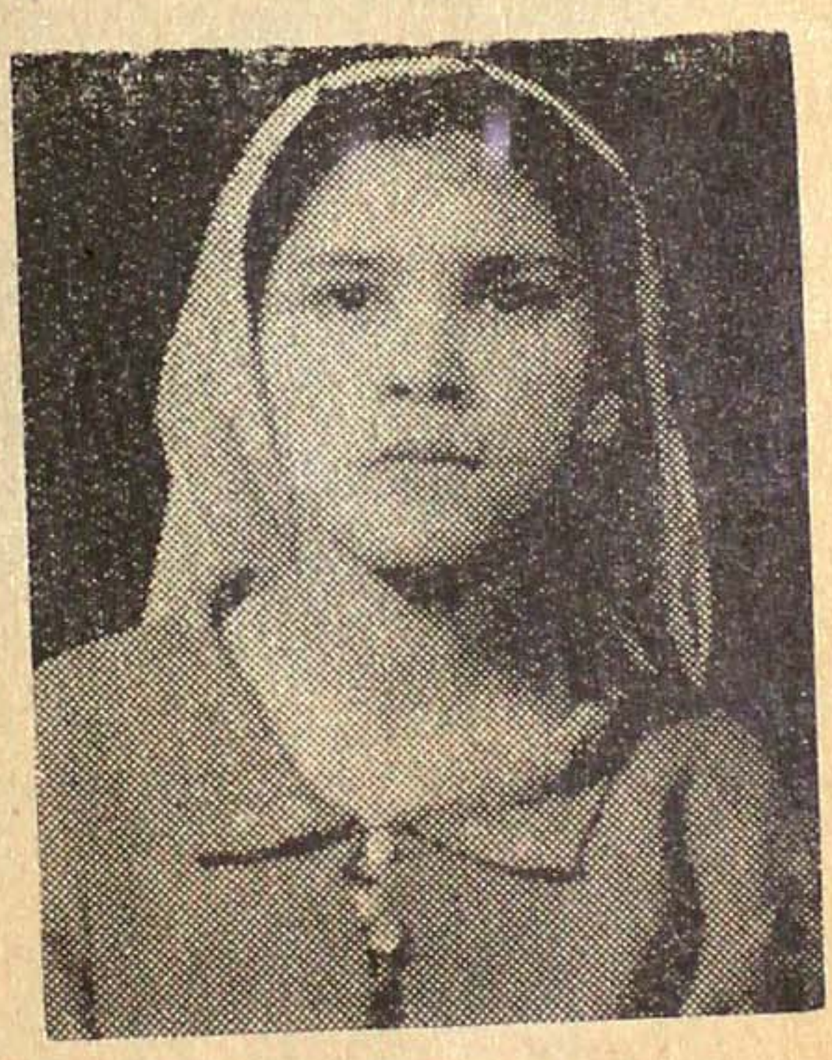

ضیاء گل مقصودی

تصویر خیالی اثر ضیاء گل

طاهره بنت خادم حسین :

وی ساکن ناحیه ۳ شهر هرات است و معلمه مکتب ابتدائیه لیسه مهری است تولد او در سال ۱۳۳۱ه ش واقع شده او از سنین کودکی برسامی شوق مفرط داشته و باین هنر دست زده بعداً با اثر تشویق استاد مشعل این ذوق سرشارش را دنبال کرده و در ردیف تلامیذ استاد شمولیت ورزیده و موفقیت قابل قدر کسب کرده است.

Marfat.com

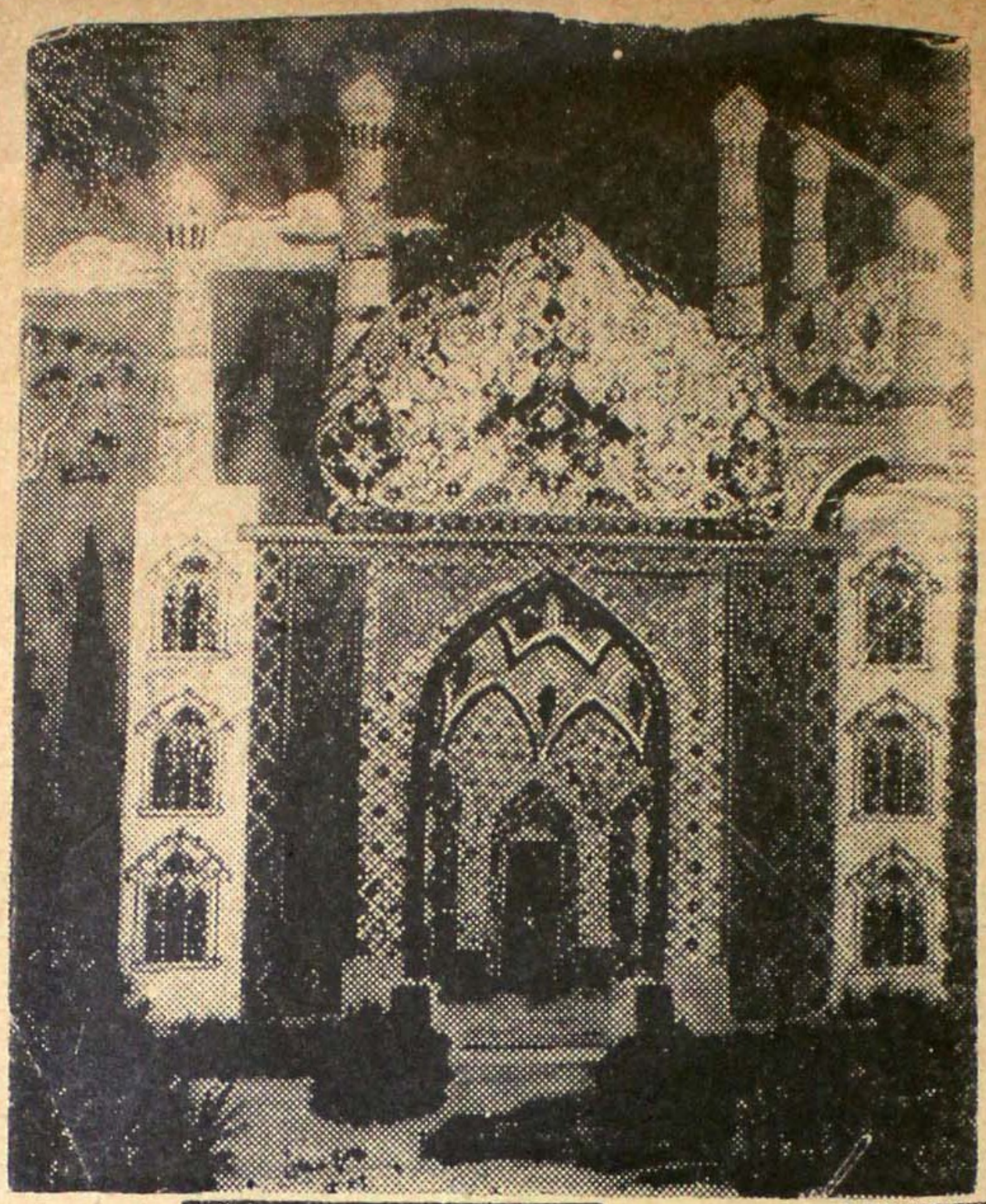

طاهره عطائی

ایوان مسجد اثر طاهره عطایی

مربوط صفحه ۲۰۲ ←

اثر جلیل احمد اسلام مربوط صفحه ۲۰۷

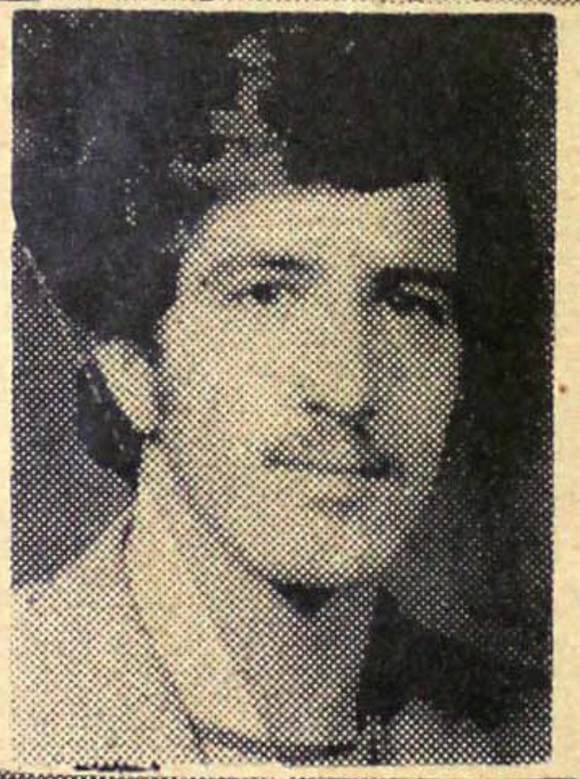

جلیل احمد اسلام

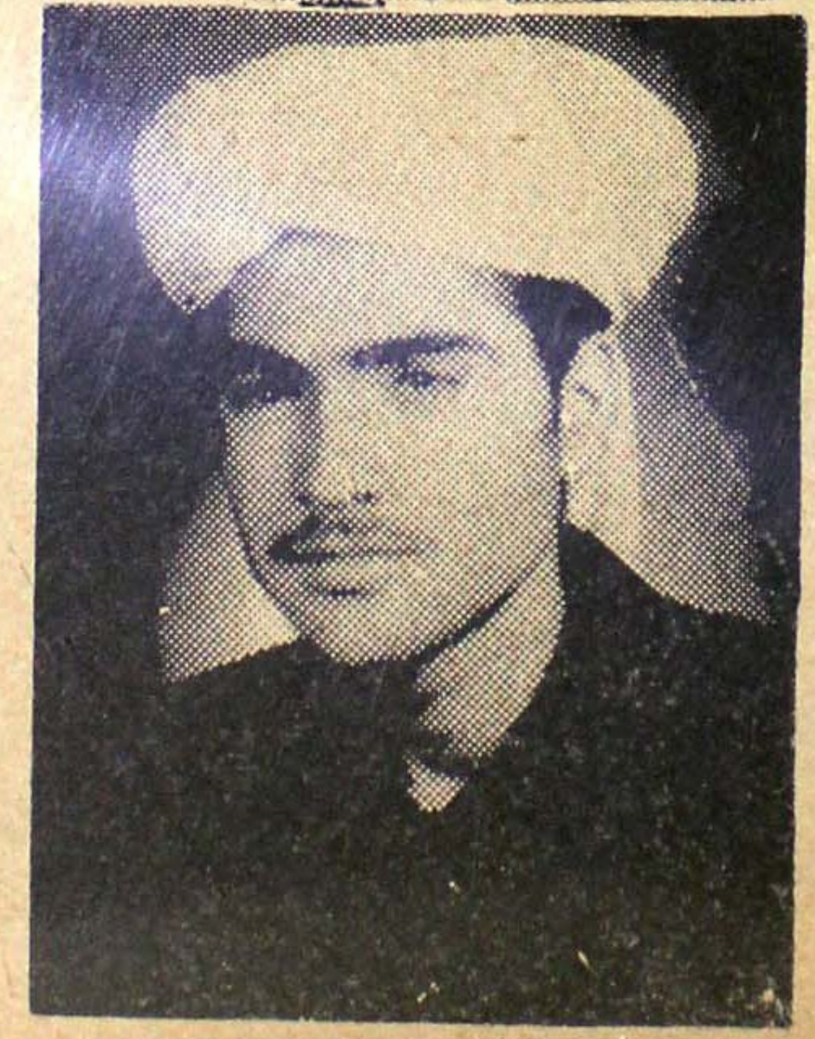

محمد ناصر

نمونه خط ردر صفحه (۲۷۰

Marfat.com

طاهره بنت شیخ غلام رسول :

طاهره فارغ التحصیل صنف ۱۳ دارالمعلمین عالی ومعلمه لیسه مهری است وی از تلامیذ لایق مکتب میناتوری استاد مشعل است و با کمال شوق و دلچسپی در تحصیل هنر میناتور مصروفیت دارد.

طاهره ار باب زاده :

وی نیز ازردیف شاگردان مکتب استاد مشعل بوده و در هنر مینا تور سر گرم تحصیل است ، او هم فارغ التحصیل صنف ۱۳ دار المعلمین هرات میباشد و بعد از تعلیمات دوره ابتدائی بهنر میناتوری ذوق یافته و در ردیف تلامیذ مکتب استاد مشعل شمولیت ورزیده است .

(ع)

(سید) عبدالقادر رحیمی :

او درسال ۱۳۳۵ هـ ش در ناحیه اول شهر هرات متولد گردیده در مکتب موفق دورهٔ ابتدایی او بپایان رسیده ودر سال ۱۳۴۹ در

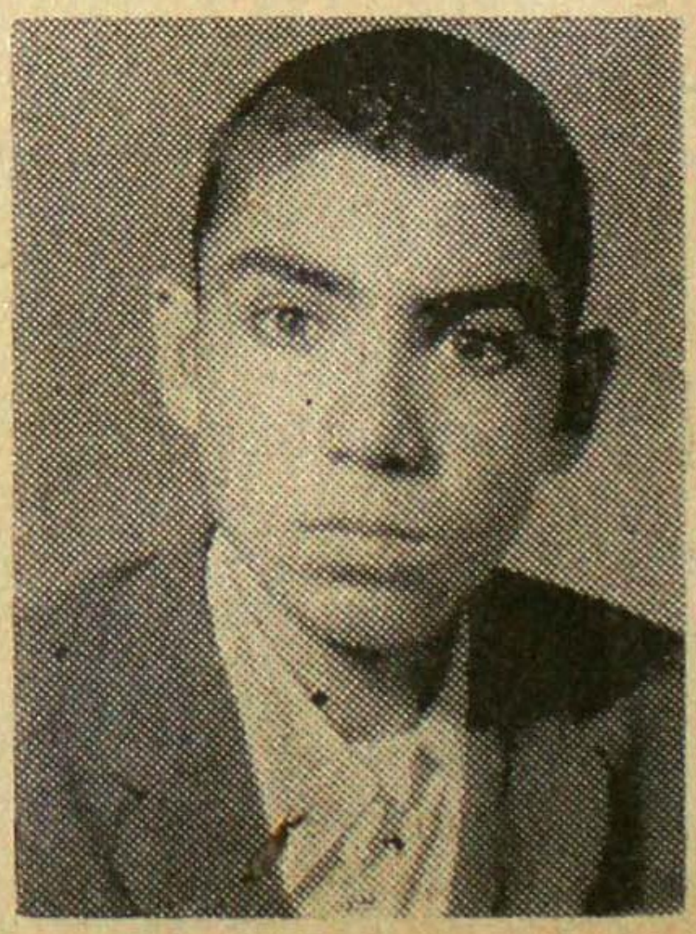

سید عبدالقادر رحیمی

الهام ازشعر حافظ اثر سید عبدالقادر رحیمی

Marfat.com

لیسه سلطان شامل و فعلا در صنف ۱۱ لیسه مذکور مصروف تحصیل میباشد
وی در سال ۱۳۵۱ در حالیکه بصنف ۹ لیسه مزبور شامل بوده در زمرهٔ تلامیذ استاد مشعل شامل و به تحصیل هنر نقاشی آغاز نموده و تا کنون نیز تحصیل خود را درین رشته ادامه میدهد .

عبدالکریم اثیر :

عبدالکریم ولد میرزا محمد ایوب از روی مطالعه بعضی مقالات که درمجلات هنری نشر شده بدون رهنمایی کدام استاد و مشق و تمرین در هنر مینیاتور بهمن وسیله کسب مهارت نموده و از روی بعضی عکس‌ها بشیوهٔ ریالیزم نقشه برداری کرده . عکس خودش را بزرگ رسم نموده است محرک این هنر مندجوان که کم سن است فقط ذوق فطری او است که درنهاد زادگان منطقه علم و هنر پرور هرات عمومیت دارد
باین هنر مندجوان آینده مجلدی پیش بینی میشود و اکنون آثار او قابل قدر است .

عزیزه مشعل :

عزیزه بنت الحاج استاد محمد سعید مشعل در ۱۳۳۸ هـ،ش متولد گردیده وبسال ۱۳۵۰ از صنف ۱۳ دارالمعلمین عالی هرات فراغت

تابلوی شکار نخچیر اثر عزیز

عزیزه مشعل

Marfat.com

حاصل کرده فعلا بحیث معلمه در لیسه مهری هرات شامل وظیفه است.
وی نیز در مکتب پدرش هنر نقاشی و مینا تور را فرا گرفته ودرین رشته نسبت به دیگر اعضای فامیلش پیشقدم بوده بمرحله استادی نزدیک است.

عبدالغفور گذره ی :

او در گذره هرات سکونت دارد در سال ۱۳۵۲ ه،ش از صنف ۱۳ دارالمعلمین هرات فراغت یافته و فعلا بوظیفه معلمی شامل ست.
وی نیز در ردیف تلامیذ مکتب استاد مشعل هنر میناتور را تحصیل نموده از آثار هنری او یک صندوقچه و یک تابلو موجود است.

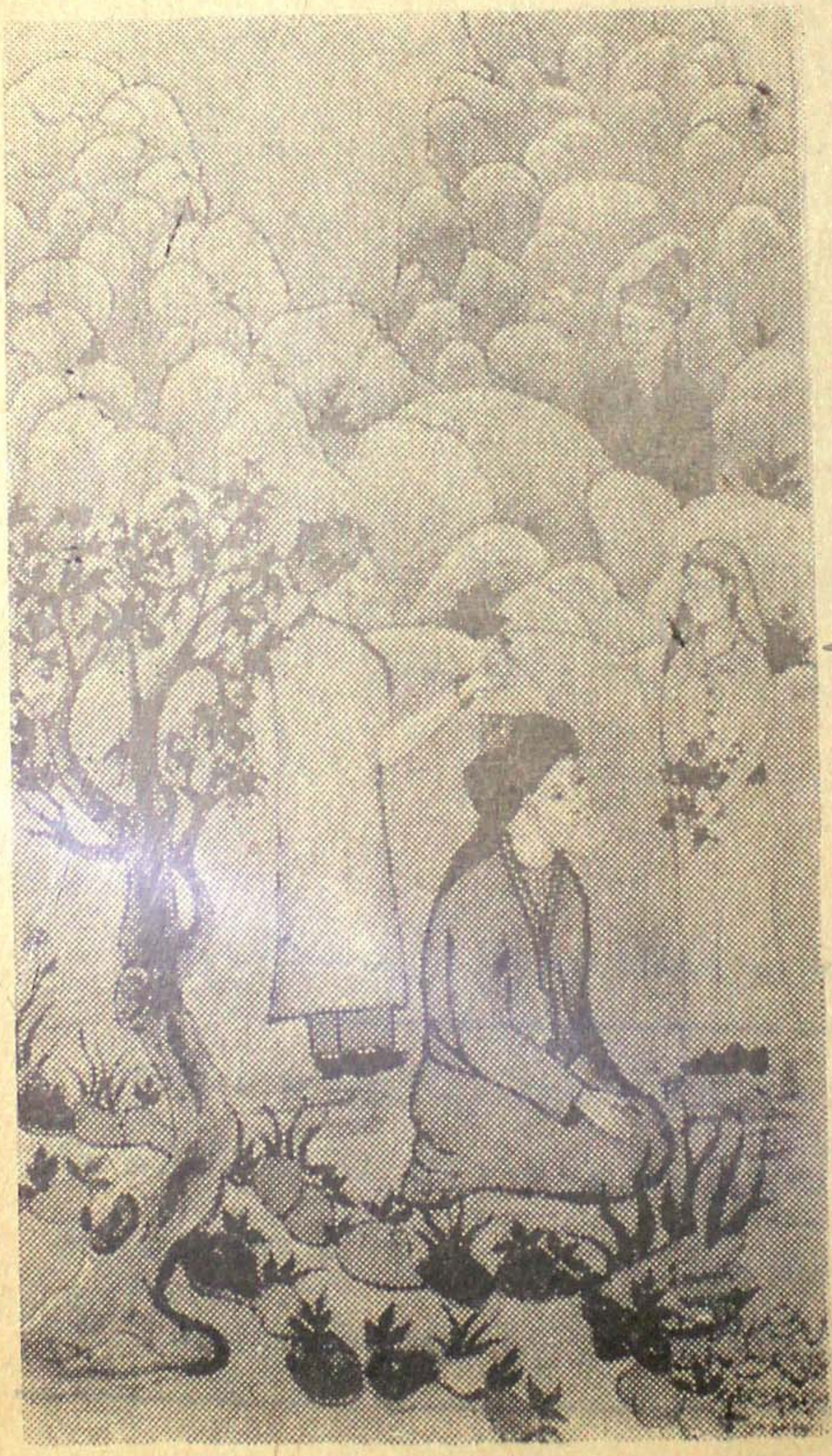

صحنه‌ی از عشق اثر عبدالکریم خوشنود

عبدالکریم خوشنود :

عبدالکریم ولد حاجی محمد در سال ۱۳۳۴ ش تولد یافته، در قریه کهدستان مربوط ولسوالی انجیل سکونت دارد و از صنف ۱۳ دارالمعلمین هرات فراغت یافته-در

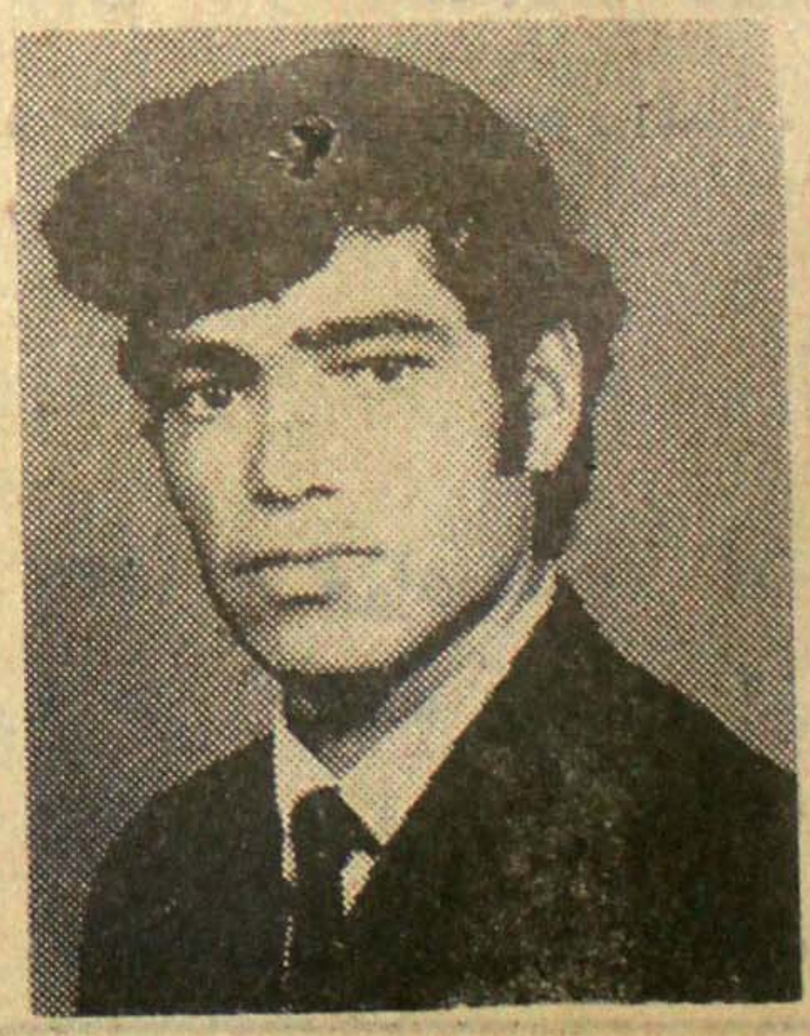

عبدالکریم خوشنود

Marfat.com

مکتب متوسطه یار تجا بسال ۱۳۵۲ بو ظیفه معلمی موظف گردیده .
وی ازحنین صغارت به مینا تور شوق مفرط داشته ودر اثرهمان ذوق
فطری در ردیف تلامیذ استاد مشعل بمشق و تمرین هنر پرداخته و
تشویق ستاد شوق هنری او را دوبالا ساخته و تاکنون درین رشته
مصروف است .

(استاد) عبدالعلی هروی :

او باستاد عبدل شهرت دارد پسر میرمیرزا باقر کابلی میباشد و این
پسر و پدر هردو شاگردان میرزا رضا بودند . استاد عبدل مصوری زبر
دست بوده در سیاه قلم و نقطه پردازمهارتی بسزا داشت و آثار
او چندتا بلوی رنگه و سیاه کار نزد فکری موجود بوده (۱) از آنجمله
تصویر سلطان احمد خان پدر امیر شهنواز خان ازشهکارهای اواست
روی صفحه کاغذ با اندازه تقریباً ۸ و ۶ سانتی با مداد سیاه کار
کرده که رنگ آمیزی نشده .

عبدالغنی فراهی :

وی در سال ۱۳۵۱ هـ ش از دارالمعلمین هرات فارغ التحصیل شده
هنر مینا تور را از مکتب استاد مشعل آموخته آثارش موجوداست .

عبدالبصیر ولد عبدالقدوس غوریانی :

باشنده و لسوالی غوریان هرات در سال ۱۳۳۳ هـ ش تولد یافته
در مکتب برنا باد دوره تحصیلات ابتدایی را طی نموده بعد از آن
فراغت حاصل کرده در دارالمعلمین هرات شامل شده و بسال ۱۳۴۹
که استاد مشعل در آن دارالمعلمین حیثیت استادی را احراز و مکتب

(۱) صفحه ۱۰۸ تالیفات فکری

Marfat.com

هنری باستانی هرات را سرازنو پی ریزی نمودوی نظر بعلاقه زیادکه به مینا تورو هنرهای زیباداشت بشاگردی استادموصوف این هنرزیبارا فرا گرفته است .

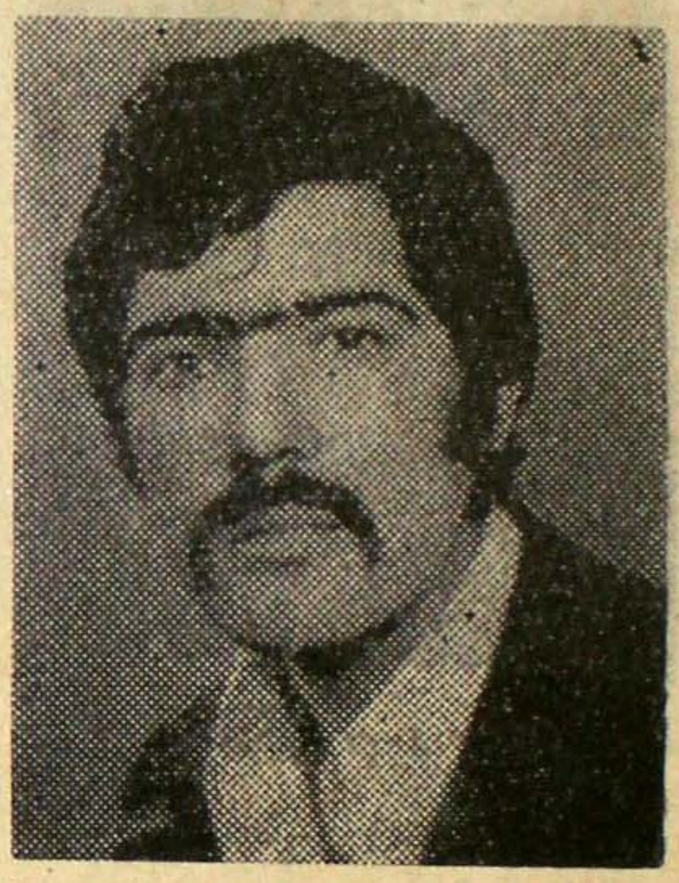

عبدالبصیر غوریانی

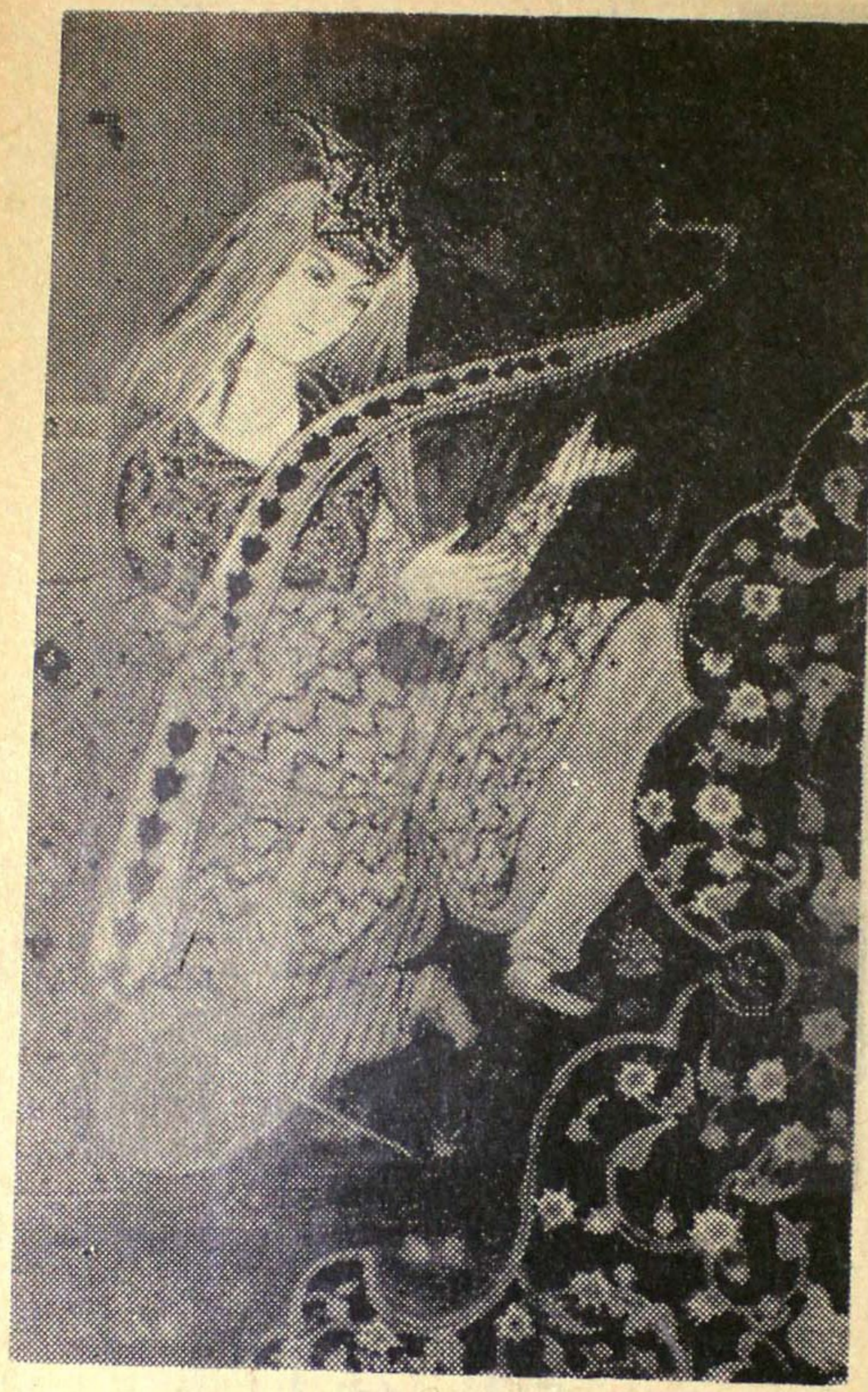

تابلوی عبدالبصیر

عبدالجلیل تاجر :

ولد حاجی احمد خان متولد در سال ۱۳۳۴ ش دوره ابتدائی تحصیلات خودرا در مکتب ابتدایی لیسه سلطان سپری نموده و تعلیمات ثانوی خود را تمام گذاشته ودنبال کسب و کار را گرفته و بعداً در سلك تلامیذ استاد مشعل به تحصیل هنر مینا تور پرداخته است .

عبدالکریم رحیمی :

عبدالرحیم در ۱۴۹۴ هش از دارالمعلمین هرات فراغت یافته بوظیفه معلمی

تصویر مولانا جامی اثر عبدالکریم رحیمی

همو ظفر بدر عین زمان
همکتب هنری استاد مشعل
به تحصیل رسم و مینا تور
پرداخته و بشوق تمام این هنر
زیبارا دنبال می کند .

عبدالکریم رحیمی

عبد الرحمن غوری :

ولد سید محمد ساکن نیلی مربوط ولسوالی تیورهٔ غور فارغ التحصیل صنف ۱۲ دار المعلمین است و فعلا در غوراست بوظیفه معلمی مصروف است . موصوف نیز از شاگردان مکتب هنری استاد مشعل بوده هنر مینا تور را از ین مکتب فرا گرفته آثارش در آینه استاد مشعل موجود است .

(غ)

غلام ربانی تیموری :

ولد غلام محمد فایق باشند ه ناحیه ۳ شهر هرات فعلا متعلم

صنف ۸ مکتب موفق هرات میباشد در اثر ذوق فطری که درین آب و خاک بوراثت استادان هنر باستانی موجود است در مکتب استاد مشعل افتخار شاگردی را حاصل نموده و مصروف تحصیل است .

غلام ربانی تیموری

تالموی بزم الحام حافظ اثر غلام ربانی

غلام حسن :

ولد حاجی رمضان از جمله نقاشان کاشی کار هرات است و به کاشی کاری مسجد جامع شریف مصر و ف است .

غلام حیدر سلجوقی :

شاگرد میرزا رضا بوده و در نقاشی و کاشی کاری مسجد جامع مدتی کار کرده . موصوف در سنین جوانی وفات یافته است .

Marfat.com

غلام جیلانی عثمانی :

ولد مجنون در سال ۱۳۳۲ هـ،ش درقریه بیت الامان متولدگردیده که‌مربوط ناحیه ۶شهرهرات‌است تعلیمات ابتدائی رادر مکتب انصاری و دوره ثانوی را در لیسه جامی طی نموده .

چون اززمان کودکی بهنر نقاشی ذوق مفرط داشته در اثر تشویق استادمشعل در فرا گرفتن این هنر اقدام‌ورزیده شامل مکتب هنری استاد موصوف شده است .

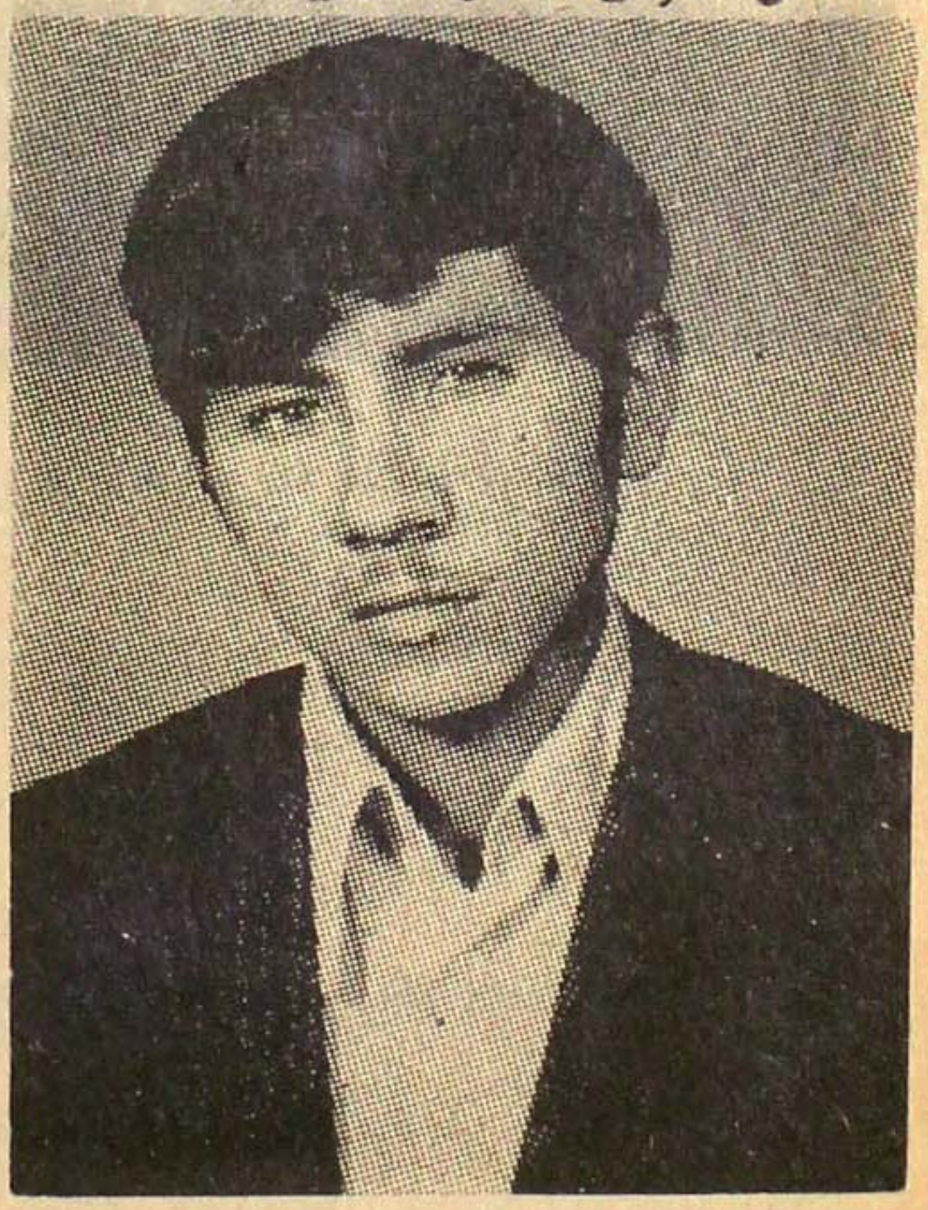

غلام جیلانی

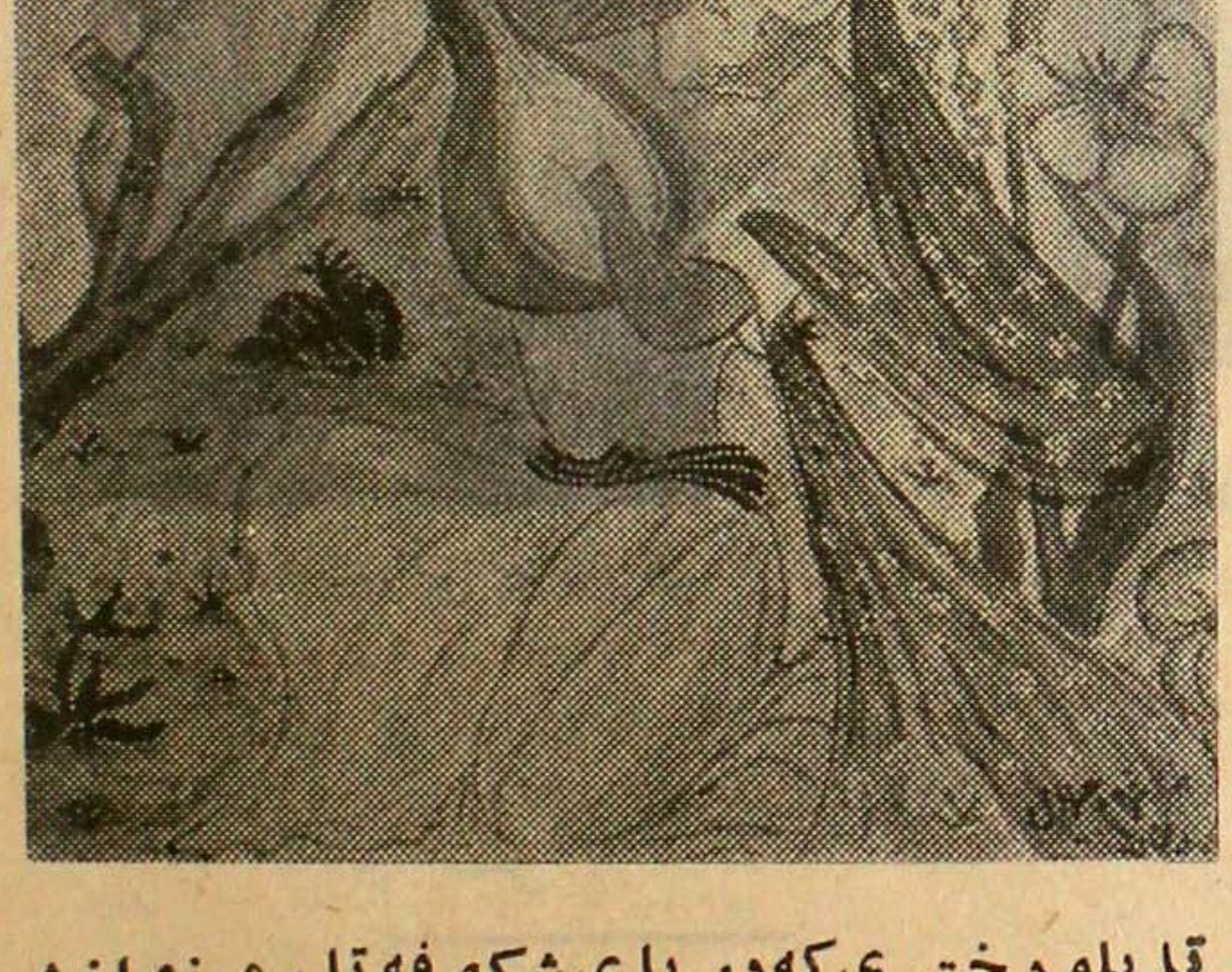

تا بلوددختری که‌در پای شکوفه تار مینوازد

اثر غلام جیلانی

غلام فاروق حبیب‌زاده :

در سال ۱۳۲۵ در هرات متولد گردیده تعلیمات ابتدایی خود را در مکتب سیفی هرات تکمیل نموده و بعد از آن دوره متوسطه را در

Marfat.com

مکتب ابن سینا بپایان رسانیده بعداً بمکتب صنایع کابل شامل شد.

در آن مکتب استادانش عبار تند از بنا غلی غوث الدین رسام عبدالصمد ، برهان الدین و محمد سعید مشعل بودند که همواره از طرف این استادان مورد تشویق و توصیف بوده است.

چون از صنف ۱۲ مکتب صنایع فراغت حاصل کرد بحیث معلم آرت بولایت هرات معرفی شد و تاکنون وظیفه آرت را در هرات ایفامیدارد فعلا در لیسه وزیر فتح خان مربوط وزارت معارف بوظیفه شامل است

در مدت مصروفیت خود بوظیفه آرت و هنر درحدود دوصد تابلوی هنری ترسیم و از خود بیادگار گذاشته که از آن جمله فعلا ۳۵ اثر نزدخودش موجوداست که مشهورترین آنها خودش، نگاه ناکام) نامیده است

یک درویش اثر غلام فاروق حبیب زاده

وی سبک مینا تور را تعقیب میکند و علاوه بر آن در موسیقی علاقه و ذوق سرشار دارد و در اوقات فراغت باستعمال آلات موسیقی از قبیل آرمونیه طنبور دوتار می پردازد (شرح فوق از روی نوشته خودش تذکر یافت) .

غلام فاروق حبیب زاده

Marfat.com

((ف))

فخر الدین :

حاجی فخرالدین نقاش خلف میرزا رضا درسال ۱۳۱۸ ه، ش درحالیکه از فن تصویر دست کشیده بود و فات یافت . وی مصور ماهر و مشهور بود .

فقیر نقاش :

میرزا فقیر نقاش شاگرد میرزا رضا بود. درزمان امیر حبیب الله خان شهید که مزار حضرت خواجه انصار قدس سره ترمیم شد تمام نقوش و نوشته ها از قلم او بود که چون تماماً رنگ آمیزی بوده و کاشی کاری نبود تا کنون اثری از آنها کمتر باقیمانده . موصوف بسال ۱۳۰۴ ه ش وفات یافت .

فضل احمد مقصودی :

در سال ۱۳۳۱ درقریه بیت الامان ناحیه ۶ شهر هرات متولد و تعلیمات ابتدائی خودرا درمکتب انصاری و تعلیمات ثانوی را بمکتب دار المعلمین هرات بپایان رسانیده بعدازآن براثر تشویق و ترغیب استاد مشعل صنایع نقاشی ، مینا تور ، گجبری، کند نکاری بر روی چوب ، روی چرم تذهیب، سوادکاری و دیگر صنایع ضروری را فرا گرفته و در قطار آثار یکه در آتلیهٔ استاد مشعل موجود است از وی آثار ارزنده نظر زیبائی می نماید .

وی از برازنده ترین شاگردان استاد مشعل است و علاوه بر علاقه

Marfat.com

خاص در کسب هنر از خود نشان میدهد و ازین عشق و علاقه صمیمی او بهنر که او . اهمیشه بمکتب استاد مشغل مصروف د رد آینده رو شنی با و پیشبینی میشود.

فضل احمد مقصودی درحال کار

و فعلا هم بحیث معلم در دار المعلمین عالی هرات ایفای وظیفه می نماید و بالفعل یکی از هنرمندان این رشته هنری شمار است که از آثار او هویدا است .

یکی از آثار مقصودی تابلوی سیاه موو جلالی است که درعکس اطاق کار استاد مشغل مشاهده میشود .

((ل))

لطف الحق فضل :

ولد فضل الحق متعلم صنف ۱۲ لیسه سلطان هرات .

وی بسال ۱۳۳۴ هش در هرات متولد شده و اکنون ۱۸ سال دارد، در اثر ذوق فطری که زادگان این آب و خاك بهنر دارند در زمره تلامیذ استاد مشعل بفرا گرفتن هنر میناتور شمولیت ورزیده است .

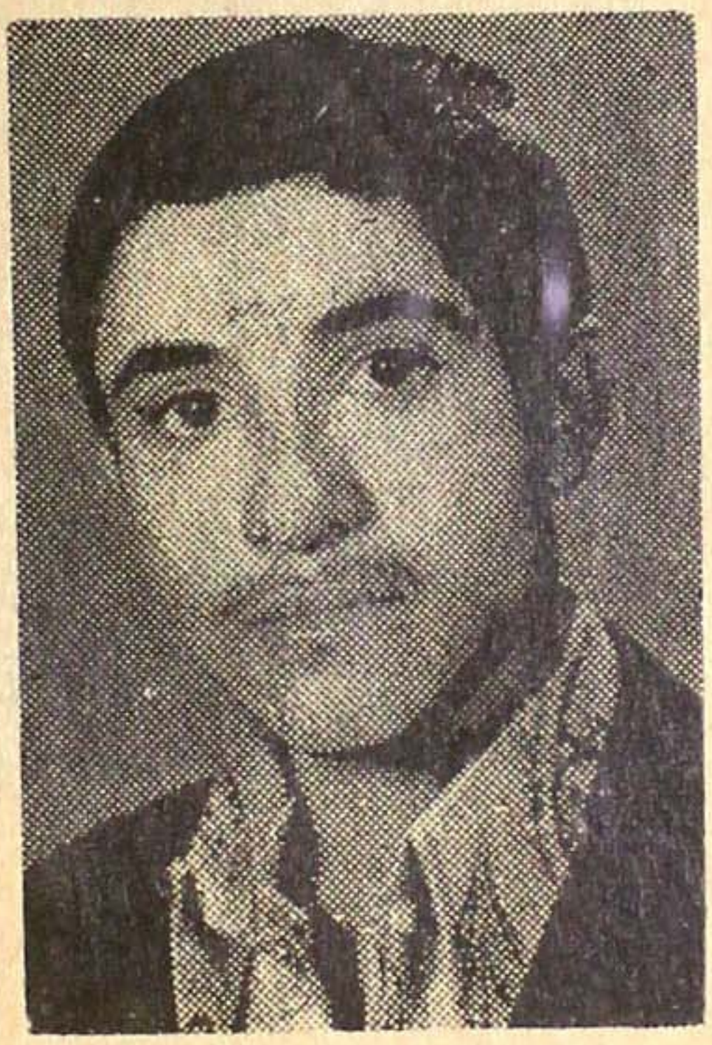

لطف الحق

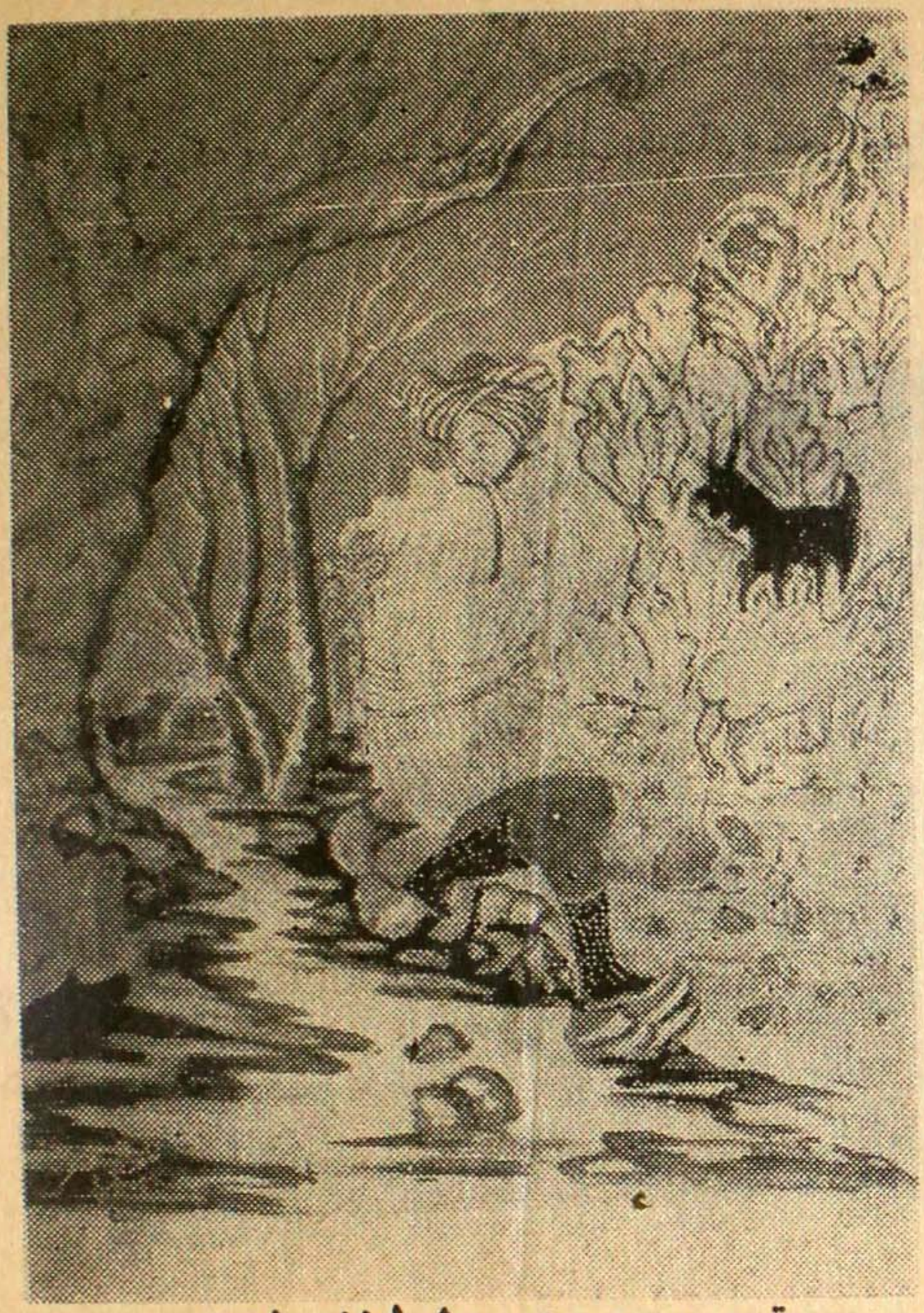

تصویر چوپان اثر لطف الحق

(م)

(حاجی) محمد سعید مشعل :

استاد حاجی محمد سعید مشعل از همان شخصیت های ممتاز و برجسته هنری است که گذشت زمان نه تنها بر نام و شهرت او صدمه وارد کرده نمی تواند بلکه روز بروز و سال بسال بر شهرت او افزوده خواهد شد و او را گر بهزاد معاصر بگوییم مبالغه نکرده ایم .

استاد مشعل واقعاً در هنر مینیاتور ید طولی دارد و نیز وی

Marfat.com

هنر یش از یك عشق سر شا ر سر چشمه میگیرد که با تمام قد ر ت
بشر ی کـو شا ن ا ست تـا ذ و ق هنر را در محیط و سعت د هد
و هنرمندا نی تر بیه کند که هر یك تا مقام خو د ش بلند بر و ند و هر
کد ا م مکتبی بلکه مکتب ها ی هنر ی تا سیس نمایند وهنروران ی
تر بیه کنند .

حاجی محمد سعید مشعل

این عشق سرشار و نظر کیمیا اثر ش در ین
سر زمین پر فیض بسا نها لهای مثمر غرس نموده
که عده زیا داز آنها بثمر رسیده و در بسارز اطراف
و نقا ط کشو ر شا گر دا نش بسا ط هنر را پهن
کرده و مکتب ها تا سیس نمو د ه اند و ا ز
مکتب های خو د ها هنر و را نی بمحیط تقد یم
کرده ا ند .

حاجی محمد سعید مشعل و ا قعاً مشعل فر وزا نی ا ست که بهر سو
نو ر پا شی مینما ید و ی علا و ه بر صنعت مینا تو ر د ر شق
خطا طی نیز مهارت بسز ا دارد .
خط نستعلیق را نهایت ز یبا می نویسد :

استاد مشعل در شعر وادب نیز قریحه سرشار دادر و از شعرای درجه
اول معا صر بشمار ا ست .
اینك نمو نه ی از اشعار او : غزل ذیل از آ ثار سابقه اش میباشد
که در سال ۱۳۴۰ سروده است :

آ مد بهار وصحن ز مین شد گلا ب ر نگ
گویی جهان گر فته همی از گل آب ر نگ
یا آ نکه داده صفحه گیتی بر نگ آب

دست قدر که ریخته هر جا بآب رنگ
بس برگزیده تر بود از رنگ انتخاب
صنعتگر قضا چو کند انتخاب رنگ
رنگی که نیست بهتر از ان رنگ در جهان
رنگی که پیش او نبود در حساب رنگ
رنگ بشر بود که ز تأثیر انحراف
بروی نباشد از عمل ناصواب رنگ
این آدمی که یافت جهان آب و رنگ ازو
واحسرتا ر بباخت بیوم الحساب رنگ
یا رب فرست مشعل راه هدایتی
وز شعله اش بده برخ شیخ و شاب رنگ
از آب عفو نامه اعمال ما بشوی
وز نور لطف ده برخ این کتاب رنگ

چون موثوق ترین شرح حالات شخص همان است که خودش یا یکی از تلامیذ مکتبش بنویسد نوشته خودش را که بخواهش من سوانح خود را تحریر نموده است با شرحی که یکی از شاگردانش در نقش مکتب هنری او داده ذیلا می نگارم :

([illegible] محمد سعید مشعل)

من حاجی محمد سعید پسر مرحوم حاجی محمود غوری

با داشتن وظایف رسمی نظر به عشق وعلاقه‌ی که برای زنده ساختن ساختن مکتب بهزاد داشتم همواره در ین راه بذل مساعی نموده‌ام وقتیکه صنایع فنون ملی در هرات تأسیس شد و آقای ملکیار توجه خاصی داشت من رئیس صنایع گردیدم شعبات میناتور سازی، حکاکی، حجاری، سرامیك، مجسمه سازی، سراجی وامثال آنها را تأسیس و مدت کمی به تربیه شاگرد ها توجه شد اما بسیار زود آن مؤسسه ملغی و منحل گردید -

بار دوم به مکتب لیسه سلطان کورس مینا تور تأسیس نمودم آنهم دوام نکرد و زود ازبین رفت، بار سوم در لیسه سلطان کورس تأسیس نمودم باز هم برگود موازه شد واز بین رفت .

در حین تصدی ریاست بلدیوالی هرات یك جاده را بنام جادهٔ صناعتی نام نهادم و ارزند. ترین هنر مندان کسبه را ازهر رشته بآن جاده نقل دادم و از بودجه بلدیه به ایشان مبلغی بصورت تقاوی و قرضه کمك شد آنهم بعد ازسپری شدن دورهٔ ریاست بلدیه هشت گردید و نتیجه آن فقط بعضی اشخاصی هستند که فعلا در بازار بکس های حلبی می سازند و نقاشی میکنند .

اخیراً وقتیکه دورهٔ وکالتم از مجلس سنا ختم شد با آنکه من مامور سابقه دار بودم و در هر وزارت بمن چوکی موجود بود از وزارت معارف خواهش کردم که مرا بحیث معلم میناتور و تذهیب در هرات متوقع بدهند داکتر محمد اکرم وزیر معارف آنوقت خواهش مرا پذیرفتند و من در سنه ۱۳۴۸ بحیث معلم میناتور بهرات آمده و بدار المعلمین هرات صنوف ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ - را تحت تعلیم گرفتم، ازسنه ۴۸ به بعد در هر سال یك تعداد که از صنوف ۱۲ فارغ التحصیل شده اند درشق میناتور و نقاشی نیز بهرهٔ کافی داشته اند و آنانکه

Marfat.com

از صنف ۹ الی ۱۲ و صنوف ۱۳ مسلکی ازمن استفاده کرده نقاشی های خیلی ماهر و تا جاییکه درس فراگرفته اند در هر ولایتی که هستند می توانند بمعارف آنولایت معلم خوب و قابل استفاده باشند-در ظرف مدتی که بمعارف کارکرده ام از شاگردن معارف و غیر معارف در حدود بیش از ۴۰۰ نفردر نقاشی تربیه کرده ام که به تمام ولایات مملکت پخش گردیده اند وامروز آثار شاگردان من ازقبیل کوزه و صراحی و صندوقچه های نقاشی شده و تخته های شطرنج و امثالهادر هر ولایت موجود و در هر بازار دیده می شود -

بعداز تقاعد در استودیوی شخصی خودچند نفر شاگردانی دارم که کار می کنند و خودم هم مصروف آنها و اولادخود هستم .

یادداشت :

ساعات درس صنوف ۹ ، ۱۰ و ۱۱- در هفته ۲ ساعت - و صنوف ۱۲ بعد از وقت و در اوقات فراغت استفاده می کردندو بصنوف ۱۳ مسلکی در هفته ۳ ساعت درس داده شده است .

مکتب میناتور استاد محمدسعید مشعل:

معلم فضل احمد مقصودی

فضل احمد مقصودی که یکتن از شاگردان پیشرفته استاد محمد سعید مشعل است و پیشتر او را معرفی نمودیم راجع بهمکتب آن استاد گرامی شرح ذیل رانوشته است :

این یك سنت کهن است که عشق بمینا تور و مینا کاری در روح زادگان کشور افغان ریشه ی بس عمیق دارد و در هر فرصتی بنوی بروز میکند اما چه وقت ودرچه شرایطی میتوان گفت که اگر بسا اسلاف ما از دوره های تیموری تا حال برای حفظ صنایع مستظرفه چشمان خود را کم التفات نمی ساختند وتوجه خودهارا ازین خدمت مملکت دریغ نمیداشتند و نام بنیان گذاران آن افتخارات

هنری ما را لگدکوب خفا و فراموشی نمی نمودند امروز بیگانگان جرئت آنرا نداشتند که مکتب هنری ما را یکسره بنام خود بگردانند و از خود بدانند اما تاریخ شاهد آنانیست که برای بسر رسانیدن این مکتب قدمی مثبت بر میدارند و افتخارات هنری کشور عزیز خود را بار دیگر در جهان جلوه داده به جهانیان می شناسانند .

یکی ازان شخصیت های ممتاز همین استاد محمد سعید مشعل است که برای حفظ و زنده نگاه داشتن مکتب بهزاد مشعل وار سوخت و تا آخرین رمق در راهٔ فیروزی این مکتب زحمت خستگی ناپذیری را متحمل گردیده حق خدمت وطن عزیز را درین رشته هنری اداء نموده است .

من هم یکی از شاگردان بسیار تنبل این مرد شریف و بزرگوار هستم و در صنف مکتب برای بنده نقاشی ، مینا تور ، گچبری کندن کاری روی چرم ، تذهیب ، سواد کاری و غیره چیز های ضروری را رهنمایی فرمودند واو یگانه کسی است که در کوره راه زندگی مرا یاری و رهبری نمود و در ظرف چهار سال مرا با تمام امور فن و هنر آشنا ساخت .

چون عشق سرشار به نقاشی دارم امیداست باثر زحمت کشی های شبا روزی بتوانم شمه‌ی از هنر مینا تور را ازین استاد بزرگ فرا گیرم و حسب تلقین استاد محترم یگانه آرزوی من اینست که هنر را برای جامعه خود و برای خدمت بوطن خود بکار برم .

محمد یوسف شریفی :

سکونت او در شین دند و تعلیم یافته صنف ۱۲ دارالمعلمین هرات است فعلاً در شین دند بوظیفه معلمی مصروفیت دارد . وی از تلامیذ مکتب استاد مشعل و در نقاشی و شبکه کاری روی چرم قدرت قوی دارد .

محمد یوسف مانند سائر شاگردان مکتب مشعل میتوانند این هنر زیبا را دران منطقه وسعت دهدو شاگردانی جلب کند وهنرمندانی تربیه نماید که آثار ارزنده ازخود بیادگار بگذارد .

محمد نادر مشعل :

محمد نادر ولد حاجی استاد محمد سعید مشعل تولد او در سال ۱۳۳۵ فعلا متعلم صنف ۱۲ لیسه سلطان هرات است چون نقاشی در فامیل او برازنده ترین شغل هنری است در این رشته به شاگردی وپیروی از پدرش طرح ریزی و مشق و تمرین می نمایدو درین رشته پیشرفت شایان نموده است .

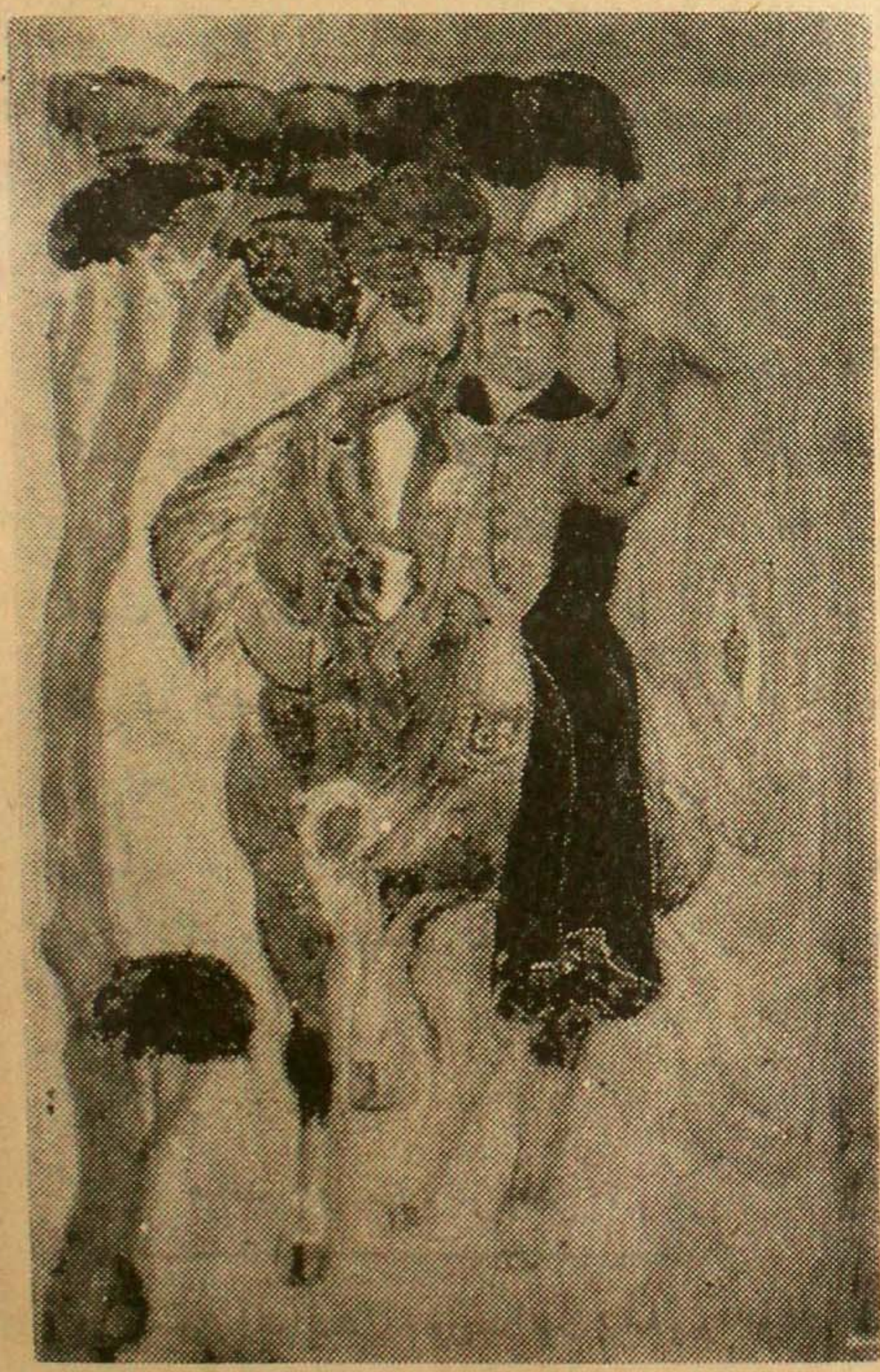

تصویر یکی از سردارانغوری اثر محمد نادر

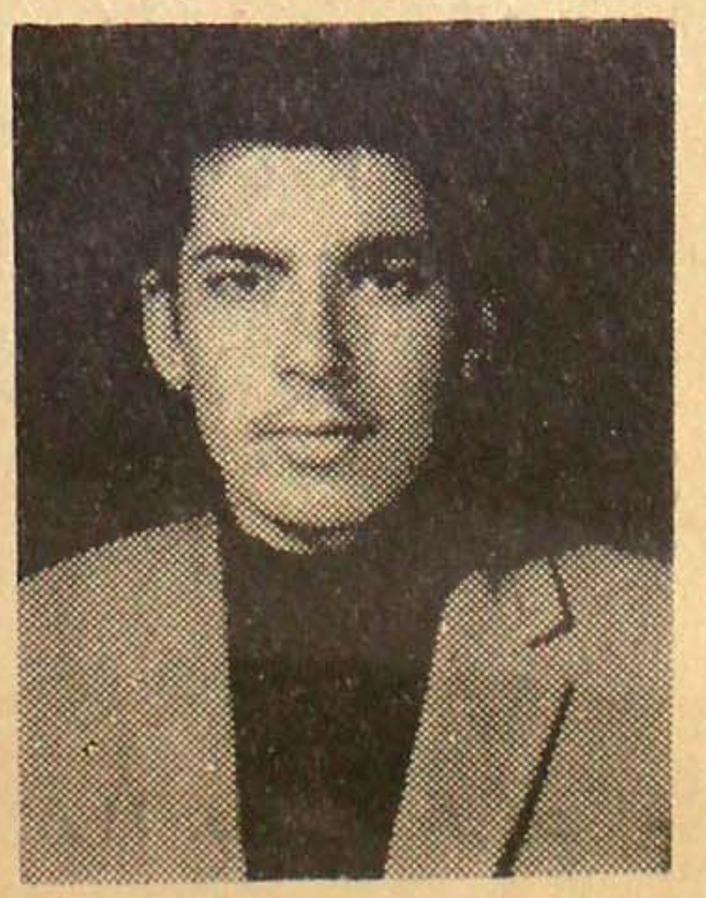

محمد نادر مشعل

Marfat.com

محمد کبیر حمید :

وی متعلم صنف ۸ تجربوی دارالمعلمین هرات است صنعت میناتور ونقاشی را از استاد مشعل آموخته است و از زمرهٔ تلامیذ او است .

محمد جعفر :

وی ولد غلام رضای تقی زاده باشنده قریه غور در واز بتاریخ ۱۳۲۸ متولد شده در متوسطهٔ تجربوی دارالمعلمین عالی هرات مصروف تحصیل است در حالیکه استاد مشعل در دارالمعلمین درس نقاشی و مینا تور را آغاز کرد محمد جعفر از تدریس او با استفاده اعظمی تصمیم گرفت وخود را با تمام قوی به تحصیل و فرا گرفتن این هنر آماده ساخت وطوریکه مدعی است هنر مینا تور جزء لاینفک زندگی او گردیده وآینده درخشانی او پیشبینی میشود .

صراحی میناتور شده اثر محمد جعفر

محمد جعفر تقی زاده

Marfat.com

محمد ولی کشکی :

و ی کشکی یا مشعو ف تخلص دا ر د ودر سا ل ۱۳۵۲ ا ز مکتب دارالمعلمین هرات فر ا غت یا فته واز صنف ۹ تا ۱۲ تحت تعلیم و رهنمایی ا ستاد مشعل هنر مینا تو ر را فر ا گر فته و آثا ر او در شعبه مینا تو ر ا ستاد مشعل مو جو د ا ست که عبارت ازیك تابلو و یك کو زه است .

محمد عثما ن قا ضی زاده :

ولد محمد اعظم اصلا اهل پغمان درسال ۱۳۱۶ در کا بل تولد شده و مدت مدید است که در هرات اقا مت دارد و در هرات تأهل نمود فعلا در گازرگاه شر یف سکو نت دارد .

وی دستگاه حجاری مفصل در جاده شمالی مسجد جا مع شر یف روی کار نموده وسنگهای الواح مزارات مرا به مهارت تام میتر اشد .

و علاوه بر آن غوری نان خوری ، کاسه ، پیا له ، خا کستر دا نی و غیره سا مان از سنگ می تراشد .

در فن نقاشی دست قوی دارد ، نقاشیهای ظریف در بعضی غوریهای سنگی طرح میکند در سا ختن ظروف سنگی صنعت فوق ا لعا ده از خود نشان مید هد که ظروف سنگی مطا بق بحجم ظروف چینی می سازد که وزن آن نیز از ظروف چینی زیادنیست و با ظروف چینی هم حجم خود هم وزن است . کار سامان حجاری او ساخت داخلی است سنگهارا از معادن ، گازرگاه ، زیار تجا ، کرخ و خواجه چشت بدست میآورد نام برده ازهنر مندان خوشبختی است که از پیشه خود کمال رضایت داشته و بازار هنرش فوق العاده گرم است و یکنوع ا بتکار و تحول نیز در صنعت خود میدهد .

او صنعت نقاشی وحجاری را از پدرش آموخته و قرار نوشته خودش تا کنون بیست نفر شاگرد تربیه کرده است :

ا نواع سنگها را از منا طق کوه های هرات بدست آورده در محل تجربه قرار میدهد و هر نوع را برای سامانی اختصاص میدهد.

Marfat.com

((ن))

محمد نسیم پروانه :

خلف مرحوم حاجی محمود برادر استاد مشعل . وی هم خطاطاست وهم است نقاش .درخطاطی و نقاشی ازاستاد مشعل پیروی واستفاده نموده در خط نستعلیق و شکست ید طولی دارد .

وی مدتی بدو اثر حکومت شامل بوده و چوکیهای حکومت را در بساد وائر اشغال داشته و یک دورهٔ وکالت شوری را نیز طی نموده است سکونت اصلی او در ینگی مربوط ولسوالی تیوره میباشد فعلا در منطقه غورمصروف امورزراعتی است .

نثار احمد :

نثار احمد

وی فرزند محمد یوسف متعلم مکتب پښتون زرغون در سال ۱۳۲۷ درقریه ده شادی پښتون زرغون تولد یافته و در سال ۱۳۵۱ از دارالمعلمین هرات فراغت حاصل نموده و در صنف میناتور شاگردی استاد مشعل این هنر زیبا را فراگرفته است .

حصه دوم

خطا طان معاصر

(ا لـف)

ا لله بردی :

خلیفه الله بردی خلف ا لصد ق حضر ت صو فی ا سلا م شهید نور الله مر قد ه بوده مدتی خلافت وا لد بزر گو ا ر ش را بعهده د ا شت .

مو صو ف ذ ر یعه نا خن خو یش خط خو ش مینو شت و ا ین خط ابتکا ر و اختر ا ع او ا ست، معز ی ا لیه بخط نستعلیق مها ر ت بسز ا دا شت چو مصروف و ظیفه ا ر شا د بو د بنو شتن کد ا م کتا بی باوشان فرصت میسر نبود .

در سال ۱۳۱۱ ه ، ق دار فنا را وداع گفتند- مسجد جا مع کرخ و ایوان غر بی مرقد حضر ت شهید از ز مان آن بز ر گو ا ر ا ست مر قدشان درجوار مزار حضرت شهید (رح) است .

(میر زا) ابو القا سم :

میر زا ابوالقا سم نیز ازجمله فر ز ندان حضر ت شهید رحمة الله علیه میباشد که دست ارادت به خلیفه دارالامان بلخی داده مامور بار شاد مر دم بود . درکرخ در مسند پدر بزرگوارش ازو خلافت می نمو د . معزی الیه درحسن خط خصوصا نستعلیق بدرجه استادی بود .

از خطوطی که بقلم او است نزد ارادتمندان موجود است در سال ۱۳۹۳ - بجهان جاودانی رحلت نمو د .

میرزا عبدالحق، میرزا عطاء الله ، میرزا عبد القادر ، میرزا عبد الرازق ، میر زا حبیب الله وبسا شخصیت های دیگر که همه از اولاد و فامیل حضر ت شهید (رح) بو ده ا ند همه د ر هنر خطا طی

دست قوی داشتند خصوصاً میرزا عبدالحق که بمیرزای خوش نویس شهرت داشت در اینجا شرح حالی که بدست آوردیم نمونه فضیلت هنری این خاندان بزرگ شده می تواند.

میرزا ابو نجیب :

مرحوم میرزا ابو نجیب از سلاله سادات حسینی و از جانب مادری از دودمان حضرت صفی اسلام شهید (رح) بوده و در ولسوالی کرخ هرات پابرنیا گذاشته است.

موصوف خطوط کوفی، ثلث، ریحان، نستعلیق را بخوبی مینوشت لوح مرقد حضرت خلیفه الله برده گی و حضرت میرزا محمد عمر بخط ثلث از آثار قلمی او است قطعاتی هم بخط کوفی گرهدار از وی بیادگار مانده است.

او در علوم متداوله فقه، تفسیر، حدیث و بالخصوص در علوم عربیت معلومات کافی داشت در زمان حضرتی میرزا محمد عمر حضرت کرخ در مدرسه آنجا بتدریس طلاب علوم موظف بود.

در برج حمل سال ۱۳۳۹ ش، دیده چشم از جهان پوشید ودر روضه مقبرهٔ حضرت شهید (رح) مدفون گردید.

ابوبکر اوبهی :

سید ابوبکر اوبهی متخلص بفانی در خط نستعلیق و نسخ و ثلث کمال قدرت و مهارت داشت از قوم سادات بود. علاوه بر خطاطی شهرت و مهارت فوق‌العاده‌اش در شعر و ادب بود، در علوم متداوله عربیت نیز مقام عالی داشت ولی اشعارش تماماً مداحه و هجویات بود. وی مدتی در دفاتر حکومتی اوبه و غیره دوائر حکومت به بحیث کتابت اجرای وظیفه می نمود.

چون مدتی در شعبات آرشیف بوارده و صادره و ترتیب دفاتر

Marfat.com

رسمی مصر وفیت دائمت بر روی همان سلیقه دفتر اشعارش را به
بشکل یك دفتر تحریرات رسمی ترتیب داده و بهر یك از مشاهیر و
ارباب ثروت مدایحی و هجویاتی سروده و بنام هریك کارتنی از
اشعاررا مملوساخته باین ترتیب که مدحی مفصل و عالی بنام اوسروده
و چون صله مطلوب از ودر یافت نکرده بالمقابل بنام او هجوی مفصل
سروده و هردورا مانند مکتوب وجواب مکتوب بیك دوسیه جای داده
و هر کدام نمبر وتاریخ دارد ، هر شعر اندازهٔ تاثرات مثبت و
منفی او را به نسبت ممدوحش نشان میدهد . بعد از مدتی باز مدح
دیگر به نسبت او سروده و از مداحه وهجای پیشینه اش یاد آوری
کرده . بعدازآن باز هجودیگر سروده و اندازه تاثراتش ر به نسبت
پیش آمداو بتکرار ابراز داشته و همچنین .... درهر کارتن که
بنام یك شخصیت است چندین دوسیه است و درهردوسیه یك عدد شعر مداحه
با هجویه جای دارد و در دفتر وارده و صادره نمره و تاریخ
آن درج است .

سیدا بوبکر او بهی در بدیهه سرایی یدطولی داشت چنانچه یکی ازروزهای
سردز مستان سالهای حیاتش که شب پیش آن میر محمد عثمان
حسینی مدیر اتفاق اسلام در آنوقت گازرگاه دعوت بود درعصر روز پرزه ی
بمن رسید که سید ابو بکر بخط بسیار خوش نستعلیق نیم قلم نوشته بود :

ای لبت گنج محفل آرایی — وی ضمیرت محیط دانایی
رفت آقا ز شامت بختم — ماندم امشب زبون زبیجایی
چه شود گر باین معاصر وقوم — گره از کار بسته بگشایی

یعنی از بذل نان وآتش وچای — زحمتم را قبول فرمایی

از جمله مدایح او که به بزرگان هرات نوشته از یك قصیده اش
فرد ذیل است :

ذات تو در مسلك مشایخ گهر — نام تو در حلقهٔ اعیان نگین

از یك مداحه او که به لهجه مثنوی سروده شده:

معن و حاتم ز سخایت خجلند بحر و کان از کرمت منفعلند
کیست کوریزه خور خوان تو نیست بندهٔ سر خط احسان تو نیست

از سید ابوبکر کاظم قطعه و کتیبه بمشاهده نرسیده در خط نیم قلم وریزه آثاری از و مانده است . وفات سید ابوبکر فانی در سال ۱۳۲۲ ه،ش واقع شده است .

(شیخ) اعظم جان :

محمد اعظم ابن مرحوم شیخ سلطان احمد متولی خرقه مبارکه حضرت فخر کائنات (ص) در هرات وی از اولاد زنده فیل شیخ احمد جام میباشد .

شیخ اعظم جان در خط نستعلیق خصوصاً نیم قلم به مرتبه عالی مهارت تام ودر سائر اقسام خط قلم توانائی دارد بسا قطعات او نزد مردم میباشد مدت عمرش را در چوکی های حکومت سپری نموده و فعلا که متقاعد است در شرکت پخته هرات شامل وظیفه است شخص با اخلاق و باد یانت است .

نمونه خط حاجی امین الله

(حاجی) امین الله عطار :

ولد میرزا حبیب الله از کسبه بازار خوش هرات به درب کوچه زال خان دکان عطاری دارد و وکیل صنف عطار ها است .

حاجی امین الله عطار

Marfat.com

وی در شش قلم خط مهارت دارد واز تلامیذ استاد محمد علی عطار است قطعات زیاد بخطوط نستعلیق ثلث و غیره نوشته نزد مردم موجود است .

در مسجد قریه کل آب وهم در مسجد بازار مسگران کتیبه ها بخط ثلث نوشته که یادگار آثار هنری اواست .

قراریکه حاجی موصوف خودش خلاصه سوانح خودرا شرح میدهد :

در سال ۱۳۲۰ شمسی در هرات متولد شده وسال ۱۳۲۷ شامل مکتب خانگی گردیده وتحصیلات ابتدایی را در مکتب بپایان رسانیده چون از همان آوان متعلمی بخط خوش علاقه زیاد داشته برای تحصیل این هنر زیبا در سال ۱۳۴۲ شمسی به استاد محمد علی عطار مراجعه نموده وایشان او را بشاگردی خود پذیرفتند ودر بسال ۱۳۴۳ شامل قطعه عسکری شده چون مشق او موردپسند بوده در مطبعه دوسال بشعبه آرت وخطاطی بوده فعلا بدکاندآری مصروفیت دارد .

منشی ملا احمد :

ولد ملامراد در سال ۱۲۹۲ه،ق در قریه (عالمتاب) جوند متولد شد و درعهد طفولیت به توجه پدرش بتحصیل علم و حسن خط پرداخت و در همان دوره کودکی باوالدین و برادرش منشی ملا عبد الصمد بهرات آمده علوم متداوله را درهرات تکمیل نموده و بخطوط نسخ ، نستعلیق کوفی مهارت یافت و نیز در فن میناتور قابلیت پیدا کرد که صفحات قرآن و کتب معروف را نقش و میناتوری نمود، قریحه عالی درشعر داشت ومجموعه اشعاراو بخطخودش نزد آقای محمدوزیر برادرزاده اش میباشدنظر بامتیازی که درنگارش و ادب وحسن خط داشت دوره حیاتش بحیث منشی ولایت ومدیرخارجه ولایت سپری گردید ومدتی هم بوکالت سر محرری جریدهٔ فریادروز نامه کنونی اتفاق اسلام موظف بود چون در حسن خط و فضل و دانش شهرت یافت در زمان امیر حبیب الله خان بکابل خواسته شد و شامل منشی های دربار گردید وعلاوه برآن بترتیب و تنظیم کتابخانه سلطنتی آنزمان شامل و ظیفه شد .

نمونه خط نستعلیق و شکسته مستی ملا احمد

تفصیل در صفحه ۲۴۸

Marfat.com

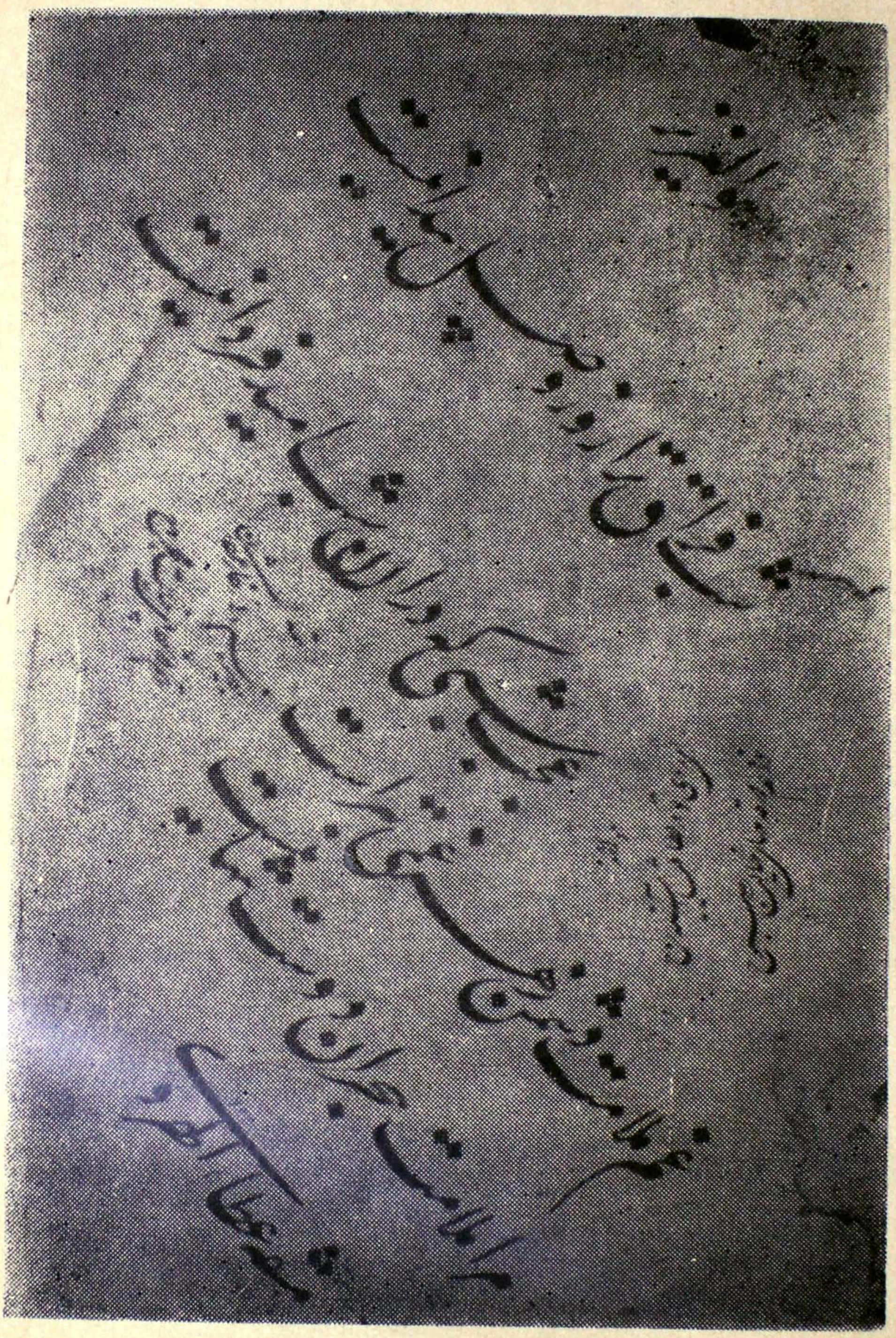

نمونه خط نستعلیق شیخ الاسلام ملا خدا بخش

تفصیل در صفحه ۲۳۱

Marfat.com

در بلا گر صبر آری رستگاری رو دهد
چون جفاها ئیکه دیداز زمره معهود هود
جود خوش باهد بعالم خاصه جودعلم و فضل
کرد آدم را بفوج قدسیان مسجودجود
از خدا یاری طلب در دفع مطرود عدو
تا بر آرد سطوتش ازجان هرمردود دود
آدمی زا خلاق نیکو میشود مرد تمام
عود هیزم بود شد از طنیت مسعودعود
ای عطاء جولان به میدان سعادت می کند
هر که عمری در رضای حضرت معبود بود

((ذ))

آخند ملا (ذبیح الله)

وی فرزند دوم مرحوم شیخ الاسلام آخند ملا خدا بخش است که در تحریر خطوط سته بشاگردی پدرش لیاقت ومهارت کافی بهمرسانیده از اقران فایق شد و در تمام مملکت به هنر خطاطی شهرت یافت در عصر امیر حبیب الله خان برای تنظیم کتابخانه سلطنتی و تربیت نائب السلطنة سردار نصرالله خان بااعزاز تمام بکابل خواسته شده و مدت مدید این وظیفه را بعهده داشت .

آخند ملا ذبیح الله بعد از سالها برای دیدار اقارب رخصت خواسته بهرات بازگشت و در همین اثنا مریض شده روز جمعه ۲۵ ربیع الثانی سال ۱۳۱۲ دار فانی را پدرود گفت، امیر شهید از استماع وفات این استاد و خطاط گرانمایه سخت متأثر شده امر کرد که مقبره اش بوجه شایسته آباد وعمارتی هم درجوار آن ساختمان گردد و چند نفرقاریان کلام الله موظف شدند که همیشه در آنجا به تلاوت و دعا مصروف باشند .

از آثار خطوط عالی این استادمرحوم یکقطعه نفیس مذهب درموزیم

Marfat.com

آثار خطی وزارت اطلاعات و کلتور و یکقطعه زیبای دیگر دارای نقوش و تذهیب کار خودش در کتابخانه شخصی پوهاند دکتور جاوید محفوظ است

(ر)

(سید) رضی :

مرحوم حاجی سید رضی طبیب پسر میرزا سید حسین پسر حاجی سید علی در سال ۱۲۷۰ هـ ق در هرات متولد و بسال ۱۳۵۴ هـ ق در ۹ رجب المرجب جهان فانی را وداع گفت و ۸۴ سال عمر شرافتمندانه سپری نمود در جوار مزار شهزاده قاسم (رض) مدفون گشت .

موصوف در خود هرات در نزد علمای بزرگ تحصیل علوم مروجه را نموده علوم صرف، نحو، منطق و حکمت را بدرجه کمال رسانید واز جمله استادان او قاضی ملا محمد صدیق مشهور به آخند زاده کابلی و آخند ملا محمد مشهور به ملا محمد درد سر بوده اند و نزد بعضی علماء جید دیگر نیز درس خوانده است چون پیشه وراثی و فامیلی او طبابت بود کتب طب قدیم را نیز درساً خواندند مانند قانون شیخ ابو علی سینا و غیره و در رشته طب بدرجه استادی رسید که تدریس هم می نمود چنانچه ملا میرجلال الدین طبیب خود را از تلامیذ او میشمرد .

درهنر خط نیز دست داشت و از جمله خطاطان بشمار است و خطوط کوفی نسخ، نستعلیق را استادانه مینوشت

در طب بحدی شهرت و مهارت حاصل کرده بود که در زمان خودش مرجع خاص و عام بود روش نیک و اخلاق پسندیده اش نیز بیشتر مرضا نرا جلب میکرد .

چند فرد ذیل از مرثیه ی است که از شعرای زمان او سروده اند .

قدوۀ سا دات حاجی سید رضی خان طبیب
با د ا ند ر جا نب فردوس روحش کامگار
هر زمان ازجانب خویشا نو جمله دوستا ن
سورۀ اخلاص گر دد بر روا ن ا و نثا ر
بود سا ل یکهز ارو سه صدو پنجا ه وچها ر
روز جمعه نز ده ماه رجب ا ند ر شما ر
شد ز فر ط درد معده جا نب د ا ر ا لبقا
سید و آ ل محمد آ ن حکیم با و قا ر

((س))

ملاسلیمان سلجو قی :

آخند زاده ملا سلیمان سلجوقی ازخطاطان پرشهرت هرات است بخط نستعلیق و نسخ مهارت داشته هم تا بلو نویسی میکر د،هم ا لوا ح قبور را می‌نوشت وبساالواح بخط او در مزارات مو جود ا ست در مزار شاهزاده ابوالقاسم رحمة الله علیه کتیبه‌ی بخط او تحریر یا فته که صد سلام مولوی جا می را به نستعلیق جلی نوشته اوخطا طپر نویس بو د .

سراج الدین :

سراج الدین باغدشتی

ملاسراج الدین تحصیل یا فته د ر ا لمعلمین هرات ا ست .

وی ولد ملا عبد ا لحمید خطیب سا بقه مسجد جامع قریه با غد شت واقع سمت شما ل

شهر هرات میباشد . ملا سراج الدین از مشاقان برجسته سرلوحه نویس هرات بوده و بسا سر لوحه های دکانها و غیره بخط او است. موصوف از زمرهٔ شاگردان استاد محمدعلی عطار میباشد .

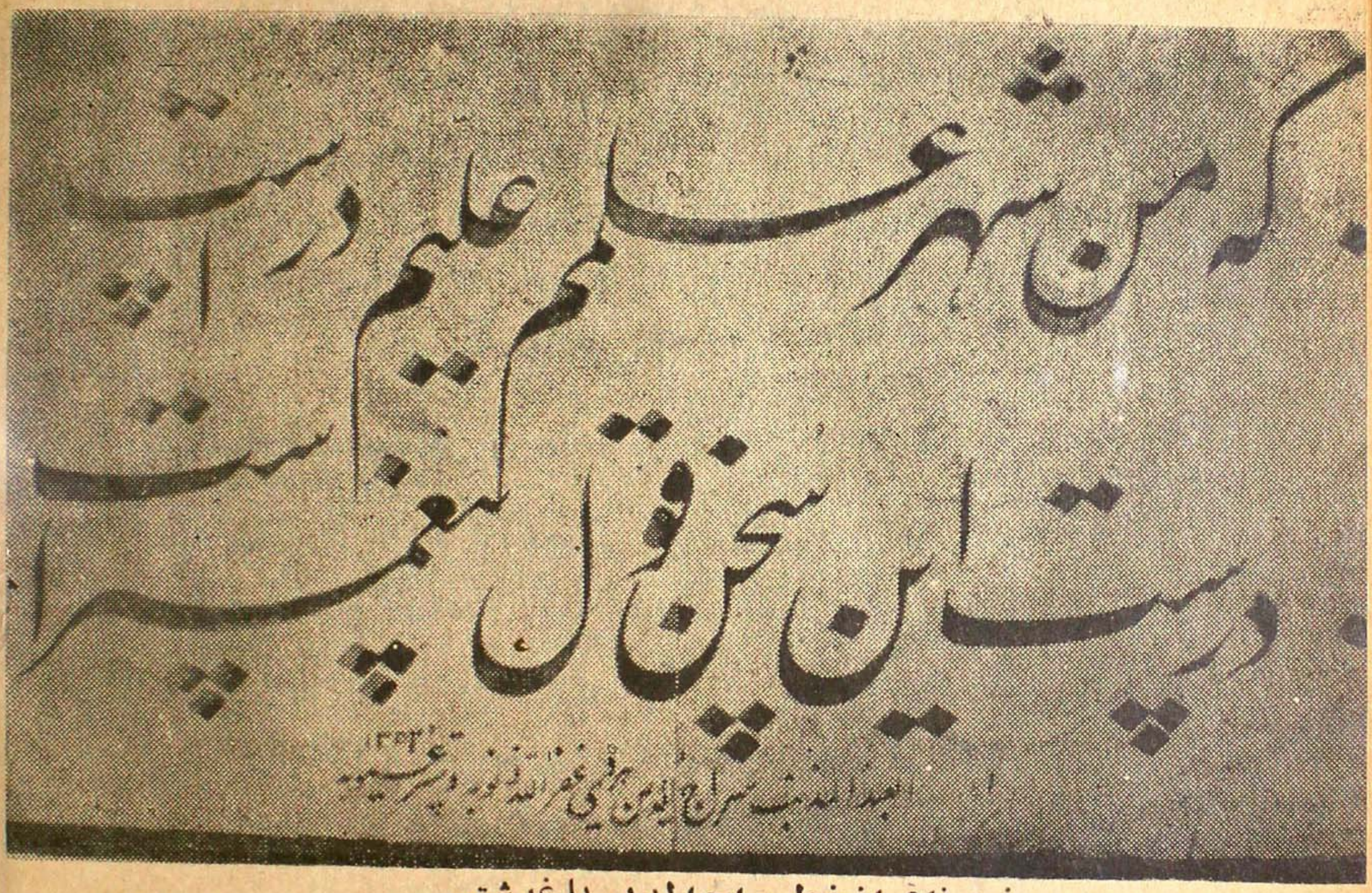

نمونه‌ی از خط سراج الدین با غدشتی

(ش)

شریف صراف :

میرزا شریف معروف بصراف در نستعلیق شاگرد خلیفه محمد حسین سلجوقی است .

موصوف در تمام عمر خود از آغاز جوانی در خزانه هرات بوظیفه صرافی موظف بود خط نستعلیق را شیرین و صفامی نوشت ولی کم نویس بود . وفات او در سال ۱۳۰۸ بوقوع پیوسته (۱)

(۱) ص ۱۰۹ تعلیقات فکری نوشته وفا سلجوقی

Marfat.com

Marfat.com

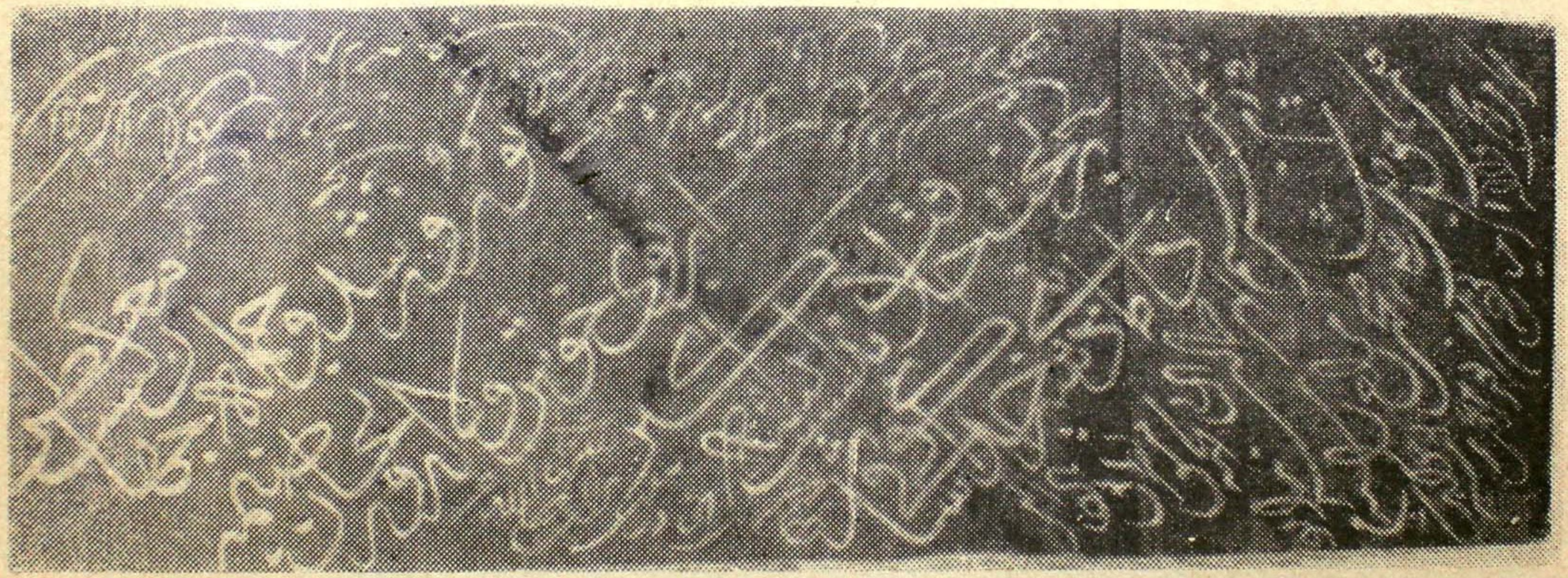

نمونه خط آخند ملاعبدالحکیم تفصیل درصفحه ۲۳۷

Marfat.com

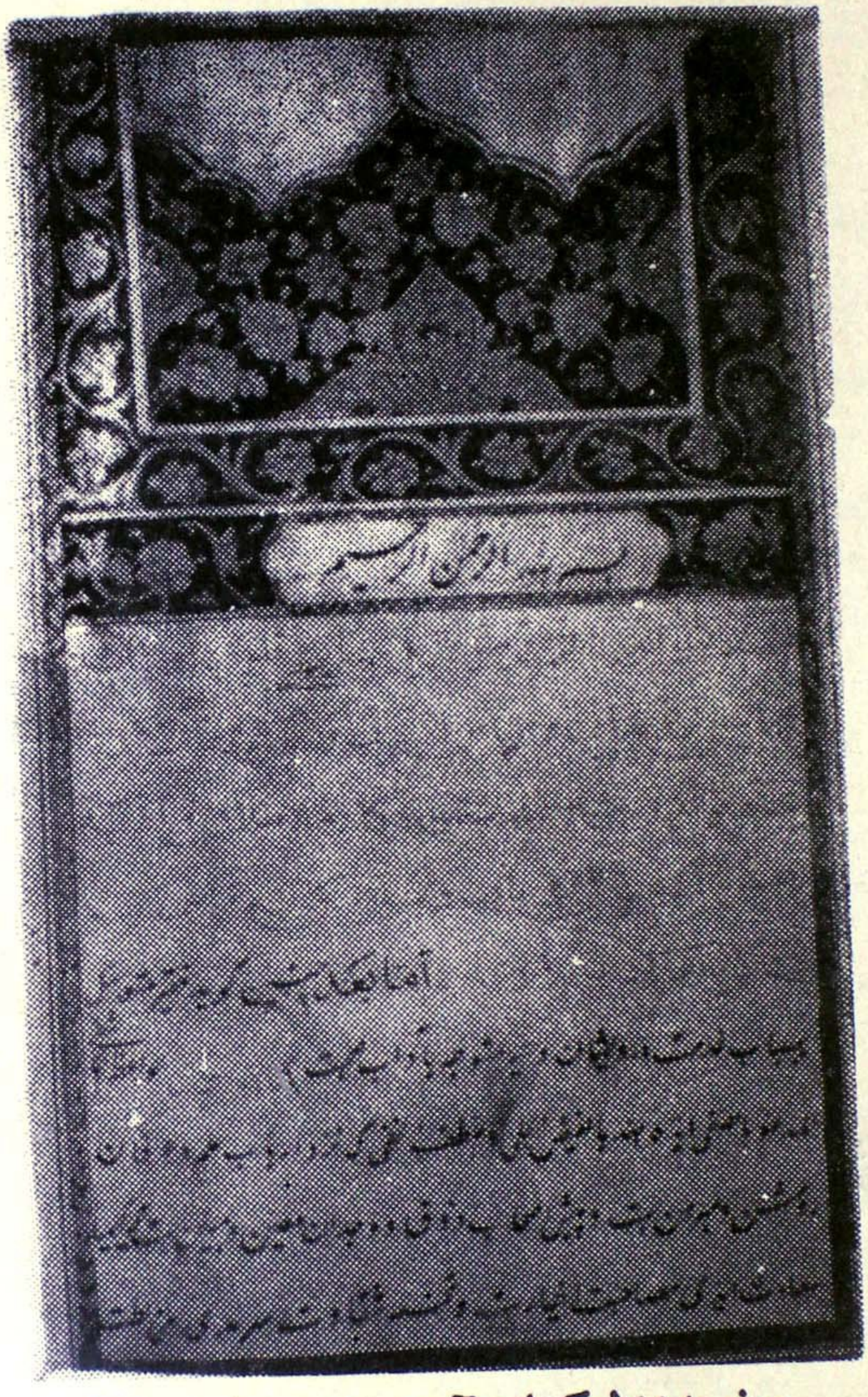

صفحه اول کتاب آداب الاصباب بخط
ملاعبدالصمد هروی برادر منشی
ملا احمد متعلق تفصیل در صفحه ۲۳۷

Marfat.com

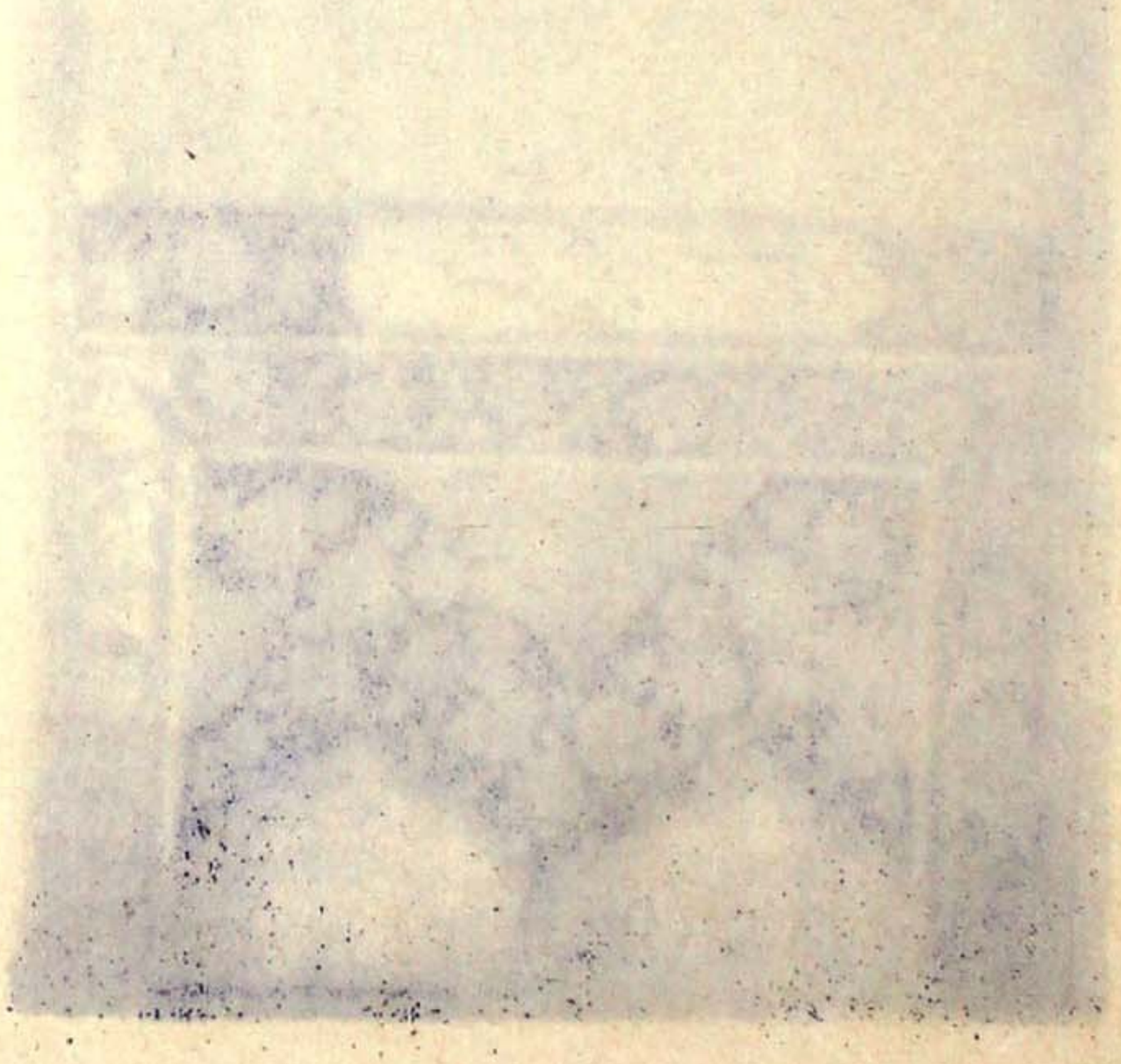

(ع)

آخند ملاعبدالفتاح :

ملا عبدالفتاح فرزند قاضی ملا یحیی از احفاد آخند ملا محمد قاسم میباشد که مانند نیاکان خود در تحریر خطوط نستعلیق ونسخ وشکسته توانائی کافی داشته وآثار خوبی ازوی یادگار مانده است ازان جمله کتاب شرح عقاید عضدیه مولفه علامه جلال الدین محمد بن اسعد الدوانی را بخط نسخ عالی در سال ۱۳۰۰ هجری قمری نگاشته و نیز قطعه‌ی محتوی یك رباعی بخط نستعلیق جلی و در حاشیه آن اشعار بخط شکسته و خفی نوشته که مهارت اورا در هنر خط تمثیل میکنند .

سید عبدالحمید احمد زاده :

ملا عبدالحمید که پدر آخند زاده ملا محمد صدیق معلم (مدرس) بود موصوف نیز از زمرهٔ خطاطان هرات بوده ودر اقسام خط مهارت بسزا داشت . موصوف ولد حاجی میر سید محمد واز خاندان علم و فضل است .

(منشی ملا) عبد الصمد :

در سال ۱۳۰۰ ق در قریه عالمتاب جوند تولد وبا برادر بزرگش منشی ملااحمد بهرات آمد و بتحصیل علوم وحسن خط پرداخت خط نسخ و نستعلیق را عالی‌می نوشت .

کتاب آداب الاصحاب تالیف علی کاشفی بخط او نزد پسرش آقای محمدوزیر مدیر محاسبهٔ مستوفیت هرات موجود است موصوف در سال ۱۳۷۰ ق در کـــر خ وفات یافت و بجوار مزار درویش علی قاسم علیه الرحمه مدفون گردید .

آخند ملا (عبدالحکیم)

او فرزند ارشد مرحوم شیخ الاسلام آخند ملا خدا بخش و در هنر خوشنویسی و کتابت خطوط سته از خطاطان چیره دست بود که به پیروی از پدر بزرگوار خود کتابهای زیادی

Marfat.com

در علوم معقو ل و منقول بخط عا لی نسخ و. نستعلیق نگا شته و یا دگار گذاشته همچنین یك مجموعه بزرگ نمونه های خطوط سته محتوی آ یات کلام الله مجیدو منقولات واشعار و قصاید معروف عرب بخط ثلث و ریحان و کو فی و نستعلیق وشکسته و نسخ نوشته است که یك شاهکار هنری بحساب میرود .

از کتب خطی قلمی او کتاب عین العلم و شرح عقا ید سیفی که در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ ه،ق بخط نسخ و ثلث نهایت عالی نوشته‌شده در کتابخانه شخصی محمدعلم غواص‌وجوددارد‌که برهان چیره‌دستی این استاد و هنر مند بزرگ در خوشنویسی است .

قطعات و رباعیات عربی و دری را نیز بخط ثلث و نستعلیق نهایت أستا دانه مینگا شته .

عبدالرؤف (فکری) سلجو قی :

مرحوم استاد عبد الرؤف فکری فرزند مرحوم مولوی عبد الفتاح سلجوقی درسال ۱۲۸۸ ش در خا نواده معروف علمی سلجو قیا ن در پایتخت شهرهرات متولدشده‌در خطوط نستعلیق و ثلث‌وفنون جمیله میناتور مکتب بهزاد و تذهیب و نقاشی و کاشی کاری مهارت داشت

وی از سال ۱۳۱۲ تا اخیر عمر در انجمن ادبی و موزیم هرات و انجمن تاریخ و ریاست تالیف و ترجمه بخدمات ادبی و هنری دوام داده تاریخ هرات باستان را تدوین کرده و در تنظیم کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات‌و کلتور واحیاء نام بزرگان کوشیده هنر هایش در کتیبه های نفیس مسجد جامع و رواق های عمارت مزار علامه امام رازی جاوید مانده است .

ازتألیفات تاریخی استاد فکری کتب مزارات هرات ، گازرگاه، خیابان و تذکره خطاطان‌و نقاشان‌درکابل طبع شده در کلیات قصاید و اشعارش عالی فرخی را استادانه‌پیروی کرده وی‌درکتابخانه

Marfat.com

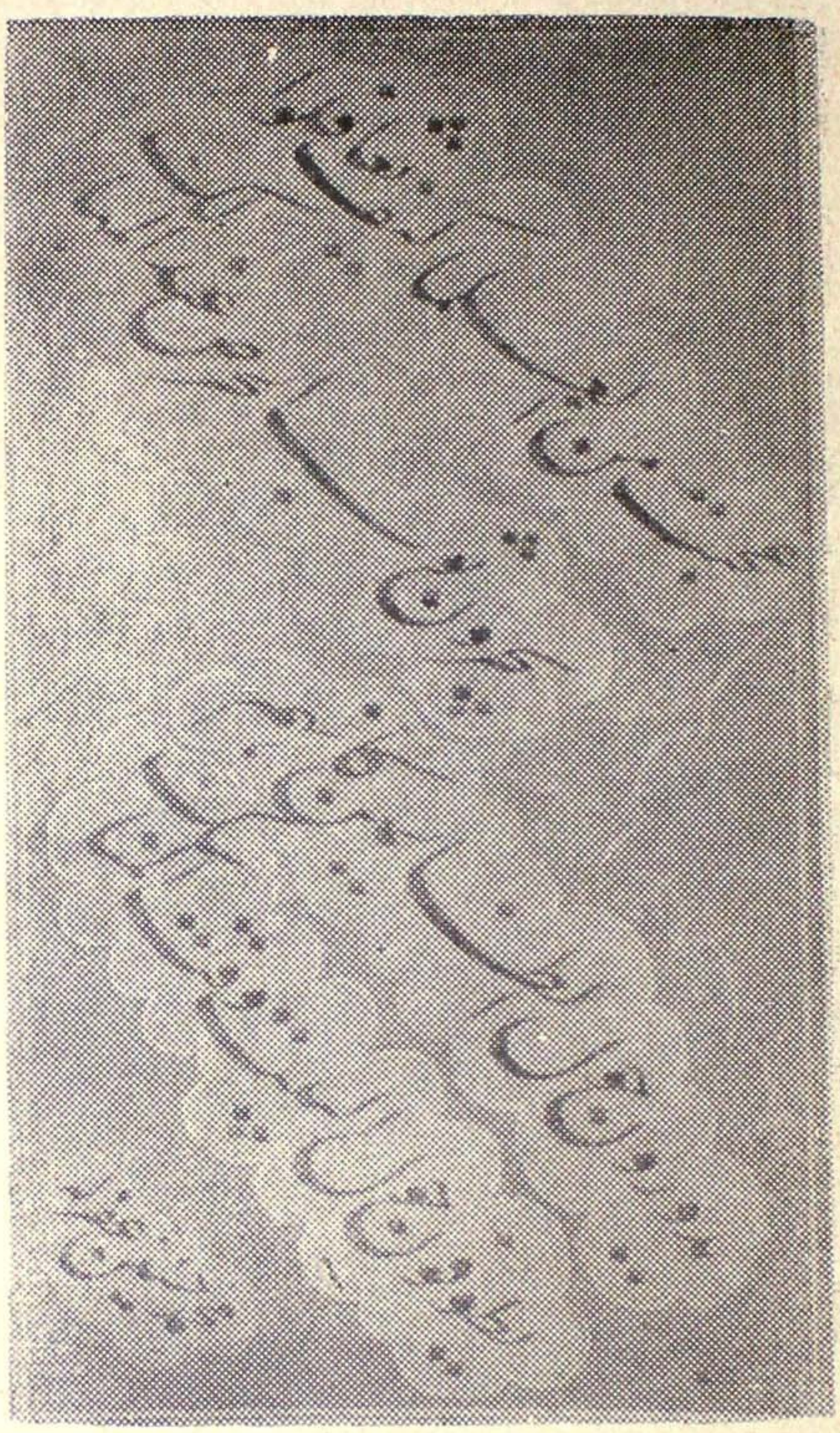

اثر مرحوم خلیفه محمد حسین سلجوقی
مربوط صفحه (۲۶۵)

نوت :

اثر حسین وفا که سهواً در صفحه فوق طبع شده
مربوط صفحه (۲۳۹) میباشد

Marfat.com

Marfat.com

شخصی خود یك تعداد بهترین کتب خطی تاریخی و ادبی وقطعات و مرقعات استادان معروف خط را گرد آورده بود .

در هنر موسیقی هم معلومات کافی داشت . سه فرزند استاد مرحوم نیز در سایه حسن تربیت و در هنر های خط و نقاشی و تذهیب و مینا تور مهارت کافی پیدا کرده در عمارف و پوهنتون مصروف خدمت میباشد و تحصیلات عالی خود را بپایان رسانیده اند مخصوصاً محمد ارشد بهزاد سلجوقی در هنر نقاشی و تذهیب و مینا تور استادی گرانمایه است و استاد محمد حسین و فادر هنر نگارش خطوط نستعلیق و نسخ و ثلث و انواع خط کوفی مقام ارجمندی دارد و نهایت عالی مینویسد مرحوم استاد فکری شب پنجشنبه ۲۲ حوت ۱۳۴۷ بعمر ۶۱ سالگی در کابل وفات کرده و درجوار مزار مولانا جامی در هرات دفن گردید.

حاجی ملا (عبد الله) :

مرحوم حاجی ملا عبدالله خطاط فرزند مرحوم آخند ملا دلدار و حضیرهٔ شیخ الاسلام آخند ملاخدا بخش میباشد. طوریکه استاد فکری سلجوقی در کتاب خوشنویسان و هنر مندان مینویسد وی در خط ثلث و نسخ استاد و مردی مستغنی و خویشتن دار بود .

عمرش به ۸۰ سال رسید و کتیبه رواق مدخل حوض برده در ناحیه اول شهر هرات از آثار زیبای خط ثلث و کوفی اوست . در اخیر عمر نگارش کتیبه های ثلث و نسخ تعمیرات جدید مسجد جامع هرات بوی محول گردید وکتیبه سراچه درگاه مسجد جامع و کتیبه های رواق بزرگ مدخل شرقی آن مسجد عظیم محتوی سوره و آیات قرآن کریم و تاریخچه بنای مسجد جامع را بکمال متانت نگاشت .

در همین اثنا در سال ۱۳۲۲ هـ ، ش از دنیای فانی رحلت نمود آثار هنر خطاطی اش نزد اولاد او و یگرد استان حظ وجود است از آنجمله

یك اثر شاهكار خطوط سبعه ثلث و كوفی های مختلف گردار و زیبای اودر كتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و كلتور محفوظ میباشد .

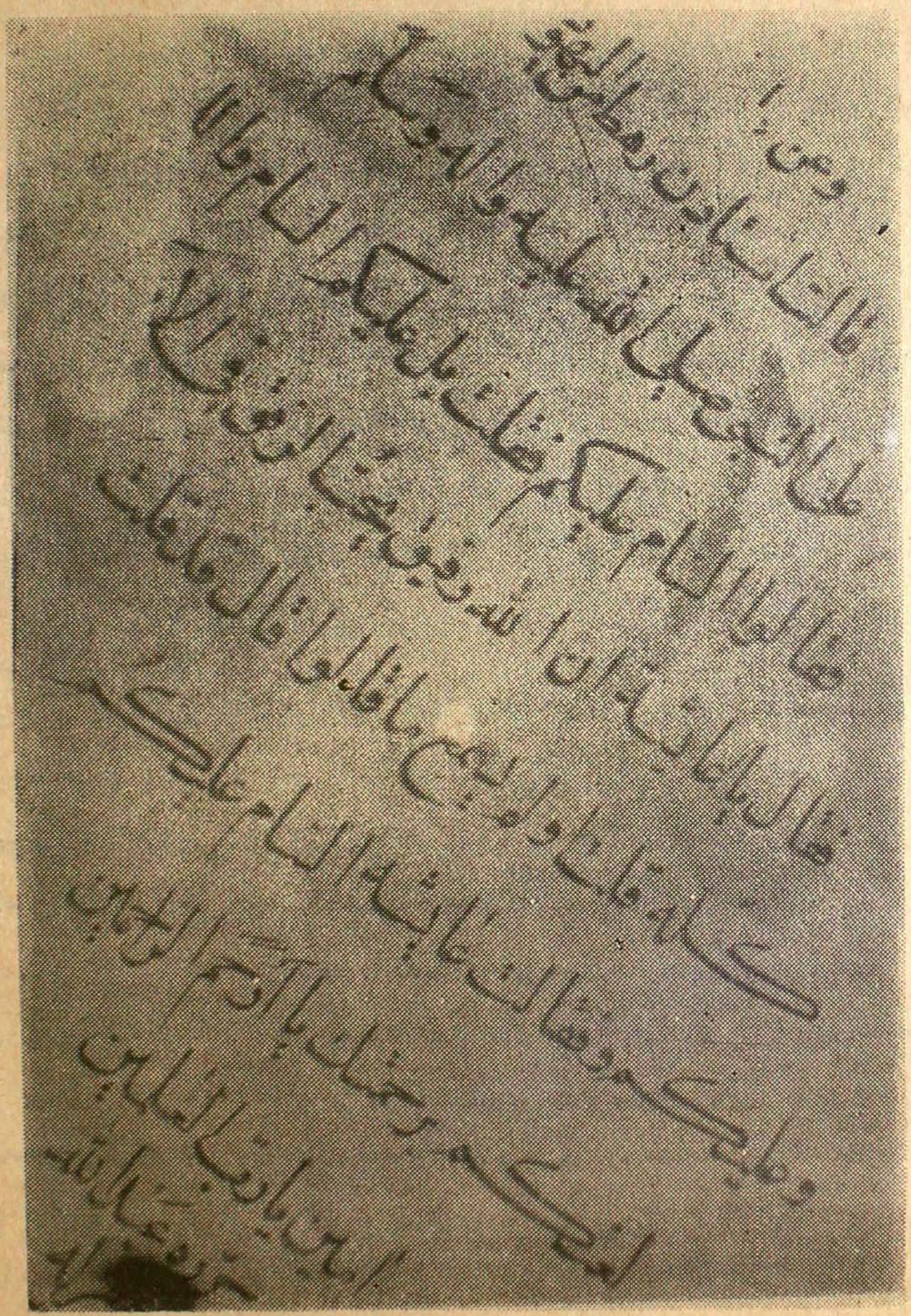

نمونه ی از خطعبدالله

Marfat.com

عبدالفتاح :

مولوی ملا عبدالفتاح سلجوقی پدر مرحوم استاد فکری سلجوقی و نواسه عموی مرحوم خلیفه محمد حسین سلجوقی و عموی علامه صلاح الدین سلجوقی است .

نمونه خط مولوی عبدالفتاح سلجوقی

مرحوم مولوی عبدالفتاح مدت چهل سال درمعارف هرات معلم حسن خط بود ودر خط نستعلیق مهارتی بسزا داشته خط او نهایت متین واستادی بود ولی قطعه نویسی نمیکرد .

وفات او بصبح روز یکشنبه ۴ برج اسد سال ۱۳۳۸ شمسی ۱۹ محرم ۱۳۷۹ قمری می باشد .

عبدالرؤف :

وی معلم مکتب لیسه جلالی است .

درخط نستعلیق ونسخ و شکسته مهارت دارد از تلامیذ استاد محمد علی عطار است .

Marfat.com

عبدالسلام نیازی :

عبدالسلام ولد حاجی محمد صدیق نیازی بسال ۱۳۳۰ تولد یافت و بسال ۱۳۳۸ شامل مکتب گردیده درسال ۱۳۴۴ بمشق خط آغاز نمود نزد استاد محمدعلی عطار تحصیل خط کرد فعلا بوظیفه معلمی مصروف است

عبدالحمید قندهاری :

صوفی عبدالحمید قندهاری پسر یکی ازمعاریف قندهار است که درکودکی با پدر بهرات آمدودرمسجد جامع هرات به تحصیل پرداخت ودر طلب خط به نزد خلیفه ملا محمد حسین رنج زیادرا تحمل ورزید تا بمرتبهٔ کمال رسید .

بعد از آن بقندهار برگشت و بعداز چند مدت در کابل شامل وظیفه رسمی گردید .

او علاوه برخوشنویسی در تذهیب ونقاشی نیز هنرمند و شاگرد استاد عبدل هروی است .

صوفی عبدالحمید چند دفعه باورپا مسافرت نموده و علاوه بر هنرهای خطاطی و نقاشی در تخنیك نیز دست داشت که گویند در پشت ماشهٔ توپ چاشت در کابل ذره بینی نصب کرده بود که در ساعت ۱۲ روز بارود ماشه توپ از حرارت ذره بین بشعاع آفتاب مشتعل میشد وتوپ بصدا مـ آمد. چند اختراع دیگر تخنیکی را نیز باو نسبت میدهند سال وفات او ۱۳۴۱ ش میباشد .

(ملامیر)عطاءمحمد :

پسر میر عبدالمجید از سادات هرات است که در سال ۱۳۴۷ ه،ش وفات یافت. درخطوط ثلث و نستعلیق بدرجه استادی و درخط کوفی نیز وارد بود بسا سنگ‌های لوح درگاه‌زرگاه شریف بخط موصوف نوشته شده، وی درقرائت قرآن کریم لهجه خوب را دارا بود و در علوم فقه واحادیث شریف نیز تحصیلات ومطالعات داشت .

Marfat.com

عبدالرحیم طالب هروی :

عبدالرحیم طالب از شاگردان خلیفه محمدحسین سلجوقی است .
او در زمرهٔ طلاب علوم درمدرسه پایحصار اطاق داشت ، هم علوم متداوله را می آموخت و هم مشق خط می نمود . مرد عابدوخدا جوی بودهمیشه مجرد می زیست به طالب صوفی شهر داشت. وفات اودرسال ۱۳۳۴ قمری است قطعاتی از وی مانده شاعرهم بود گاهی عبدالرحیم وگاهی طالب تخلص میکرد .

عطاءمحمد حسینی هروی :

میر عطاءمحمد حسینی خلف مرحوم قاضی حسین‌خان و از سادات جلیل القدر هرات است و بیادمرغان سکونت و خواهر زادهٔ خلیفه محمد حسین سلجوقی است . میر عطاء محمد علوم متداوله ودینی را تحصیل تام داشت و ازعلمای بزرگ‌هرات بشمار بود پس از وفات پدر بقضاوت هرات مصروف و مدت مدید قاضی هرات بود .
در نستعلیق و شکسته شاگردخلیفه محمدحسین سلجوقی است . در سال ۱۳۰۰ ش از هرات بکابل خواسته شد مدتی رئیس اعیان و باز وزیر عدلیه بود در ۲۲ جوزای سال ۱۳۳۴ وفات یافت .

سید عطا محمد شاه قندهاری :

پسرسیدتاج محمد شاه قندهاری مقیم هرات بود . سید تاج محمد سالها در هرات در کاروانسرای مشهور به درخت توت واقع بازار قندهار سمت جنوب شهر قدیم هرات سرگرم تجارت بود .
سید عطا محمد شاه در کابل تولد شده است و در طفولیت بهرات آمده است و در هرات تحصیل علوم و مشق خط نموده . در خط شاگرد خلیفه محمد حسین سلجوقی است که بقوت ذکاوت و جدیت خودرا بجایی رساند که از بیشتر استادان معاصرش برتری حاصل کرد .
سید عطا محمد شاه‌دراواخر از نوابغ هنر خطا طی شناخته شد که

Marfat.com

احدی بپایه او در خط نستعلیق نمیرسید. از ین استاد ممتاز قطعات و مرقعات زیاد در اطراف و نقاط مختلف کشور ما پراگنده است و نزد همه خط شناسان محبوبیت خاص دارد .

وفات وی بسال ۱۱۴۱ق بوقوع پیوست . فرزند او سید محمدعثمان نیز بشیوهٔ پدر بزرگوارش خط نستعلیق را زیبا می نویسد و باجلال انزوا و عبادت بسر می برد .

عبدالرحمن ثانی هروی:

میرزا عبدالرحمن ثانی هروی به میرزا عبدالرحمن کر معروف بود که گوش او گران شنوا بود . در خط نستعلیق شاگرد خلیفه محمد حسین بود . او خوش میرزا عبدالرحمن ثانی امضاء میکرد .

خطش متوسط بود گاهی خوب وگاهی عادی می نوشت . خط جلی را خوبتر نوشته می توانست سیاه مشق او قابل ستایش بود .

وفات او بسال ۱۳۰۰ بوقوع پیوست .

نمونه خط نستعلیق از عبدالرحمن ثانی

(ملا) عبدالرؤف معلم لیسه جلالی :

وی درسه رقم خط مهارت دارکه عبارت از نستعلیق و نسخ شکسته است و نیز از شاگردان استاد محمدعلی عطار میباشد .

(غ)

غلام مصطفی احراری :

ملا غلام مصطفی ساکن کارته قوم زوری اصلا از قریه ترکان هرات است ودر علوم دینی تحصیلات داشته مدتی خطیب مسجد جامع قریه کارته بود .

موصوف خط ثلث میده را خوب می نوشت شخص متقی وصوفی مشرب بود اشعاری هم داشت ـ وفات ملا غلام مصطفی بسن هشتاد سالگی در سال ۱۳۱۴ هـ،ش واقع شده .

میرزا غلام رسول :

میرزا غلام رسول نیکزاد ولد آخند ملا تاج محمد می باشد .
موصوف در خط نستعلیق نیم قلم از جمله خطاطان معاصر بشمار است وطبع شعر دارد سکونت اصلی او درقریه کهدستان هرات بوده فعلا در شهر سکونت دارد .
او مدتی در چوکی های حکومت کار کرده است شخص با اخلاق ونیك محضر است نام فامیلی وعنوان ادبی او نیکزاد است .

غلام حیدر سلجوقی :

ولد ملا فضل احمد از اجلهٔ علماء و در خط و تذهیب یگانه عصر بود وخطوط نستعلیق و نسخ را عالی می نوشت او شاگرد خال خود یعنی خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی بود .
فن تذهیب را از میرزا رضای مصور هروی معروف به آذربایجانی

Marfat.com

و فن صحافی وقطاعی (برش) را از ملا حسین صحاف آموخته بود.
سردار محمد عثمان خان که بدوره امیر عبدالرحمن خان نائب الحکومه هرات بود یکجلد قرآن کریم بنهایت نفاست بخط یاقوت مستعصمی داشت که تمام حواشی آن بنفاست تام تشعیر و تذهیب شده بود و بمرور زمان جدول زنگاری آن کاغذ را فاسد ومتن را از حاشیه جدا نموده بود زیرا زنگار که رنگ سبز است از خوردهٔ مس و سرکه و یا آب ماست ترکیب میشود و پس از مدتی کاغذ را فاسد ساخته و متن اوراق به وسیله جدول زنگاری که کاغذ را خورده از حاشیه جدا میشود.
هیچ صحافی باصلاح آن موفق نشد زیرا در اثر ترمیم آنهمه تذهیب و تشعیر ضایع میشد.

ملاغلام حیدر اصلاح آنرا بعهده گرفت و بمهات مخصوص تمام اوراق آنرا ترمیم و بار دیگر روی خط ترمیم شده را بجدول طلا بپوشید چنانکه قطعاً آثار ترمیم هویدا نبود.

وی در شعر ومعمی نیز دست داشت و حیدر تخلص می نمود. در پایان عمر مرثیه پر از درد وسوز در وفات مرحوم صاحبزاده عمرجان سرود و این فرد از آن مرثیه است:

گر حسین علی شود پیدا این زمان هم یزید بسیار است

در اثر سعایت بد خواهان محبوس گردید ودر محبس مریض شد و بسال ۱۳۰۸ ه،ق وفات یافت.

(ف)

فضل الله:

ولد نظر محمد متخلص به (زاهدی) در سال ۱۳۱۲ در هرات تولد یافته و از تلامیذ استاد سید آقای حسینی میباشد ودرخطوط نستعلیق، نسخ و شکسته مهارت داردخط شکست را از همه خوبتر می نویسد.
فعلا از زمره کسبه بازار است، دکان چینی فروشی دارد.

Marfat.com

فیض محمد سیاوشانی :

فیض محمد طالب العلم بودخط نستعلیق رابشیوهٔ مخصوص می نوشت شیوه زیبا داشت . او در خط شاگرد کسی نبود از روی خطوط استادان مشق کرده بود او یکنوع جنون داشت که گاهی غالباً در بین نماز بخنده می افتاد وچندان بزور می خندید که بیهوش میشد .

در قطعاتی که می نوشت فیض محمد سیاوشانی و یا فیض محمد خندان امضاء میکرد . در عین جوانی در مرض وبای سال ۱۳۱۷ هـ ، ش در سیاوشان وفات و مدفون گردید .

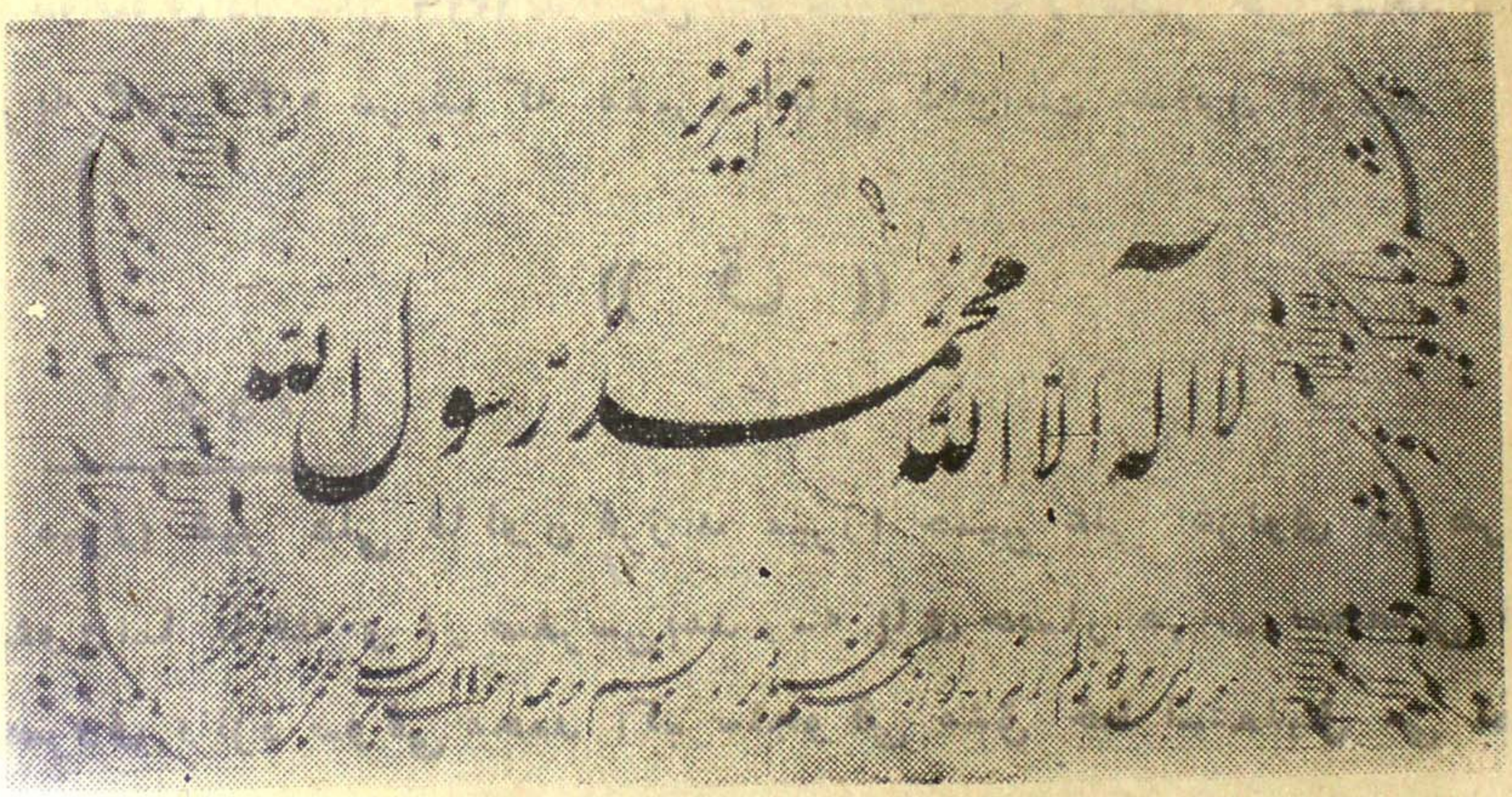

نمونه خط نستعلیق از فیض محمد سیاوشانی

فضل الله :

ولد حاجی علی آقا منجم باشی در سال ۱۳۳۸ هـ ،ش متولد وفعلا در لیسه جامی هرات مصروف تعلیم است ، او خط نستعلیق را زیبا می نویسد و از زمرهٔ شاگردان استاد محمد علی عطار میباشد .

فقیرا حمد :

حافظجی ملا فقیرا حمد ولد حافظجی سید محمد حسین ساکن گازرگاه شریف حافظ مذکور که قرآن کریم را سرا پا حفظ داشت درخط نستعلیق و کوفی و نسخ مهارت داشت و از جمله شاگردان خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی است . از خط او بسا الواح قبور در بسا از مزارات خصوصاً گازرگاه موجود است . او مدتی در مکتب گازرگاه و بعضی مکاتب شهر بحیث معلم حسن خط کار کرده و شاگردانی از و بفیض رسیده اند. قطعه های خط او نزد پسر ش موجود است .

موصوف در سال ۱۳۳۱ ه ، ش وفات یافت و در مقبر جن مسجد میان قریه گازرگاه شریف که مقبره آبایی شان است مدفون گردید .

((ق))

قانون :

میرزا شیر علی قانون فرزند میرزا حسین علی غزنوی در هرات نشو ونما یافته و از صغرسن بمدرسه پای حصار هرات بتحصیل خط مصروف و نزد صوفی محمد اکبر سلجوقی مشق خط نستعلیق می نمود تا بمرتبه کمال رسید .

در نستعلیق شیوه مخصوص داردصفاء و متین می نویسد :

در شعر نیز پایه عالی دارد ابتداء (غزنوی) و بعد از آن مدتها است قانو تخلص میکند . میرزا شیرعلی قانون تا کنون که چند سال از وفات مرحوم فکری سلجوقی میگذرد در قید حیات و در کابل درقلعه فتح الله خان نشیمن دارد شاعر وخطاط لایق است

Marfat.com

قاسم :

قاسم یا محمد قاسم از جمله خوشنویسان هرات است که با خلیفه ملا محمد حسین همزمان بوده خط او بدرجه متوسط بوده است . (۱)

نمونه خط نستعلیق محمد قاسم هروی

(۱) ص ۲۹ هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر

Marfat.com

(گ)

گل احمد قانع :

تابلونویس ، نزدیک دروازه ملک دکان دارد تابلو های مغازه های شهر اکثر بقلم او است در بسا تابلو ها خط لاتینی نیز می نویسد .

گیتی ستان : (۱)

شاهزاده حاجی گیتی ستان از شاعران و خطاطان خاندان احمدشاه بابا می باشد . او در قسمت خط نستعلیق مرتبه استادی داشت .

وی فرزند شاهزاده سلطان بن تیمور شاه درانی است که در مکتب هرات نزد میر عبدالرحمن حسینی تحصیل خط نموده و هم در رشته خطاطی و هم در شعر و ادب شهرت دارد .

((ل))

لشکر نویس هراتی :

اسم محض او معلوم نیست . درخطوط شکسته و نستعلیق قطعه ها ازو مانده درخط شکست معروفتر است ، خط نستعلیق او زیاد قابل ستایش نیست . چون میرزا عبدالرحمن مشق خط نستعلیق را ابتدا نزد او نموده بود لذا مورخین او را در قطار نستعلیق نویسان آورده اند لشکر نویس میرزای لشکر بوده و بجز همین قدر ، دیگر از چگونگی احوال وسال وفاتش معلوماتی در دست نیست .

ظاهراً چند نفر بنام لشکر نویس در زمره خوشنویسان هرات گذشته که یکی از آنها استاد میر عبدالرحمن بوده است زیرا بعضی قطعات شکسته او که ملاحظه می شود بخطوط بزرگترین استادان خط شکست

(۱) ص ۲۸ هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر

Marfat.com

برابری میکندو بین قطعات شکسته اوعان تفاوت سبك بستی و بلندی بارز
بنظر میرسد که نمیشود همه خط یکنفر باشد و میرساند که باید
چند نفر خطاط بنام لشکر نویس می بود که چون بعضی از آنها
ازجملهٔ معاصرین بشمار آمده اند در اینجا تحت نام (لشکر نویس) مطالبی
تذکر رفت .

نمونه دوازده قلم خط از استاد محمدعلی عطار

(م)

استاد محمدعلی عطار :

استاد محمد علی متخلص
بعطار در هنر خطا طی
استاد بزرگ هرات است
که درین دوره جمهوری
چراغ میر علی هروی را در

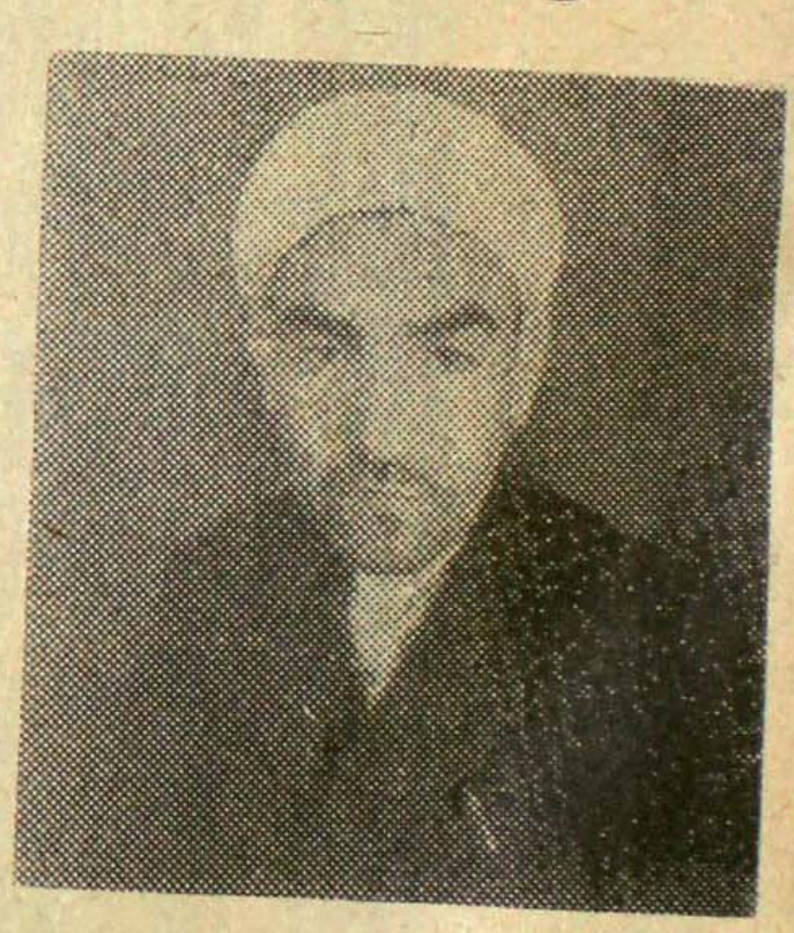

استاد محمدعلی عطار

محیط هرات که مهد علم و هنر است سرازنو فر و زان ساخته است .
استاد عطار یك شخصیت برجسته هنری است که عمر گرانمایه اش
را بهنر خطاطی صرف کرده و بعالی ترین درجه کمال نایل شده است .

Marfat.com

طوریکه من می اندیشم استاد عطار آخرین شخصیتی در هرات خواهد بود که با تمام قدرت و موجودیت خود در راه پیشبرد هنر خطا طی اهتمام ورزد و یکعمر این هنررا باکوشش خستگی ناپذیر دنبال کند وکمال توانائیش رادر تعمیم و نشر این هنر صرف نماید

نمونه خط استاد محمدعلی متخلص بعطار

Marfat.com

در دوره انحطاط پیری ذوق هنری او نه تنها خسته و افسرده نگردد بلکه شوق و شور جوانیش را سر از نو آغاز کند و با کمال نشاط جوانی و با همان نیرویی که یك هنرمند جوان آماده کار است در رشته هنرش بهر فرد هنر خواهی و هر هنر دوستی جواب مثبت بدهد و از زبانش نه شنیده و در پیشانیش گره دیده نشود.

طور یکه من فکر میکنم بعد از این استاد در هرات دیگری و لوکه از نسل خودش هم باشد در رشته هنر خطاطی یکعمر در استفاده و افاده پایداری نخواهد کرد و یقین دارم او در نزد نسلهای آینده این سرزمین بنام خاتم الخطاطین هرات شهرت خواهد یافت.

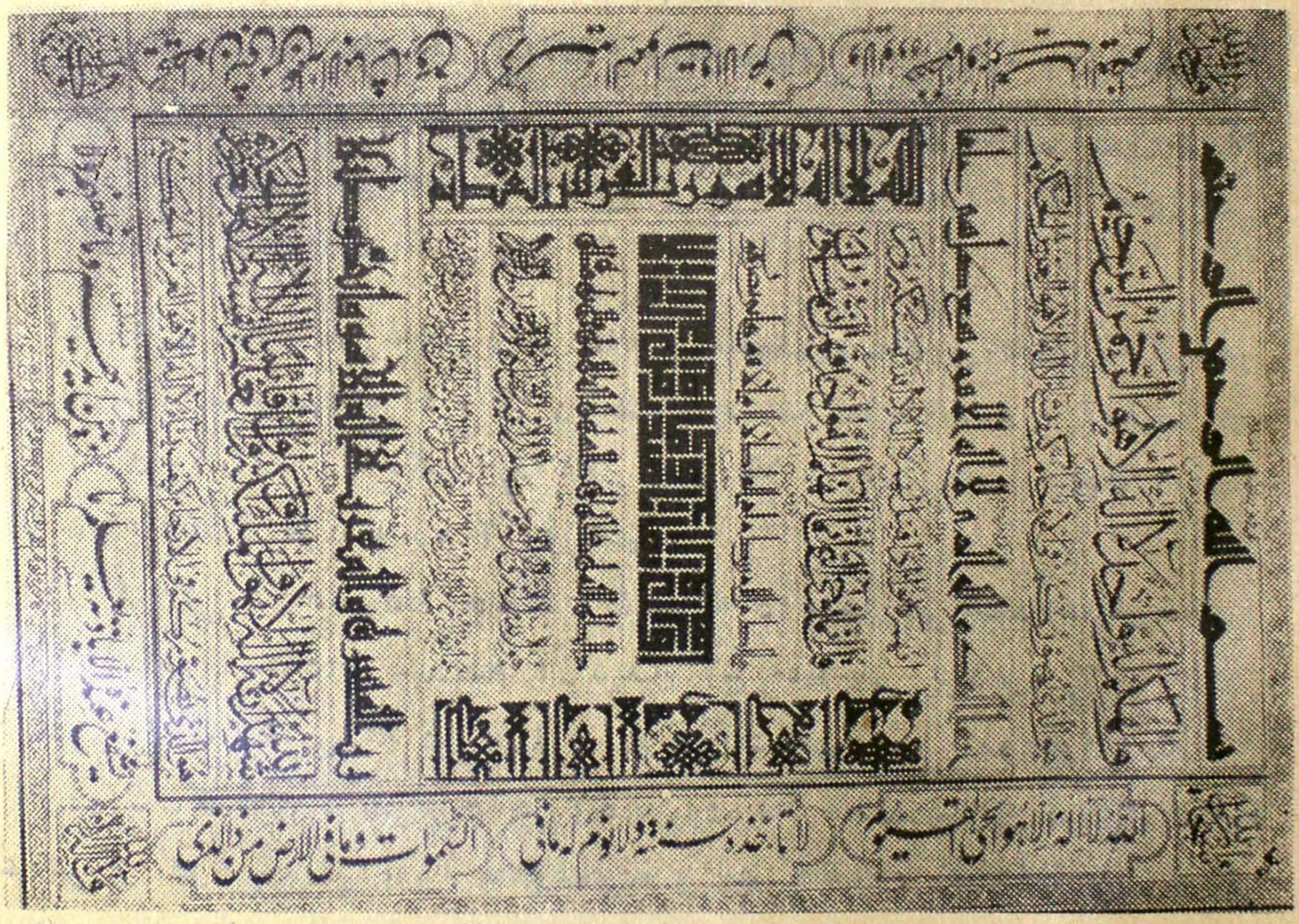

نمونه چهارده قلم خط محمدعلی عطار

از گذشتگان شخصیت های برجسته هنری داریم که زیاد داریم هنر خطاطی را مانند استاد عطار بدرجه کمال رسانیده اند بلکه ممکن است

Marfat.com

در کم و کیف مقام برتری هم احراز کرده باشند اما در دنیای امروز این هنر کمتر مورد توجه قرار دارد و کم کم بساط آن برچیده شده و کسی که در این رشته دارای اختصاص بوده و شصت رقم خط را بدرجه علمی اعلا بنویسد و در تعلیم و تعمیم این هنر صرف اوقات نماید در این محیط که بروشن ترین محیط هنری شهرت تاریخی دارد یافته نمی توانیم و آینده نیز بوجود نخواهد آمد .

مبنی برآن سزاوار است که شخصیت او را هفتنم پنداری و او را هم هنرزنده خطاطی و هم خاتم الخطاطین هرات بشماریم .

چون یقین است نسلهای آینده بسوانح حقیقی و بی شبههٔ این شخصیت بزرگ هنری علاقه میگیرند و موثق ترین سوانح شخص آن است که بقلم خودش نوشته شود اینك سوانح او را از قلم خودش که بخواهش من نگاشته ذیلا بخوانید :

اینجانب محمدعلی عطار ولد حاجی محمدٔ اسماعیل عطار ساکن شهر هرات در سال ۱۳۲۸ هـ ق در شهر هرات بدنیا آمدم . تعلیمات را تا یك اندازه در مکتب خانگی نزد ملا محمد رحیم و بعد از آن در دکان عطاری نزد پدرم آموختم .

از کودکی درحسن خط بحد افراط علاقه داشتم و هر قطعه خوش خطرا که از قلم استادان میدیدم از دیدن آن حظ می بردم .

همین ذوق فطری که در بسا مردم هرات کم و بیش موجود است مرا واداشت که نزد مرحوم حاجی آخندزاده ملا محمدصدیق نیازی خطوط عربی و کوفی وغیره را مشق نمودم و بهر اندازه که بخط من رونق بیشتر پدید آمد عشق و علاقه من بخط قویتر گردید .

تا مدت کمی بشاگردی آخندزاده مرحوم خط من خوب شد و بدقایق عیب و هنر خطاطی آشنا شدم . بعد ازوفات آخندزاده مرحوم اقسام خطوط ثلث و نسخ ومعقلی رااز روی کتیبه های تاریخی مسجد جامع

Marfat.com

هرات و دیگرجا های تاریخی مشق و رو نویسی میکردم .

خط کوای را از مسکوکات دوره های عباسی و غزنویها و غوریها وغیره سکه ها اخذ نمودم . در آنز مان خط کوفی بین مردم متداول نبود، در بعضی کتابهای خارجی ومجلات بملاحظه میرسیدواز آن استفاده می نمودم . همین ترتیب مشق من بار قام مختلفه خطوطکوفی و نسخ وتعلیق و معقلی و غیره روز بروز تا حداستعدادیکه قدرت خداوند بمن اعطا فرموده است پیشر فت نمود .

هر کس که از من قطعه و تابلو در خواست نمود نوشتم، اکنون نزد بسا مردم آثار خطا طی من موجود است . یك اثر بنام «گنجینه خطوط در افغانستان »وقتاً ترتیب دادم و نمونه های اکثر خطوطی که نوشته می توانم در آن جمع کردم که بسال ۱۳۴۵ه،ش در مطبعه کابل بطبع رسید . تمام اقسام خطوطی که در آن مشق و تمرین نمودم و بهر کدام قطعه ها و تابلو ها ترتیب داده ام به (۶۰) رقم خط میرسد.

آثار یکه از خود بجا گذاشتم بقرار ذیل است:

۱ - در بنای مسجد جامع هرات اندرون مسجد و اندرون گنبد ملك غیاث الدین و بعضی حصص بیرونی جامع شریف را بخط ثلث ونستعلیق و کوفی و طغرا نوشته ام .

۲ - ایوان مسجد خواجه مودود چشتی وگلدسته های آن بخط ثلث.

۳ - مسجد جامع لشکر گاه اندرون خانه و بیرونی آن بخط ثلث ونستعلیق

۴ - مسجد حاجی یعقوب در کابل بخط ثلث جلی .

۵ - مسجد خرقه شریف در هرات سمت قبله واندرون خانه فوقانی بخط ثلث .

۶ - مسجد کنار دار المعلمین مقابل باغ جمهوری درهرات .

۷ - ایوان مسجد زیارت مولوی عبدالرحمن جامی (رح) .

۸ - محراب مسجد پارك ولایت هرات .

۹ - ایوان زیارت شاهزاده ابو القاسم .

۱۰ - مسجد سکندر جان شهر قدیم .

Marfat.com

۱۱ - مسجد بکر آباد بیرون درب خو ش .

۱۲ - مسجد جا مع گو هر شاد بیگم د ر مشهد سه سو ر ه بخط ثلث به سنه ۱۳۴۹ .

۱۳ - بعضی ا ز مسا جد و تکیه های هر ا ت .

۱۴ - گنجینه خطو ط در ا فغا نستان چاپ کا بل .

۱۵ - چندقطعه خط نستعلیق برای مرحوم اکبر حسین رئیس جمهوری هند بتوسط وزارت اطلا عات و کلتو ر .

۱۶ - در چند ین عدد سنگ مر مر لواح مزارا ت مشا یخ و علماء و سادات و حکما وغیره اهالی در هر ات و کا بل .

یکعد ه ا ز شاگر د ا ن من :

۱ - حسین وفا سلجوقی که به تمام انواع خطوط مهارت دارد.

۲ - حاجی امین الله پیرزاده که هفت قلم عا لی می نو یسد .

۳ - عزت الله مولوی‌زاده خط نستعلیق و شکسته را خوب مینویسد.

۴ - حاجی نثاراحمد معلم دار المعلمین در خط نستعلیق .

۵ - سر اج الدین باغدشتی معلم در قلعه نو خط نستعلیق و نسخ .

۶ - حاجی حبیب الله پسر حاجی محمد طاهر طبیب خط نستعلیق را عا لی مینو یسد .

۷ - ملاعبدالرؤف معلم لیسه جلالی خط نستعلیق و ثلث و شکسته.

۸ - محمد ناصر ولد حاجی شیخ علام حسین طالب .

۹ - - سیدجواد ولد حاجی سید قاسم شاه طبیبی .

۱۰ - محمد کاظم ولد حا جی شیخ غلا م علی .

۱۱ - فضل الله کلد خا جی علی آ قا منجم باشی .

۱۲ - محمود قاری (متخلص به فرقا نی) ولدحا جی مهد ی در خط نستعلیق و ثلث .

۱۳ - سید حسن ولد حاجی سید رضا عطار در خط نستعلیق .

۱۴ - فضل الله یمینی ولدحاجی حبیب الله غیزا نی درخط نستعلیق .

۱۵ - محمد کریم اثیر ولد میرزا محمد ایوب غور یا نی درخط نستعلیق .

Marfat.com

۱۶- حاجی جمال آقا ولد مرحوم حاجی آقا سید جلال کابلی .
۱۷ - محمود پسر بزرگ من محمد علی عطار در خط نستعلیق .
۱۸ - بهبود پسر من در خط نستعلیق و خط ثلث و نقاشی .
۱۹ - محمد شفیق ولد حاجی محمد صدیق نیازی .

و دیگر شاگرد های زیادی که هر کدام برای دو سه ماه مشق نمودند وداخل کار وکاسبی شدند تذکر نام اوشانرا لازم نشمردم .

مـردان :

مردان عنوان یکنفر هنرمند است که از زمره هنرمندان متبارز هرات بشمار است و یک هنرمند ممتاز و کم نظیر است .

او که عبدالعزیز ولد حاجی ملا عبدالرحمن چکانی و مسقط الراس او قریه چکانان هرات است و به نزدیک دروازه خوش دکان تابلو نویسی دارد .

مردان تمام انواع خطوط را بسلیقه و نظم مطبوع مینویسد بسا تابلو های دکانهای بازار ودوایر هرات بقلم او است .

در قسمت نقاشی نیز مهارت بسزا دارد و در بسا تابلو های خطا طی خود بعضی نقش ها نیز بکار میبرد .

تابلو های خطا طی او که شامل انواع خطوط نسخ و نستعلیق و ثلث و کوفی وغیره میباشد در بسا خانه های مردم هرات موجود است و آثار با ارزشی است .

محمد یعقوب کابلی :

وی که اصلا از کابل بود در جوانی بهرات آمد و تحصیل خط نمود .

از آثار خطا طی او لوحی است در گازر گاه که بالای سر خاک یکی از بزرگان نصب است و میان رواق بزرگ جای یافته است متاسفانه قسمت اول بالایی لوح شکسته است .

Marfat.com

وی هم خطاط بوده وهم شاعر، در شعر (مخلص) تخلص می نمود. خطش بشیوهٔ خط میرزا عبدالرحمن هروی مایل است . در سال ۱۳۴۲ ه،ق در کابل وفات یافته است .

محمد اکبر سلجوقی :

وی خواهر زادهٔ خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی بود ه. او خلف ملا محمود سلجوقی است که در عصر شاه محمود مشرف دیوان عالی بود و تقسیم وظایف علماء واوقات شغل او شان باومربوط بود .

صوفی محمداکبر ازسن صباوت به تحصیل مصروف بوده ونزد خالش تربیت یافت از سن ۱۸ سالگی همیشه روزه داشت وتا پایان عمر دائم الصوم بود . در علوم متداوله تحصیلات داشت ولی تدریس نمی کرد و بعبادت و ریاضت مصروف بود . طلاب خط همیشه باورجوع داشتند و ازو مشق میگرفتند .

در سرودن شعر نیز می پرداخت وی در عهد شباب (مشرفی) تخلص میکرد . لوح پایان پای مقبره میر عبدالواحد شهید بخط نستعلیق او است ودرین خط روش خوب داشت .شب جمعه ۱۶ عقرب ۱۳۳۰ ه،ش بعمر ۶۶ سالگی در حالیکه تا آن سن هم روز ها را دایم الصوم بود و هم طلاب خط را مشق میداد ، وفات یافت .

محمد صدیق دولتشاهی :

ملا محمد صدیق دولتشاهی ازهرات بودواو را آخند زاده دولتشاهی می نامیدند درمسجددولتشاهیان هرات بدرس و مشق طلاب مصروف بود در خط نستعلیق شاگرد خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی است اما بخط شکسته معروف بود در آخر عمر بکابل اقامت گزید ودر آنجا وفات یافت سال وفاتش مشخص نیست .

خطوط شکسته اش زاد رهرات بوفرت یافته میتوانیم هم در نستعلیق و هم در خط شکسته (محمد صدیق شاهی) امضاء میکرد .

محمد رضای هروی خراسانی :

شیخ محمد رضا از اهل هرات بود پدرش مردونزد خال خودآخند ملا محمد صادق می بود خالش که تا حدی‌عالم بود بنام‌آخند داشگر معروف بود که بشغل کلالی امرار معیشت می نمود .

شیخ محمد رضا در دستگاه کلالی‌خالش برشد رسید و ازخالش در تحصیل علم تا جایی رسید و بعد ازان‌در مدارس تحصیلات خود را پیش برد وهمراه خال خود بمشهد رفت ودر آنجادریك مدرسه اقامت گزید هم تحصیلات خود را دنبال میمود علاوه بر انواع کمالات که داشت در حکمت وریاضیات عالم کامل بود وهم تدریس میکرد وشیخ خراسانی در مشهد شهرت یافت خالش در مشهد وفات یافت و بعد ازآن چون بهرات آمد در هرات شیخ طوسی مشهور شد .

شیخ مذکورخط نستعلیق راخوب‌مینوشت و درخط ثلث باستادی رسید و اززمره ملاکین هرات بحساب می آمد درخط جلی‌نستعلیق مهارت فوق العاده و ممتاز داشت،قطعاتش تماماً بخط جلی است غالباً خط او از پنج وشش دانگ باریکتر نبود چون قطعاتش بزرگ بود خط جلی ایجاب میکرد و نگهداشت قطعات بزرگ طبعاً مشکلاتی دارد بدان نسبت قطعات خط او از بین رفته کمتر بدست می آید . شیوهٔ خط او بروش میرزا عبدالرحمن سازش نداشت بلکه بروش میرعماد تطبیق میشد وهمان شیوه را پیروی میکرد .

محمدعمرخان :

محمدعمرخان ازخطاطان مشهورومعاصرهرات است .

خط محمد عمر خان را درکتیبه‌های مساجدوالواح قبور بزرگان هرات زیاد می یابیم . در نوشته‌های محمدعمرخان‌تنها یك مشکل می یابیم که برای زیبایی‌خط سطح سنگ‌و یاکتیبه هارا طوری بحروف نوشته پرمیکرد که غالباً حروف نوشته بعضی نامربوط وحروف مقدم

Marfat.com

به آخرخط آمده که‌خواندن آن خالی از اشکال نیست چون‌بزیبا یی خط میکو شید ومهارت فوق‌العاده در حسن خط داشت نوشته های او نهایت رو شن وزیبا ودل انگیز است وکو چکترین قصو ری‌دران بجز اشکال فوق الذکر بمشاهده نمیرسد .

محمدعمرخان‌شخص جواد و دارا بود، همیشه‌خانه‌او مجمع هنرمندان و اهل ذوق بود . وی تا اواخرزندگی مجرد می زیست ومتأهل نشده بود در آخر زن خواست و محفل عروسی ترتیب داد و شب زفاف به مرگ فجأه در گذشت . تاریخ وفاتش را مولوی ولی محمد که طایف تخلص میکرد سرود که مقطعش فرد ذیل است :

امیدش همیشه بغفران‌حق بود ازآن گشت تاریخ‌او لفظ (غفران)

۱۳۳۱ هـ ، ق

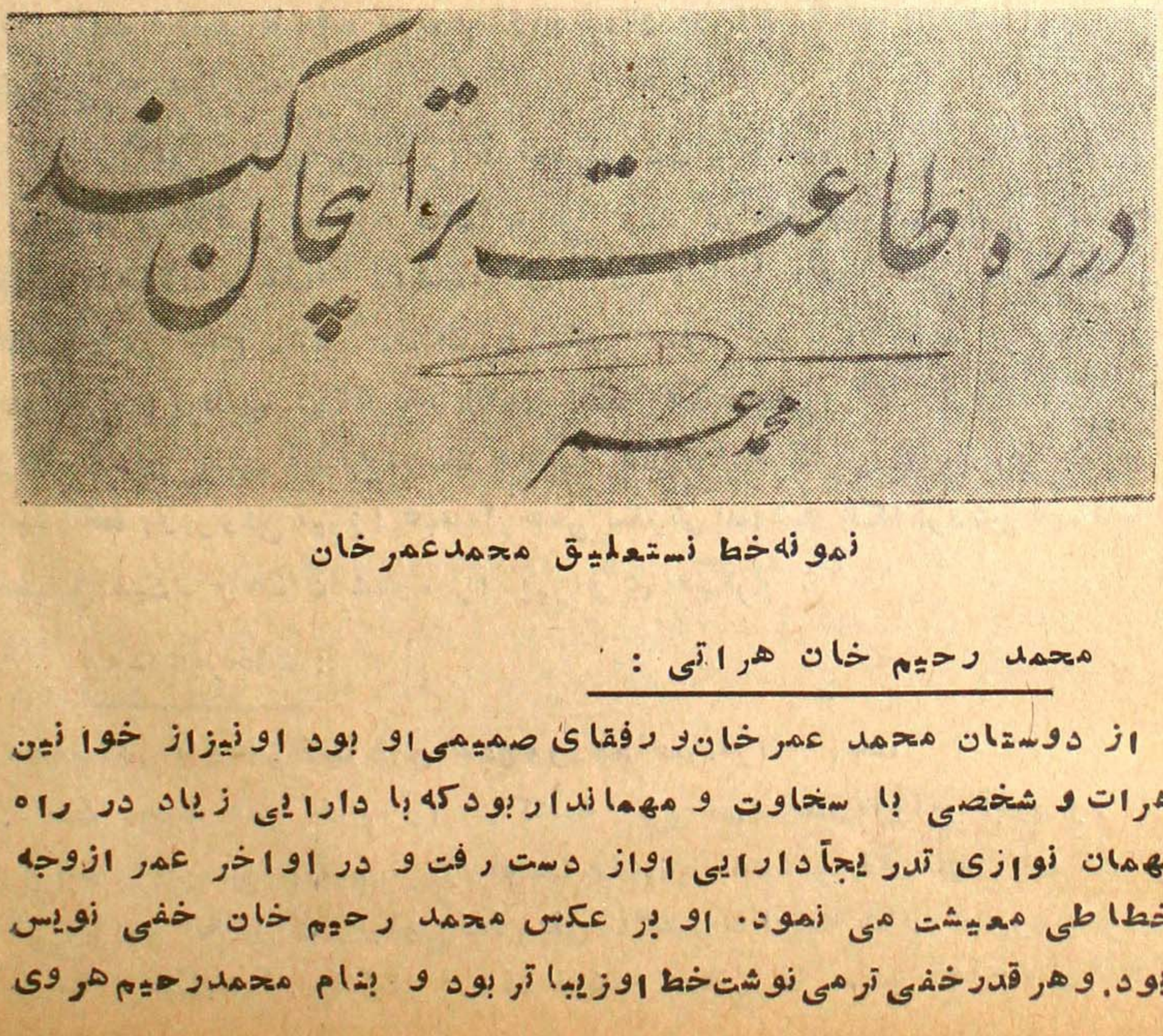

نمونه‌خط نستعلیق محمدعمرخان

محمد رحیم خان هراتی :

از دوستان محمد عمرخان‌و رفقای صمیمی‌او بود او نیزاز خوانین هرات و شخصی با سخاوت و مهماندار بودکه با دارایی زیاد در راه مهمان نوازی تدریجاً دارایی اواز دست رفت و در اواخر عمر ازوجه خطا طی معیشت می نمود. او بر عکس محمد رحیم خان خفی نویس بود. وهر قدرخفی تر می نوشت‌خط اوزیباتر بود و بنام محمدرحیم‌هروی

Marfat.com

و گاهی محمد رحیم الکوزایی امضاء میکرد او از محمد عمر خان در سن بزرگتر بود و عمر طولانی گذراند و همه عمر بعبادت مصروف بود، سال وفاتش معلوم نیست چون با محمد عمر خان معاصر و در سن ازو بزرگتر بوده ازسال وفات محمد عمر خان که ۱۳۳۱ق بوده چند سالی پس و پیش وفاتش بوقوع پیوسته است .

پسر محمد رحیم خان عبد الکریم نام داشت او هم خوشنویس بود از هرات بکابل رفت در خط خفی مهارت تام داشت .

محمد عثمان حسینی :

میر محمد عثمان پسر مرحوم میر عطا محمد حسینی بود او خط نستعلیق و شکسته را مانند پدر از خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی مشق خطاطی نمود و بدرجه استادی رسید میر محمد عثمان در شعر نیز ذوق عالی داشت و پریشان تخلص میکرد .

میر محمد عثمان بعد ازوفات مرحوم عبدالله قانع موسس اتفاق اسلام مدیر مطبوعات و نگارنده اتفاق اسلام بود ودر دوره او این روزنامه جریده هفته وار بود .

در سال ۱۳۵۷ق-درحال حیات پدر وفات یافت و در گازرگاه که مقبره آبائی او بود مدفون گردید .

محمد صدیق هروی :

قاضی ملا محمد صدیق معروف به آخند زاده کابلی از بزرگترین علمای هرات است که بسا از علماء سمت شاگردی او را داشتند ملا محمد صدیق درجوانی چون بجا معیت علوم کسب شهرت نموده بود از هرات بکابل خواسته شد و وظیفه استادی سردار نصر الله خان نائب السلطنة بعهده اش گذاشته شد . در زمان جلوس اعلیحضرت امان الله خان به هرات آمد و در هرات بآخند زاده کابلی شهرت یافت .

وی عالم نهایت بزرگ بود ودر فنون شعر و ادب ید طولی داشت .

در استخراج مواد تواریخ بدرجه نبوغ احراز مهارت می نمود .

(آثار هرات) نام تاریخی تذکره شعرای هرات مولفه استاد خلیلی است . خلیلی در مقدمه آثار هرات می نویسد که چون تالیف این تذکره خاتمه پذیرفت در محضری که آخند زاده ملا محمدصدیق حاضر بود ازوی درخواست کردم که نام تاریخی بآن انتخاب نماید آخند زاده بدون وقفه و درنگ چندین نامهای تاریخی بزبان آورده که سی و دو نام بحساب آمد و همه سال تالیف تذکره رانشان میداد از میان آنها (آثار هرات) را برگزیدم .

مواد تواریخ بسا حوض ها و مساجد از طبع اواست . در فن تعمیه نیز مهارت داشت در یك بناء تاریخی نگاشته بود که هم قمری و هم شمسی بود ، باین ترتیب که در آن زمان تاریخ قمری ، از شمسی چهل سال کابل زیاد بود . بتاریخ تعمیر آخند زاده عبارتی نگاشته بود که ۲۰ سال از تاریخ شمسی زیاد و ۲۰ سال از تاریخ قمری کم بود .
در تعمیه آن توضیح داده بود که اگر ملك پایش را در آن بنهد تاریخ قمری و اگر بر دارد تاریخ شمسی میشود (پای ملك که حرف کاف است بحساب جمل ۲۰ میباشد .

وی در علم جفر و احضار جن نیز شهرت داشت و امتعه گم شده را بدین وسیله بدست می آورد . علاوه بر علم و فضل و دانشی که داشت خطوط نستعلیق ، شکسته ، ثلث ، نسخ را عالی می نوشت .
وی سالها قاضی محکمه هرات و رئیس افتخاری انجمن ادبی هرات بود مرحوم آخند زاده بسال ۱۳۶۳ هـ ق وفات یافت .

و چون در منطق و حکمت قدیم استاد من بود قطعه ذیل را در تاریخ وفات او نوشته بودم که سه فرد آخرش حسب ذیل است :

شدی حل مشکلات علم و عرفان زنطقش بالا شارة والد لا له
چو سن دوره شمس و قمر جست بسال رحلتش از یك مقا له
بدون عطف (شایق) هر دورا یافت (هزار و سه صد و شصت و سه ساله)

چون حروف مصرع اخیر بدون حروف عطف شمار شود ۱۳۴۳ میشود واز صریح عبارت آن ۱۳۶۳ ق واضح است .

مولانا حافظ حاجی ملا (محمد صدیق)

مرحوم مولانا آخند زاده حاجی ملا محمد صدیق معروف با مام ارگ خلف الصدق آخند حاجی ملا عبد العزیز اباً عن جد از مشاهیر علمای کرام هرات بوده علاوه بر تدریس علوم معقول ومنقول پس از وفات پدر بزرگوارش ارثاً و استحقاقاً با مامت ارگ هرات (قلعه اختیار الدین) که مرکز سپهسالارها و قوای نظامی بود انتصاب یافت .

این مرد دانشمند در نگارش خطوط نستعلیق و ثلث و نسخ وشکسته کمال مهارت داشت وزبده خاندان فضل و هنر خط بود از اجداد وعشیره شان مرحوم آخند ملامحمدقاسم و مرحوم شیخ الاسلام ملاخدا بخش ومرحوم ملاعبدالحکیم از اساتید هنر خوشنویسی شمرده میشوند .

مولانا اکثر کتب علمی ومولفات علماء قرن اخیر را بقلم خود برای استفاده طلاب علوم نوشته است ازآنجمله کتاب مهم الاصول مولفه استاد خود ملا محمد عمر سلجوقی را چندین بار بخط نسخ عالی خود استنساخ کرده . و نیز کتابهای شرح حکمت و فتح المبین و منازل السایرین و مفتاح الکنوز از آثار برجسته خطی آن مرحوم دیده شده است . دوتن از فرزندانش مرحوم حافظ ملا محمد سعید ومرحوم حافظ ملا محمد نعیم صدیقی نیز در نگارش کتب و هنر خوشنویسی مهارت داشتند .

همچنین دو فرزند دیگرشان مرحوم محمد سرور و مرحوم محمد کریم صدیقی علاوه بر خدمات عرفانی و مطبوعاتی درخوشنویسی واستنساخ کتب لایق بودند . فرزند کوچک آنمرحوم محمد علم غواص نیز خطوط سبعه را خوب می نویسد. ودرآوان فراغت و جوانی کتابهای زیادی بخط نسخ ونستعلیق نوشته است .

Marfat.com

این الم فاضل و خطاط نامی بعمر ۷۰ سالگی بتاریخ یکشنبه ۱۸ میزان ۱۳۱۰ ش مطابق ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۵۰ ق جهان فانی را وداع گفت . در حالیکه شاگردان زیادی بحیث مدرس و معلم و خطاط وهمچنین ده ها کتاب خطی و آثار بر جسته یادگار گذاشت از نسخ

یکی از آثار پر ارزش حافظ ملامحمد صدیق

Marfat.com

خطی آن مرحوم به تعداد زیاد که بین سالهای ۱۲۹۴ تا ۱۳۱۴ هجری قمری نگاشته شده نزد منسوبین واحباب هنر خط موجود است .

کتیبه لوح بزرگ مزار علامه امام فخرالدین رازی (رح) درخیابان هرات نیز بخط ثلث ونستعلیق آنمرحوم نوشته شده است .

محمد حسین سلجوقی :

خلیفه ملا محمدحسین سلجوقی خلف خلیفه ملا عبدالاحد سلجوقی که خلیفه وجانشین حضرتجی صاحب بخاری در طریقه نقشبندی بود . خلیفه ملا محمد حسین علوم متداوله را نزدپدرش تحصیل نمود وحسن خط را از میر عبدالرحمن هروی تا درجه استادی فرا گرفت و در طریقت نیز جانشین پدر بود .

مرحوم خلیفه در خط زیبا و استادی خود بسیار پر نویس بود در هرات قطعات خط او زیاد است کتیبه خانهٔ درب مدخل مزار

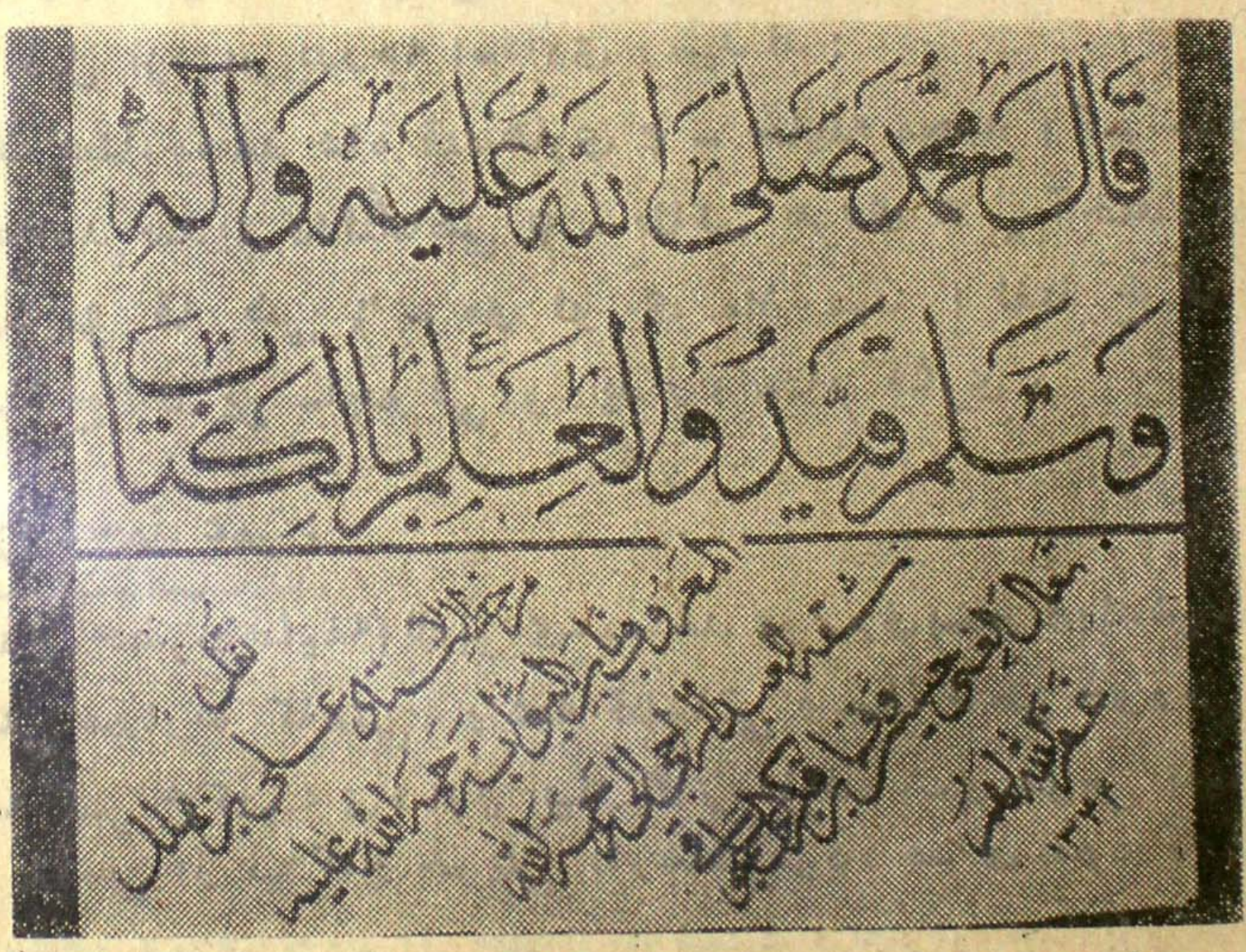

خط ثلث محمدحسین سلجوقی

Marfat.com

خواجه صاحب انصار قدس سره قصیده مولوی عبد الرحمن جامی که بوصف مزار خواجه صاحب سروده است بخط خلیفه صاحب موصوف است و بفرد ذیل آغاز شده :

طوبی لروضة سجدت ارضها الجباه
بشری لسدة لثمت تربها الشفاه

(در همین قصیدهٔ مولوی جامی میگوید :

بندد بروی خود همه درهای حاد ثه هر کس که آورد بحریم درش پناه

ازین فرد برمی آید که بست گازرگاه در زمان مولوی جامی نیز بر قرار بوده است .)

خلیفه سالها در مدرسه پای حصار روش طریقت رامی پیمود و با آنهم وظیفه تدریس علوم و درس خط را بطلاب ایفاء می نمود بالاخره در مرحلهٔ نشیب عمر از تدریس دست کشید و در شمال باد مرغان دریك فضای آزاد دور از قریه باد مرغان قلعه ی تعمیر نمود و در آن منزوی شد و گاهی طلاب بسراغش می هتافتند ازمشق خطدریغ نمیکرد .

خلیفه گاهی شعر هم می سرود و زمانی محمد حسین و زمانی آتم تخلص میکرد ، در زمان مدرسی او در مدرسه سلجوقیه پای حصار هرات شاگردان ذیل نزد او بدرجه استادی رسیدند :

۱ - سید عطاء محمد شاه قندهاری ۲ - خلیفه محمد اکبر سلجوقی ۳ - ملا محمد صدیق دولتشاهی ۴ - طالب هروی ۵ - آخند زاده ملا محمد صدیق قاضی ٦ - مولوی ملا عبد الفتاح کاکای علامه صلاح الدین سلجوقی و پدر استاد فکری .

میرزا محمد عمر :

خلف الصدق حضرت خلیفه الله بردی میباشد موصوف بسان والدش بنوشتن خط تا خنی مهارت کاملی داشته قطعاتی وسیلهٔ ناخن خود می نوشت در مدرسه کرخ کتیبه ی ، ازو بیاد گار مانده است ، مومی الیه عمر خود را بتأسی از نیاکان خویش بارشاد مردم صرف نمود بالاخره در سال ۱۳۴۰ قمری چشم از جهان پوشیده و بجوار جد بزرگوارش حضرت صوفی اسلام مدفون است .

محمد صدیق :

مرحوم آخند زاده ملا محمد صدیق مشهور بآخند زاده معلم (مدرس) موصوف از مدرسین بزرگ هرات بوده وچون مدتی معلم دار الحفاظ هرات بوده است اکثر مردم او را به آخند زاده معلم میشناسند .

معزی الیه ولد مرحوم حاجی سید عبدالحمید است که مدرس سابق بلده هرات بود .

حاجی سید عبدالحمید نیز از ردیف خطاطان هرات بود .

مرحوم آخند زاده ملا محمد صدیق درشش رقم خطوط نستعلیق تعلیق ، نسخ ، رقاع ، ثلث ، شکست بزمرهٔ استادان بشمار بود و علاوه بر خطاطی و علمیت بدرجه تدریس، در شعر وادب نیز دارای قریحه عالی بود .

آخند زاده تالیفات نیز داشت قرار ذیل :

۱ - رساله عقدالوحید در تجوید بزبان دری

۲ - رساله در شرح کلمه توحید بزبان عربی

۳ - رساله در منطق خورد بزبان عربی

۴ - مجموعه اشعار شامل حمد و نعت و اشعار عشقی و تصوفی بزبان دری

مرحوم آخند زاده بسال ۱۲۴۳ هـ ، ش در ۸ برج اسد وفات یافت ودر قریه سیاوشان هرات بجوار مزار خواجه کنجان رحمة الله علیه مدفون گردید .

محمد کریم اسیر :

ولد میرزا محمد ایوب غوریانی میباشد. محمد اززمرهٔ نقاشان است که در حصه اول این بخش معرفی شده است چون موصوف علاوه بر هنر نقاشی در خطاطی نیز ذوق دارد درین بخش نیز از وی یاد آوری می نمایم .وی خط نستعلیق را خوب می نویسد و در حسن خط اززمرهٔ

Marfat.com

شاگردان استاد عطار است . علاوه برآن قریحه شعر و ادب را نیز دارا بوده باآنکه مبتدی است اشعار جذاب می سراید .

محمد شفیق نیازی :

ولد حاجی محمد صدیق نیازی در سال ۱۳۲۸ش تولد یافته و در سال ۱۳۳۷ شامل مکتب گردیده و در سال ۱۳۴۴ بخط علاقه پیدا کرده و در زمره تلامیذ استاد محمد علی عطار بتحصیل حسن خط آغاز نموده و تا کنون از متعلمین مکتب بوده و در رشته خطاطی نیز مشق خود را ادامه میدهد .

محمد کاظم :

ولد مرحوم حاجی غلام علی متولد در سال ۱۳۱۱ هـ ش در هرات در سال ۱۳۴۱ شامل مکتب لیسه جامی شده دوره متوسطه را طی نموده فعلا در فاکولته طب ننگرهار مصروف تحصیل است . محمد کاظم در خط نستعلیق نیز مشق کرده و خط او خوب است و از تلامیذ استاد محمد علی عطار میباشد .

محمد نعیم :

ولد محمد کریم متخلص بکریمی در اواخر سال ۱۳۴۸ متولد گردیده تعلیمات ابتدایی را یکحصه را در لیسه جامی و حصه دیگر را در لیسه سلطان طی نمود فعلا شامل صنف ۴ فاکولته مصروف تحصیل است .

موصوف در کورس خطاطی که برهنمایی استاد محمد عطار دائر شده بود شامل شده و مشق خطرا پیشبرده و کتابچه های مشق از استاد عطار گرفته در پهلوی تحصیلات خودش مشق خط را نیز ادامه میدهد .
آینده خوبی درین رشته ازو چشم داشته میشود .

(سید) محمود :

ولد سید نور محمدشاه هم در خطاطی ، هم در نقاشی مشق خوبی

Marfat.com

دارد . وی در هر دو رشته هنر شاگرد استاد مشعل میباشد- ولادت موصوف در سال ۱۳۲۸ هـ،ش در قریه سیاوشان صورت گرفته فعلا در شهر هرات سکونت دارد .

محمد وزیر :

محمد وزیر ولد منشی ملا عبد الصمد موصوف در ۱۳۰۱ شمسی متولد و فعلا بحیث مدیر محاسبه مستوفیت مصروف و ظیفه میباشد .

وی بروش و سلیقه ارثی خود بخط نستعلیق مهارت یافته کتاب گلستان سعدی را بتاریخ ۱۳۶۵ قمری بخط نستعلیق نوشته است موصوف مدتی بحیث معاون مدیریت تحریرات و لایت هرات موظف بود .

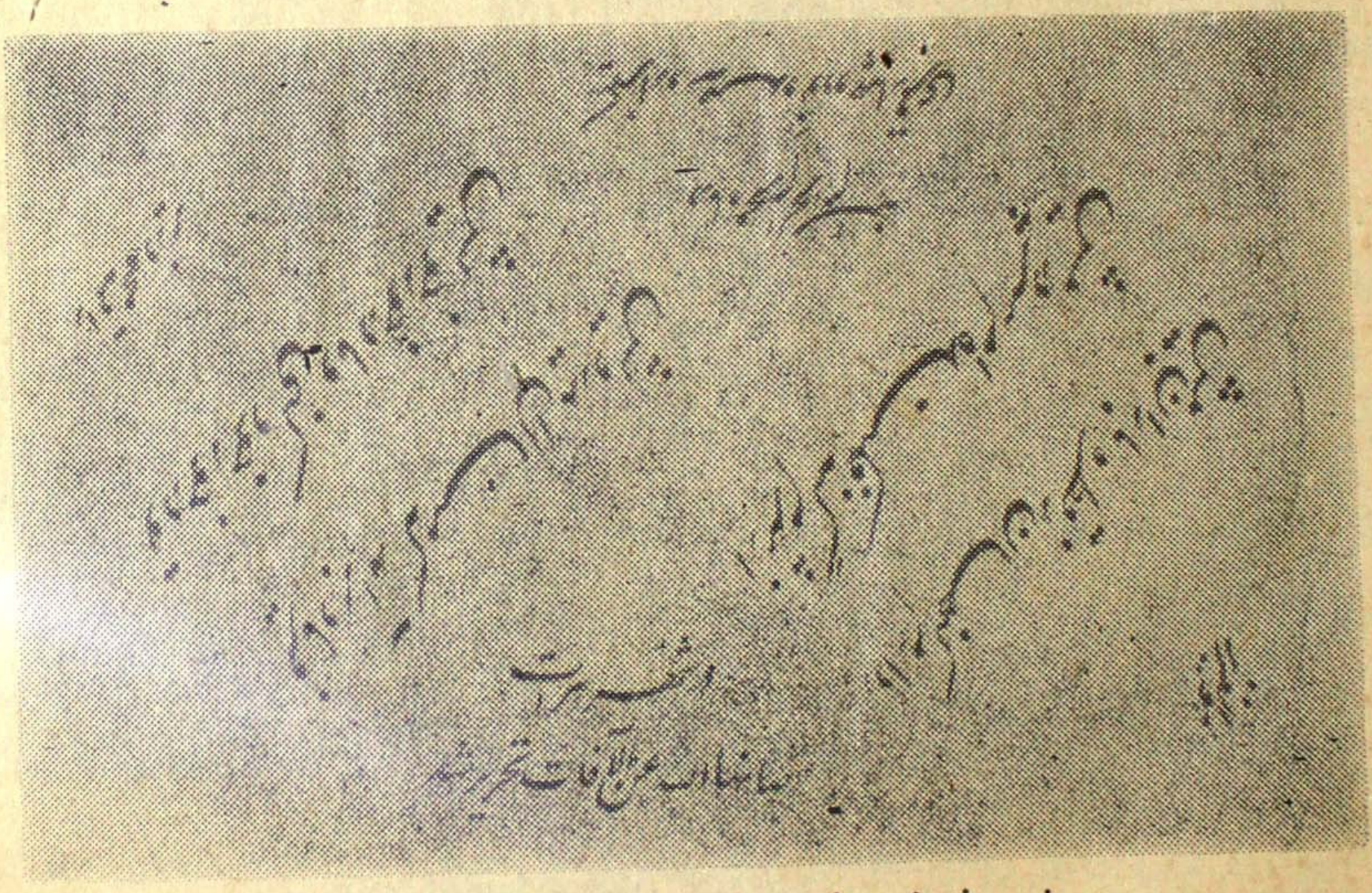

نمونه خط نستعلیق وزیرجان کروخی

میرزا محمود قاری :

میرزا محمود ولد حاجی میرزا محمد مهدی در خطوط نستعلیق ونسخ وشکسته مهارت دارد ، فرقانی تخلص میکند ، تولد او در

Marfat.com

سال ۱۳۲۰ ه،ش در هرات صورت گرفته وتحصیلات دوره ابتدائی را در مکاتب خانگی طی کرده ونزد علماء بعضی کتب عربی را نیز درس خوانده فعلا تجارت شخصی دارد .

محمد ناصر :

محمد ناصر ولد شیخ غلام حسین طالب در سال ۱۳۳۳ ش-در هرات متولد و در سال ۱۳۴۲ شامل مکتب جامی (رح) شده ودر همان دوره تحصیلات ابتدائی بخط خوش علاقه و توجه داشت ودر همان دوره نزد استاد محمد علی عطار بفرا گرفتن این هنر زیبا آغاز نمود

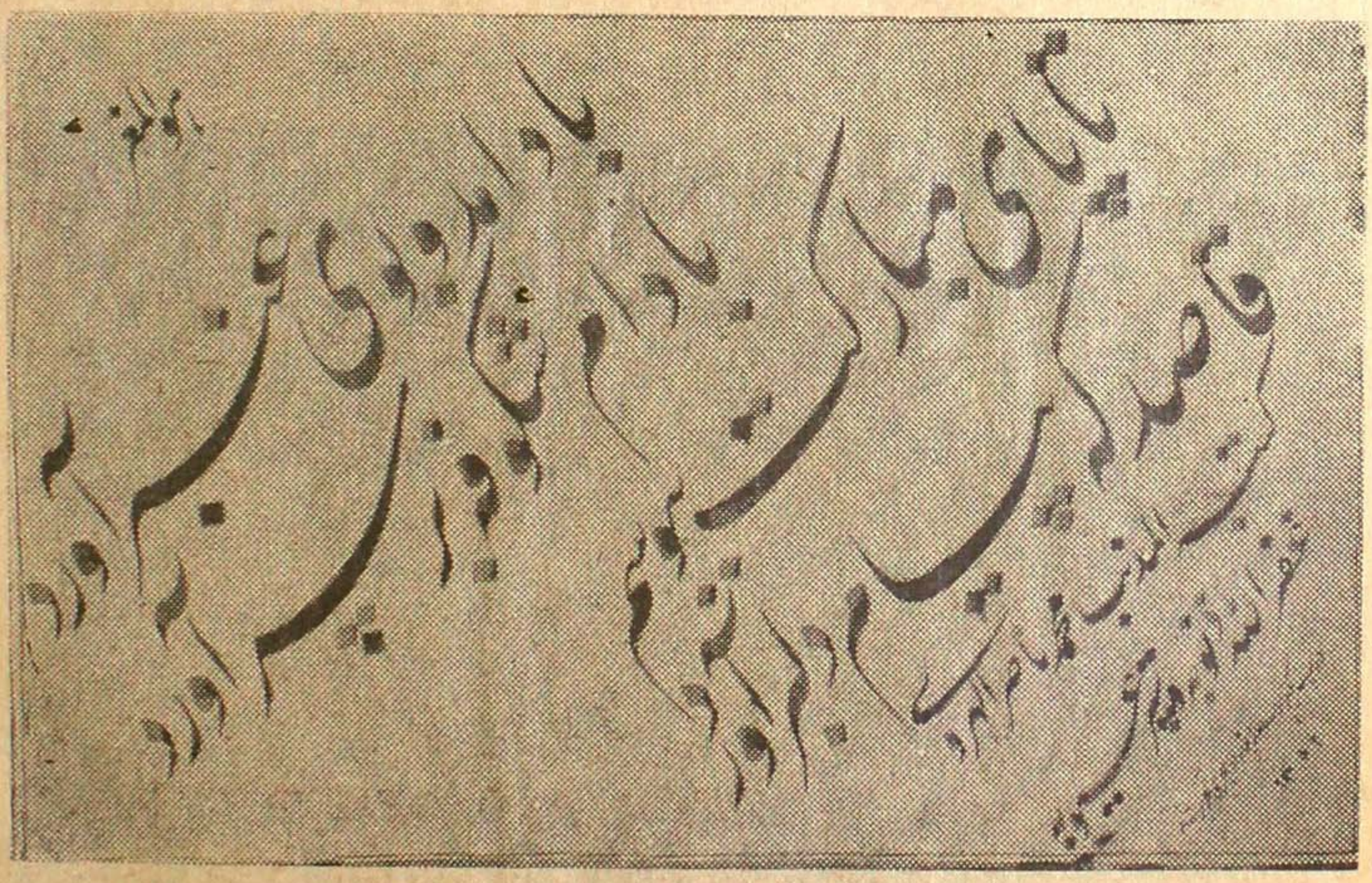

نمونه خط محمد ناصر

و بشوق وشعف فوق العاده در حسن خط کوشید استاد موصوف نیز در آموزش او توجه زیاد نمود و در حسن خط تا حدی ورزیده گردید .

Marfat.com

نمونه خطاو که ملا حظه میشود تا درجه زیاد پیشر فت نمو ده و طور یکه از اشتیا ق مفرط او بحسن خط معلوم میشود اگر در تحصیل جدیت و کوشش خود را دوام دهد بدرجه استادی میرسد .

آخند ملا محمد صالح :

این دانشمند و خطاط بزرگوار فرزند ملا عبدالقادر هروی وجد پدری آخند زاده ملا محمد صدیق امام ارگ میباشد .
در علوم معقول و منقول مخصوصا در فقه اسلامی ماهر بوده و کتب وآثار زیادی بخط نسخ و نستعلیق و شکسته نگاشته و در تحصیلات طلاب علوم در آن وقت که کتاب چاپی کمتر موجود بوده مساعدت کرده است .

ملا محمدصالح چندین کتاب بزرگ مثل هدایه و شرح وقایه رادر فقه بخط خوش نوشته و نیز دیگر کتابهای علمی مانند هدایةالنحو و کافیه ومنیة المصلی و نصاب الصبیان و مختصرالمعانی و یك سلسله کتب دیگر را در سالهای ۱۲۱۹ تا ۱۲۳۱ ه ، ق بقلم توانای خود نهایت عالی استنساخ کرده و یادگار گذاشته است .
وی خط ثلث جلی را نیز خیلی خوب مینگاشته و بعضی آثار آن به‌مهر اختصاصیش «کنده برخاتم دل مهرمحمد صالح» ممهور میباشد
وی اکثر کتابها و آثار خود را در خانقاه حضرت سلطان باباجی نوشته است .

حافظجی ملا محمد سعید «راجی» :

پسر ارشد آخند زاده حاجی ملا محمد صدیق واز دانشمندان معاصر هرات بوده علاوه برعلم و فضل و هنر ارثی خطاطی ، جوانی حقیقت پسند و صوفی مشرب و سخنور بود که اشعار حافظ را بیشتر دوست داشته واغلب غزلهای آن عارف بزرگ را تضمین و تخمیس کرده است .
قاری ملا محمد سعید خطوط سته را بکمال متانت و زیبایی مینگاشت

کتب زیاد علمی و ادبی بخط خوش نسخ‌ونستعلیق و قطعاتی محتوی خطوط ثلث و کوفی معقلی‌یادگار گذاشته و هم اشعار عارفانه ی‌از وی باقی مانده است . این استاد فاضل و هنر مند بعمر ۴۸ سالگی بتاریخ ۲۰ میزان ۱۳۰۸ مطابق ۹جمادی الاولی ۱۳۴۸ وفات نموده پدر بزرگوار خو را متأ لم گر دانید . نمو نه اشعاراو :

بوصال تو خواهشی دارم ز فراق تو کا هشی دارم
همه شب بیتوا ز دل و دیده اضطراب وتراوشی دارم
با سگان در تو تادم صبح د مبدم آه و نالشی‌دارم
ساختم باغم توچون «راجی» به بلا ی تو سازشی دارم

جا نم ا ز هجر سو ختی جا نا
چشم لطف و نو ا ز شی دا رم

آخند ملا «محمدقاسم»

آخند ملا محمد قاسم خلف الصد ق ملاخدا بخش‌ا ز علما ء بر از نده‌و خطا طا ن نامی قر ن ۱۳ هرات‌بو د در نگا رش خطو ط سته مخصو صا ثلث و نسخ ونستعلیق مهار ت دا شتت کتا بها و آثا ر ز یا دی بخط خوش خود استنساخ کرد که از آ نجمله چند ین اثر عا لی و ز یبا در علو م عقا ید و منطق و تجو ید و فقه و صرف ونحو و ادب د ر کتا بخا نه شخصی محمد علم غواص «یکی از ا حفا د او» مو جو د ومحفو ظ ا ست و از بهترین نسخ و آثا ر خطی‌عصر بشما ر میرود ا ین‌آثا ررا بین سالهای ۱۲۲۳ و ۱۲۳۸ ه ، ق‌نگا شته است .

مر حو م آ خند ملا محمد قا سم د ر تعلیم خطو ط ششگا نه بر ا ی فر ز ند ا ن خو د نیز کو شید ه که د ر نتیجه ا ز پنج پسر شا ن شیخ الا سلا م آ خند ملا خد ا بخش در اقرا ن و ا ما ثل خو د د ر تد ر یس و تأ لیف کتب د ینی‌و ادبی‌وخو شنو یسی مقا م‌ا ر جمندی ر ا حا یز گر د ید فر ز ند د یگر ش آ خند ملا عبد ا للطیف نیز خطو ط نسخ و ثلث را خیلی خوب مینو شت کتا بی در شر ح عقاید

Marfat.com

بخط نسخ زیبا ی و ی که در سال ۱۲۴۴ ه ، ق نگا شته گواه خوشنویسی او ا ست .

گفته میتو ا نیم که آخند ملامحمدقا سم هنرخطاطی و تحریر خطوط ثلث و نسخ و کو فی و نستعلیق ر ا در قرن ۱۳ د ر هر ا ت بمعیا ر و سیع تر و یج دا د ه و شا گردان زیادی در خو شنو یسی و استنساخ کتب تر بیه کر ده است .

سید محمد جا ن :

آخند زا ده ملا سید محمد و لدمرحوم آخند ز ا ده ملا میرمحمد صدیق معلم (مدرس) میبا شد .

مو صوف د رخطو ط ششگانه مهار ت دا شته و از زمر ه خو شنو یسان هر ات بشمار است .

در سنو ا ت ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ ش- در ز مان حکومت عبدا لرحیم نا یب سا لا ر مو صو ف در مطبعه سنگی هر ا ت و ظیفه خطا طی د ا شت در مز ار خلیفه صا حب نو ین بعضی لو ح های قبو ر مشا هیر هرات بخط او ا ست .

از قلم او قطعا ت ز یا د بخط نستعلیق و ثلث و غیره نز د مر دم هرات مو جو د است .

فعلا در شر کت پخته هر ا ت شا مل وظیفه میباشد .

میر آقا ی حسینی :

پسر میر محمد کاظم گدام دار است واز صغر سن در مدرسه پای حصار مشق خط را از صو فی محمد اکبر سلجوقی اخذ میکر د تا آ نکه در نستعلیق بمر تبهٔ استادی رسید ه .

میر آقا مدت عمرش بمیر زایی د فتر گذشت. در آخر عمر بخطاطی مسجد جامع هرات مقرر گردید . در نگاشتن کتیبه های جلی مسجد جامع قدرت ممتاز از خود نشان داد . واقعاً در قرن ا خیر کتیبه

جلی نستعلیق را بآن قدرت و استواری هیچکس ننو شته است .
اکثر کتیبه های نستعلیق مسجدجامع هرات بخط او است . فکری سلجوقی می نو یسد :
هنگامیکه بنقاشی مسجد جامع هرات موظف بودم ، خطوط زیبای نستعلیق میرآقا رااز کاغذ روی کاشی خاکه و قلم گیری می نمودم. او قطعاً به پنسل و مداد اندازه گیری نمیکرد و دستش به مداد آشنا نبود، نی بانس درشتی را سر کرده وقطع میزد که هیچ دستی آن قلم رانمی توانست بسطح ودور کاغذ بچر خاند وخطی بآن استحکام وزیبایی بوجود آورد . هرکس که کتیبه سمت شرقی بیرون این مسجد را دیده باشد بآن قدرت دست آفرین میگو ید :
او بروز ۲۲ سر طان یکهزار وسه‌صدو سی‌و دو (۱۳۳۲) هجری شمسی بعمر ۸۰سالگی وفات یافت .

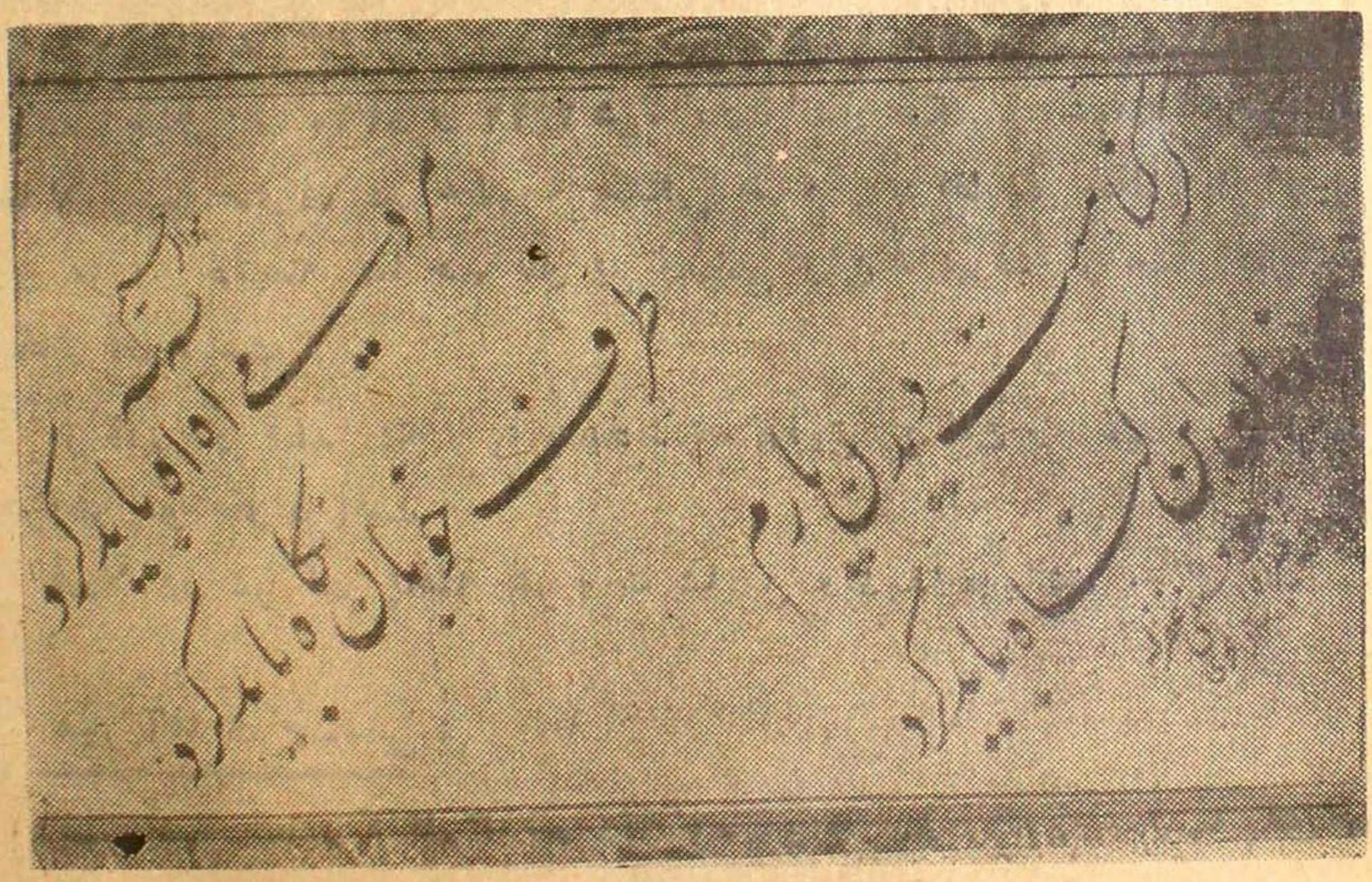

نمو نه‌خط میر آقا

محمد حسین هروی چارباغی :

وی برادر محمد یوسف ریا ضی معروف به یوسف گربه ، صاحب

Marfat.com

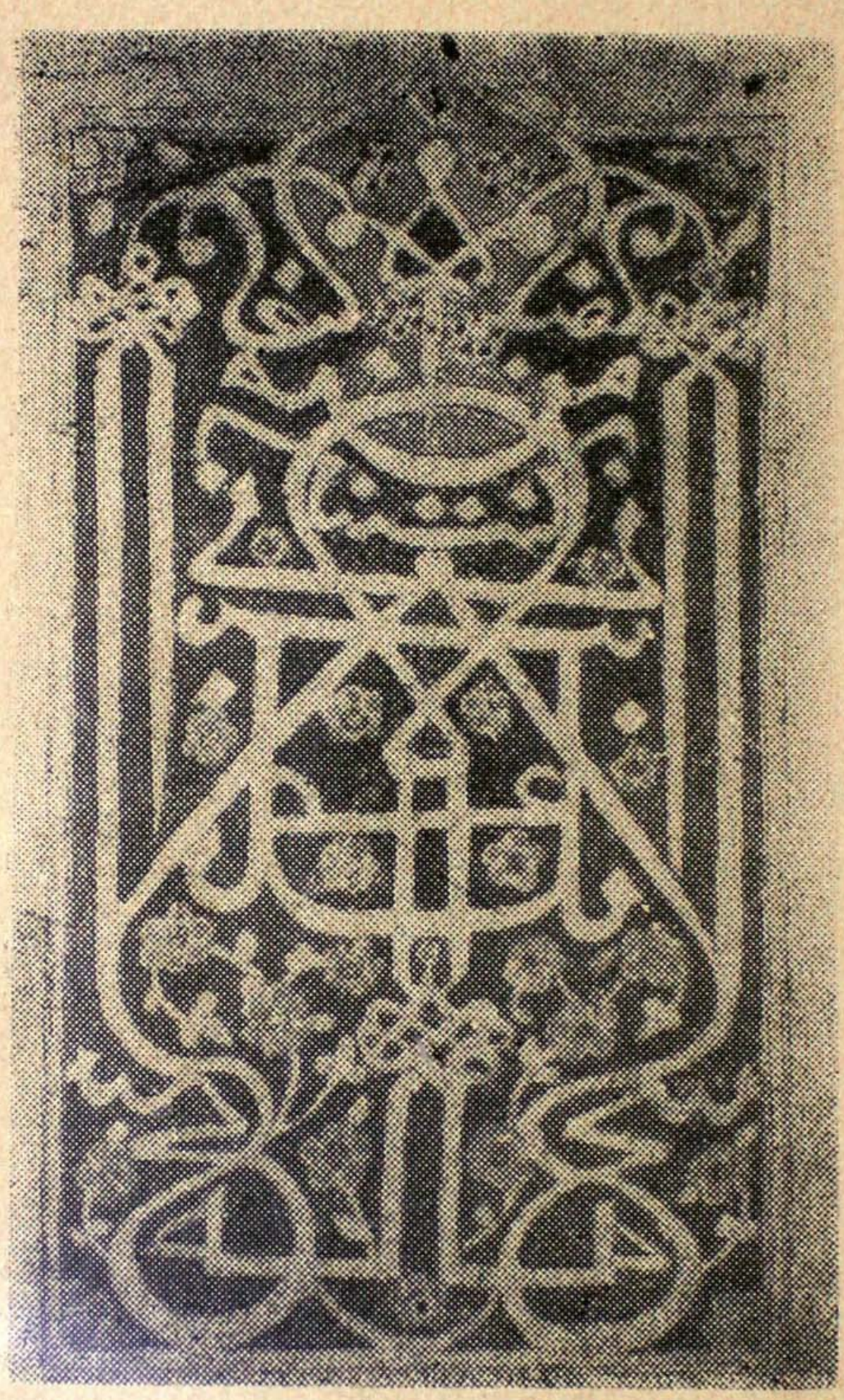

نمونه خط خوا جه نجم الدین

تفصیل در صفحه ۲۷۵

Marfat.com

Marfat.com

مولفه عین الوقایع و بعضی تألیفات دیگر . یوسف ریاضی و برادرش هر دو خط شکسته ونستعلیق را زیبا می نوشتند .

هر دو برادر از هرات بمشهد رفتند ، در انقلاب طوس یوسف ریاضی کشته شد و برادرش محمد حسین تا سال ۱۳۱۰ در مشهد حیات داشت و عمرش به هشتاد رسید .

محمد صدیق نیازی :

آخند زاده ملا محمدصدیق متخلص به نیازی در خطوط ثلث و کوفی مهارت داشت . در نستعلیق شیوهٔ خاصی را می پیمود . همیشه قطعه نویسی میکرد . در اواخر عمر خطش قدری سطحی و تجارتی شده بود همیشه درمحافل شرکت می نمود در سن ۹۰ سالگی وفات یافت .

((ن))

(خواجه) نجم الدین :

ولد خواجه تاج محمد ساکن محله (باباجی) هرات . مرحوم خواجه نجم الدین در خط نستعلیق استاد بوددر نسخ وکوفی و بعضی اقسام دیگر خطوط نیز مهارت وافی داشت . درعلوم متداوله بدرجه متوسط تحصیلات نموده بود .

خواجه از مردم دارا و مهمان نوازو معروف هرات شمار میرفت احتیاجی نداشت که از مدرك هنر شاستفاده پولی بنماید .

بسا قطعات می نوشت و در نزد دوستانش آثار هنری او موجود است او مدتی در دفاتر حکومت ومستوفیت هرات بکار رسمی موظف بود حساب رقوم و دفتر داری را بروش سیاق که طرف احتیاج دفاتر حکومتی بود و تا سنوات نیم قرن پیش در سر تا سر مملکت معمول بود خوب میدانست و از جمله سیاق دانان درجه اول بود .

Marfat.com

وفات او در سال ۱۳۲۵ بسن ۸۰ سالگی در هرات صورت گرفته و در جوار مزار مولانا جامی مدفون است نظم ذیل رادر آخرین آوان مریضی ، سه روز قبل از وفاتش سرود و حسب وصیت خودش بلوح مزار او نوشته شده :

بفکر آخر رقم کردم بروی لوحه مرمر
دعا خواهم زخلق ومغفرت از خالق اکبر
نشان بیخودی دارم حکیم حاذق ورازق
چشاند ساغر آبم ز دست ساقی کوثر
اگر پر سند عمر من بگو هشتاد ویک سال است
نخواهم زیست در دار فنا تاهفته دیگر
مقام مله با باجی ، نام خواجه نجم الدین
حنیفی مذهبم از امتان شافع محشر
تو ای زایر بخوان یکسوره قرآن وازرحمت
ثوابش را ببخشا بر من آشفته مضطر
دعاء مغفرت کن بر من عاجز که لطف حق
بیامرزد گناهان مرا از فضل خود یکسر
هزار وسه صد وشصت است واکنون زقضای حق
قریب الموت افتادم مریض وخسته دربستر

درین نظم که سال وفاتش یکهزار وسه صد وشصت گفته طبعاً سنه هجری قمری است وچون دران سنوات تفاوت میان دوسنه شمسی وقمری چهل سال بوده بحساب شمسی یکهزار وسه صد وبیست میشود ودر لوح مقبره اش ۱۳۲۵ نوشته شده شاید همین رقم سال واقعی وفات او باشد وبحساب قمری ۱۳۶۵ میشود ولی چون در وزن شعر نمی گنجیده از ذکر پنج سال آن صرف نظر نموده است چنانچه بسا شعراء که مواد تواریخ را برشته نظم می آورند چند سالی کم وزیاد را مسامحه می نمایند .

Marfat.com

حاجی نثار احمد جکانی :

وند حاجی غلام سرور بخط نستعلیق مهارت دارد . در دار المعلمین هرات معلم خط میباشد .

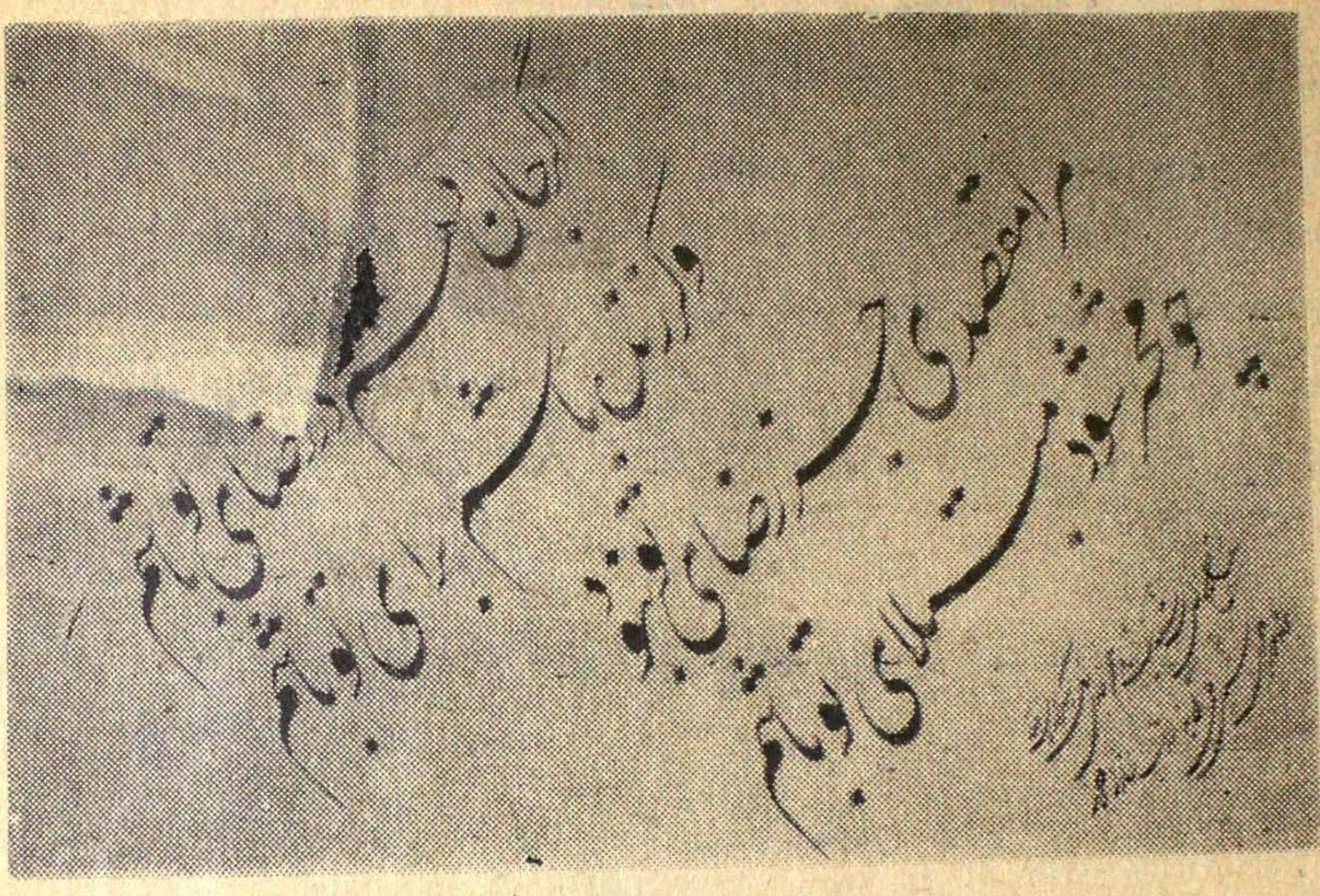

نمونه خط نثار احمد جکانی

((ی))

(ملا) یحیی گازرگاهی :

آخند ملا یحیی در اصل از قریه حوض کرباس هرات بود ولی در گازرگاه سکونت داشت .

ملا یحیی هم در علوم عربی و هم در خط بدرجه استادی بود در نستعلیق شاگرد خلیفه محمد حسین سلجوقی بود و خط خفی و جلی را نهایت خوب می نوشت . طبع شعر عالی داشت و یحیی تخلص میکرد در لوح مقبره یکی از پسران حضرت خواجه صاحبا نصار رباعیی نوشته که از طبع خودش میباشد:

Marfat.com

رضوان پی نظاره دفع درجات
آمد بطواف مرقد پیرهرات
لوح خلفش دیدو بتاریخش گفت
برسید کاینات بیحد صلوات

ملا یحیی در صنایع شعری مانند مقطوع الالف ومقطوع الکاف والام و الدال . . . و غیره قدرت فوق العاده داشت در سایر صنایع شعری مانند مقلوب مستوی و غیر منقوط و امثال آنها قدرت تمام داشت - او در دوره سلطنت امیر عبد الرحمن خان و یکحصه از سلطنت امیر حبیب الله خان شهید امام ارگ بود در آن زمان که فرامرز خان سپهسالار عسکری هرات می بود امامت قلعه اختیار الدین به ملا یحیی مربوط بود .

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

شایق هروی

Marfat.com

استدراک

چند تن هنرمندان معاصر که سوانح و آثار شان بعد از تدوین و تحریر این کتاب بدست ما رسید عجالتاً در اینجا بمعرفی اوشان می پردازیم:

امیر محمد بنائی هروی :

امیر محمد ولد استاد غلام حسین ولد استاد محمد صادق . این هنرمند در قسمت نقشه کشی تعمیرات دست توانا دارد و رشتهٔ تحصیلات را در معارف طی نموده وچندی در امریکا نیز تحصیل کرده فعلا در دستگاه ساختمانی افغانی در کابل شامل وظیفه میباشد .

بهبود :

ولد استاد محمد علی عطار تولد او در سنه ۱۳۳۴ تحصیلات ابتدائی را در مکتب لیسه جامی تا صنف هشتم طی کرده و بعد ازان در دکان عطاری مشغول کاسبی میباشد و شبها بشغل نقاشی و خطاطی میپردازد چنانچه بعضی تابلوهای نقاشی و خطاطی ترتیب داده و درخانه او موجود است .

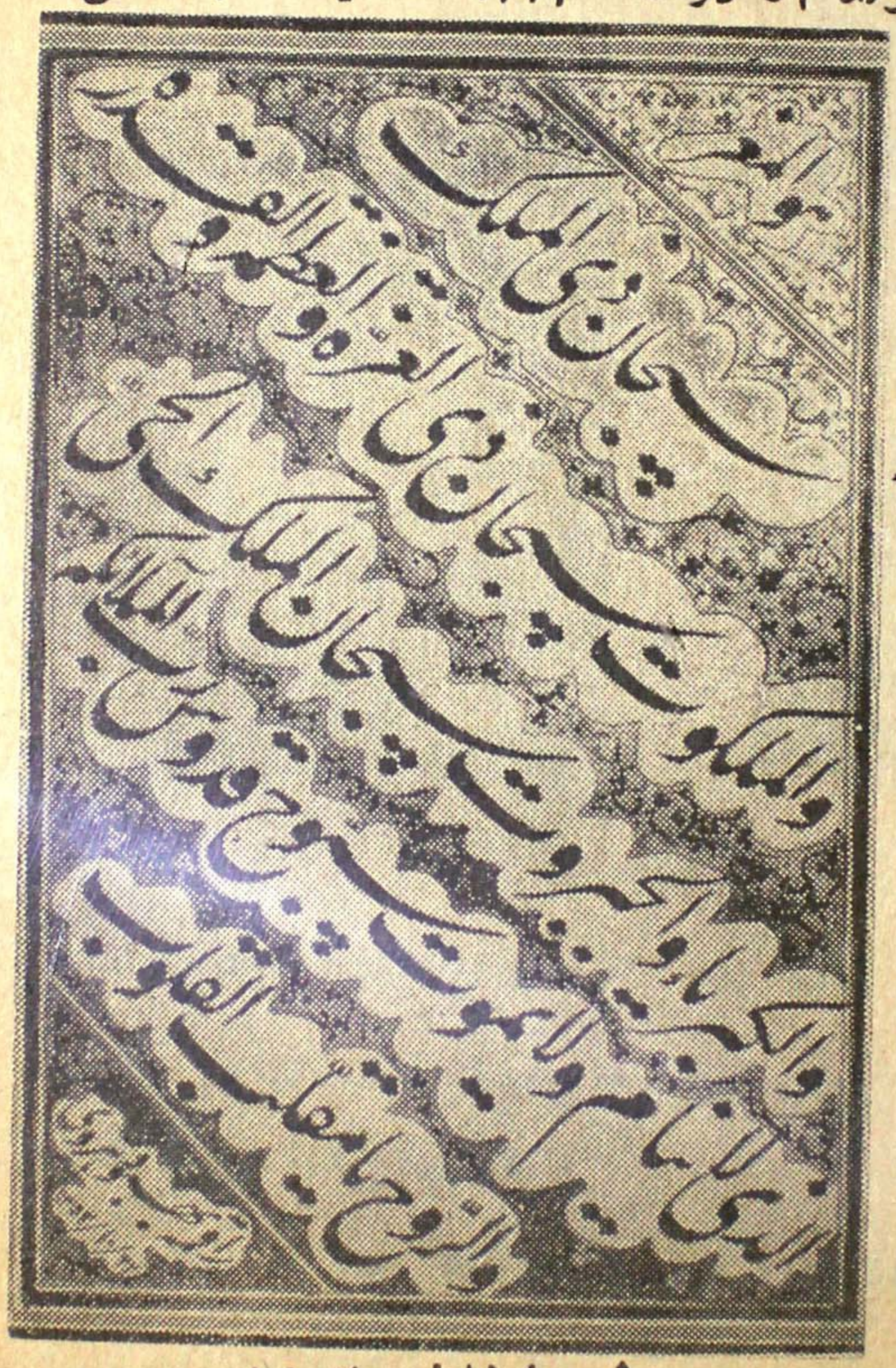

اثر خطاطی بهبود

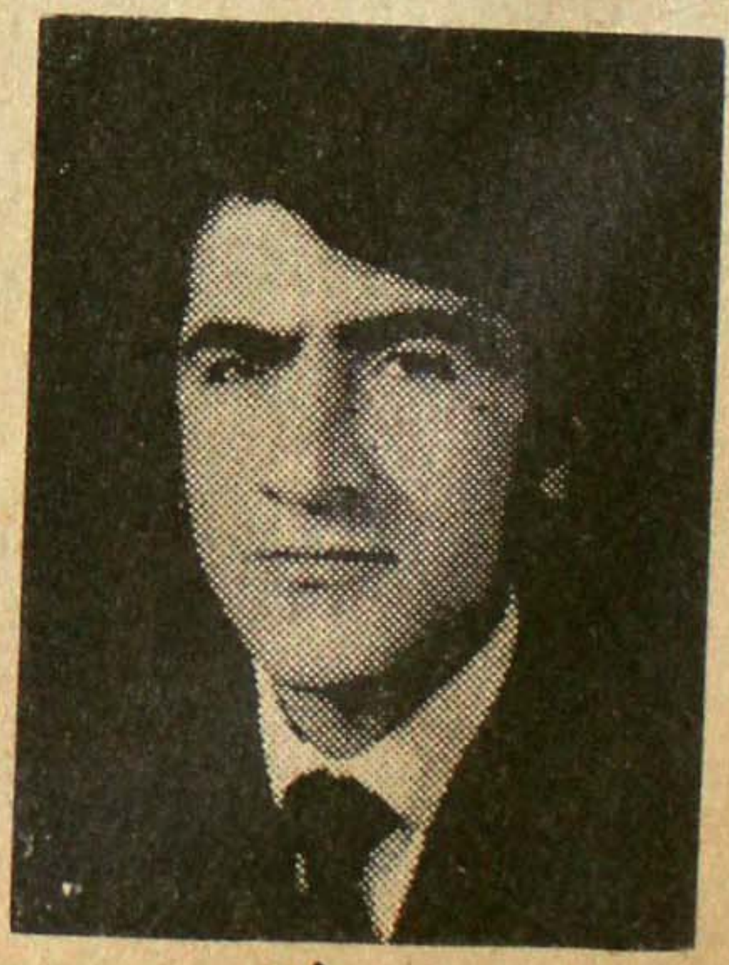

بهبود عطار

بشیر احمد :

بشیر احمد درسال ۱۳۴۰ ش درشهرهرات متولد گر د ید . و از صغرسن بتعلیم هنر و نقاشی شوق مفر ط دا شت .

وی فعلا درصنف ٦ مکتب جبلی هرات مصروف تعلیم است .

موصوف دراثر ذوق فطر ی و استعداد هنری که دارد از یك سال وچند ماه پیش قرا ر گفته خودش هنر مینا توری و نقا شی را دنبال کرده وتاکنون برروی

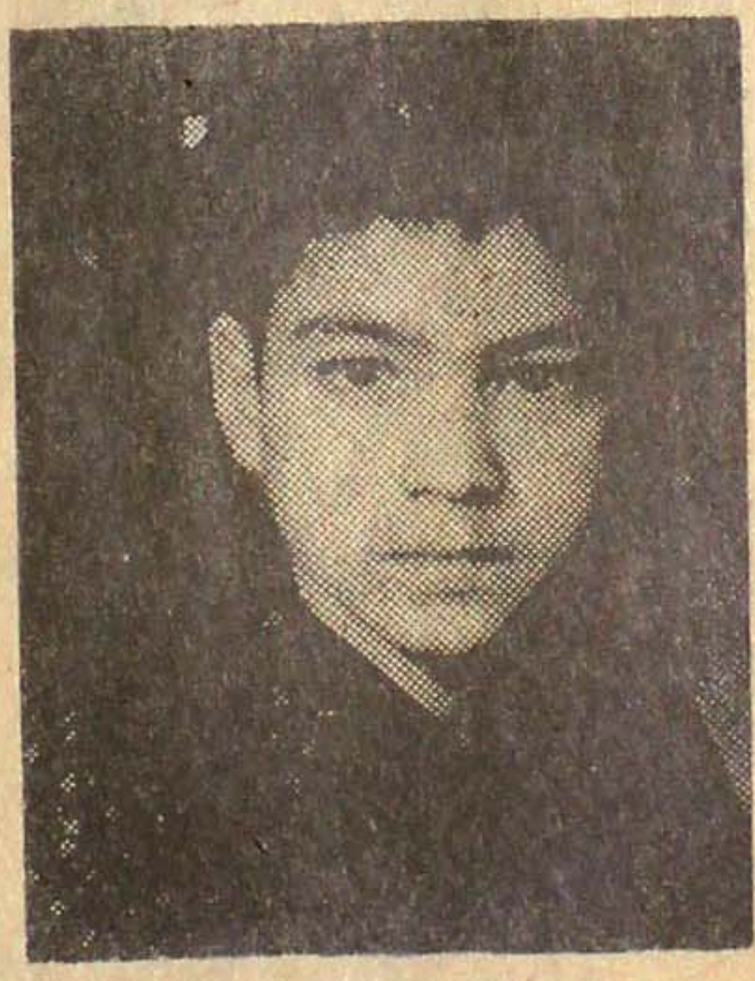

بشیر احمد

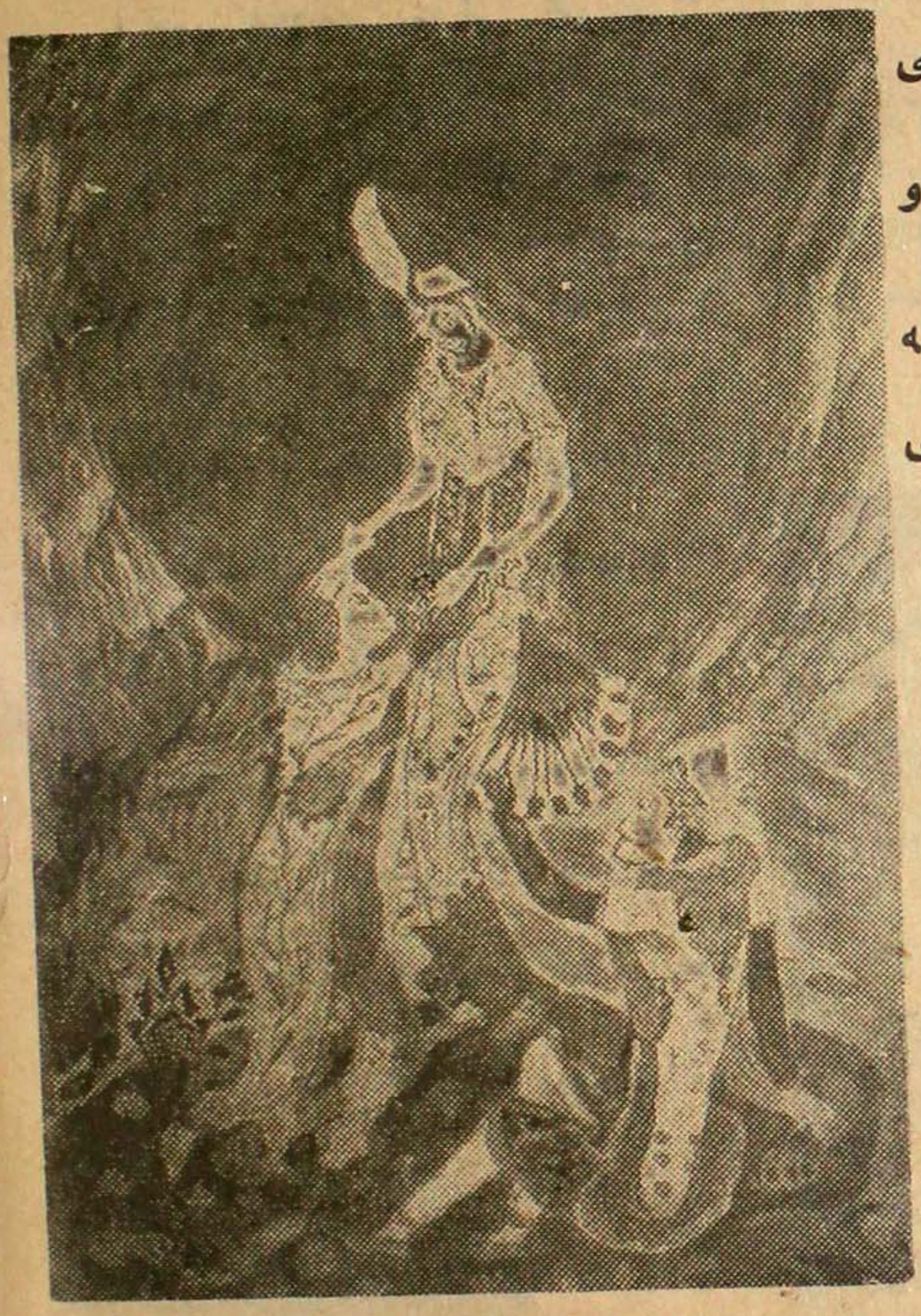

تابلو ا ثر بشیر احمد

صراحی ها و صند و قچه ها هنر مینا تو ر را عملی نموده و آثار ارزنده به تناسب سن ومشق هنری خود تر تیب داده که آ ینده درخشا ن بوی پیش بینی میشود .

وی هنر میناتور ی و نقاشی را ازبنا غلی فضل احمد مقصودی آموخته است واززمرهٔ تلامیذ مکتب استاد مشعل است .

Marfat.com

خلیل الله بنائی :

ولد حاجی علیرضا ولد استاد غلام حسین که در رشته رسامی و نقشه کشی علاقه فوق العاده داشته در قسمت نقشه های قالین بسبك عصر تیموریان تحصیلات نموده و تجارب شایان اندوخته مدتی در هرات و فراه بحیث معلم قالین بافی اجرای وظیفه نموده و چندی بحیث استاد در شعبه انکشاف فن قالین بافی در وزارت معارف وظیفه دار بوده، فعلا در کابل در شرکت قالین وظیفه معلمی را بعهده دارد .

تابلوا ثر عبدا لمطیف

عبدالمطیف حزین :

عبدالمطیف از شاگردان پیش رفته و با استعداد استاد مشعل میباشد که آثار هنری او در شعبه مینا توری استاد مشعل موجود است .

وی فعلا در ولسوالی کشك بوظیفه معلمی مصروفیت دارد .

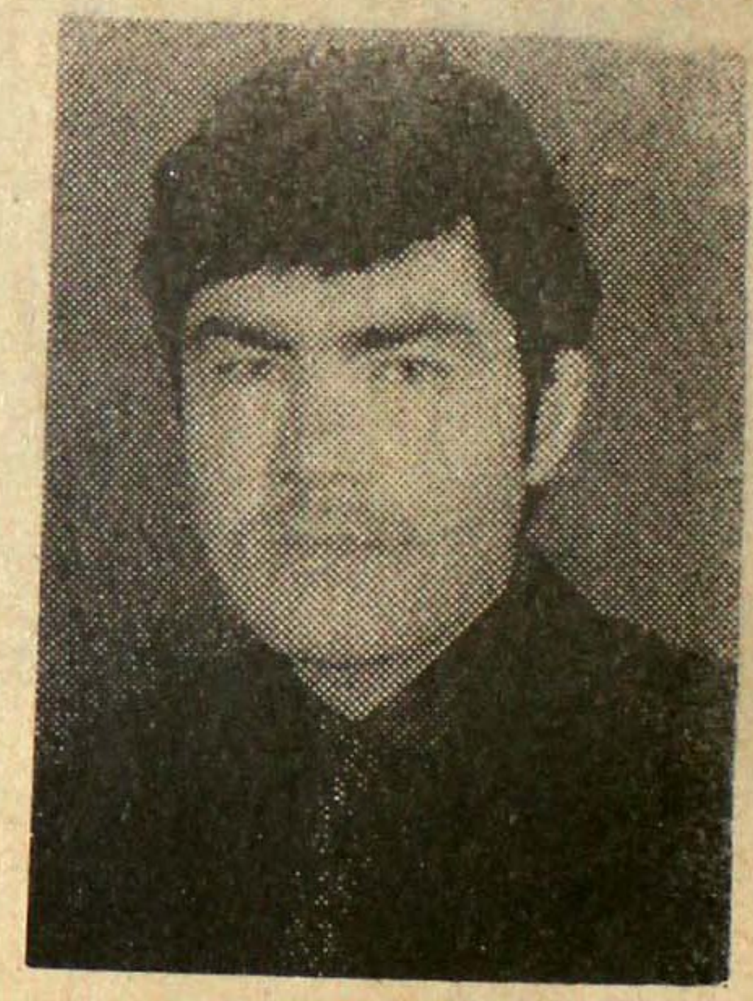

عبدا لمطیف حزین

عبدالشکور غوری :

عبدالشکور از زمرهٔ شاگردان استاد مشعل می باشد، فعلا در ولایت غور بوظیفه معلمی مصروف است . در رشته میناتوری پیشرفت نموده و در شعبه هنری استاد مشعل آثار او موجود می باشد .

Marfat.com

غلام فاروق :

غلام فاروق مفتی زاده یکی از شاگردان با استعداد استاد مشعل است که در شعبه مینا توری استاد آثار او موجود است . فعلا در صنف دهم لیسه سلطان مصروف تحصیل میباشد - وی آثار ارزنده دارد و آینده روشنی بوی پیشبینی میشود .

غلام فاروق مفتی زاده

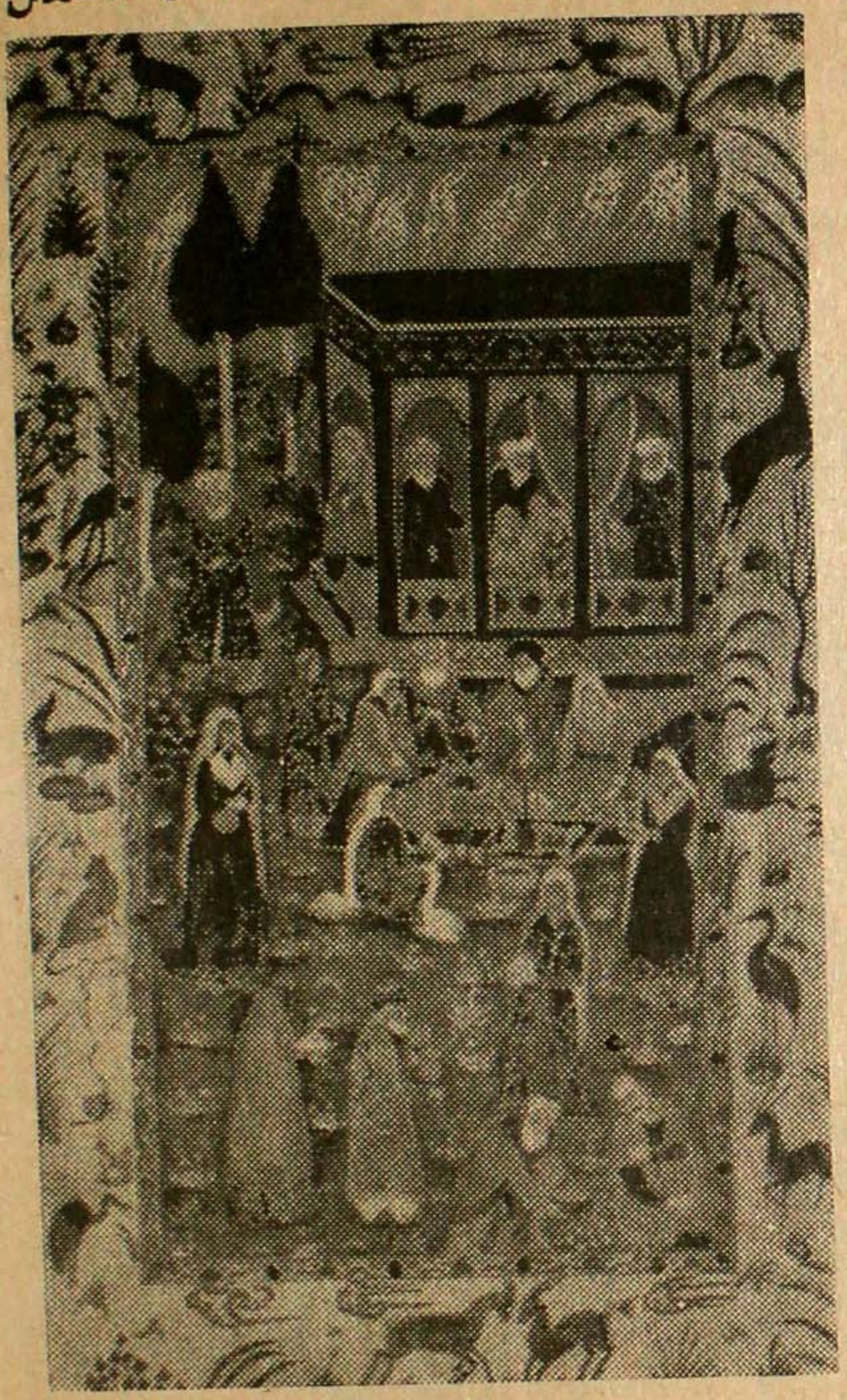

تابلوی غلام فاروق

محمد اسماعیل بنائی :

حاجی محمد اسماعیل ولد استاد غلام رضا ولد استاد محمد صادق ولد استاد علی رضا که قرار گفته خودش سلسله نسبی او به استاد شیر علی بنائی و استاد محمد علی بنائی که از استادان دورهٔ تیموریان بوده اند می پیوندد در سلسله آبائی او هنر بنائی و نقشه کشی سابقه تاریخی در خشان دارد .

Marfat.com

ولادتش در حمل سال ۱۳۵۴ هـ ـ ش در محله قطبی چاق گذر حوض پهلوان ناحیه اول شهر هرات واقع شده است .

و فاتت آن مرحوم در شب سه شنبه ۲۷ میزان سال ۱۳۳۸ هـ ـ ش بعد از شش ماه مریضی واقع گردید و در جوار مزار سلطان میرعبدالواحد شهید مدفون شد . فن مهندسی و نقشه کشی بناها را که پیشه وراثی او بود از پدرو پدر کلانش آموخته علاوه بر آن برای کسب آگاهی ازطرزالعمل تعمیرات عصری فن ساختمانی معاصرچندین دفعه به ایران وعراق عرب و ترکیه و حجاز مسافرت های طولانی نموده و در اکثر مناطق روسیه و المان و فرانسه نیز سفر کرده است موصوف در فن مهندسي و معماری و نقاشی آن قدر تجارب وافر و ارزنده اندوخته بود که بی عدیل عصر و زمان خود بودوکاشی کاریهای سابق مسجدجامع درشروع کار ترمیم برروی هنر نقاشی او صورت گرفته و بعد ازو شاگردانش ازو پیروی کرده اند ـ واز تمام آثار تاریخی هرات که مایه افتخارماست دو اثر را برازنده تر و ارزنده تر می پنداشت :

۱ ـ در حصه حجاری و نقاشی لوح مزارخواجه انصارقدس سره را حیرت انگیز و خارق العاده معرفی میکرد و میگفت :

در رسامی این لوح صنعت محیر العقول بکار رفته که نظیر آن دیده نشده و منحصر بفرداست و صنعت بی نظیر آن اینست که قسمت نقش آن سراپا وبا تمام صحن نقاشی آن مرکب از گل و برگ است و زمین خالی که سطح شمرده شود ندارد .

۲ ـ در هنر معماری از آثار تاریخی هرات ممتاز ترین آنها حوض درب ملك را میدانست که بر خلاف تمام حوض ها که همه به زمین فرورفته اند این حوض فرورفتگی کم دارد و کاسه آن برجسته و بر روی زمین ایستاده تعمیر شده و پایه های آن از روی زمین بلند شده و پوشش بالای پایه ها قرار گرفته است .

حاجی اسماعیل در قسمت نقشه کشی ها بآن اندازه فعالیت بخرج داده که تفصیل تمام آثار هنری اورساله جداگانه را ایجاب میکند مهم ترین آثار معماری و نقشه کشی او اول ترمیم مسجدجامع هرات است

Marfat.com

که بسا دیوار ها و سقفها و رواقهای آن با حفظ نقش عمر ا ن تاریخی آنها بصورت تازه تعمیر گردیده و از بیرون و درون ترمیمی شده که در بسا حصص زاید و بر تر از تعمیر اصلی آن شناخته میشود .

دیگر از صنعت های ممتاز نقشه های تعمیراتی او پارک ولایت هرات است که یکحصه از سطح وسیع آن بصورت نیم دائره نقشه شده و همچو سطح وسیع که در حدود چندین جریب و سعت دارد نقشه آن از نگاه فن معماری عصری یك آله خاص را ایجاب میکرد که دران زمان بداخل مملکت وجود نداشت، حاجی اسماعیل آنرا به نیروی تجارب فنی که اندوخته بود طوری نقشه نمود که مورد قناعت و شایان تحسین مهندسین خارجی واقع شد .

بناغلی غلام رضا خلف آن مرحوم که سوانح فوق را ازوی استفاده نمودیم لست مفصل از تعمیراتیکه به مهندسی و نقشه کشی آنمرحوم آباد شده از نیم قرن پیش تا سال وفاتش همه را شرح داده که به هفتاد قلم میرسد که همه تعمیرات مهم و باوسعت است و از انجمله مثلا تعمیر ولایت و تمام دوائر مربوط آن بحساب یك قلم آمده وچهار بازار شهر کهنه هرات با تیمچه ها و ملحقات آن قلم دیگر بشمار است که از قلمهای بزرگ بحساب است ودیگر قلمهای آن تعمیرات مساجد، پلها، هوتلها و تفریح گاهها و مزارات و تعمیرات ولسوالی ها وغیره است.

خلاصه حاجی اسماعیل یکی از هنر مندان ممتاز و برگزیده معاصر هرات بشمار است که علاوه بر آثار هنری وافر و ارزنده که از خود به یادگار گذاشته یکتعداد زیاد شاگرد دانی تربیه نموده که چراغ هنر او خاموش نشده و نخواهد شد .

محمد علی شاه بنائی :

ولد غلام رضا ولد حاجی اسماعیل بنائی در رشته ادبیات تحصیلات نموده و در قسمت نقشه کشی تعمیرات که شغل ارثی او است پیشرفت شایان حاصل و تجارب ارزنده کسب کرده است ودر نقاشی نیز مهارت دارد فعلا درو زارت معارف بمدیریت پروژه سا ختمانی شامل وظیفه میباشد .

Marfat.com

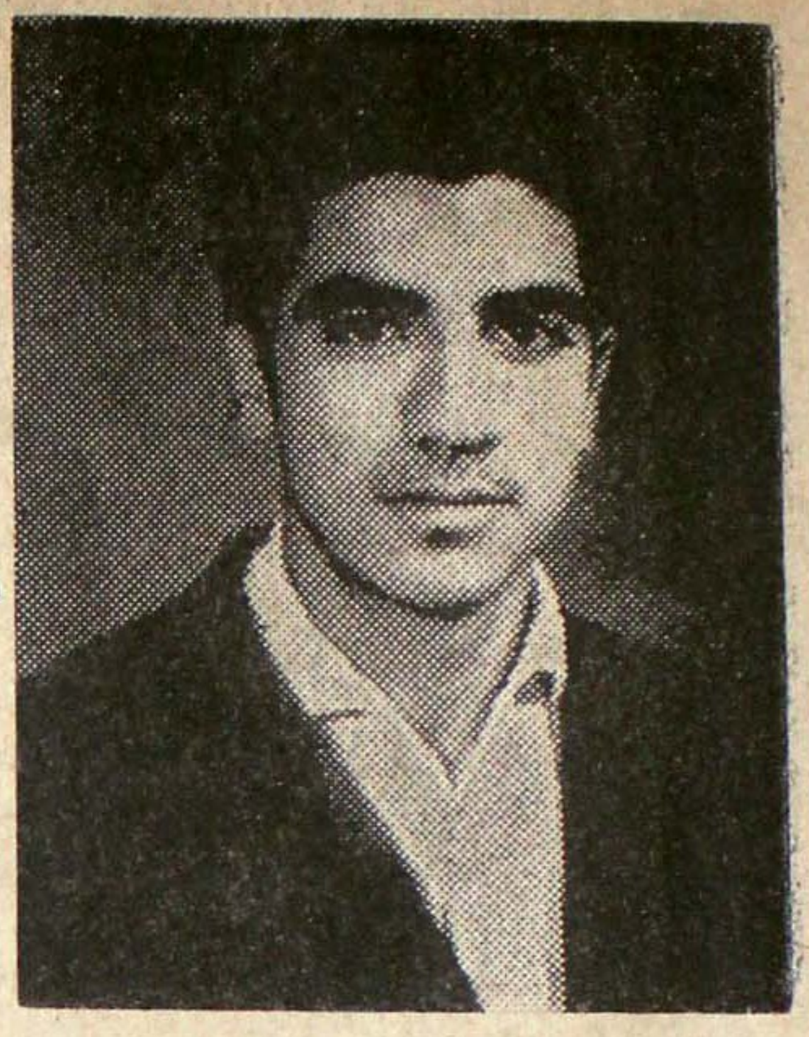

محمود عطار

محمود ولد استاد محمد علی عطار :

تولداودر سنه۱۳۳۰تحصیلات ابتدایی بزبان دری را درمکتب غیر رسمی وعربی را پیش شیخ طاهر قندهاری ملامحمدساغری طی کرده و بعدها دردکان عطاری مشغول کاسبی شده است. وفعلاوظیفه عسکری خودرا انجام میدهد. خط نستعلیق را از نزد پدرش مشق نموده و پشرفت کرده است

محمد فاروق :

ولد عبدالرزاق از شاگردان مکتب استادمشعل است و درین رشته مشق و تمرین نموده وآثاری ترتیب داده است.

خاتمه

درانجام بخش معاصرین قابل تذکر میدانیم که باید درین رساله اولتر استادان هنرو بازهنرآموزان پیشرفته وورزیده معرفی میشدند و درآخر بذکرمبتدیان و نوآموزان می پرداختیم ولی چون استعداد فطری و نهضت هنری تاریخی این محط روزگاری راکد مانده و تربیه و تنمیه نشده بود، درین اواخر بکوشش دواستاد معاصر که درمقدمه متذکر شدم جنبش بی سابقه دردو رشته خطاطی و نقاشی آغاز شد، و از جانبی درین تحول نوین و انقلاب جوان کشور عزیز مؤسسه طبع کتب ما نیز که مدتی بحال سقوط افتاده بود تازه بجنبش در آمدونخستین قدم آن همین اثراست، استادان هنر بدین سبب درین نهضت نومقدمتر ازهمه

Marfat.com

اندیشه ها تشویق و حوصله افزایی نسل جوانرا مطمح نظر قرار داده اند .

چون دسته بندیها در بسا موارد در روش نظام کهنه مدارس تبعیضات تشریفاتی قرار داشت و در تفریق مبتدی و منتهی و کهنه و مه طبعاً بی قناعتی‌ها و شکایت ها مورد می یافت بهتر دانستم تمام ذوقمندان هنر بدون تفریق سن وسال و مبتدی‌ومنتهی از لحاظ حروف نام هر یك به ترتیب حروف هجاکه بذات خود حیثیت فهرست را نیز دارد و ترتیب اصلی کتاب اتخاذ شده، ذکر شوند .

طبعاً تفریق استادو شاگرد ومراتب پست و بلند سویه ها از معرفی هر کدام واز نمونه های آثار هنری شان بر خوانندگان روشن میشود و این ترتیبکه بدون چوکات بندی تشریفاتی باشد در حوصله افزایی مبتدیان رول مهمی خواهد داشت .

و چون این اثر اولین قدم حیات نوین مؤسسه جوان طبع کتب است ازین ترتیب ابتکاری برای آثاریکه آینده درین رشته نوشته شود تجارب اززنده بدست خواهد آمد و بیاری خداوند متعال هر نقش ثانی ما بهتر از اول خواهد بود و در سایه نظام جوان جمهوری هر قدم ما سوی پیشرفت و کامیابی سریعتر برداشته خواهد شد .

میر عبدالعلی شایق

(ختم)

Marfat.com

فهرست کتاب خطاطان و نقاشان هرات از ادوار تیموری تا نخستین سالگرد نظام جمهوری

بخش اول (خطاطان و نقاشان متقدم)

حصه اول

نقاشان

ب

بابا جی صفحه ۱۱
بهزاد » ۱۱

ت

تابعی » ۲۶

ج

جنید مولانا » ۳۷

ح

حاجی محمد نقاش » ۳۷
حسام الدین استاد » ۳۹

د

درویش محمد » ۴۰

س

سلطان محمد » ۴۲

ش

شیخ احمد » ۴۹

ف

فضلی صفحه ۵۰

ق

قاسم علی » ۵۰

م

(استاد) محمدی » ۵۱
محمود مولانا » ۵۶
مظفر علی » ۵۷
مقصود » ۵۹
میر ک » ۶۰

مولانا ولی » ۷۲

ی

یاری » ۶۳
(ملا) یوسف » ۶۳

حصه دوم

خطاطان

الف

ابراهیم میرزا » ۶۸
ابوبکر جامی » ۶۹
ارشد » ۷۰

Marfat.com

اسفزاری صفحه ۷۱
اشرف خان میر منشی « ۷۱
(مولانا) اظهر « ۷۲
امیر خلیل هراتی « ۷۳
امیر سبزواری « ۷۵
امیر شاهی « ۷۵
امین الدین محمود « ۷۷

ب

بایسنغر میرزا « ۷۸
بدیع الزمان « ۸۳
(مولانا) بنائی « ۸۳

ج

(مولانا) جامی « ۸۸
جعفر تبریزی « ۹۴
جعفر جلال « ۹۵

ح

حافظ هروی « ۹۵
حکیم جعفر هروی « «

خ

خازن « ۹۸
خوش مردان « ۹۹
خندان « ۱۰۰

د

درایت « ۱۰۲
دوست محمد « ۱۰۳

ذ

ذوالکمالین « ۱۰۴

ر

رستم علی صفحه ۱۰۵
(مولانا) رهائی « ۱۰۸

ز

زینب شهده « ۱۰۸

س

سایلی « ۱۰۹
سلطانعلی غایتی « ۱۱۳
سلطانعلی « ۱۱۴
غیطان محمد نور « ۱۱۷

ش

(مولانا) شبلی « ۱۱۹
شفیق « ۱۲۰
شمس الدین هروی « ۱۲۱
شیخ عبدالله کاتب « ۱۲۲

ص

صالحی هروی « ۱۲۳

ض

ضیاء الدین یوسف « ۱۲۴

ط

طاهری « ۱۲۴

ع

عارف « ۱۲۵
عبدالکریم « ۱۲۶
عبدالرحمن « ۱۲۶
عبدالله آشپز « ۱۳۱

Marfat.com

عبدالله کاتب صفحه ۱۳۴
عبدالقادر هراتی « ۱۳۴
خواجه عبد القادر
گوینده « ۱۳۶
عبدالحق « ۱۳۹
علاؤ الدین علی میکال
« ۱۴۰
علاؤالدین « ۱۴۱
علی الحسینی « ۱۴۱
عهدی « ۱۴۱

غ

غوریانی حافظ علی
« ۱۴۲

ف

فایض هراتی « ۱۴۳
فراهی « ۱۴۴
فرخ شاه « ۱۴۵
فخرالدین « ۱۴۵
فخرالدین علی « ۱۴۶

ق

قاسم شادی شاه « ۱۴۷

ك

کاتبی « ۱۴۷
کافی « ۱۴۹
کفایت « ۱۵۰
کمال الدین حسین « ۱۵۰

م

مجنون « ۱۵۱
محب علی « ۱۵۵
محمد الکاتب بلخی ۱۵۷
محمد اکبر صفحه ۱۵۷
محمد اویهی « ۱۵۷
محمد حسین میرزا « ۱۵۸
محمد قاسم « ۱۵۹
محمد موسی « ۱۵۹
محمد مومن « ۱۶۰
محمد عظیم « ۱۶۱
محمود شهابی « ۱۶۱
مشرقی « ۱۶۳
معروف مولانا « ۱۶۳
معین الدین احمد « ۶۴
مقصود هروی « ۱۶۵
ملامحمد حسین خلیفه « ۱۶۶
ملک حافظ « ۱۶۷
منشی مولانا عبدالحی « ۱۶۷
میان لعل خان « ۱۶۷
میر علی هروی « «
میر ولی « ۱۸۱

ن

نامی « ۱۸۱
نجف علی سلمانی « ۱۸۳
نگاهی « ۱۸۴

و

ویسی « ۱۸۵

ی

یحیی بسیك « ۱۸۸
یوسف شاه کاتب « ۱۸۹
یقینی « ۱۸۹

Marfat.com

بخش دوم (نقاشان و خطاطان معاصر)

حصه اول

نقاشان معاصر

ب

بلقیس مشعل صفحه ۱۹۲

ح

حمیده اعتماد « ۱۹

خ

خلیل احمد « ۱۹۳

میر خلیل احمد « ۱۹۴

ر

رضای هروی « ۱۹۶

رحیمه مشعل « ۱۹۶

رمزیه مشعل « ۱۹۷

رجبعلی « ۱۹۸

ز

زبیر مشعل « ۱۹۹

س

سکندر نقاش « ۱۹۹

سید محمود گیلانی « ۲۰۰

سلطان محمود پهلوان « ۲۰۰

ش

شریفه محمد عیسی « ۲۰۰

شیرین گل مقصودی « ۲۰۰

ض

ضیا گل مقصودی « ۲۰۱

ط

طاهره بنت خادم حسین ص ۲۰۲

طاهره بنت شیخ غلام رسول ۲۰۳

طاهره ارباب زاده « ۲۰۳

ع

سید عبدالقادر جیبی « ۲۰۳

عبدالکریم اثیر « ۲۰۴

عزیزه مشعل « ۲۰۴

عبدالغفور گذرهائی « ۲۰۵

عبدالکریم خوشنود « ۲۰۵

استاد عبدالعلی هروی « ۲۰۶

عبدالغنی فراهی « ۲۰۶

عبدالبصیر غوریانی « ۲۰۶

عبدالجلیل تاجر « ۲۰۷

عبدالکریم رحیمی « ۲۰۷

عبدالرحمن غوری « ۲۰۸

غ

غلام ربانی تیموری « ۲۰۸

غلام حسن « ۲۰۹

غلام حیدر سلجوقی « ۲۰۹

غلام جیلانی عثمانی « ۲۱۰

غلام فاروق حبیب زاده ۲۱۰

ف

فخرالدین « ۲۱۲

فقیر نقاش « ۲۱۲

فضل احمد مقصودی « ۲۱۲

Marfat.com

ل

لطف الحق فضل صفحه ۲۱۳

م

حاجی محمد سعید مشعل «۲۱۴
محمد یوسف شریفی «۲۱۹
محمد نادر مشعل « ۲۲۰
محمد کبیر حمید « ۲۲۱
محمد جعفر « ۲۲۱
محمد ولی کشکی « ۲۲۲
محمد عثمان قاضی زاده «۲۳۲
محمد نسیم پروانه « ۲۲۳

ن

نثار احمد « ۲۲۳

حصه دوم

خطاطان معاصر

ا لف

الله بردی خلیفه « ۲۲۴
(میرزا) ابوالقاسم « «
« ابو نجیب « ۲۲۵
ابو بکر ابهی « «
(شیخ) اعظم جان « ۲۲۷
(حاجی) امین الله « «
(منشی ملا) احمد « ۲۲۸

ج

جهانگیر « ۲۲۹
میرزا جنید الله حاذق « «

ح

حسینعلی صفحه ۲۳۰
حسین عراقی « ۲۳۱
(سید) حسن « «
(میر) حافظ « «

خ

(ملا) خدا بخش «۲۳۱

ذ

ملا ذبیح الله «۲۳۳

ر

سید رضی «۲۳۴

س

ملا سلیمان سلجوقی « ۲۳۵
سراج الدین «۲۳۵

ش

شریف صراف «۲۳۶

ع

(ملا) عبدالفتاح «۲۳۷
(سید) عبدالحمید « «
(منشی ملا) عبدالصمد « «
(ملا) عبدالحکیم « «
استاد عبدالرؤف فکری «۲۳۸
(ملا) عبدالله «۲۳۹
(ملا) عبدالفتاح «۲۴۱
عبدالرؤف «۲۴۱

Marfat.com

عبدالسلام نیازی صفحه ۲۴۲
عبدالحمید قندهاری «۲۴۲
(میر) عطا محمد «۲۴۲
عبدالرحیم طالب
هروی «۲۴۳
(میر) عطا محمد
حسینی «۲۴۳
(سید) عطا محمد
شاه قندهاری «۲۴۳
عبدالرحمن ثانی «۲۴۴
عبدالرؤف معلم «۲۴۵

غ

غلام مصطفی احراری «۲۴۵
(میرزا) غلام رسول
نیکزاد «۲۴۵
غلام حیدر سلجوقی «۲۴۵

ف

فضل الله «۲۴۶
فیض محمد سیاوشانی «۲۴۷
فضل الله علی آقا «۲۴۷
فقیر احمد «۲۴۸

ق

قانون «۲۴۸
قاسم «۲۴۹

ک

گل احمد «۲۵۰
گیتی ستان «۲۵۰

ل

لشکر نویس «۲۵۰

م

(استاد) محمد علی
عطار صفحه ۲۵۱
محمد اکبر سلجوقی «۲۵۸
محمد صدیق
دولتشاهی «۲۵۸
محمدرضای هروی
خراسانی «۲۵۹
محمدعمر خان «۲۵۹
محمدرحیم خان
هراتی «۲۶۰
محمدصدیق هروی «۲۶۱
حاجی ملا محمد
صدیق امام ارگ «۲۶۳
خلیفه محمدحسین
سلجوقی «۲۶۵
میرزا محمدعمر «۲۶۶
ملا محمد صدیق «۲۶۷
محمد شفیق «۲۶۸
سید محمود صفحه ۲۶۸
محمد کاظم « ۲۶۸
محمد نعیم « ۲۶۸
محمدوزیر « ۲۶۹
میرزا محمود قاری «۲۶۹
محمد ناصر « ۲۷۰
آخند محمد صالح «۲۷۱
حافظجی ملا
محمد سعید «۲۷۱
آخند ملا محمد قاسم «۲۷۲
(سید) محمدجان «۲۷۳
میرآقا حسینی «۲۷۳
محمدحسین هروی
چارباغی « ۲۷۴
محمدصدیق نیازی « ۲۷۵

ن

خواجه نجم الدین « ۲۷۵
حاجی نثار احمد « ۲۷۷

ی

ملا یحیی گازرگاهی «۲۷۷

Marfat.com

فهرست بخش اول: نقاشان و خطاطان متقدم

حاشیه پا و رقی

حصه اول

نقاشان

ب

بهزاد (پا و رقی)
صفحه ۲۷

ج

جلال الدین میرک حسینی «۳۷

ر

سیدروح الله « ۳۹
آقا رضای کاشانی « ۴۲
رضای عباسی هروی «۴۵
مولانا رستم علی «۴۷

ص

مولانا صادقی افشار «۵۰

م

محسن کاتب « ۵۲
میر مصور « ۵۲
محمد عدیمی اصفهانی «۵۲
محمود مذهب « ۵۳
میر خلیل الله هروی « ۵۴

و

مولانا ولی الله هروی «۶۲

ی

مولانا یاری هروی « ۶۳

حصه دوم

خطاطان

تاریخ اختراع اقسام خط از کتاب پیدایش خط وخطاطان صفحه ۶۴

الف

خواجه ابراهیم «۶۹
قاضی اختیارالدین حسن « ۷۲
امیر خلیل قلندر « ۷۳
امامی هروی « ۷۵
امین هروی « ۷۷
احمد شاملو « ۷۸

ب

بایسنغر میرزا « ۷۹
میر محمد باقر « ۸۰
مولانا پارسا « ۸۱
باباشاه اصفهانی « ۸۲
برهان کاتب هروی « ۸۳
پیر علی هروی « ۸۴
پیر علی جامی « ۸۴

ت

محمد تقی هروی « ۸۷

ج

(حکیم) جعفر هروی «۸۹
مولانا جمشید هروی «۹۰

Marfat.com

جعفر حسینی صفحه ۹۰
جمال الدین محمد
مشهدی « ۹۱
جمشید معمائی هروی « ۹۳

ح

حسن خان شاملو « ۹۶
(خواجه) حافظ
هروی « ۹۶
(محمد) حسین « ۹۶
(محمد) حسین هروی « ۹۷
حسن هروی « ۹۷
حسین شهابی « ۹۷

خ

خواجه جان سیاوشانی « ۹۸
خواجه تاج سلمانی « ۹۹

د

دوست محمد گوارشانی
« ۱۰۲

س

سلطانعلی مشهدی « ۱۰۹
سلطانعلی هروی « ۱۱۳
سلطان محمد خندان « ۱۱۴
سلطانعلی قاینی « ۱۱۴
سید احمد
غزال العین « ۱۱۵
سلطان محمود
هروی « ۱۱۵
(محمد) سعید هروی ص ۱۱۷

ش

شهاب الدین « ۱۱۹
(مولانا) شمس
الدین بایسنغری « ۱۲۱
(میر محمد) شفیع
هروی « ۱۲۲

ص

صادقی افشار « ۱۲۳
محمد صالح هروی « ۱۲۳
صالحی هروی « ۱۲۴
(محمد) صالح
بخارایی « ۱۲۴

ع

عبدالخالق « ۱۲۶
عبدالرحیم
خوارزمی « ۱۲۸
عبدالکریم
خوارزمی « ۱۲۹
عبدالرحمن « ۱۳۰
(شیخ) عبدالله کاتب « ۱۳۲
عیشی هروی « ۱۳۳
عبدالرحیم هروی « ۱۳۳
عباسقلی خان شاملو « ۱۳۵
عبدالحی منشی
هروی « ۱۳۵
(درویش)
عبدالله سلطانی « ۱۳۵
علی حسینی « ۱۳۶
عبدالله زیارتگاهی « ۱۳۷
میرعلی حسینی « ۱۳۷

علی جامی پاورقی
صفحه ۱۳۷
عماد فراهی « ۱۳۸
(میر) علی هروی « ۱۳۸
علی کاتب « ۱۳۸
علی هروی حافظ « ۱۳۹
عارف هروی « ۱۳۹
(شیخ) عبدالله « ۱۳۹
علی جان هروی « ۱۴۰
عبدی هروی « ۱۴۰
عبد الواسع
نظامی « ۱۴۰
علاؤالدین منصور « ۱۴۱

غ

غیاث الدین « ۱۴۲

ف

فصیحی هروی « ۱۴۴

ق

قاسم شادیشاه « ۱۴۶

ك

کمال الدین « ۱۴۸
میرزا کافی هروی « ۱۴۹

م

معین الدین واعظ « ۱۵۱
معروف بغدادی « ۱۵۲
محمد بن علاؤالدین « ۱۵۳
مولانا محمود هروی « ۱۵۵
محمد علی هروی « ۱۵۶
(ملا یحیی) محیی
هروی « ۱۵۶
مولانا میر علی
هروی پاورقی ۱۵۸
(امیر) مالك دیلمی « ۱۶۹
محیی باغدشتی « ۱۶۹
محمود بن اسحق
شهابی « ۱۷۲
میر محمد حسین
هروی « ۱۷۲
محمد حسین تبریزی « ۱۷۳
میر محمد صالح
هروی « ۱۷۳
میر محمد صلاح
اوبهی « ۱۷۴
میر محمد شفیع
حسینی « ۱۷۴
مولانا معین الدین
اسفزاری « ۱۷۵
مولانا محمود هروی « ۱۷۵
محمد اکرم هروی « ۱۷۵
محمود بن سلطانعلی « ۱۷۵
محمود جعفری شیخ « ۱۷۶
محمد حسین هروی « ۱۷۶
محمد ابو القاسم
رفعی « ۱۷۶
محمد قلی کاتب
هروی « ۱۷۷
مظفر عبدالله « ۱۷۷
محمو هروی مذهب « ۱۷۷
محمد هروی « ۱۷۸
محمود هروی شیخ « ۱۷۸

Marfat.com

مظفر علی شیروانی ص۱۷۹
محمد محسن هروی « ۱۷۹
محمد محسن مصور « ۱۷۹
محمد مومن هروی « ۱۸۰
محمود هروی « ۱۸۰

ن

نجفعلی سلمانی « ۱۸۲
(مولانا) نورالدین صفحه ۱۸۳
(مولانا) نظام الدین « ۱۸۳

و

ویسی « ۱۸۴
(مولانا) ولی الله هروی « ۱۸۷

فهرست مدارک و ماخذ کتاب صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان

که به قلم مرحوم تالیف علی احمد نعیمی ترتیب شده است

۱ - حبیب السیر
۲ - روضة الصفای میرخواند
۳ - عالم آرای عباسی
۴ - تاریخ صنایع ایران مولفه کر یستلی ویلسن ترجمه عبدالله فریار طبع طهران ۱۳۱۷ شمسی
۵ - تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام مولفه دکتور زکی محمد حسن ترجمه محمد علی خلیلی طبع تهران سنه ۱۳۲۰ شمسی .
۶ - تاریخ ایران مولفه عبدالله رازی
۷ - منتخب التواریخ بدوانی طبع هند
۸ - تاریخ رشیدی .
۹ - سلسله تیموریان مولفه شکرائی طبع تهران .
۱۰ - دستورالوزرا مولفه خواندمیر طبع طهران .
۱۱ - آثار هرات مولفه خلیلی افغان طبع هرات .
۱۲ - آثار ایران طبع طهران .
۱۳ - آئین اکبری طبع هند .
۱۴ - اکبر نامه طبع هند .
۱۵ - تزک بابری طبع هند .
۱۶ - افغانستان در عهد کورگانیان هند مولفه بناغلی حبیبی نسخه غیر مطبوع .

۱۷ - بهزاد و مصوریهای او در ظفر نامه مولفه سر آرنالد ترجمه فایق نسخه غیر مطبوع متعلق بمدیریت عمومی تاریخ ریاست مستقل مطبوعات .

۱۸ - سرآمدان هنر طبع برلین .

۱۹ - لطائفنامه فخری .

۲۰ - تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی .

۲۱ - تذکرهٔ نصرآبادی طبع طهران .

۲۲ - تذکرهٔ ریاض العارفین مولفه رضاقلی هدایت طبع طهران .

۲۳ - تذکرهٔ خوشنویسان مولفه مولانا غلام محمد هلوی طبع هند .

۲۴ - تذکرهٔ مذکر احباب عکس نسخه خطی متعلق به بناغلی هاشم شایق استاد دار الفنون کابل .

۲۵ - تذکرهٔ آتشکدهٔ آذر .

۲۶ - تذکرهٔ خزانهٔ عامره .

۲۷ - تذکرهٔ تحفهٔ سامی طبع طهران .

۲۸ - تذکره لباب الالباب عوفی طبع لندن

۲۹ - تذکره روز روشن طبع هند .

۳۰ - تذکره مجمع الفضلا مولفه ملا محمد عارف متخلص به بقایی نسخه قلمی متعلق بمرحوم گویا اعتمادی مشاور ریاست مستقل مطبوعات

۳۱ - تذکره ریاض الشعراء مولفه واله داغستانی نسخه خطی متعلق به بناغلی هاشم شایق .

۳۲ - رسالهٔ حالات هنروران طبع هند .

۳۳ - تذکره حسینی .

۳۴ - لب التواریخ یحیی قزوینی چاپ تهران .

۳۵ - رساله کمال الدین بهزاد طبع هند .

۳۶ - کتاب پیدایش خط و خطاطان طبع مصر

۳۷ - رساله ملوک کرت مولفه بناغلی گویا اعتمادی .

۳۸ - دائرة المعارف اسلامی

۳۹ - سالنامه کابل سال ۱۳۱۴ .

۴۰ - سالنامه کابل ۱۳۱۷ .

۴۱ - سالنامه کابل ۱۳۱۸ .

۴۲ - کلکسیون سال ۱۸ مجله ارمغان

۴۳ - کلکسیون سال ۶ مجله کابل .

۴۴ - کلکسیون های مجله ادبی هرات از سال اول الی سال ۵

۴۵ - کلکسیون سال ۷

Journal de Tehranv .

۴۶ - شماره سه سال سه مجله ایران امروز طبع تهران .

۴۷ - مجله موسیقی طبع تهران .

۴۸ - Oriental Biographical

Dictionary by GKeelc

۴۹ - Les Civilisations de Lorient

Par R Grousset .

۵۰ - Muslman Painting by E

Bloches .

۵۱ - Collection Galoub W Art

Museum of Fine arts de Boston

Par Coornarswanny .

۵۲ - شماره اول سال ۱۹۴۱ مجله روزگار نو طبع لندن .

Marfat.com

Marfat.com

مهم ترین مآخذ بخش اول کتاب (خطاطان و نقاشان هرات ازادوار تیموری تا نخستین سالگرد جمهوری)

۱- مصوران وخوشنویسان هرات درعصر تیموریان تألیف علی احمد نعیمی طبع مطبعه عمومی کابل درسال ۱۳۲۸ ه،ش

۲- تعلیقات فکری سلجوقی بررساله دوست محمد کوا شانی طبع مطبعه دولتی کابل درسال ۱۳۴۹ ه،ش

۳- کتاب خط و خطا طان تألیف عبد المحمد طبع تهران سال ۱۳۴۵ ه،ش

۴- تاریخ نوشته های کهن تألیف پوهاند عبدالحی حبیبی طبع مطبعه دولتی کابل سال ۱۳۵۰ ه،ش

۵- نستعلیق نویسان دکتور مهدی بیانی .
قسمت اول طبع تهران درسال ۱۳۴۵ ه،ش
« دوم « « « « ۱۳۴۶ « «
« سوم « « « « ۱۳۴۸ « «

بخش دوم کتاب مذکور که خطاطان ونقاشان معاصر هرات است کاملا تحقیقات مستقیم و مستند محشی و متتبع آن میباشد .

Marfat.com

لطفاً قبل از مطالعه کتاب اغلاط طباعتی را به ترتیب ذیل اصلاح فرمایید :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۴	حال	شرح حال
۵	٦	نقشان	نقاشان
«	۷۱	بردایی	بودایی
٦	۹	علحیده	علیحده
«	«	زروی	اززوی
«	۲۲	حکایت	حکایات
«	۲۷	وهر	و بر
۷		اول رسوم	ترسیمات
«	۱۰	در	دو
«	۱٦	اقص	اقصی
۸	۱٦	مرکز	مراکز
۹	۱۰	گستان	گلستان
۱۰	۳	ازچندمراکز	ازمراکز
«	۱۱	افغانستا	افغانستان
«	۱۹	مرکزیت	مرکزیت
«	«	نقاشهاییکه	نقاشیهائیکه
۱٦	۲۱	ار کمی	از کمی
۱۷	۹	ناسح	ناسخ
«	۲٦	فی التهذیب	فی التهذیب
۱۸	۱۰	بجانی	بجایی
«	۲۴	کامران	شاه کامران
۱۹	۹	خراسان	خراسان
۲۰	٦	شدوچهره	شدچهره
۲۰	۹	بر یور	بز یور
«	۱۴	اروریب	ازوزیب یافت
«	۱۸	افروخت	افراخت
۲۱	۷	بدبع	بدیع
۲۳	۱۸	بمقصای	بمقتضای
«	۱۳	باشند	باشد
«	۱۵	ویل چیان	وایلچیان
«	۱۸	باستیفاو	باستیفاء
«	۱۹	براود	بر آورد
«	۲۷	۹۲۸	۹۰۰
«	۱۳	تمامی	تمام
۳۰	۲	ارمنابیك	ارمناك بیك
«	«	نقش طلا	نقش و طلا
۳۲	۱۵	استفساخ	استفساخ شده
«	۲۲	مشاهد	مشاهده
۳۳		زوشالی ریبائی	روشنایی زیبائی
۳۴	۴	که این	که ازین
۳۵	۲٦	مانده	مانده
۳۷	۹	نقشان	نقاشان
۴۰	۲۴	یمن	یمین

Marfat.com

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۱	۸	احتم	احترام
۴۳	۱	ازجملهٔ آثار	ازجملهٔ
۴۴	۱۵	مشغول	مشمول
۴۵	۲۵	زمی	بزمی
۴۵	۱	مجهو	مجهول
«	۱۰	کامل و	کامل او
۴۷	۵	موج	موجود
۵۱	۷	تحیریش	تحریرش
۵۴	۱۶	سلطان محمد	استاده حمدی
۵۶	۵	رقم	راقم
«	۲۴	ماند	مانده
۶۱	۴	ترتیب	تربیت
«	۵	بستر	بسته
«	۱۸	۹۰۰	۹۱۱
۶۴	۵	خطان	خطاطان
۶۵	۱۱	خطان	خطاط
«	۱۹	جدیدی	خطجدیدی
«	۲۲	شروح	شروع
۶۶	۹	وغیره	وغیر
«	۱۴	اسفاده	استفاده
«	۲۱	هزنمایی	هنرنمایی
«	۱۵	مجقون	مجنون
۶۸	۸	شارخ	شاهرخ
۶۹	۷	حیات	حسیات
«	۲۱	شهاب الذ	شهاب الدین
«	۲۳	از	از هرات
۷۰	۵	۱۰۵۲ متولد	و ۱۰۲۵ متولد
		در سنه ۱۱۱۶	و در سنه ۱۱۱۴
۷۱	۱۸	قلمی	قلی
۷۲	۲۵	از	زر

صفحه	سطر	غلط	صحیح
«	۱۷	زیا ز ت	زیارت روضهٔ
۷۳	۳۰	مثنوی را	مثنوی یی را بنظم آورده
۷۴	۷	خطا ن	خطا طا ن
۷۷	۸	سر بدداران	سر بداران
«	۱۱	اختلا ف	اطلاق
۷۷	۱۴	ف	بطر ف
۷۹	۳	نشا	نسا
۸۳	۶	اجرا شده	
«	۲۳	با شا ه	با با شاه
۸۵	۱۲	گفته است	بنا یی
۸۶	۳	با اذا ویتی	با او اذ یتی
۸۹	۷	۸۲۷	۸۱۷
۹۳	۲۷	می نمود	می کند
۹۴	۱۶	تریز	تبریز
۹۸	۱۴	خطان	خطاطان
۱۰۰	۱۰	را	را در
«	۲۱	باغ مروحشی	باد مروحش
«	«	او مظهر	او مضمر
«	۲۴	مثلی	مثل
«	۳۵	گذ شت	گذشته
۱۰۱	۵	رمزهٔ	زمرهٔ
«	۷	ما لك	ممالك
«	۲۳	به نسخ	نسخ
۱۰۲	۱۵	جوانی و	جوانیست آدمی وخوش صحبت
۱۰۴	۱۵	خط	خطاط
۱۰۵	۸	خوشی	خویشی
«	۲۱	آخر تش پید	آخر حیاتش پیدا
«	«	بخط	بخط وی
۱۰۶	۱۳	احباری	اجباری
«	«	۹۴۴ بعداز	بعداز ۹۴۲

Marfat.com

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۷	۱۰	ازین بعد	ازین پیشتر میباشد
۱۱۱	۱۲	مولانا	به مولانا
۱۱۴	۸	که	که به
۱۱۵	۵	ستاد	استاد
«	۸	خورد	خود
«	۹	مرو	مرد
«	۱۳	متقدمین	متقدمین و
«	۱۶	مه	میر
۱۱۶	۹	عصر	عمر
۱۱۷	۱۴	نامدار	نامدارد
۱۱۹	۷	محمدلور	محمدنور
«	۲۶	باخوداو	باخودآورد
۱۲۰	۲۱	بسی	بی
۱۲۱	۲۲	جام را	جامی را
۱۲۵	۱۵	عبدالحمید	عبدالمحمد
۱۲۶	۶	راعی۰۰داعی	داعی۰۰راعی
«	۷	درمکتوب	درمکنون
۱۲۷	۶	۲۶۸	۱۲۶۸
۱۲۸	۱۲	لدام۰۰۰	لدوام الدولة الب
			هرة القاهره عبد الغفور فی سنه
۱۲۹	۴	هرکاب	همرکاب
۱۳۰	۱۹	میکرد	میکردم
«	۲۰	بحسرت	بعسرت
۱۳۲	۱۸	بود	بود ودر
۱۳۳	۲۴	مرد	مردو
۱۳۵	۳	بدرخود	بدربار خود
۱۳۶	۹	مصاحیث	مصاحبت
۱۳۸	۱۷	۹۷۰	۹۷۰
۱۳۹	۹	حفظ	حافظ
۱۴۵	۶	میرزز	میرزا
«	۸	وشهور	مشهور

صفحه	سطر	غلط	صحیح
«	۱۲	درسمرقند۰۰۰۰	درسمرقند تولد یافته تخلص او درشعر
۱۴۵	۴۱	وبه‌علاوه بند بافی	وبه علاقه بندی و بند بافی
۱۴۷	۵	همصر	هم‌عصر
۱۴۸	۷	دما درین	ما درین
«	۱۵	اد بیاء	ادبیات
«	۳۴	بقسم	بقم
۱۴۹	۱۳	امیش	دامیش
۱۵۰	۷	کشاه	شاه
«	۲۳	نطری	نظیری
۱۵۲	۸۱	سعیدالدین	سعدالدین
۱۵۳		اخیر	اگر اگر صاحب
۱۵۴	۱۹	بولایت	بولایت‌خواف
۱۵۵	«	معیشی	مغیثی
۱۵۶	۱۱		بدانه بوده
			بد نبوده
«	۲۴	کتیبه نویس	کتیبه نویسی
۱۵۹	۱۵	عبدالله صاحب	عبیدالله‌خان
«	۲۳	نشر	نثر
«	۲۴	نگشته‌الله	نگاشته‌اند
۱۶۰	۶	بدیع الز	بدیع الزمان
«	۹	ملوك الطوئفی	ملوك الطوائفی
«	۱۵	می آزرده	می ارزد
«	۲۱	غنی	رو غنی
۱۶۲	۷	قصبه	قضیه
«	«	میر	میرعلی
۱۶۴	۳	هنرپروانه‌هنرپرورانه	
«	۳	استکساب	استکتاب
«	۱۳	میسرد	میسرود

Marfat.com

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۶۵	۱۲	مسافرت	فوت
۱۶۸	۹	ودر نهضت	دور نهضت
۲۷۰	۱۳	بغلم	بعلم
۱۷۳	۱۹	شاگردوی	شاگردی
«	۲۴	سعیدیه	سعدیه
۱۷۴	۱۵	فی	عرفی
«	۱۷	موف	موصوف
۱۷۵	۷	معیشی	مغیثی
۱۷۸	۲۲	پریده: ودرکتابخانه این امیرهنر پرور بکار کتابت پرداخت	
۱۸۱	۹	وبه	ودرهرات به
۱۸۲	۱	نستعلیق	نستعلیق او
۱۸۳	۹	قعات	قطعات
۱۸۴	۱۳	مگویند	میگویند
۱۸۶	۱۶	۸۵۳ نهصدوهشتادوسه	
۱۸۷	۷	بتارك	تبارك
۱۸۸	۵	مرغ باغ	
۱۸۹	۳	واشعاروبه	دراشعار به
۱۹۷	٦	قطری	فطری
«	۱۸	طراحی	صراحی
۱۹۹	۸	بایقر	فقیر
۲۰۰	۱۸	ه،ق	ه، ش
۲۰۱	۱	اعصای	اعضای
«	۱۵	استعدد	استعداد
۲۰۴	۱	تحیل	تحصیل
«	اخیر	عزیز	عزیزه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۰٦	۱	یارتجا	زیارتگاه
۲۰۷	اخیر	عبدالرحیم	عبدالکریم
«	«	۱۴۹۴	۱۳۴۹
۲۰۸	۸	الحام	الهام
۲۱۱	۲	عبارتند	عبارت
۲۱۲	۱۹	نظر زبانی	نظر ربانی
۲۱۵	۸	بسارز	بساز
«	۱۷	دادر	دارد
«	۱۱	موارہ	مواجه
«	۲۱	متوقع	موقع
۲۱۸	۱	نقاشی	نقاش
«	۲۲	بنوی	بنوعی
۲۱۹	۱۲	بزرگور	بزرگوار
۲۲۰	اخیر	نارد	نادر
۲۲۳	۳	وهم است	وهم
۲۲۵	۲۴	بحیث	
۲۲٦	۱	رابه	را
«	۱۷	گازرگاه	درگازرگاه
«	۲۵	مسلك	سلك
۲۲۸	۴	کل آب	کولاب
«	۱۱	دربسال	درسال
۲۳۱	۲۱	نووت	نوشت
«	۲۲	عطار	عطاء

Marfat.com

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۲۳	۹	نرشته	نوشته
«	۱۲	وقایه‌سازی	وقایه‌و کاغذسازی
«	۱۷	محد	محمد
۲۲۳	۲۰	رمز معهود	زمره معهود
«	۱۲	دذبج	ذبیح
۱ ۲۲۴		اسلاعت	اطلاعات
۶ ۲۲۷		جلا الدین	جلال الدین
«	۹	نوشه جانوشته	اودیده شد
«	۱۴	خضل	فضل
۶ ۲۲۸		سیفی	نسفی
«	۲۰	بزگات	بزرگان
«		اخیر عالی فرخی	سبك عالی فرخی
۴ ۲۲۹		تربیت و	تربیت او
«	۵	عمارف	معارف
۱۴ ۲۲۹		حضیرة	حفیدة
«	۲۰	کرید	گردید
«		اخیر خطاطی اش	خطاطی اش
اخیر داستان		دوستان	۱۷ ۲۳۶ ز از

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۴۳	۵	شهر داشت	شهرت داشت
۲۴۴	۴	۱۳۴۱ ق	۱۳۴۱ ق
۲۴۵	۳	دار	دارد
۲۴۸	۹	درعشر جن	در مقبرهٔ جنب
«	۱۹	فانو	قانون
۲۴۹	۴	کلیشه خط محمد قاسم	این خط از قاسم که درین صفحه معرفی شده نست بلکه خط آخند ملا محمد قاسم میباشد که درص ۲۴۳ معرفی شده است
۲۵۰	۸	ورانی	وزانی
۲۵۴	«	پنداری	پنداریم
۲۵۶	«	لوح	الواح
«	۲۲	کله	ولد
۲۶۰	۱۷	محمد رحیم	محمد عمر
۲۶۳	۱۴	کابل	کامل
۲۶۴	۱	الم	ع.م
۲۶۵	۱۳	خط ثلث محمد حسین	وفا
۲۶۷	۲۲	محمد	محمد کریم
۲۶۸	۱۰	۱۳۱	۱۳۳۱

امتنان

ازباغلی استاد محمد علی عطارکه درترتیب این اثر و تهیهٔ مآخذ آن باهن همکاری بید ریغ نموده و ازبباغلی منعم مدیر مطبعهٔ دولتی ومرتبین آن که درطباعت آن توجه جدی کرده اند ابراز امتنان می نمایم . شایق